

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر

سال هفتم، شماره دوم، پیاپی (۲۷)، تابستان ۱۴۰۲



- تحلیل عوامل کلیدی موثر بر پایداری معیشتی با استفاده از رویکرد آینده‌نگاری (مطالعه موردی: شهرستان مانه و سملقان)
- جایگاه مضامین اجتماعی در مطالعات سلامت شهری
- ارزیابی و تحلیل سطح توسعه‌یافتگی کاربری اراضی شهری در منطقه پانزده شهر اصفهان از دیدگاه شهر سالم
- بررسی میزان مشارکت شهری در محلات شهری با تأکید بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان میمه)
- تعیین اثرگذاری مالیات سبز بر رشد صنایع آلاینده شهر
- انطباق ظرفیت‌های محیطی در مکان و مکانیت شهری: ارائه چهارچوب پایداری مقر شهری



شاپا چاپی: ۳۰۶۰-۶۹۸۵
شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۷۰۹۴



فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر



سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۷، تابستان ۱۴۰۲



مدیر اجرایی: خاطره امیری
 مدیر تحریریه: الهام قاسمی
 کارشناس اجرایی: ریحانه سجادی
 ویراستار ادبی: آیدا قویدل
 ویراستار انگلیسی: زهرا سادات اسماعیلیان
 طراح جلد و یونیفرم: عرفان غلامی
 کروی روی جلد: زیبا آذر
 صفحه آرا: جعفر خدای

صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی
 مدیر مسئول: مهدی ژبانپور
 سر دبیر: محمد مسعود
 دبیر تخصصی: احسان رنجبر
 هیئت تحریریه:
 نعمت‌الله اکبری، حامد بخشی، فروزنده جعفرزاده‌پور، علی حسینی،
 زاهد شفیعی، نعمت‌الله فاضلی، ایرج قاسمی، محمود قلعه نویی،
 محمد مسعود، مهدی منتظرالحجه، مرتضی میر غلامی

مقالات این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه خواهد شد:
www.noormags.com
www.magiran.com
www.Civilica.com
www.ensani.ir

سایت اختصاصی: www.jspr.jdisf.ac.ir
 ایمیل: jsprjdisf@gmail.com
jspr.es@acecr.ac.ir
 مجوز شماره ۷۸۵۳۹ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 شاپا چاپی: ۶۹۸۵-۳۰۶۰
 شاپا الکترونیکی: ۷۰۹۴-۳۰۶۰

فهرست مقالات

تحلیل عوامل کلیدی موثر بر پایداری معیشتی با استفاده از رویکرد آینده نگاری

(مطالعه موردی: شهرستان مانه و سملقان) ۵

امین تجردفریمانی، اسماعیل شیعه

جایگاه مضامین اجتماعی در مطالعات سلامت شهری ۲۵

مینا جلالی، حامد سیارخلج

ارزیابی و تحلیل سطح توسعه یافتگی کاربری اراضی شهری در منطقه پانزده شهر اصفهان از

دیدگاه شهر سالم ۴۷

فرشاد طهماسبی زاده، شیوا بنیادی، سعادت قلی پور، نازنین محمدیان

بررسی میزان مشارکت شهری در محلات شهری با تأکید بر بی تفاوتی اجتماعی

(مطالعه موردی: شهرستان میمه) ۷۵

نسیرین قلاتی، زهرا براتی، مصطفی سعیدی

تعیین اثرگذاری مالیات سبز بر رشد صنایع آلاینده شهر ۹۷

هاجر مصطفایی، مرتضی سامتی

انطباق ظرفیت‌های محیطی در مکان و مکانیت شهری: ارائه چهارچوب

پایداری مقرر شهری ۱۰۹

هادی فرهنگدوست، تکتم حنایی، هیروفر کیش

مجله «پژوهش‌های فضا و مکان در شهر» یکی از چند تلاش سازنده برای معرفی مفهوم «شهرشناسی» و بازسازی حوزه «مطالعات شهری» در مجموعه جهاد دانشگاهی واحد اصفهان است. این هدف گذاری از درک یک شکاف برمی آید؛ شکاف میان موقعیت این حوزه در جهان و ایران. مطالعات شهری در اوایل قرن بیستم مورد پذیرش دانشگاهی قرار گرفت، و در اوایل دهه ۱۹۷۰ به سرعت گسترش یافت. برخی از صاحب نظران نیز بر این عقیده‌اند که حوزه مطالعات شهری هرگز تا این اندازه نیرومند نبوده است. با این وجود در سپهر علمی پژوهشی کشورمان این حوزه هنوز به رسمیت شناخته نشده و عمدتاً به یکی از رشته‌های زیرمجموعه‌اش فروکاسته شده است. مطالعات شهری بر اساس اجماع مراکز معتبر علمی در دنیا حوزه‌ای میان رشته‌ای است که اصلی‌ترین هدفش شناخت و فهم شهرها از دیدگاه‌های علمی و نظری معتبر است. این حوزه میان رشته‌ای انجمن‌های حرفه‌ای، مجلات و نظریات خود را دارد و عمدتاً از روش‌های علوم اجتماعی استفاده می‌کند. محققین رشته‌های شهرسازی، معماری، و طراحی شهری همچنین تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد، علوم سیاسی و مردم‌شناسی بیشترین دانش مطالعات شهری را تولید کرده‌اند.

مجله «پژوهش‌های فضا و مکان در شهر» با تایید این گزاره که با وجود موضوعات نو و چالش برانگیزی که در قرن ۲۱ بوجود آمده است اکنون هم بهترین و هم بدترین زمان برای مطالعه شهرهاست، برای اجتناب از دامن زدن به آشفتگی نظری و روش شناختی موجود با تعهد به مرزهای حوزه مطالعات شهری از میان موضوعات بی‌شمار بر مطالعه «فضای شهری» متمرکز خواهد بود. مرکزیت یافتن این موضوع/مفهوم مستلزم اعتقاد به پیچیدگی شهر به عنوان یک پدیده چندوجهی با ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی است. بر این اساس تلاش شده است اعضای هیات تحریریه مجله صاحب نظرانی متناسب با این ابعاد باشند.

در پایان ضمن دعوت از همه محققین، صاحب نظران و فرهیختگان علاقه‌مند به موضوع شهر و حوزه مطالعات شهری به مشارکت مجدانه در انتشار دستاوردهای علمی‌شان، امیدوارم تلاش مجموعه جهاد دانشگاهی و گروه علمی اجرایی مجله منجر به تقویت نگاه میان رشته‌ای به موضوعات مختلف از جمله شهر، به رسمیت‌شناسی حوزه مطالعات شهری و مفهوم شهرشناسی و ورود ایده‌ها و رویکردهای جدید به موضوع فضای شهری باشد.

مهدی ژبانیپور

مدیر مسئول

تحلیل عوامل کلیدی موثر بر پایداری معیشتی با استفاده از رویکرد آینده نگاری (مطالعه موردی: شهرستان مانه و سملقان)

امین تجردفریمانی^۱

کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

اسماعیل شیعه

استاد تمام گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۵ - ۲۳

چکیده

تضعیف دارایی‌هایی معیشتی جوامع محلی و در معنای عام آن فقر، از جمله چالش‌های اساسی در سطح جهان، به ویژه در جوامع در حال توسعه است. بواسطه شرایط خاص اقتصادی و محیطی کشور، ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و بسیاری از مناطق و سکونتگاه‌های آن، با چالش‌های معیشتی روبرو هستند. از آنجا که کشور ایران به واسطه در برگیری گسترده وسیعی از شرایط انسانی و محیطی دارای شرایط متفاوتی در مناطق مختلف خود است؛ نحوه مواجهه با عوامل تاثیرگذار بر معیشت خانوارهای ساکن در مناطق آن، متفاوت از یکدیگر بوده و لازم است متناسب با شرایط خاص حاکم بر هر یک، اقدامات مقتضی صورت پذیرد که لازمه آن شناسایی اصلی‌ترین عوامل اثرگذار بر معیشت است. روش تحقیق حاضر از نوع کاربردی بوده و به روش علم آینده نگاری، مصاحبه‌های صورت پذیرفته با افراد کلیدی در سکونتگاه‌های شهرستان مانه و سملقان (۱۲۶ سکونتگاه) در قالب پژوهش استقرایی و با بهره‌گیری از روش نظریه بنیادی، تحلیل اثرات متقاطع و نرم افزار میک مک به صورت ترکیبی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از شرایط ناپایدار دارایی‌های معیشتی نقاط سکونتی شهرستان مانه و سملقان است. اگرچه در ناپایداری ساختار معیشتی شهرستان عوامل مختلفی دخیل هستند. ولیکن در بین این عوامل آن دسته از عواملی که مستقیماً به انسان و فعالیت‌های او ارتباط دارند بیشترین تاثیرگذاری را داشته‌اند و از آنجا که غالب این عوامل دارای عدم قطعیت بالایی می‌باشند، بایستی نحوه برخورد با آن‌ها متناسب با شرایط متغیر باشد.

واژه‌های کلیدی: معیشت پایدار، آینده نگاری، دارایی‌های معیشتی

۱. نویسنده مسئول: a_tajarrod@alumni.iust.ac.ir

اگرچه جمعیت جهان با روندی سریع در حال فزونی است، ولی ابعاد مختلف معیشتی مرتبط با انسان نتوانسته است همپای افزایش جمعیت رشد کند. این مسئله به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بیشتر نمایان و موجب ایجاد چالش‌های معیشتی برای این جوامع و به‌صورت خاص طبقات ضعیف، که عموماً در حاشیه شهرها و نقاط روستایی ساکن‌اند، شده است.

کشور ایران به‌واسطه دسترسی به دارایی‌های معیشتی مناسب، اگرچه نتوانسته است رشد بسیاری را در برخی بخش‌ها ایجاد کند؛ ولی این مسئله در تمام ابعاد توسعه صادق نبوده و عملاً موجب شکل‌گیری توسعه نامتوازن و به‌تبع آن تضعیف معیشت بخش قابل توجهی از جمعیت آن بوده است. علاوه بر موارد مطرح‌شده رخ‌نمون شدن مسائلی مانند جنگ، خشک‌سالی، تحریم‌های بین‌المللی و نظایر آن بر شدت تضعیف معیشت جامعه افزوده است.

اگرچه سعی و تلاش تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان بر رفع مسائل و مشکلات طبقات ضعیف جامعه، که عمدتاً در حاشیه شهرها و نقاط روستایی سکونت دارند، بوده است و حتی اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (ایجاد محیط مساعد رشد فضایل اخلاقی و رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه) بر این امر تأکید دارد، ولی نتایج کارهای انجام‌گرفته گویای عدم موفقیت آن‌ها در تحقق این امر بوده است.

درخصوص دلایل شرایط حاضر و به‌خصوص ناپایداری معیشت خانوارهای ضعیف جامعه، و یا به‌اختصار فقیر، دلایل گوناگونی از سوی متخصصان تشریح شده است که پرداختن به هر یک به پژوهشی جداگانه، به تفکیک هر منطقه، نیاز دارد. اما مهم‌ترین دلیل را باید

در عدم شناسایی عوامل تأثیرگذار بر این افراد دانست. تاکنون به‌منظور پایدارسازی معیشت و مقابله با پدیده فقر مطالعات بسیاری در جهان و کشور انجام شده است که هرکدام از آن‌ها دارای نقاط قوت و ضعف مختص به خود بوده‌اند؛ ولی در بین تمامی آن‌ها، الگوی پیشنهادی سازمان توسعه بین‌الملل^۱ تحت عنوان «چهارچوب معیشت پایدار» از جامعیت و کاربرد بالایی برخوردار بوده است. توجه به اصولی از قبیل مردم‌محوری، پویایی، جامعیت، توجه به سطوح مختلف و پایداری و نیز تجربه‌های موفق به‌کارگیری این چهارچوب در سطح کشور، گویای آن است که این چهارچوب با شرایط کشور سازگار است و می‌توان از آن به‌منظور پایدارسازی معیشت در سطح مناطق مختلف کشور بهره‌جست. شهرستان مانه و سملقان به‌عنوان منطقه‌ای که در نتیجه ضعف دسترسی به دارایی‌های معیشتی و تحت‌تأثیر بودن در اثر رخدادهای مختلف طبیعی، نظیر سیل، در زمره مناطق با کمترین میزان توسعه‌یافتگی دسته‌بندی شده و حتی برخی از نقاط آن از دسترسی به حداقل امکانات معیشتی مثل آب شرب بهداشتی محروم‌اند. اگرچه در سال‌های اخیر کارهای زیادی در جهت بهبود شرایط معیشتی ساکنان نقاط سکونتی این شهرستان صورت گرفته است، ولی این کارها کاملاً مؤثر واقع نشده و پایدارسازی معیشت این افراد را تضمین نکرده است. دلیل اصلی این امر را باید در عدم شناسایی دقیق مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر دارایی‌های معیشتی دانست. از این‌رو، پژوهش پیش‌روی می‌کوشد تا با بهره‌گیری از رهنمون‌های چهارچوب معیشت پایدار مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر دارایی‌های معیشتی در سکونتگاه‌های این شهرستان و به‌صورت خاص نقاط

1. Department for International Development (DFID)

روستایی آن را شناسایی کند و پیشنهادهایی را به منظور تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری صحیح برای حرکت در مسیر پایدارسازی معیشت ارائه کند. نتایج پژوهش‌های مرتبط با فقر در کشورهای در حال توسعه گویای آن است که فقر ناشی از زنجیره عوامل مختلفی است که موجب ناپایداری دارایی‌های مختلف معیشتی شده است و از این رو، نمی‌توان تفاوتی میان خانوارهای فقیر شهری و روستایی قائل بود و حتی باید وجود سکونتگاه‌های غیررسمی شهری را در امتداد فقر نقاط روستایی قلمداد کرد. بنابراین، باید به موضوع فقر و ناپایداری معیشتی تحت عنوان موضوعی فرانقطه‌ای و به عبارتی منطقی‌نگاه کرد. بر این اساس هدف اصلی مقاله حاضر، شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پایداری معیشت در سطح مناطق است تا بتوان به وسیله آن مناسب‌ترین سیاست‌ها را به منظور انجام کارهای لازم اندیشید. از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که چه عواملی بیشترین تأثیر را بر معیشت خانوارهای مناطق کمتر توسعه یافته دارند؟

مبانی نظری

در پرتو تلاش جهانی برای افزایش رفاه و گسترش آن در میان گروه‌های مختلف جمعیتی، موضوع فقر و شناسایی ریشه‌های شکل‌گیری آن به منظور برخورد صحیح با آن ضروری است (Azzari & Signorelli, 2020: 1). یکی از مهم‌ترین تبعات فقر، افزایش آسیب‌پذیری افراد در برابر شوک‌ها، نامالایمات، بلایا و خطرات است که این موضوع خود زاینده گسترش فقر است (Li et al., 2021: 125).

یافته‌های بین‌المللی گویای آن است که ریشه‌های فقر را نمی‌توان تنها محدود به یک عامل دانست و عوامل شکل‌دهنده به آن از فردی دیگر متفاوت است. از این رو، باید برای رفع آن راهبردهای متفاوتی اندیشید

(Mabon et al., 2021: 222) و به دنبال راهکارهایی بود تا بتوان با حفظ و تقویت منابع معیشتی، بر رفاه جامعه تأثیر گذاشت (Defe & Matsa, 2020: 1) و ضمن ارتقای شرایط معیشتی، آن را در برابر تلاطم‌ها و حوادث پیش‌روی، که ممکن است نسل‌های آینده را نیز تحت تأثیر قرار دهد، محافظت کرد و حتی بر پایداری معیشت در سطوح گسترده‌تر نیز اثرگذار بود (Poerwati et al., 2020: 210).

مرور مطالعات در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که به واسطه عدم ریشه‌یابی صحیح دلایل فقر و به تبع آن عدم انجام کارهای صحیح متناسب با آن، اغلب برنامه‌های انجام‌شده در این کشورها، برای دستیابی به معیشت پایدار، ناکام مانده است. از این رو، رویکردهای مختلفی برای کاهش و ریشه‌کنی فقر پیشنهاد شده است. یکی از این روش‌های رایج، روش معیشت پایدار است که در دهه ۱۹۸۰ توسط چمبرز معرفی شد (شریفی، ۱۴۰۰: ۲۱۴). معیشت سیستم پیچیده‌ای است که ابعاد محیطی، اقتصادی، اجتماعی و نهادی را در بر می‌گیرد و بر این اساس هر فردی معیشت خود را با استفاده از عوامل مختلف ارزش‌گذاری می‌کند و برای آن وجوه مختلفی متصور است (Lan et al., 2021: 105). چهارچوب معیشت پایدار معرف عوامل اثرگذار بر معیشت مردم و روابط میان این عوامل است. به همین دلیل این چهارچوب در دو سطح برنامه‌ریزی برای انجام فعالیت‌های توسعه‌ای و ارزیابی میزان حمایت و مشارکت‌های لازم در راستای پایداری معیشت، کاربرد دارد (نوبری، ۱۳۹۶: ۹).

با توجه به قابلیت این چهارچوب در تبیین مسائل مرتبط با معیشت و پایداری معیشت در برابر آسیب‌های احتمالی و نیز هم‌پوشانی آن با اهداف توسعه پایدار مورد نظر سازمان ملل، از آن، در چند

جدول شماره (۱): انواع سرمایه‌های معیشتی و بدیل‌های آن (Wijayanti et al., 2016: 137)

نوع سرمایه	بدیل‌های سرمایه‌ها
سرمایه انسانی	آموزش، سلامت، تجربه، دانش، مهارت/تخصص، نیروی کار، شخصیت/انگیزه/نوآوری و توانایی‌های فیزیکی
سرمایه طبیعی	مالکیت زمین، بهره‌وری زمین، منابع آب و خدمات زیست‌محیطی
سرمایه اجتماعی	سازمان جامعه، مشارکت، همکاری متقابل، خویشاوندی، شبکه اجتماعی
سرمایه مالی	درآمد، هزینه، پس‌انداز، بدهی و پرداختی، پشتیبانی
سرمایه فیزیکی	امکانات و زیرساخت‌ها، تجهیزات کار/تولید، دسترسی

خود در سبب معیشت نمی‌رسند. بنابراین، توانایی افراد برای سازگاری با استفاده از استراتژی‌های هدفمند برای کاهش آسیب‌پذیری آنها تقویت می‌شود (Kusumanti et al., 2021: 204). شایان ذکر است که استراتژی‌های منبعث از این چهارچوب در هر منطقه متفاوت و شامل طیف وسیعی از عوامل نهادی (رسمی و غیررسمی) شده است (Scoones, 1998:1) که نشانگر توجه این چهارچوب به تمامی ابعاد توسعه پایدار است.

مهم‌ترین مزیت این چهارچوب در مقایسه با سایر چهارچوب‌های توسعه را باید در ایجاد تعادلی میان رشد مناطق و رفاه اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی جست‌وجو کرد (Chau, 2021: 356). با تمام مزیت‌های ذکرشده درخصوص چهارچوب معیشت پایدار و تمایل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در بهره‌گیری از آن، منتقدان این چهارچوب بر این عقیده‌اند که میزان تأثیرگذاری آن بر رفاه و پایدارسازی معیشت همچنان مبهم است (Chinangwa et al., 2016: 1).

در سال‌های اخیر اغلب برنامه‌های معیشتی بر نقاط روستایی متمرکز بوده است، ولی نباید در این خصوص از ضرورت پرداختن به محیط‌های شهری و مسائل آن‌ها در این برنامه‌ها غفلت کرد؛ زیرا بررسی‌ها نشان می‌دهد در برخی محیط‌های شهری میزان

دهه اخیر، توسط سازمان‌های بین‌المللی استفاده شده است (Munanura & Sabuhoro, 2021: 171).

این چهارچوب از سوی سازمان توسعه بین‌المللی انگلستان برای کاهش فقر در کشورهای دریافت‌کننده کمک‌های بین‌المللی پیشنهاد شده است و در عین حال، برخی از سازمان‌های بین‌المللی دیگر مانند صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی^۲، سازمان تعاونی برای کمک و امداد رسانی در همه‌جا^۳ و آکسفام^۴ اصول و رویکرد آن را متناسب با نیازهای خود پذیرفته‌اند (صرافی و شمسایی، ۱۳۹۳: ۸۲).

چهارچوب معیشت پایدار^۵ این امکان را می‌دهد که اطلاعات مربوط به دارایی‌های افراد به صورت بصری ارائه شود. در نتیجه روابط متقابل مهم بین دارایی‌های مختلف را آشکار می‌کند. بر اساس تغییرات یا در دسترس بودن دارایی‌ها، اشکال مختلف پنج‌ضلعی، بسته به شرایط منطقه و ساختار جامعه، به دست آمد. شکل پنج‌ضلعی ارزش‌های مطلق یا کمی را نشان نمی‌دهد، بلکه تصور کیفی را از گسترش انواع مختلف دارایی‌های معیشتی نشان می‌دهد. با توجه به نتایج، در حال حاضر، دارایی‌های مختلف به شرایط ایدئال

1. Department for International Development (DFID)
2. International Fund for Agricultural Development (IFAD)
3. Cooperative for Assistance and Relief Everywhere (CARE)
4. Oxfam
5. DFID

دسترسی به دارایی‌های معیشتی بسیار کم بوده و حتی میزان آسیب‌پذیری افراد در برابر تلاطم‌ها بیشتر است (virga, 2021: 155).

از این رو، لازم است در مطالعات مرتبط با معیشت تمام سکونتگاه‌ها به عنوان شبکه‌ای واحد و هم‌پیوند بررسی شوند.

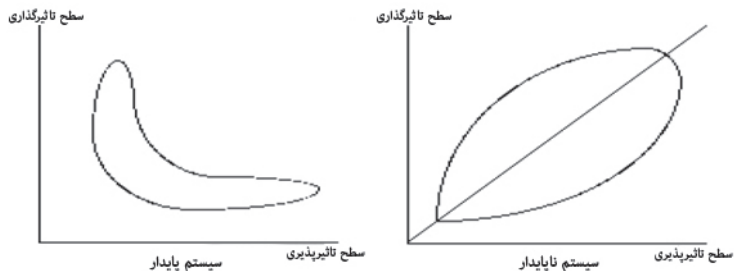
در فرایند کشف عوامل مؤثر بر فقر و به صورت خاص عوامل مؤثر بر پایداری معیشت، علاوه بر توجه به کلیت انواع دارایی‌های معیشتی، توجه به پیچیدگی روابط این دارایی‌ها و مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آن‌ها اهمیت دارد (Jackson, 2020: 4). تأییدکننده این مطلب، کارهای صورت گرفته در خصوص توسعه مناطق کمتر هر چند نظرات یکدستی در مورد رابطه توسعه‌یافتگی و کارآفرینی وجود ندارد، ولی پژوهش‌های متعددی ارتباط U شکل بین این دو را تأیید می‌کنند (زیوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۰). به عبارتی می‌توان گفت همان‌طور که افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه موجب توسعه و بهبود شرایط معیشتی می‌شوند، توسعه ابعاد مختلف معیشتی نیز بر وجوه مختلف کارآفرینی نظیر افزایش فرصت‌ها، انگیزه‌ها، دسترسی به سرمایه و... اثر مثبت خواهند داشت (Williams & Williams, 2012: 661). به عبارت دیگر، مردمی که در مناطق فقیر و کمتر توسعه‌یافته زندگی می‌کنند، به واسطه ضعف قابلیت‌ها، توان اندکی برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه و راه‌اندازی کسب‌وکارهای خلاقانه دارند (Moradiet al., 2020: 149). از این رو، توسعه فعالیت‌های اقتصادی و به خصوص کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در مناطق کمتر توسعه‌یافته، با ارتقای توانمندی‌های مختلف این مناطق وابستگی مستقیم دارد (محمدکاظمی، ۱۴۰۰: ۲-۳).

همچنین علاوه بر ارتقای توانمندی‌های افراد در این مناطق، باید با انجام کارهایی، تاحد امکان، ریسک فعالیت‌های کارآفرینانه را به حداقل رساند تا بتوان در صورت نیاز به جذب سرمایه (از طریق سرمایه‌گذاران)، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کارآفرینان را به حداقل رساند (کافشانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۲۴-۶۲۵).

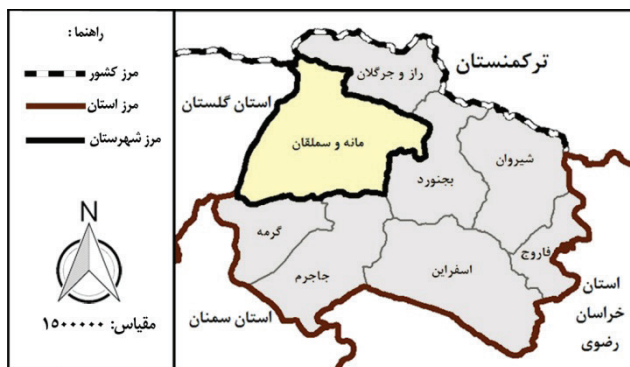
روش‌شناسی

در این نوشتار به منظور تحلیل و شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر معیشت نقاط سکونت‌شهرستان مانه و سملقان، در راستای فراهم آوردن فرایند آینده‌نگاری، از رویکرد کیفی «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» استفاده شده است. فرایند تحلیل استقرایی برگرفته از رویکرد مذکور با سازماندهی داده‌ها در قالب واحدهای اطلاعات، که رفته‌رفته انتزاعی‌تر می‌شوند، صورت می‌پذیرد. این فرایند مستلزم حرکت رفت‌وبرگشتی میان مضامین و داده‌هاست تا زمانی که مجموعه جامعی از مضامین ساخته شوند. روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، مبتنی بر سه شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی است که، البته با توجه به مقتضیات این پژوهش، در آن تنها از دو الگوی کدگذاری باز و محوری استفاده شده است. در شیوه کدگذاری باز، مفاهیم شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. پیشامدها، وقایع و اتفاقات به عنوان نشانه‌های بالقوه پدیده یا موضوع، تحلیل می‌شوند و برچسب مفهومی دریافت می‌کنند. در این راستا، نشانه‌های ظهور یافته از مطالعات کتابخانه‌ای^۱، مصاحبه با مدیران محلی^۲، فعالان اقتصادی و نخبگان شهرستان^۳ برچسب‌گذاری

۱. طرح ناحیه‌ای استان خراسان شمالی مصوب سال ۱۳۹۳ و طرح آمایش استان خراسان شمالی مصوب سال ۱۳۹۵، طرح‌های هادی روستایی
۲. انجام مصاحبه با دهیاران و یا اعضای شوراهای اسلامی همه ۱۲۶ روستای شهرستان.
۳. به صورت نمونه‌گیری هدفمند از زمینه‌های فعالیتی گوناگون و مهم شهرستان که به انجام تعدادی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در هریک از رده‌های فعالیتی یادشده منجر شد (مجموعاً ۳۷ مصاحبه).



شکل شماره (۱): وضعیت پایداری سیستم (Arcadeal., 1999: 15)



شکل شماره (۲): موقعیت قرارگیری شهرستان مانه و سملقان در منطقه (مأخذ: نگارنده)

در بخش روش شناسی و تحلیل میک مک در مجموعه دو نوع پراکنش تعریف شده است که به نام سیستم‌های پایدار و ناپایدار معروف‌اند. در سیستم‌های پایدار پراکنش متغیرها به صورت L انگلیسی نشان داده شده است؛ یعنی برخی متغیرها دارای تأثیرگذاری بالا و برخی دارای تأثیرپذیری بالا هستند. در سیستم‌های پایدار مجموعاً سه دسته متغیر را مشاهده می‌کنیم: الف: متغیرهای بسیار تأثیرگذار بر سیستم (عوامل کلیدی)؛ ب: متغیرهای مستقل؛ ج: متغیرهای خروجی سیستم (متغیرهای نتیجه). اما در سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تر است و متغیرها حول محور قطری صفحه پراکنده‌اند و در بیشتر مواقع از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری حالت بینابینی را نشان می‌دهند که این امر ارزیابی و شناسایی عوامل و شاخص‌های کلیدی را

شده و با گردآوری بیش از ۱۳۰۰ نشانه در سطح ۱۲۶ نقطه روستایی شهرستان مانه و سملقان و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، در نهایت، ۲۴ مفهوم کلی تعیین شده است. گفتنی است در این پژوهش، به منظور تحلیل داده‌های گردآوری شده و شناسایی تأثیرگذارترین پیش‌ران‌های مؤثر بر پایداری معیشتی نقاط سکونت شهرستان، از نرم‌افزار میک مک^۱ بهره گرفته شده است. با استفاده از این نرم‌افزار می‌توان ضمن شناسایی پیش‌ران‌های کلیدی براساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (Abdullah al., 2021: 9) آن‌ها را در چهار دسته معیارهای وابسته، معیارهای مستقل، معیارهای خودمختار و معیارهای پیوند دسته‌بندی کرد (Singh & Misra, 2021:5125)

1. MICMAC

بسیار مشکل می‌کند (موسوی و کهکی، ۱۳۹۵: ۲۱۴). افزودنی است که در سیستم‌های ناپایدار متغیرهای تأثیرگذار، متغیرهای دوجویی (متغیرهای ریسک و متغیرهای هدف)، متغیرهای تنظیمی، متغیرهای تأثیرپذیر یا نتیجه و متغیرهای مستقل قابل مشاهده‌اند (نعیمی و پورمحمدی، ۱۳۹۵: ۵۸).

محدوده و قلمرو پژوهش

هرچند استان خراسان شمالی در دسته‌بندی‌های توسعه‌یافتگی در میان استان‌های ایران در رتبه‌های پایانی قرار دارد، باید گفت شهرستان مانه و سملقان، در میان شهرستان‌های این استان پس از شهرستان راز و جرگلان، دارای کمترین میزان توسعه‌یافتگی است. بر مبنای تقسیمات سیاسی این شهرستان از شرق با شهرستان بجنورد، از جنوب با شهرستان‌های جاجرم و گرمه و از غرب با شهرستان مراوه تپه استان گلستان و همچنین کشور ترکمنستان دارای مرز مشترک است.

یافته‌ها

پیرو مطالب مطرح‌شده درخصوص رویکرد معیشت پایدار و نگاه خاص آن درخصوص شناسایی عوامل مؤثر بر پایداری معیشتی، نشانه‌های استخراجی از مطالعات صورت‌گرفته در قالب عوامل محدودکننده و تقویت‌کننده دسته‌بندی شده‌اند تا مهم‌ترین فرصت‌ها و محدودیت‌های شهرستان مانه و سملقان با توجه به دارایی‌های معیشتی شناسایی شوند. گفتنی است در فرایند شناسایی عوامل مؤثر بر پایداری معیشتی، اثرات روندهای بحرانی (تغییر جمعیت، منابع، شوک‌ها، خطرات تهدیدکننده سلامت انسان، خطرات طبیعی، مناقشات و...) و رویدادهای فصلی (قیمت‌ها، میزان تولید، فرصت‌های شغلی و سلامت)، مورد توجه بوده که نهایتاً به تهیه فهرستی از موضوعات نیازمند مداخله تحت عنوان پیش‌ران‌های اولیه منجر شده است.

مطابق مطالعات صورت‌گرفته، ۱۳۰۰ نشانه در سطح ۱۲۶ سکونتگاه شهرستان شناسایی و این نشانه‌ها با استفاده از رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بر حسب‌گذاری شده‌اند. همچنین ۲۴ مفهوم کلی نیز از طریق مقایسه نشانه‌ها شناسایی شده‌اند که این مفاهیم به شرح جدول زیر است:

جدول شماره (۲): مفاهیم کلی مستخرج از نشانه‌ها در

شهرستان مانه و سملقان (مأخذ: نگارنده)

ردیف	مفاهیم
۱	آسیب‌های اجتماعی
۲	اعتماد نهادی
۳	سرمایه‌های اجتماعی
۴	سلامت
۵	مهاجرت
۶	سواد عمومی
۷	اقتصاد دامداری
۸	اقتصاد زراعت و باغداری
۹	صنایع دستی
۱۰	صنایع کارگاهی
۱۱	گردشگری
۱۲	فعالیت‌های مکمل اقتصادی
۱۳	صنایع تبدیلی-تکمیلی
۱۴	فعالیت‌های بازرگانی بین‌جاده‌ای
۱۵	وقوع سیل
۱۶	دسترسی به سرمایه‌های مالی
۱۷	گازرسانی
۱۸	زیرساخت‌های آب شرب
۱۹	راه‌های ارتباطی
۲۰	برق‌رسانی
۲۱	مسکن
۲۲	رفاه
۲۳	تنوع معیشتی
۲۴	فعالیت‌های اقتصادی زنان

جدول شماره (۳): مفاهیم کلی و جهت دار مستخرج از روش کدگذاری باز در سطح نقاط سکونتگاهی شهرستان (مأخذ: نگارنده)

تکرار مفاهیم	مفاهیم جهت دار	مفاهیم کلی
۲	افزایش میزان آسیب‌های اجتماعی با توجه به موقعیت جغرافیایی روستا و تسهیل دسترسی به موادمخدر	آسیب‌های اجتماعی
۴	افزایش میزان آسیب‌های اجتماعی به دلیل فقدان آگاهی و جایگاه متعارف اعتیاد در فرهنگ روستا	
۲۵	افزایش میزان آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد) به دلیل فقر درآمدی و بیکاری	اعتماد نهادی
۱۱	بی‌اعتمادی نهادی	سرمایه‌های اجتماعی
۲	تضعیف سرمایه‌های اجتماعی به واسطه اختلاف بر سر آب و زمین	
۳	تضعیف سرمایه‌های اجتماعی به واسطه اختلافات طایفه‌ای	
۲	تضعیف سرمایه‌های اجتماعی به واسطه تنوع قومیتی	
۲	تضعیف سرمایه‌های اجتماعی به واسطه ضعف سرمایه‌های مالی	سلامت
۳	تهدید سرمایه‌های انسانی به لحاظ سلامت (شیوع بیماری‌های خاص در روستا)	
۵	تهدید سرمایه‌های انسانی به لحاظ سلامت با توجه به ضعف دسترسی به خدمات بهداشتی-درمانی	
۳	تهدید سرمایه‌های انسانی به لحاظ سلامت به دلیل آلودگی‌های محیطی	
۳	تهدید سرمایه‌های انسانی به لحاظ سلامت به دلیل ضعف دسترسی به آب شرب بهداشتی	مهاجرت
۲۰	تهدید سرمایه‌های انسانی به واسطه مهاجرت با توجه به فقدان فرصت‌های شغلی مناسب	
۴	تهدید سرمایه‌های انسانی به واسطه مهاجرت با توجه به کمبود مسکن و محدودیت زمین	
۲	تهدید سرمایه‌های انسانی به واسطه مهاجرت ناشی از ضعف خدمات کالبدی-زیرساختی	
۱	تهدید سرمایه‌های انسانی به واسطه مهاجرت ناشی از ضعف سازوکار شرکت سهامی زراعی	سواد عمومی
۱۳	ضعف سواد عمومی سرمایه‌های انسانی به دلیل ضعف شبکه ارتباطی	
۳۹	ضعف سواد عمومی سرمایه‌های انسانی به دلیل فقر درآمدی	
۱۳	ضعف سواد عمومی سرمایه‌های انسانی به دلیل نگرش‌های فرهنگی	
۱۷	تضعیف دامداری به واسطه پایین بودن صرفه اقتصادی دامداری سنتی	اقتصاد دامداری
۴۲	تضعیف دامداری به واسطه آسیب‌دیدگی جایگاه‌های سنتی دام در برابر مخاطرات اخیر (بارندگی و سیل)	
۹۶	تضعیف دامداری به واسطه افزایش قیمت و دشواری دسترسی به خوراک دام (خشک‌سالی، قرق مراتع و...)	
۶	تضعیف دامداری به واسطه تلف شدن دام‌ها بر اثر بیماری	
۶	تضعیف دامداری به واسطه تلف شدن دام‌ها در اثر دشواری تأمین آب شرب از لحاظ کیفیت و دسترسی	
۲	تضعیف دامداری به واسطه سوءمدیریت شرکت سهامی زراعی	
۱۰	تضعیف دامداری به واسطه ضعف روابط تولید در بخش بازاریابی-فروش	
۷	تضعیف دامداری به واسطه ضعف روابط تولید در بخش عرضه نهاده‌ها	
۲	تضعیف دامداری به واسطه ضعف روابط تولید در بخش لجستیک	
۳	تضعیف دامداری به واسطه عدم تمایل به دامداری ناشی از نگرش‌های فرهنگی	
۱۰	تضعیف دامداری به واسطه عدم تناسب نژاد دام با اقلیم محدوده	
۳	تضعیف دامداری به واسطه فروش دام به منظور تأمین هزینه‌های زندگی و مهاجرت از روستا	
۹	تضعیف دامداری به واسطه فقدان برخورداری از سرمایه اولیه جهت خرید دام و ساخت جایگاه	
۹	تضعیف دامداری به واسطه معضل ساخت جایگاه‌های دام ناشی از محدودیت‌های نهادی	

تکرار مفاهیم	مفاهیم جهت‌دار	مفاهیم کلی
۷۴	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه خشک‌سالی و محدودیت منابع آبی	اقتصاد زراعت و باغداری
۲۹	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه ضعف مدیریت منابع آبی	
۳۸	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه هدررفت ناشی از شیوه‌های سنتی آبیاری	
۲۳	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه آسیب‌پذیری محصولات در برابر آفات	
۶	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه آسیب‌پذیری محصولات در برابر حمله حیوانات	
۱۱	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه عدم تاب‌آوری محصولات در برابر سرمازدگی و تگرگ	
۴۷	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه آسیب دیدن اراضی کشاورزی، منابع و سازه‌های آبی و تأسیسات آبرسانی در اثر وقوع سیل	
۱۳	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه تضعیف روابط تولید در بخش لجستیک	
۴۳	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه ضعف روابط تولید در بخش بازاریابی-فروش	
۳	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه ضعف روابط تولید در بخش تولید (نیروی کار)	
۴۵	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه تضعیف روابط تولید در بخش خدمات پشتیبان	
۳۵	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه ضعف روابط تولید در بخش عرضه نهاده‌ها	
۹	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه فقدان صرفه اقتصادی کشاورزی متأثر از خرده مالکی	
۷	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه کمبود زمین حاصلخیز کشاورزی	
۱۸	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه کیفیت نامطلوب راه دسترسی به اراضی کشاورزی	
۴۶	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه محدودیت‌های حقوقی و نهادی	
۳۷	تضعیف زراعت و باغداری به‌واسطه نظام تولید سنتی و ضعف سواد حرف‌های و مهارت سرمایه‌های انسانی	
۸	تهدید زراعت و باغداری در صورت اعمال محدودیت‌های نهادی در آینده	
۸	برخورداری از ظرفیت توسعه کشت زعفران با توجه به تمایل جامعه محلی به تغییر الگوی کشت و وجود تجربه‌های موفق کشت محصول در روستا	
۵	برخورداری از ظرفیت توسعه باغ‌های پسته به‌واسطه برخورداری از تجربه‌های موفق کشت محصول	
۲	برخورداری از ظرفیت توسعه باغ‌های زیتون به‌واسطه برخورداری از تجربه‌های موفق کشت محصول	
۲	برخورداری از ظرفیت توسعه تولیدهای گلخانه‌ای به‌واسطه برخورداری از تجربه و نزدیکی به جاده جهت تسهیل لجستیک و بازاریابی-فروش	
۱	برخورداری از ظرفیت توسعه تولیدهای گلخانه‌ای به‌واسطه بهره‌برداری از مجتمع بزرگ گلخانه‌ای آغمزار	
۱۱	تضعیف صنایع دستی به‌واسطه ضعف روابط تولید در بخش بازاریابی-فروش	صنایع دستی
۹	تضعیف صنایع دستی به‌واسطه ضعف روابط تولید در بخش عرضه نهاده‌ها	
۲	تضعیف صنایع دستی به‌واسطه ضعف روابط تولید در بخش خدمات پشتیبان	
۲	تضعیف صنایع دستی به‌واسطه ضعف سرمایه‌های انسانی به‌لحاظ دانش و مهارت	
۱۴	برخورداری از ظرفیت توسعه تولید صنایع دستی به‌واسطه برخورداری از مهارت تولید صنایع دستی	
۲	تضعیف صنایع کارگاهی به‌واسطه اعمال محدودیت‌های نهادی	صنایع کارگاهی
۳	تضعیف صنایع کارگاهی به‌واسطه ضعف روابط تولید در بخش بازاریابی-فروش	
۱۲	برخورداری از ظرفیت راه‌اندازی صنایع کارگاهی به‌واسطه برخورداری از تجربه و مهارت خیاطی	
۲	برخورداری از ظرفیت توسعه صنایع کارگاهی به‌واسطه استقرار روستا در مجاورت جاده	

تکرار مفاهیم	مفاهیم کلی	مفاهیم جهت‌دار
۷	گردشگری	امکان توسعه گردشگری به واسطه برخورداری از جاذبه‌های گردشگری
۴		امکان توسعه گردشگری به واسطه برخورداری از ظرفیت ایجاد یا توسعه خدمات پشتیبان گردشگری
۲		امکان توسعه گردشگری به واسطه موقعیت جغرافیایی روستا (نزدیکی به شهر یا جاده آسیایی)
۱۳		برخورداری از ظرفیت گردشگری به واسطه برخورداری از جاذبه‌های گردشگری
۳	فعالیت‌های مکمل اقتصادی	برخورداری از ظرفیت آبی‌پروری به واسطه برخورداری از تجربه و مهارت
۱۷		برخورداری از ظرفیت پرورش زنبورعسل به واسطه برخورداری از تجربه و مهارت
۱۱		برخورداری از ظرفیت پرورش زنبورعسل به واسطه پتانسیل محیط طبیعی
۲		برخورداری از ظرفیت پرورش زنبورعسل به واسطه برخورداری از بازار فروش
۲		برخورداری از ظرفیت پرورش شتر به واسطه مهارت و پیشینه ساربان‌ی و پایین بودن هزینه نگهداری دام
۲		برخورداری از ظرفیت توسعه پرورش اسب به واسطه برخورداری از پیشینه و مهارت
۲۲		برخورداری از ظرفیت توسعه نوغان‌داری به واسطه برخورداری از درخت توت، تجربه و مهارت جامعه محلی
۳		برخورداری از ظرفیت کشت و بهره‌برداری از گیاهان دارویی به واسطه برخورداری از تجربه و مهارت
۲		برخورداری از ظرفیت کشت و بهره‌برداری از گیاهان دارویی به واسطه برخورداری از کارآفرین
۱۳		برخورداری از ظرفیت کشت و بهره‌برداری از گیاهان دارویی به واسطه پتانسیل محیط طبیعی
۲	صنایع تبدیلی-تکمیلی	برخورداری از ظرفیت راه‌اندازی صنایع تبدیلی-تکمیلی محصول پنبه به واسطه برخورداری از تولید بالا
۳		برخورداری از ظرفیت پرورش زنبورعسل به واسطه برخورداری از تجربه و مهارت و تولید بالا
۲		برخورداری از ظرفیت راه‌اندازی صنایع تبدیلی-تکمیلی گوجه‌فرنگی به واسطه برخورداری از تولید بالا
۷		برخورداری از ظرفیت راه‌اندازی صنایع تبدیلی-تکمیلی محصولات باغی به واسطه تولید بالا
۲		برخورداری از ظرفیت راه‌اندازی صنایع تبدیلی-تکمیلی محصولات باغی به واسطه نزدیکی به راه
۳		برخورداری از ظرفیت راه‌اندازی صنایع تبدیلی-تکمیلی گیاهان دارویی به واسطه برخورداری از مهارت
۲	فعالیت‌های بازرگانی	برخورداری از ظرفیت توسعه فعالیت‌های بازرگانی بین‌جاده‌ای با توجه به موقعیت جغرافیایی روستا
۲		تهدید ناشی از وقوع سیل به واسطه فعالیت‌های انسانی و تخریب جنگل‌ها و پوشش گیاهی
۱۰	وقوع سیل	تهدید ناشی از وقوع سیل و آسیب‌پذیری سکونتگاه‌ها و اراضی کشاورزی به واسطه قرارگیری در محدوده سیل‌خیز و فقدان سیل‌بند اصولی و مناسب
۲		تهدید ناشی از وقوع سیل و آسیب‌پذیری اراضی کشاورزی با توجه به بالا آمدن بستر رودخانه
۱۲	دسترسی به تسهیلات	ضعف دسترسی به سرمایه‌های مالی (تسهیلات) به واسطه عدم امکان ارائه تضامین مربوطه
۲		ضعف دسترسی به سرمایه‌های مالی (تسهیلات) به واسطه محدودیت‌های مذهبی
۸	گازرسانی	ضعف زیرساختی به واسطه فقدان برخورداری از شبکه گازرسانی
۲		ضعف زیرساختی (آب شرب) به واسطه فقدان برخورداری از منبع تأمین آب
۱۳		ضعف زیرساختی (آب شرب) به واسطه کیفیت نامناسب منبع تأمین آب
۵۲	راه‌های ارتباطی	ضعف زیرساختی (آب شرب) به واسطه نقص شبکه انتقال آب
۳۳		ضعف زیرساختی (راه دسترسی) با توجه به فقدان برخورداری از پل ارتباطی ایمن و مناسب و دشواری تردد در فصول پربارش
۲۰		ضعف زیرساختی (راه دسترسی) به واسطه کیفیت نامناسب مسیر دسترسی و فقدان ایمنی

تکرار مفاهیم	مفاهیم جهت‌دار	مفاهیم کلی
۳	ضعف زیرساختی به‌واسطه فقدان برخورداری از شبکه برق‌رسانی	برق‌رسانی
۱۶	ضعف زیرساختی (مسکن) به‌دلیل استحکام و ایمنی نامناسب و به‌تبع آن آسیب‌دیدگی بالا در اثر وقوع مخاطرات اخیر (سیل، زلزله و...)	مسکن
۵	ضعف زیرساختی (مسکن) به‌دلیل استحکام و ایمنی نامناسب و به‌تبع آن آسیب‌دیدگی بالا در اثر وقوع مخاطرات اخیر (سیل، زلزله و...) و ضعف اقدامات نهادی جهت به‌سازی و نوسازی مسکن‌ها	
۱۷	ضعف زیرساختی (مسکن) به‌دلیل استحکام و ایمنی نامناسب و به‌تبع آن آسیب‌دیدگی بالا در اثر وقوع مخاطرات (سیل، زلزله و...) و عدم استطاعت مالی جهت به‌سازی و نوسازی مسکن‌ها	
۲	ضعف زیرساختی (مسکن) به‌واسطه محدودیت زمین جهت ساخت‌وساز و به‌دنبال آن افزایش تراکم و کاهش کیفیت مسکن	
۳۹	محرومیت در رفاه به‌واسطه فقدان برخورداری غالب خانوارها از حمام و دستشویی	رفاه
۳	فقدان تنوع معیشتی به‌واسطه اعمال محدودیت‌های نهادی (عدم صدور مجوز در زمینه صید ماهی از سد شیرین‌دره و احداث واحدهای صنعتی)	تنوع معیشتی
۴	فقدان تنوع معیشتی به‌واسطه ضعف سرمایه‌های انسانی به‌لحاظ دانش و مهارت	
۷	فقدان تنوع معیشتی به‌واسطه عدم برخورداری برخی از روستاییان از زمین کشاورزی و به‌تبع آن ضعف دسترسی به سرمایه‌های مالی به‌منظور راه‌اندازی کسب‌وکار جدید	
۳۰	فقدان تنوع معیشتی به‌واسطه فقدان فرصت‌های شغلی غیرکشاورزی و دامداری	
۲	فقدان تنوع معیشتی به‌واسطه فقدان مالکیت زمین کشاورزی و ضعف دسترسی به سرمایه‌های مالی به‌منظور راه‌اندازی کسب‌وکار جدید	
۳	امکان حضور فعال‌تر زنان در فعالیتهای اقتصادی به‌واسطه برخورداری از تعاونی زنان روستایی	فعالیت‌های اقتصادی زنان

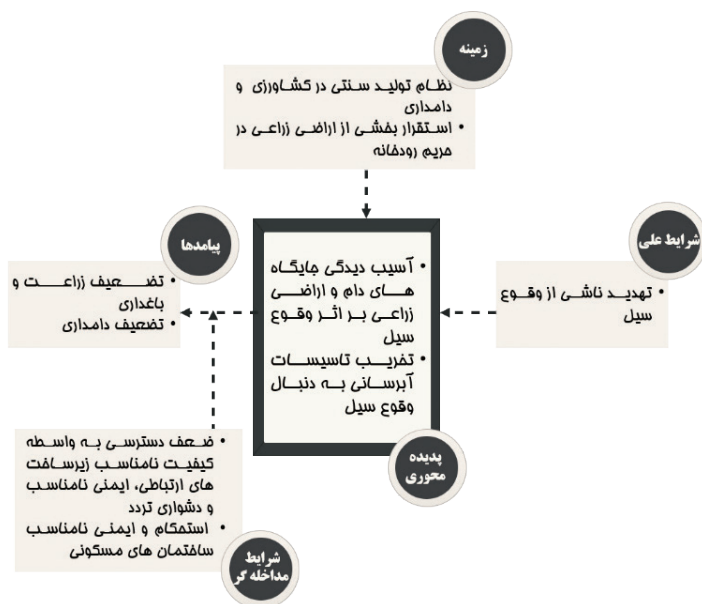
چنان‌که ذکر کردیم، فرآیند تحلیل استقرایی داده‌ها یک‌سویه نبوده و از ویژگی انعطاف‌پذیری برخوردار است. از این‌رو، مفاهیم شناسایی‌شده ارزش‌گذاری و ویژگی‌ها و ابعاد هر یک مشخص می‌شوند. شایان ذکر است، این ابعاد و ویژگی‌ها مبین ریشه‌های مفاهیم‌اند و از طریق بررسی روندها، رویدادها و نقاط ثابت مؤثر بر معیشت در سطح شهرستان به شکل‌گیری صد و نه مفهوم جهت‌دار منجر شد.

خروجی‌های حاصل از پیاده‌سازی الگوی کدگذاری باز، که با تجزیه اطلاعات کیفی به بخش‌های جداگانه محقق می‌شود، مشتمل بر بیست و چهار مفهوم کلی و صد و نه مفهوم جهت‌دار است که به‌طور هم‌زمان در سطح سکونتگاه‌های شهرستان مکانی شده و مهم‌ترین

مفاهیم جهت‌دار و یا به عبارت دیگر، مهم‌ترین دلایل بروز فقر و ناپایداری معیشت بر اساس بیشترین تکرار در سطح سکونتگاه‌های شهرستان مشخص می‌شوند. خلاصه نتایج مذکور در جدول زیر آورده شده است. شایان ذکر است که در جدول ذیل، مفاهیم دارای بیشترین تکرار مهم‌ترین مفاهیم‌اند. همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده کردید، موارد مطرح‌شده در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، و به‌صورت خاص فعالیت‌های کشاورزی، به‌عنوان مهم‌ترین چالش کنونی در زمینه معیشت افراد به شمار می‌روند و بنابراین، بررسی اصلی‌ترین دلایل یا روندها، رویدادها و نقاط ثابت اثرگذار در اقتصاد سکونتگاه‌های شهرستان و درک روابط میان آنها از اهمیت به‌سزایی

چنان‌که ذکر کردیم، فرآیند تحلیل استقرایی داده‌ها یک‌سویه نبوده و از ویژگی انعطاف‌پذیری برخوردار است. از این‌رو، مفاهیم شناسایی‌شده ارزش‌گذاری و ویژگی‌ها و ابعاد هر یک مشخص می‌شوند. شایان ذکر است، این ابعاد و ویژگی‌ها مبین ریشه‌های مفاهیم‌اند و از طریق بررسی روندها، رویدادها و نقاط ثابت مؤثر بر معیشت در سطح شهرستان به شکل‌گیری صد و نه مفهوم جهت‌دار منجر شد.

خروجی‌های حاصل از پیاده‌سازی الگوی کدگذاری باز، که با تجزیه اطلاعات کیفی به بخش‌های جداگانه محقق می‌شود، مشتمل بر بیست و چهار مفهوم کلی و صد و نه مفهوم جهت‌دار است که به‌طور هم‌زمان در سطح سکونتگاه‌های شهرستان مکانی شده و مهم‌ترین



شکل شماره ۳: نمونه فرایند تدوین پیش‌ران اولیه با استفاده از روش کدگذاری محوری (مأخذ: نگارنده)

پیش‌ران‌های اولیه منجر خواهد شد، به طوری که انجام مراحل مذکور در این پژوهش به تدوین سی و نه مقوله یا پیش‌ران اولیه، از ۱۰۹ مفهوم جهت‌دار به دست آمده از روش کدگذاری باز شده است. به جهت درک بهتر موضوع، در ادامه، فرآیند تدوین پیش‌ران «تاب‌آوری در برابر مخاطرات طبیعی» به عنوان نمونه تشریح می‌شود.

در چهارچوب نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، انتخاب پدیده مرکزی باید به گونه‌ای صورت گیرد که نخست، سایر مفاهیم اصلی بتوانند به آن ربط داده شوند و دوم اینکه، به کرات در داده‌ها ظاهر شود. همان‌طور که در تصویر زیر مشاهده می‌شود، آسیب‌دیدگی دارایی‌های معیشتی از قبیل جایگاه‌های دام، اراضی کشاورزی و تأسیسات انتقال آب در اثر وقوع سیل پدیده محوری و اساس فرآیند در نظر گرفته شده است. پتانسیل سیل‌خیزی منطقه و فقدان مدیریت یکپارچه در خصوص کنترل سیلاب‌ها نیز، که پیش‌تر بدان اشاره شد، خطر وقوع

برخوردار است. گفتنی است، پس از مفاهیم مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی، زیرساخت‌های رفاهی بیشترین تکرار را در میان مفاهیم داشته‌اند.

تعیین پیش‌ران‌های اولیه

پس از بررسی مهم‌ترین روندها، رویدادها و عناصر ثابت مؤثر بر ناپایداری معیشت روستاییان، که مفصلاً بررسی شد، در ادامه، در تعیین پیش‌ران‌های اولیه در چهارچوب روش داده‌بنیاد، از الگوی کدگذاری محوری بهره گرفته شده است.

الگوی کدگذاری محوری، فرآیند پیوند دادن میان مفاهیم در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. تحلیل‌گر یک مفهوم از مرحله G کدگذاری باز را انتخاب می‌کند. آن را در مرکز فرآیندی، که در حال بررسی آن است، به عنوان پدیده مرکزی قرار و دیگر مفاهیم از قبیل شرایط علی، پیامدها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر را به آن ربط می‌دهد (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۴). این فرآیند در نهایت، به شناسایی مقوله‌ها یا

سیل را به مثابه شرایط علی و اثرگذار بر وضعیت دارایی‌های معیشتی مطرح کرده است. نظر به اینکه زمینه‌ها به بسترهای اجتماعی-اقتصادی برای بروز کنش‌ها و برهم‌کنش‌های میان مفاهیم اطلاق می‌شود، نتایج تحلیل حاکی از غلبه نظام تولید سنتی و استقرار اراضی کشاورزی در حریم رودخانه به عنوان شرایط زمینه‌ای است. در این بین، کیفیت نامطلوب مسکن‌های روستایی و ضعف شبکه‌های ارتباطی، که سطح آسیب‌دیدگی ناشی از سیل را تشدید می‌کند، عوامل مداخله‌گر محسوب می‌شوند و در کنار پدیده محوری و شرایط زمینه‌ای بر پیامدها تأثیر می‌گذارند. در نهایت، از برهم‌کنش مجموع مفاهیم بالا، شاهد پیامد تضعیف کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری) هستیم که ضرورت توجه به مقوله «تاب‌آوری در برابر مخاطرات طبیعی» را ایجاب می‌کند.

جدول شماره (۴): پیش‌ران‌های اولیه مؤثر بر پایداری معیشت در شهرستان مانه و سملقان (مأخذ: نگارنده)

ردیف	مقوله‌ها یا پیش‌ران‌های اولیه
۱	تکنولوژی و روش‌های نوین تولید و فرآوری
۲	مدیریت زنجیره‌های عرضه و تأمین
۳	سواد حرفه‌ای و آگاهی نیروی انسانی
۴	وجود بازار تقاضا (تقاضای پایدار)
۵	صنایع تبدیلی-تکمیلی
۶	تأسیسات پشتیبانی از تولید
۷	پشتیبانی و سازوکارهای حمایتی دولت
۸	الگوسازی و اقدامات نوین
۹	روابط عمودی و افقی نهادی در راستای توانمندسازی
۱۰	ظرفیت‌سازی نهادی در ارتقای مشارکت محلی
۱۱	اعتماد نهادی
۱۲	رضایتمندی و حسن تعلق مکانی

۱۳	نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی
۱۴	سرمایه‌گذاری داخلی و بومی
۱۵	مبادلات فرامحلی و فرامنطقه‌ای
۱۶	تنوع محصولات تولیدی
۱۷	زیرساخت‌های فیزیکی مرتبط با تولید و اشتغال
۱۸	تأثیر تحریم‌ها بر چرخه اقتصادی
۱۹	کمیت منابع طبیعی تولید
۲۰	کیفیت منابع طبیعی تولید
۲۱	امنیت سرمایه‌گذاری
۲۲	کیفیت تولیدها
۲۳	لجستیک (حمل‌ونقل و انبارداری کارا)
۲۴	مهارت و توانایی‌های بازاریابی
۲۵	دسترسی افراد به تسهیلات مالی
۲۶	زیرساخت‌های آموزش عمومی و حرفه‌ای
۲۷	دسترسی به نهاده‌های تولید
۲۸	حمایت‌ها و خدمات بیمه‌ای
۲۹	تاب‌آوری در برابر مخاطرات طبیعی
۳۰	انسجام و همبستگی اجتماعی
۳۱	کارایی و اثربخشی خدمات عمومی-رفاهی
۳۲	نیروی فعال اقتصادی
۳۳	نوسانات قیمت محصولات تولیدی
۳۴	سطح بهداشت و سلامت
۳۵	اقتصاد مبتنی بر گردشگری
۳۶	زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی
۳۷	زیرساخت‌های ارتباطی
۳۸	زیرساخت‌های تأمین آب شرب
۳۹	کیفیت مسکن‌های روستایی

سطح سکونتگاه‌های شهرستان مانه و سمقان در دو محور تأثیرپذیری-تأثیرگذاری، در تصویر زیر، حاکی از «وضعیت ناپایدار» سیستم در وضعیت فعلی است. این امر بدان معناست که در سیستم ناپایدار شهرستان مانه و سملقان تغییرات کوچک به تحولات اساسی منجر خواهد شد که این امر نمایانگر اهمیت عدم قطعیت‌های مؤثر بر سیستم است.

همان‌گونه که در نمودار بالا مشاهده می‌شود، مواردی از قبیل اعتماد نهادی، سواد حرفه‌ای، رضایتمندی و حس تعلق مکانی، زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی، خدمات بیمه‌ای، کمیت منابع طبیعی تولید، انسجام و همبستگی اجتماعی و سطح بهداشت دسترسی به نهاده‌های تولید در گروه مؤلفه‌های تعیین‌کننده یا تأثیرگذار قرار می‌گیرند. این عوامل، بیشترین تأثیرگذاری و کمترین تأثیرپذیری را دارند و برانگیزاننده تغییرات در سیستم‌اند.

متغیرهای ریسک، ظرفیت بسیار بالایی برای تبدیل شدن به بازیگران کلیدی دارند و بنا به ماهیت ناپایدارشان، دارای ماهیتی انفصال‌دهنده در فرآیند برنامه‌ریزی‌اند. چنانچه مشاهده کردید، دوازده متغیر در دسته شاخص‌های ریسک جای گرفته و از بیشترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در وضعیت معیشت ساکنان شهرستان برخوردارند. از میان مهم‌ترین آنها می‌توان به «پشتیبانی و سازوکارهای حمایتی دولت»، «الگوسازی و اقدامات نوین»، «ظرفیت‌سازی نهادی در جهت ارتقای مشارکت اجتماعات محلی»، «لجستیک در زنجیره‌های تأمین و عرضه»، «تاب‌آوری در برابر مخاطرات طبیعی» و... اشاره کرد.

ازسوی دیگر، شاخص‌های «کارایی و اثربخشی خدمات عمومی-رفاهی»، «صنایع تبدیلی-تکمیلی»، «کیفیت تولیدها»، «نوآوری خلاقیت و کارآفرینی» و

«نیروی فعال اقتصادی» به‌منابۀ متغیرهای هدف در جریان توسعه شهرستان اطلاق می‌شوند. این متغیرها بیش از آنکه تأثیرگذار باشند، تأثیرپذیرند؛ بنابراین، با قطعیت قابل قبول می‌توان آن‌ها را نمایانگر اهداف ممکن در سیستم در نظر گرفت که دگرگونی در پیش‌ران‌های کلیدی زمینه‌ساز دستیابی به آن‌هاست.

افزون بر متغیرهای ریسک و هدف «زیرساخت‌های فیزیکی مرتبط با تولید و اشتغال»، «زیرساخت‌های آموزش حرفه‌ای و عمومی» و «تأسیسات پشتیبانی از تولید» نیز به‌عنوان سایر متغیرهای دووجهی سیستم به شمار می‌روند.

ازسوی دیگر، چهار عامل «زیرساخت‌های ارتباطی»، «کیفیت منابع طبیعی تولید»، «انسجام و همبستگی اجتماعی» و «نوسانات قیمت محصولات تولیدی»، که در نزدیکی مرکز ثقل نمودار واقع شده‌اند، به‌عنوان متغیرهای تنظیمی محسوب می‌شوند. این عوامل، بسته به سیاست‌هایی که برنامه‌ریزان و مدیران برای اهداف خود به کار می‌گیرند، قابلیت ارتقابه متغیرهای تأثیرگذار، تعیین‌کننده یا متغیرهای هدف و ریسک را دارند. در نهایت، متغیرهای تأثیرپذیر یا نتیجه، که دارای بیشترین تأثیرپذیری از سیستم و پایین‌ترین تأثیرگذاری در سیستم‌اند، مواردی از قبیل «نوع محصولات تولیدی»، «امنیت سرمایه‌گذاری»، «کیفیت مسکن روستایی» و... را در بر می‌گیرند.

در ادامه، با بررسی نتایج ماتریس‌های اثرگذاری/اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم سی و نه عامل ذکرشده، اصلی‌ترین پیش‌ران‌های مؤثر بر پایداری معیشت شهرستان مانه و سملقان شناسایی و از طریق بازنگری و بازتنظیم کارشناسی این عوامل، نهایتاً بیست و شش پیش‌ران کلیدی در سطح منطقه مورد مطالعه انتخاب شد.

میزان عدم قطعیت		
پایین	متوسط	بالا
1- تأسیسات پشتیبانی از تولید 2- زیرساخت‌های آموزش عمومی و حرفه‌ای 3- زیرساخت‌های ارتباطی	1- لجستیک (حمل و نقل و انبار داری کارا) 2- سازه و کارهای قانونی 3- روابط عمودی و افقی نهادی در راستای توانمندسازی اجتماعی - اقتصادی 4- اقتصاد مبتنی بر گردشگری 5- سرمایه‌گذاری	1- ظرفیت‌سازی نهادی در جهت ارتقا مشارکت اجتماعات محلی 2- آگوسازی و اقدامات نوین 3- تاب‌آوری در برابر مخاطرات طبیعی 4- رضایتمندی و حس تعلق مکانی
1- زیرساخت‌های اطلاع رسانی	1- سواد حرفه‌ای و آگاهی نیروی انسانی 2- سطح بهداشت و سلامت 3- صنایع تبدیلی - تکمیلی 4- نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی 5- کارایی و اثربخشی خدمات فرهنگی-تفریحی 6- کمیت منابع طبیعی و انسانی تولید 7- اعتماد نهادی	1- مهارت و توانایی‌های بازاربایی 2- تکنولوژی و روش‌های کارا تولید و فرآوری 3- بازار تقاضای پایدار (تقاضای پایدار)
	- (Cht)	1- کیفیت تولیدات 2- مبادلات فرامحلی و فرامنطقه‌ای 3- خنوع محصولات تولیدی

شکل شماره (۵): ماتریس عدم قطعیت و سطح تأثیر عوامل کلیدی و پیش‌ران‌ها (مأخذ: نگارنده)

«مبادلات فرامحلی و فرامنطقه‌ای» و «تنوع محصولات تولیدی» به دلیل اثرگذاری پایین، به منظور تدوین سناریوها و نیز راهبردهای حاصل از این سناریوها، پیش‌ران‌های کلیدی قلمداد نمی‌شوند.

نتیجه‌گیری

باتوجه به تجربه‌های صورت‌گرفته درخصوص کاربست چهارچوب معیشت پایدار، به نظر می‌رسد این چهارچوب برای پایدارسازی معیشت جامعه محلی مناسب است. اولین و مهم‌ترین قدم در راستای پایدارسازی معیشت جامعه محلی، شناسایی دارایی‌های معیشتی و نیز یافتن مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر آن‌هاست. از این‌رو، در مقاله حاضر، با استفاده از روش‌های گوناگون گردآوری اطلاعات در سطح نقاط سکوتی شهرستان مانه و سملقان، سعی شده است که ضمن شناسایی دارایی‌های معیشتی هر یک از نقاط سکوتی، پیش‌ران‌های کلیدی مؤثر بر پایداری این دارایی‌ها، بر مبنای میزان اهمیت و قطعیت وقوع، شناسایی و سنجش شوند.

چنان‌که پیش‌تر نیز بدان اشاره کردیم، برنامه‌ریزی راهبردی باید به نحوی صورت پذیرد که به‌طور پویا در مقابل عدم قطعیت‌های آتی قابل استفاده باشد و مسیر را برای رسیدن به هدف و یا تغییرات احتمالی، در طول زمان، هموار کند. در این راستا با طبقه‌بندی پیش‌ران‌های کلیدی مستخرج از نرم‌افزار بر مبنای تأثیرگذاری و عدم قطعیت مؤلفه‌های سازنده، سناریو و موضوعات راهبردی شناسایی می‌شوند. بدین منظور با ترسیم ماتریس میزان تأثیر و عدم قطعیت مشخص شد که دوازده پیش‌ران کلیدی، که در مناطق آبی‌رنگ ماتریس قرار گرفته‌اند، به دلیل بالا بودن میزان تأثیرگذاری بر سایر عوامل مؤثر بر معیشت و نیز بالا بودن عدم قطعیت، قابلیت برنامه‌ریزی خطی و مرسوم را ندارند و باید برای آن‌ها در قالب سناریوهای مختلف بدیل‌های متعددی متصور بود. همچنین یازده پیش‌ران واقع در مناطق خاکستری‌رنگ نشان‌دهنده موضوعات برنامه‌ریزی‌اند که از عدم قطعیت کمتری برخوردارند و ثبات بیشتری دارند. سه پیش‌ران «کیفیت تولیدها»،

یکی از مهم‌ترین دلایل پیچیدگی مطالعات مرتبط با معیشت را باید تعدد عدم قطعیت‌های پیش‌روی و وابستگی آن‌ها به یکدیگر دانست. به‌گونه‌ای که به‌واسطه این امر عملاً نمی‌توان با استفاده از برنامه‌ریزی‌های معمول به نتایجی مطلوب دست یافت. از این‌رو، در سال‌های اخیر استفاده از روش‌های آینده‌نگاری در مطالعه‌های مرتبط با معیشت رواج یافته است. در مقاله حاضر نیز با توجه به تأکید اصلی بر یافتن عوامل مؤثر بر پایداری معیشت، از روش آینده‌نگاری استفاده شده است.

نتایج بررسی‌های صورت‌گرفته حاصل‌گواه آن است که عوامل متعددی بر پایداری دارایی‌های معیشتی ساکنان این شهرستان تأثیرگذار است که با توجه به نظرات خبرگان و تحلیل آن، با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک، می‌توان تعداد آن‌ها را به بیست و شش مورد تقلیل داد. ولی مسئله‌ای که در راستای پایداری معیشت افراد وجود دارد آن است که تنها بخشی از این عوامل قابلیت برنامه‌ریزی را به‌صورت مستقیم دارند و پرداختن به آن‌ها به‌احتمال بسیار زیاد به پایداری معیشت جامعه محلی منجر می‌شود (مانند عامل زیرساخت‌های ارتباطی که علاوه بر وابستگی پایین تحقق آن به سایر عوامل، اجرای صحیح آن موجب اثرات مثبت متعددی نظیر بهبود دسترسی فعالیت‌های اقتصادی به زیرساخت‌های تولید و بازار، ترغیب سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی منطقه، افزایش دسترسی به خدمات زیستی و... می‌شود) و بخش زیادی از عوامل به‌واسطه عدم قطعیت وقوع و نیز میزان تأثیر به شیوه معمول قابل برنامه‌ریزی نیستند و باید برای آن‌ها احتمالات متعددی متصور بود. با توجه به یافته‌های حاصل در سکونتگاه‌های شهرستان مانه و سملقان عمده عوامل

تأثیرگذار، که نمی‌توان قطعیت بالایی را برای آن‌ها متصور بود، به‌شدت به ویژگی‌های انسانی و اجتماعی وابسته‌اند. از این‌رو، سناریوهای پیش‌روی این شهرستان، به‌منظور تدوین اقداماتی برای پایداری معیشت جوامع محلی، به‌شدت تحت تأثیر عوامل انسانی است و باید حساسیت‌های خاص جامعه محلی را لحاظ کرد. گفتنی است مفاهیم مستخرج از کدگذاری مصاحبه‌های صورت‌گرفته نیز بر این مطلب دلالت دارد، به‌گونه‌ای که اگرچه مهم‌ترین مفاهیم یافته‌شده جنبه اقتصادی داشته و حاکی از نارسایی فعالیت‌های اقتصادی جاری شهرستان است، ولی بعد انسانی آن (نظیر میزان دانش و مهارت جامعه محلی) پررنگ‌تر بوده است و به‌واسطه تأثیرپذیری و تأثیرگذاری زیاد، باید سناریوهای متعددی برای تنظیم رفتار آن‌ها در مقابل رخ نمودن هریک از احتمالات اندیشید. گذشته از مطالبی که ذکر کردیم، بررسی کلیت عوامل کلیدی و پیش‌ران‌های توسعه شهرستان مانه و سملقان گویای آن است که به‌واسطه ضعف قابلیت‌ها، به‌ویژه قابلیت‌های انسانی، علاوه بر دشوار بودن برنامه‌ریزی برای آینده این شهرستان، انجام کارهای اصلاحی، به‌خصوص در زمینه‌های اقتصادی، بسیار دشوار بوده و باید در این خصوص علاوه بر انجام کارهای حمایتی، به توان‌افزایی جامعه محلی نیز توجه کرد تا بتوان از میزان خطرپذیری فعالیت‌ها و به‌صورت خاص کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، که به‌صورت عمیقی تحت تأثیر تحولات محیطی اند، کاست.

اگرچه به‌واسطه ماهیت پژوهش پیش‌روی که می‌کوشد با استفاده از فرایندی استقرایی، عوامل کلیدی مؤثر بر پایداری معیشتی در شهرستان مانه و سملقان را کشف کند، یافته‌های این پژوهش را نمی‌توان عیناً

میکمک و سناریوی ویزارد)، ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.
۹. نعیمی، کیومرث و پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر وضعیت آینده سکونتگاه‌های فرودست شهری سنندج با تأکید بر کاربرد آینده‌پژوهی»، فصلنامه مطالعات شهری، (۱۵)۵.
۱۰. نوبری، نازک (۱۳۹۶)، آسمان، آیین‌نامه سرمایه‌گذاری و اشتغال نیروی انسانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

11. Abdullah, M. R. T. L., Siraj, S., & Ghazali, Z. (2021). An ISM Approach for Managing Critical Stakeholder Issues Regarding Carbon Capture and Storage (CCS) Deployment in Developing Asian Countries. *Sustainability*, 13(12).

12. Arcade, J., Godet, M., Meunier, F. & Roubelat, F. (1999). Structural analysis with the MICMAC method & Actor's strategy with MACTOR method. *Futures Research Methodology, American Council for the United Nations University: The Millennium Project*, 1-69.

13. Azzarri, C., & Signorelli, S. (2020). Climate and poverty in Africa South of the Sahara. *World development*, 125.

14. Chau, T. M. (2021). sustainable livelihoods associated with tourism in the Cam mountain tourist area an aiang province, vietnam. *European Journal of Social Sciences Studies*, 6(4).

15. Chinangwa, L., Pullin, A. S., & Hockley, N. (2016). Livelihoods and welfare impacts of forest comanagement. *International Journal of Forestry Research*, 2016.

16. Defe, R., & Matsa, M. (2021). The contribution of climate smart interventions to enhance sustainable livelihoods in Chiredzi District. *Climate Risk Management*, 33.

به تمام مناطق کمتر توسعه یافته کشور تعمیم داد، اما فرایند استفاده شده در این مقاله قابلیت آن را دارد تا با بهره‌گیری از آن، عوامل کلیدی مؤثر بر پایداری معیشتی در هر منطقه‌ای را کشف و برنامه‌های پیشروی را متناسب با شرایط خاص آن‌ها، از نظر میزان عدم قطعیت و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری، تنظیم کرد.

فهرست منابع

۱. احمدی کافشانی، عبدالله، رضوانی، مهران، چیت‌سازان، هستی و محمدکاظمی، رضا (۱۳۹۷)، «واکاوی آمیخته بازاریابی کارآفرینانه در جذب سرمایه از فرشتگان کسب‌وکار»، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۱۱(۴)، صص ۶۲۱-۶۴۰.
۲. دانایی‌فرد، حسن، امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶)، «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازای داده‌بنیاد»، اندیشه مدیریت راهبردی، (۲)۱.
۳. زیوری، امینه، محمدی خیاره، محسن و مظهری، رضا (۱۳۹۸)، «مروری سیستماتیک بر عوامل اقتصادی مؤثر بر کارآفرینی»، فصلنامه رشد فناوری، ۶۲ (۱۶)، صص ۳۲-۴۳.
۴. شریفی‌نیا، زهرا (۱۴۰۰)، «تحلیل عوامل مؤثر بر پایداری معیشت در روستاهای شهرستان ساری»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۱۰(۳۵).
۵. صرافی، مظفر و شمسایی، مصطفی (۱۳۹۳)، «چهارچوب معیشت پایدار: راهبردی برای بقا و ارتقای خانوار در سکونتگاه‌های غیررسمی»، نشریه صفا، ۲۴(۶۵).
۶. محمدپورجباری، مرتضی، ابراهیم‌زاده، عیسی، رفیعیان، مجتبی و ساعدموشی، رامین (۱۳۹۵)، «شناسایی و تحلیل اثرات متقابل عوامل کلیدی و سنجش میزان پایداری منطقه‌ای با رویکرد آینده‌نگاری راهبردی (مطالعه موردی: استان خراسان شمالی)»، جغرافیا و پایداری محیط، ۲۰(۶)، صص ۱-۱۸.
۷. محمدکاظمی، رضا، طالبی، کامبیز، داوری، علی و دهقان نجم‌آبادی، عامر (۱۴۰۰)، «طراحی مدل توانمندسازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دانش‌بنیان با رویکرد دیمتل»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۱۶(۶۱).
۸. موسوی، میرنجف و کهکی، فاطمه سادات (۱۳۹۶)، آینده‌پژوهی در آمایش سرزمین (نگاهی به کاربرد نرم‌افزارهای

- Ecotourism impact on livelihoods and wellbeing. In Routledge Handbook of Ecotourism* (pp. 171-185). Routledge.
24. Poerwati, T., Maghfirah, F., & Sir, M. M. (2020). Analysis of Sustainable Livelihood level and its Influence on Community Vulnerability of Surumana Village, Central Sulawesi. *Journal of Regional and Rural Development Planning (Jurnal Perencanaan Pembangunan Wilayah dan Perdesaan)*, 4(3), 209-220.
25. Singh, K., & Misra, M. (2021). Developing an agricultural entrepreneur inclination model for sustainable agriculture by integrating expert mining and ISM-MICMAC. *Environment, Development and Sustainability*, 23(4).
26. Scoones, I. (1998). Sustainable rural livelihoods: a framework for analysis. *Institute of Development Studies*.
27. Wijayanti, R., Baiquni, M., & Harini, R. (2016). Livelihood Strategies as Responses to Water Availability in Pusur Subwatershed, Bengawan Solo. *Forum Geografi* 30(2), 130-139
28. Williams, N., & Williams, C. C. (2012). Evaluating the socio-spatial contingency of entrepreneurial motivations: A case study of English deprived urban neighbourhoods. *Entrepreneurship & Regional Development*, 24(7-8), 661-684.
29. Yirga, B. (2021). The livelihood of urban poor households: A sustainable livelihood approach in urbanizing Ethiopia. The case of Gondar City, Amhara National State. *Poverty & Public Policy*, 13(2), 155-183.
17. Jackson, E. A. (2020). Deconstructing sustainable livelihood framework (SLF) for equitable living in crisis of global pandemic. *MPRA Paper*
18. Kusumanti, M., Ferse, S., & Glaser, M. (2021). Sustainable livelihoods frameworks in investigating household assets in Jakarta Bay, Indonesia. *Aquaculture, Aquarium, Conservation & Legislation*, 14(1), 204-217.
19. Lan, X., Zhang, Q., Xue, H., Liang, H., Wang, B., & Wang, W. (2021). Linking sustainable livelihoods with sustainable grassland use and conservation: A case study from rural households in a semi-arid grassland area, China. *Land Use Policy*, 101.
20. Li, T., Cui, L., Singh, R. K., Fava, F., Xu, Z., Kumar, S., ... & Cui, X. (2021). Unveiling the Past, Current and Future of Global Sustainable Livelihoods Research by Visual and Quantitative Analysis. *research square*, 1-41
21. Mabon, L., Nguyen, S. T., Pham, T. T., Tran, T. T., Le, H. N., Doan, T. T. H., ... & Vertigans, S. (2021). Elaborating a people-centered approach to understanding sustainable livelihoods under climate and environmental change: Thang Binh District, Quang Nam Province, Vietnam. *Sustainability science*, 16(1), 221-238.
22. Moradi, M., Imanipour, N., Arasti, Z., & Mohammadkazemi, R. (2020). Poverty and entrepreneurship: a systematic review of poverty-related issues discussed in entrepreneurship literature. *World Review of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 16(2), 125-152.
23. Munanura, I. E., & Sabuhoro, E. (2021).

جایگاه مضامین اجتماعی در مطالعات سلامت شهری

مینا جلالی^۱

دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگر جهاددانشگاهی، اصفهان، ایران.

حامد سیار خلیج

دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگر جهاددانشگاهی، اصفهان، ایران.

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۲۵ - ۴۵

چکیده

سلامت شهری منعکس‌کنندهٔ مجموع شرایط اجتماعی، جسمی، محیط فیزیکی و زیرساختی است که بر رفاه و کیفیت زندگی شهروندان ساکن در شهری تأثیر می‌گذارد. بنابراین، علاوه بر موضوعات حول سلامتی و بهداشت مجموع ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیط‌زیستی توصیف‌کنندهٔ وضعیت سلامت شهری هستند. از بین ابعاد مذکور مسائل اجتماعی به‌شکل غیرقابل انکاری فرصت‌های انتخابی شهروندان در شهر، تفسیر آنان از شرایط، تعاملشان با دیگران و جهت‌گیری‌های رفتاری سلامت‌محور در شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به اهمیت مضامین اجتماعی در تحقق‌بخشی به سلامت شهری، در پژوهش حاضر تلاش شده است با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند، ضمن بررسی مطالعه‌های مرتبط، شاخص‌های اجتماعی سلامت شهری و زمینه‌های آن توصیف شود. یافته‌ها نشان می‌دهد شاخص‌های اجتماعی سلامت شهری را می‌توان در زمینه‌های «پویایی‌های جمعیت، آسیب‌های اجتماعی، شمولیت، سرمایه اجتماعی، کسب‌وکار، آموزش و سبک زندگی» بازتعریف کرد. همچنین قید اجتماعی توصیف‌کننده برای این شاخص‌ها متضمن در نظر گرفتن ویژگی‌های انعطاف‌پذیری، نسبی بودن، توجه به معانی، ادراک زمینه و فرایند است. شاخص‌های برسانندهٔ زمینه‌هایی، نظیر پویایی‌های جمعیت، آموزش و کسب‌وکار که برای توضیح آن می‌توان از داده‌های ثبتی بهره برد و یا به‌دلیل آنکه روش‌های احصا و محاسبهٔ آن‌ها به‌صورت کمی و جهانی تعریف شده است، قابلیت پیروی از الگوی یکسان را دارند، اما سایر زمینه‌ها، نظیر آسیب اجتماعی، شمولیت، سبک زندگی و مخصوصاً سرمایه اجتماعی متضمن مطالعه‌های زمینه‌محور هستند؛ مطالعه‌ای که براساس ویژگی‌های متمایز شهرها از یکدیگر، حتی به انتخاب و اولویت‌بخشی یک زمینه و کنار گذاشتن سایر زمینه‌ها از توصیف و بررسی منجر خواهد شد.

کلیدواژگان: سلامت شهری، آسیب اجتماعی، شمولیت، سبک زندگی، سرمایه اجتماعی.

۱. نویسندهٔ مسئول: jalali_mina@yahoo.com

حوزه برنامه‌ریزی شهری، به‌عنوان محور توسعه قرار گرفت (معمار، ۱۳۹۴: ۸۶).

بیان مسئله

در سال ۱۹۹۰، برنامه شهر سالم، بنابر پیشنهاد سازمان جهانی بهداشت، در سه کشور ایران (در شهر تهران)، مصر (در شهر اسکندریه) و پاکستان (در شهر لاهور) پایش شد و از سال ۲۰۱۴ میلادی تاکنون دفتر مدیریتانه شرقی سازمان جهانی بهداشت (EMRO) گزارش‌هایی از وضعیت شاخص‌های سلامت ۲۲ کشور منطقه مدیریتانه شرقی^۱ را، از جمله ایران، به‌صورت سالانه منتشر می‌کند. این شاخص‌ها عوامل تعیین‌کننده جمعیتی و اجتماعی-اقتصادی، عوامل خطر، مرگ‌ومیر، بیماری، تأمین مالی سلامت، نیروی کار سلامت، ظرفیت نظام سلامت، تحویل خدمات و پوشش مداخلات را ارزیابی می‌کنند. در همین راستا تلاش‌های مضاعفی در داخل کشور نیز به‌منظور رصد و پایش سلامت شهری و ثبت شهرهای ایران در شبکه ملی شهرهای سالم انجام شده و در حال انجام است. اما اغلب این تلاش‌ها، همان‌گونه که در توضیح شاخص‌های EMRO اشاره شد، در راستای بررسی بیماری، مرگ‌ومیر و پاسخگویی نظام سلامت است، در حالی که سلامت شهری منعکس‌کننده مجموع شرایط اجتماعی، جسمی، محیط فیزیکی و زیرساخت‌های شهری است که بر رفاه و کیفیت زندگی شهروندان ساکن در محیط شهری تأثیر می‌گذارد (وورزر^۲، ۲۰۱۴؛ هامفریز و سولارش^۳، ۲۰۱۷؛ گروور و سینک^۴، ۲۰۲۰). براساس تعریف سازمان جهانی بهداشت نیز،

در حال حاضر زندگی در شهر به وجه غالب زیست انسانی تبدیل شده است و تخمین زده می‌شود جمعیت شهری در سال ۲۰۳۰ به ۱۷/۵ میلیارد نفر افزایش یابد (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹: ۹). گسترش شهرها با نگرانی‌هایی در زمینه همزیستی شهروندان، آلودگی‌های محیط‌زیست، تخریب طبیعت و عناصر اکولوژیک آن همراه بود. این نگرانی‌ها مدیران شهری را با چالش‌های متفاوت و پژوهش‌های شهری را به‌سمت رویکردهای بدیل جهت مطالعه این مسائل سوق داد. مدیریت شهری با دغدغه توسعه شهرها، حل مشکلات زیست‌شهری و تأمین رفاه برای تمامی شهروندان، ملزم به حفظ پایداری در برنامه‌ریزی‌های شهری شد و پژوهشگران در راستای همراهی علمی با این جریان به تحلیل و تفسیر این فرایند پرداختند. پررنگ شدن ابعاد اجتماعی پایداری، با تأکید بر عدالت، آزادی و کیفیت زندگی به اولویت‌های سال‌های اخیر در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌محور شهرها تبدیل شد.

پایداری اجتماعی، مفهومی چندبعدی با دامنه گسترده‌ای از معانی بر محور این سؤال شکل گرفت که «اهداف اجتماعی توسعه پایدار کدام است؟» توانایی برای تحقق زیست‌پذیری محیط، حمایت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، سازگاری انسانی و تساوی در موضوعات سلامت از جمله پاسخ‌های متنوع به این سؤال بود. دغدغه‌های معطوف به سلامت به‌عنوان یکی از اهداف تحقق‌بخشی به پایداری اجتماعی در شهر، از سال ۱۹۸۴ در محافل رسمی مطرح شد و در سال ۱۹۸۶ دفتر اروپایی سازمان جهانی بهداشت، برنامه ارتقای سلامت را تحت عنوان پروژه «شهر سالم» پیشنهاد کرد. از آن زمان سلامت انسان در برنامه‌ریزی‌ها به‌ویژه در

۱. افغانستان، بحرین، جیبوتی، مصر، ایران، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، فلسطین، عمان، پاکستان، بحرین، قطر، عربستان سعودی، سومالی، سودان، سوریه، تونس، امارات متحده عربی و یمن.

2. Wuerzer

3. Humphreys & Solarsh

4. Grover & Singh

سلامت تنها نداشتن بیماری نیست، بلکه برخورداری از آسایش کامل جسمی، روانی و اجتماعی است و شهر سالم علاوه بر هدف تأمین سلامت و پیشگیری از بیماری بر ابعاد اجتماعی توضیح‌دهنده سلامت شهری نیز تأکید دارد؛ ابعادی که در اغلب گزارش‌های ملی و بین‌المللی به دلیل محوریت بررسی شاخص‌های پزشکی و بهداشتی به حاشیه رانده شده‌اند. درحالی‌که ساختار اجتماعی به شکل غیرقابل انکاری بر زندگی افراد تأثیر می‌گذارد و این امر حتی فرصت‌های انتخابی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، شانس‌های زندگی افراد و فرصت‌های پیش‌روی آنان تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی و ویژگی‌های زمینه‌ای است که افراد در آن قرار گرفته‌اند؛ به‌عنوان ساده‌ترین مثال، سن و جنس در دستیابی و بهره‌مندی افراد از فرصت‌های بهداشتی و سلامتی اثرگذارند، همچنین محیط اجتماعی، تفسیر فرد از این محیط و تعامل او با سایر افراد، جهت‌گیری رفتاری سلامت‌محور فرد را در جوامع مختلف هدایت می‌کند. بر این اساس و با توجه به اهمیت مضامین اجتماعی در تحقق بخشی به سلامت شهری، در پژوهش حاضر تلاش می‌کنیم ضمن معرفی رویکردهای اجتماعی در مطالعه سلامت شهری با مروری بر مطالعه‌های پژوهشی مرتبط، شاخص‌های اجتماعی و زمینه‌های آن را ارائه دهیم. به عبارت دیگر، این پژوهش درصدد است با هدف مرور نظام‌مند مطالعه‌های مرتبط، به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- رویکردهای اجتماعی در مطالعه سلامت شهری کدام‌اند؟
- مطالعه‌های قابل استناد در خصوص سلامت شهری در ایران و جهان کدام‌اند؟
- این مطالعه‌ها چه تعریفی از شاخص‌های اجتماعی دارند؟

- ورای چگونگی صورت‌بندی شاخص‌های سلامت شهر در مطالعه‌های مذکور، صورت‌بندی اجتماعی از این شاخص‌ها در چه زمینه‌هایی قابل ارائه است؟
- در راستای کاستی‌های موجود، چه راهکارهایی جهت پرداختن شایسته به مضامین اجتماعی در مطالعه سلامت شهری قابل ارائه است؟

مبانی مفهومی

مقوله سلامت شهری به عواملی، مانند سلامت جسم، روان و محیط توجه می‌کند. مخاطرات ناشی از آلاینده‌های انسان در محیط زیست شهری، برنامه‌ریزان شهری را بر آن داشت تا در جست‌وجوی حقیقت و آرمانی به نام شهر سالم باشند (خلیل‌آبادی، ۱۳۹۲: ۴۶). ایده شهر سالم را اولین بار لئونارد دهل در ۱۹۸۴ در کنفرانس «فراسوی مراقبت‌های بهداشتی»، در شهر تورنتو کانادا، مطرح کرد. او شهر سالم را شهری تعریف کرد که به‌طور مداوم در ایجاد یا بهبود شرایط اجتماعی و کالبدی و توسعه منابع فعالیت می‌کند تا بدین وسیله امکان عملکرد درست و کامل جهت نیل به حداکثر بهره‌برداری از توانایی‌های انسان را فراهم آورد. دو سال بعد، دهل با همکاری هانکوک، تعریف جدیدی از شهر سالم ارائه کرد: «شهر سالم به‌طور مداوم و پیوسته، در حال ایجاد و بهبود محیط‌های اجتماعی و کالبدی خویش است و منابع اجتماعی خود را گسترش می‌دهد؛ به‌نحوی که آن محیط‌ها، مردم را قادر می‌سازد تا در اجرای همه عملکردهای زندگی اجتماعی و در پرورش حداکثر توانایی‌های بالقوه‌شان، متقابلاً از یکدیگر حمایت و پشتیبانی کنند (نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷۰). از نظر دهل، شهرها پتانسیل‌های مثبت و منفی دارند. پتانسیل‌های منفی شامل وخامت محیط فیزیکی، فقر، بیکاری، رکود اقتصادی، بی‌خانمانی، گرسنگی،

خشونت خانوادگی، جنایت و بیگانگی جوانان است. قربانی شدن شهروندان نیز به دلیل سیاست‌های ملی و بین‌المللی، مانند تهدیدات هسته‌ای، سیاست‌های اقتصادی و مهاجرت‌ها از این دست هستند. در مقابل، شهرها دارای پتانسیل‌های مثبت از جمله تنوع مهارت‌ها، منابع و استعدادها، شکوفا شدن خلاقیت‌ها و شکل‌گیری اختراعات و هنرها هستند. وجود این دوگانه متناقض در کنار هم، توجه به سلامت شهری را پیچیده می‌سازد. بنابراین، از نظر دهل، شهر سالم تنها به وجوه مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی اشاره نمی‌کند، بلکه باید تعامل پیچیده بین تمام زیرساخت‌ها و همه افراد در شهر را مد نظر قرار دهد (لیو و سیموس^۱، ۲۰۱۷: ۱۰).

همان‌گونه که فرولیخ^۲ و همکاران (۲۰۰۱) اشاره می‌کنند، در اکثر پژوهش‌های سستی سلامت، رفتارها مستقل از بافت اجتماعی، جدا از افراد دیگر و به‌عنوان اعمالی فاقد معنای اجتماعی مطالعه می‌شوند، اما فراتر از درک زیست‌پزشکی و تمرکز بر بیماری، سلامت شهری اغلب به‌عنوان روابط بین مردم و محیط‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، از طریق ایده‌هایی، مانند عوامل اجتماعی یا محیطی تعیین‌کننده سلامت درک می‌شود. در رویکرد تعیین‌کننده‌های اجتماعی، بر این موضوع تأکید می‌شود که شرایط اجتماعی و اقتصادی و تاریخچه زندگی افراد، تأثیر عمیقی بر وضعیت سلامت، رفاه و طول عمر دارد. اگرچه فهرست‌ها متفاوت است، اما معمولاً ده عامل تعیین‌کننده سلامت در این رویکرد معرفی می‌شود: شیب اجتماعی^۳، استرس، دوران ابتدایی زندگی، طرد اجتماعی، کار، بیکاری، حمایت اجتماعی، اعتیاد، غذا

و حمل‌ونقل. در طیف وسیعی از حوزه‌های سیاستی، رویکرد تعیین‌کننده‌ها به‌دنبال گسترش مسئولیت به خارج از بخش بهداشت و پزشکی برای رسیدگی به شرایطی است که در آن سلامت شکل می‌گیرد. در این رویکرد، سلامت چیزی بیش از نداشتن بیماری و حالتی از رفاه کامل فیزیکی، روانی و اجتماعی است. ارتقای سلامت به افراد این امکان را می‌دهد که کنترل بیشتری بر سلامت خود داشته باشند و سلامت را در دستور کار سیاست‌گذاران در همه بخش‌ها و نه فقط بخش سلامت قرار می‌دهد. از این منظر، سیاست‌ها و برنامه‌های شکل‌گیری سلامت از طریق بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی و محیطی هدف قرار می‌گیرد و بر تقویت مهارت‌های افراد از طریق تغییر رفتار یا رویکردهای مرتبط تمرکز دارد. همچنین معمولاً هنگام مواجهه با مشکلات پیچیده و چندبخشی، مانند چاقی، کمبود فعالیت بدنی، آلودگی و مصرف بیش از حد چربی و قند، توجه زیادی بر افراد و رفتار آنها خواهد شد (مالر^۴، ۲۰۱۸: ۹۶-۹۵).

رویکرد جنبش اجتماعی سلامت^۵، رویکردی مبتنی بر ارزش را برای ارتقای سلامت از طریق برنامه‌ریزی شهری در شهرها اتخاذ می‌کند و با تعریف و اصول ارتقای سلامت، که توسط منشور اتاوا^۶ (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۸۶) تدوین شده است، هم‌سو می‌شود. مفهوم مرکزی این رویکرد، توانمندسازی جامعه و تصمیم‌گیری مبتنی بر ارزش برای شهرهای سالم است (کیم و همکاران، ۲۰۲۰) و با حوزه‌های ارتقای سلامت، توسعه جامعه، عدالت اجتماعی و جامعه‌شناسی مرتبط است (کیم و همکاران، ۲۰۲۱: ۸). این دیدگاه همچنین با ایده و کار جیکوبز^۷ (۱۹۶۱)

4. Maller

5. Health social movement paradigm

6. Ottawa Charter

7. Jacobs

1. Leeuw & Simos

2. Frohlich

3. Social gradient

و رویکرد او، که پیچیدگی‌ها، تنوع و هویت ساکنان جامعه باید محرک اساسی طراحی شهری باشد، هم‌خوانی دارد (جیکوبز، ۱۹۶۱ به نقل از کیم و همکاران، ۲۰۲۲). اصولی، مانند اتحاد، برابری، پایداری و توانمندسازی، شناسایی مسائل بهداشتی مرتبط با محیط فیزیکی شهری و راه‌حل‌ها به‌طور ایدئال توسط جامعه توانمندشده، با تمرکز بر درون (اقدام جامعه) و برون (به‌دنبال تغییر سیاست‌ها و سیستم‌ها) هدایت می‌شوند. درحالی‌که طرفداران این رویکرد موافق‌اند که وضعیت سلامت مطلوب باید هدف همه شهرها باشد، معتقدند شهر سالم با وضعیت بهداشتی تعیین‌شده اپیدمیولوژیکی آن تعریف نمی‌شود، بلکه باید به ارزش‌های شهرهای سالم متعهد باشد و در ایجاد محیط‌ها و منابع، برای سلامت، مشارکت داشته باشد (کیم و همکاران، ۲۰۲۲: ۵-۶).

سایر تلاش‌های معمول برای درک بهتر ابعاد اجتماعی و محیط‌زیستی سلامت، از مدل‌های اجتماعی-بوم‌شناختی سرچشمه می‌گیرد که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ توسعه یافتند. هانکوک (۱۹۹۳) ادعا می‌کند که عناصر زیست‌کره، محیط‌زیست انسانی، اجتماع و فرهنگ، تعیین‌کننده سلامت افرادند. بنتلی^۱ (۲۰۱۴) نیز استدلال می‌کند که چالش قرن بیست و یکم، ایجاد سلامت عمومی بوم‌شناختی است که انسان را به‌عنوان بخشی از بوم می‌شناسد نه جدا از آن و نه مرکزی برای آن (مالر، ۲۰۱۸: ۹۵-۹۸). مدل‌های اجتماعی-بوم‌شناختی افراد را در سیستم‌های اجتماعی و طبیعی بزرگ‌تر می‌بینند و ویژگی‌های تعاملی و تقویت‌کننده‌ای را توصیف می‌کنند که زیربنای پیامدهای سلامت است. مدل‌های بوم‌شناختی از اصول عدالت اجتماعی و ارزش‌های محیط‌زیستی، استفاده می‌کنند. این اصول

و ارزش‌ها شامل احترام و مراقبت، برابری یا عدالت اجتماعی و اقتصادی، پایداری و مسئولیت جهانی براساس اصول دموکراسی، عدم خشونت و صلح است. مدل دوایر کیهان‌نمای سلامت عمومی^۲، که توسط هانکوک و پرکینز^۳ (۱۹۸۵) ابداع شده، یکی از این مدل‌هاست. در این مدل فرض بر این است که بوم انسانی تعامل فرهنگ با محیط است. در این مدل به تمام ابعاد سلامت و رفاه از طریق استراتژی‌های متعدد و رویکردهای چندرشته‌ای پرداخته می‌شود.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند، شاخص‌های اجتماعی سلامت شهری را در مطالعه‌های داخلی و خارجی بررسی کرده‌ایم. مرور نظام‌مند به‌دنبال جست‌وجوی منظم جهت شناسایی، گزینش و ارزیابی نقادانه پژوهش‌های انجام‌یافته در مورد موضوع مورد مطالعه برای ارزیابی پژوهش‌ها، استخراج و تجزیه‌وتحلیل داده‌هاست.

به‌منظور یافتن مطالعه‌های مرتبط در منابع فارسی کلیدواژه‌های «سلامت شهری»، «شهر سالم»، «شهروندان سالم»، «سلامت شهروندان» و «سلامت عمومی»، «سلامت اجتماعی»، «کیفیت زندگی شهری»، «سبک زندگی سلامت‌محور»، «زیست‌پذیری در شهر» و «پایداری شهری» در مرکز پایگاه اطلاعات علمی^۴، بانک اطلاعات نشریات و مجلات ایرانی^۵، پایگاه مجلات تخصصی نور^۶، پرتال جامع علوم انسانی^۷، سیویلیکا^۸ و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات

2. The mandala of public health

3. Hancock & Perkins

4. www.sid.ir

5. www.magiran.com

6. www.noormags.com

7. www.ensani.ir

8. www.civilica.com

1. Bentley

ایران^۱، مؤسسه ملی تحقیقات سلامت^۲ و شبکه ملی شهرهای سالم^۳ جست و جو شدند و در منابع خارجی کلیدواژه‌های «Healthy»، «Urban health»، «Health of citizens»، «Healthy citizens»، «Urban city»، «Social health»، «Public health»، «Urban livability»، «Health- quality of life»، «Urban sustainability» (oriented lifestyle) و وبسایت‌های ساینس دایرکت^۴، وب آف ساینس^۵، اسپرینگر^۶، اسکوپوس^۷، الزویر^۸، گوگل اسکولار^۹ و موتور جست و جوی گوگل^{۱۰} جست و جو شدند.

در مرحله اول، تمامی مطالعه‌ها را اعم از مقاله‌ها، طرح‌ها و گزارش‌هایی که طی جست و جوی اولیه حاوی کلیدواژه‌های مذکور در قسمت عنوان، چکیده و واژگان کلیدی بودند، در دو دهه اخیر (مطالعه‌های خارجی از سال ۲۰۰۰ به بعد و مطالعه‌های داخلی از سال ۱۳۸۰ به بعد)، جمع‌آوری کردیم. در ادامه به منظور پالایش اعتبار بیشتر مطالعه‌ها، تصمیم گرفتیم مطالعه‌هایی که در قالب پایان‌نامه، مقاله‌های علمی تخصصی و مقاله‌های ارائه‌شده در همایش‌ها بودند، از فرایند تحلیل کنار بگذاریم. با این معیار در نهایت ۳۳۱ مقاله علمی پژوهشی و گزارش داخلی و ۵۴۰ مقاله علمی پژوهشی و گزارش خارجی انتخاب شدند. بعد از مرور مستندهای انتخاب‌شده، از آنجایی که بخش اعظم مقاله‌های علمی پژوهشی هم در بخش مرور پیشینه‌ها، هم تهیه ابزار سنجش

سلامت شهری و هم ارائه یافته‌ها از دستاوردها و یافته‌های گزارش‌های سازمان‌های ملی و بین‌المللی، مانند سازمان جهانی بهداشت، یونیسف، سازمان ملل و وزارت بهداشت استفاده شده بود و به آن‌ها ارجاع داده بودند و حتی اکثریت قریب به اتفاق آنان از شاخص‌ها و شیوه‌نامه‌های استاندارد این گزارش‌ها برای سنجش سلامت شهری استفاده کرده بودند؛ تصمیم گرفتیم در انتخاب نهایی، تنها مطالعه‌هایی را مبنای استخراج شاخص‌ها و تحلیل یافته‌ها قرار دهیم که نهادها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی آنها را تهیه کرده باشند. علاوه بر این اغلب گزارش‌های تهیه‌شده توسط این نهادها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی نظیر سازمان جهانی بهداشت و وزارت بهداشت، چندین و چند سال به صورت طولی اجرا، رصد و پایش شده‌اند؛ بنابراین، جامعیت و تخصصی بودن این گزارش‌ها دلیل دیگر انتخاب آن‌ها و حذف سایر مقاله‌ها در تحلیل نهایی بود. برای مثال، سازمان جهانی بهداشت، که در پروژه خود با عنوان شهر سالم از سال ۱۹۸۵ به ارتقای سطح سلامت پرداخت، در سال ۲۰۱۰، پروژه‌ای بلندمدت را با عنوان قلب شهری آغاز کرد و در این پروژه به بررسی مراقبت‌های بهداشتی، محیط و زیرساخت‌های فیزیکی، توسعه اجتماعی و فقر، اقتصاد و حکمرانی پرداخت. این سازمان در سال ۲۰۱۲، شاخص‌های اختصاری بهداشت را ابداع کرد و در آن شاخص‌های امید به زندگی و مرگومیر، مرگومیر و عوارض ناشی از آن، بیماری‌های عفونی، پوشش خدمات سلامت، عوامل خطر، سیستم‌های سلامت، هزینه‌های بهداشتی، نابرابری‌های سلامت و آمارهای جمعیت‌شناختی را سنجید. در سال ۲۰۱۴، سازمان جهانی بهداشت شاخص‌های مذکور را تکمیل کرد و با عنوان «سلامت شهری» در ابعاد سلامت،

۱. www.irandoc.ir
 ۲. www.nihr.tums.ac.ir
 ۳. www.irnchn.ir
 ۴. www.scincedirect.com
 ۵. www.webofscience.com
 ۶. www.springer.com
 ۷. www.scopus.com
 ۸. www.elsevier.com
 ۹. www.scholar.google.com
 ۱۰. www.google.com

جدول شماره ۱: مشخصات گزارش‌های بررسی شده متعلق به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و ملی

ردیف	پژوهش/گزارش	سال	حیطه‌های مورد بررسی	سازمان/نهاد مرتبط	سطح مطالعه
۱	نظارت بر وضعیت کودکان و زنان	۲۰۰۵	زندگی سالم، آموزش، مراقبت از کودکان، ایدز	یونیسف	بین‌المللی
۲	سلامت اجتماعی ایالات	۲۰۰۸	سلامت اجتماعی	مؤسسه نوآوری در سیاست اجتماعی	ملی
۳	شاخص‌های کامیابی شهری میشیگان	۲۰۰۷	نرخ جرم، تغییر ارزش ملک، متوسط درآمد خانوار، نرخ اشتغال، تغییر شغل، نرخ فارغ‌التحصیلی، نرخ پاس کردن برنامه دسترسی زودهنگام جوانان، تغییرات جمعیتی	اداره بهداشت میشیگان	منطقه‌ای
۴	سیستم شاخص‌های سلامت شهری اروپا	۲۰۰۸	جمعیت، ترکیب خانوار، جمعیت زیر خط فقر، نرخ بیکاری، افراد بی‌خانمان، امید به زندگی، مرگ‌ومیر نوزادان، مرگ‌ومیر جنین، وزن کم هنگام تولد، توزیع سنی مادران، علل مرگ‌ومیر، بیماری‌های مزمن، شیوع بیماری‌های ایدز، سرطان سینه، دیابت، آسم و انسداد مزمن ریه، سلامت عمومی ادراک‌شده، شیوع افسردگی، پریشانی روانی، آسیب‌های ترافیکی جاده‌ای، آسیب‌ها در محیط کار، مصرف سیگار، مشروبات الکلی و حشیش، شیر دادن، مصرف میوه و سبزیجات، قد و وزن، دسترسی به فضای سبز، قرارگیری آلودگی صوتی، رطوبت داخلی منازل، PM10 در معرض واکسیناسیون جوانان، غربالگری سرطان سینه، غربالگری سرطان دهانه رحم، بیمه سلامت، برنامه‌های آموزش سلامت	دانشگاه منچستر	منطقه‌ای
۵	قلب شهری	۲۰۱۰	نتایج مراقبت‌های بهداشتی، محیط و زیرساخت‌های فیزیکی، توسعه اجتماعی و انسانی، اقتصادی، حکمرانی	سازمان جهانی بهداشت	بین‌المللی
۶	مردم سالم	۲۰۱۰	دسترسی به خدمات بهداشتی، خدمات پیشگیرانه کلینیکی، کیفیت زیست‌محیطی، جراحی و خشونت، سلامت مادر و کودک، سلامت روان، تغذیه، فعالیت بدنی و چاقی، سلامت دهان و دندان، سلامت باروری و جنسی، تعیین‌کننده‌های اجتماعی، سوء مصرف موادمخدر، دخانیات	مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها	ملی
۷	شاخص‌های حیاتی سلامت میشیگان	۲۰۱۱	نتایج سلامت، رفتارهای مرتبط با سلامت، سیستم‌های سلامت، عوامل اجتماعی-اقتصادی	اداره بهداشت میشیگان	منطقه‌ای
۸	شاخص‌های اختصاری بهداشت	۲۰۱۲	امید به زندگی و مرگ‌ومیر، مرگ‌ومیر و عوارض ناشی از آن، بیماری‌های عفونی، پوشش خدمات سلامت، عوامل خطر، سیستم‌های سلامت، هزینه‌های بهداشتی، نابرابری‌های سلامت، آمارهای جمعیت‌شناختی و اجتماعی-اقتصادی	سازمان جهانی بهداشت	بین‌المللی
۹	سلامت شهری	۲۰۱۴	سلامت، محیط‌زیست، جغرافی، اقتصاد، اجتماعی-جمعیت‌شناختی	سازمان جهانی بهداشت با همکاری دانشگاه جورجیا	بین‌المللی
۱۰	شاخص‌های وضعیت سلامت جامعه	۲۰۱۵	بیماری‌های مزمن و عفونی، ویژگی‌ها یا پیامدهای زادوولد، علل مرگ‌ومیر، بهداشت محیط، دسترسی به خدمات بهداشتی، عوامل خطر رفتاری، کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، جمعیت‌های آسیب‌پذیر، اقدام‌های خلاصه سلامت، نابرابری‌های سلامت	وزارت بهداشت و خدمات انسانی ایالات متحده آمریکا	ملی

ردیف	پژوهش/گزارش	سال	حیطه‌های مورد بررسی	سازمان/نهاد مرتبط	سطح مطالعه
۱۱	سلامت جهانی	۲۰۱۷	خطرات سلامتی (مصرف دخانیات، فشار خون بالا، چاقی)، در دسترس بودن آب پاکیزه، میانگین امید به زندگی، سوء تغذیه، علل مرگ و میر	مؤسسه بلومبرگ	ملی
۱۲	شاخص‌های بهداشت محیط	۲۰۱۸	شاخص‌های تصمیم‌پشتیبانی، شاخص‌های مرتبط با کیفیت هوا، شاخص‌های قرارگیری در معرض آلاینده‌های چندمسیره، شاخص‌های قرارگیری در معرض عوامل استرس‌زا و پیامدهای بهداشتی	آژانس حفاظت از محیط زیست ایالات متحده آمریکا	ملی
۱۳	سلامت در خیابان	۲۰۲۱	آلودگی هوا و صدا، ویژگی‌ها و استفاده از فضاها، رفاه و تعامل اجتماعی	آژانس بهداشت عمومی بارسلون	ملی
۱۴	رصد سلامت شهری استرالیا	۲۰۲۱	زیست‌پذیری، قابلیت پیاده‌روی، زیرساخت اجتماعی، حمل‌ونقل عمومی، محیط غذایی، محیط الکل، فضای باز عمومی، اشتغال محلی، مقرر به صرفه بودن مسکن	رصدخانه شهری استرالیا	ملی
۱۵	سلامت شهری	۲۰۲۱	نیازهای پایه انسان	خیریه گایز و سنت توماس	ملی
۱۶	دانشبورد شهر سالم	۲۰۲۳	شروع خوب، خانه‌ای برای همه، تغذیه مناسب، خدمات انسانی سالم، کار و خروج کردن مناسب، احساس امنیت و شمولیت، پرورش ارتباطات، زندگی فعال، یادگیری تا آخر عمر، ابراز وجود، دور زدن، محیط‌هایی برای رشد	ونکوور	ملی
۱۷	شبکه ملی شهرهای سالم	۱۳۸۹	جمعیت، وضعیت بهداشت و سلامت، خدمات و سیاست‌های بهداشت و سلامت عمومی، سبک زندگی، شرایط زندگی، محیط فیزیکی، شرایط اجتماعی و اقتصادی، نابرابری‌ها و زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	ملی
۱۸	اطلس شاخص‌های اساسی سلامت دفتر مدیریت شرقی سازمان جهانی بهداشت	از سال ۲۰۱۴ به بعد	تعیین‌کننده‌ها و عوامل خطر مؤثر بر سلامت، ارزیابی وضعیت سلامت، پاسخگویی نظام سلامت	مؤسسه ملی تحقیقات سلامت (دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران)	بین‌المللی
۱۹	حوزه سلامت جمهوری اسلامی ایران در یک نگاه	۱۳۹۵- ۱۳۹۶- ۱۴۰۰	جمعیتی، اقتصاد کلان، هزینه‌های سلامت، پیامدهای سلامتی، عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، تأمین مالی سلامت، منابع انسانی، خدمات سلامتی، پژوهش‌ها، نوآوری و فناوری	مؤسسه ملی تحقیقات سلامت (دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران)	ملی
۲۰	دیده‌بانی نظام سلامت جمهوری اسلامی ایران	۱۳۸۳ تا ۱۴۰۱	شاخص چندگانه سلامت و جمعیت در ایران، بهره‌مندی از خدمات سلامت، عوامل خطر بیماری‌های غیرواگیر، نظام مراقبت پیشگیری از رفتارها و عوامل مخاطره‌آمیز دانش‌آموزان، مصرف مواد دخانی در نوجوانان و بزرگسالان، حساب‌های ملی سلامت، هزینه-درآمد خانوار، سلامت روان	مؤسسه ملی تحقیقات سلامت (دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران)	ملی

جغرافیایی، محیط زیست، اجتماعی-جمعیت‌شناختی و اقتصادی منتشر شد. در محدوده قاره اروپا نیز دانشگاه منچستر در اولین مرحله جمع‌آوری داده‌های سیستم شاخص‌های سلامت شهری اروپا، در سال ۲۰۰۸، به بررسی شاخص‌های سلامت شهری اروپا پرداخت و در آخرین مرحله آن نیز، ضمن تکمیل این شاخص‌ها، به پایش آن در سال ۲۰۲۲ پرداخت. در این شاخص‌ها، داده‌های مربوط به ۶۰ منطقه اروپا در زمینه سلامت شهری جمع‌آوری شده است. در ایران نیز برخی از سازمان‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط موضوع سلامت شهری را سالانه رصد می‌کنند. مؤسسه ملی دیده‌بانی نظام سلامت جمهوری اسلامی ایران گزارش‌هایی را در زمینه هزینه‌های سلامت، عوامل خطر بیماری‌های واگیردار، شیوع مصرف دخانیات، فعالیت‌های بدنی و... از سال ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۱ منتشر کرده است. در راستای اجرای شهر سالم (دفتر مدیریت شرقی سازمان جهانی بهداشت) نیز اطلس‌هایی تهیه شده و می‌شود. این اطلس‌ها شاخص‌های اساسی شهر سالم را در سه دسته تعیین‌کننده‌ها و عوامل خطر مؤثر بر سلامت، ارزیابی وضعیت سلامت و پاسخگویی نظام سلامت منتشر می‌کند. پروژه برنامه شهر سالم در راستای شبکه شهرهای سالم ایران نیز از سال ۱۳۸۹ آغاز شده و تاکنون با پیوستن شهرهای سهند، جلفا، سعادت‌شهر، پاره، طرهبه، سوران، رامهرمز و مراغه ادامه یافته است.

جدول شماره (۱) مشخصات گزارش‌هایی را نشان می‌دهد که جهت استخراج شاخص‌های اجتماعی توصیف‌کننده سلامت شهری، در پژوهش حاضر بررسی شده‌اند. از این تعداد، شانزده گزارش متعلق به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و ملی خارجی و چهار گزارش متعلق به گزارش‌های ملی ایران است.

نتایج

بعد از بررسی گزارش‌های ملی و بین‌المللی انتخاب‌شده و استخراج شاخص‌های اجتماعی-ورای چگونگی صورت‌بندی شاخص‌ها در این گزارش‌ها- شاخص‌های سلامت شهری از منظر اجتماعی بازتعریف شدند. همان‌گونه که در ادامه مشاهده می‌شود، این بازتعریف در قالب زمینه‌های اصلی «پویایی‌های جمعیت، آسیب‌های اجتماعی، شمولیت، سرمایه اجتماعی، کسب‌وکار، آموزش و سبک زندگی» ارائه شده است.

پویایی‌های جمعیت: بخش اعظم پویایی‌های جمعیت، شامل آمارهای جمعیتی است که در اکثریت قریب به اتفاق مطالعه‌های مرور شده بررسی شده‌اند. این آمارها اطلاعات بنیادی و اساسی در توصیف یک شهر هستند و از آنجاکه روش‌های احصا و محاسبه آن‌ها به صورت جهانی تعریف شده است، شاخصی مفید برای مقایسه بین شهرها به شمار می‌آید. این اطلاعات اعم از نسبت‌های جنسی، مرگ‌ومیر، تولد، ازدواج و طلاق از طریق سرشماری‌ها و برآوردهای سازمان‌های ذی‌ربط و انتشار آن توسط این سازمان‌ها قابل احصاست.

آسیب‌های اجتماعی: از جمله مهم‌ترین مسائل اجتماعی شهرها، آسیب‌هایی‌اند که از منظر رویکرد آسیب اجتماعی می‌توانند تفکیک‌کننده ویژگی‌های شهر سالم از ناسالم باشند. از منظر این رویکرد، از آنجایی که جامعه دربرگیرنده افرادی است که از طریق روابط متقابل اجتماعی به یکدیگر پیوند خورده‌اند، آسیب اجتماعی به ناسازگاری همین روابط اجتماعی اشاره دارد (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۹۳: ۲۵). به عبارت دیگر، آسیب اجتماعی هر

جدول شماره (۲): شاخص‌های پویایی‌های جمعیت

زمینه اصلی	زمینه‌های فرعی	شاخص‌ها
پویایی‌های جمعیت	تولد	نرخ زادوولد
		نرخ باروری (کل/نوجوانان)
		نرخ تولد زودرس
		تعداد متولدان خارجی
	مرگ	میزان قربانیان زایمان
		مرگ‌ومیر (مادران/نوزادان/کودکان/بزرگسالان)
		مرگ‌ومیر ناشی از (جراحی یا بیماری/حوادث ترافیکی وجاده‌ای/آلودگی هوای خانه و محیط/آب آلوده/بهداشت ناکافی)
		مرگ‌ومیر استانداردشده سنی ناشی از علل اصلی مرگ
		مرگ‌ومیر قابل پیشگیری
	امید به زندگی	متوسط رشد جمعیت
		امید به زندگی (در بدو تولد/از ۶۰ سال به بالا/در زنان/در مردان)
	نسبت‌های جمعیتی	تعداد جمعیت
		جمعیت بر حسب (سن/جنس/ملیت/تحصیلات)
		جمعیت ساکن در مناطق شهری
		میانگین اندازه خانوار و درصد آن‌ها
		منشأ قومی گروه‌های جمعیتی بزرگ
		تعداد ازدواج و طلاق ثبت شده
	ازدواج و طلاق	میانگین سن ازدواج بر حسب جنسیت
		زنانی که برای اولین بار در سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند
		زنان جوان ۱۵ تا ۱۹ سال‌های که در حال حاضر متأهل هستند
		ازدواج قبل از ۱۵ یا ۱۸ سالگی
		تقاضای محقق نشده برای پیشگیری از بارداری
	تنظیم خانواده	تقاضای محقق شده برای پیشگیری از بارداری

نوع عمل فردی یا جمعی است که در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی قرار نمی‌گیرد، در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو می‌شود (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۹). در راستای گونه‌بندی آسیب‌های اجتماعی تلاش‌هایی شده و شهرنشینی ناپه‌نچار به‌عنوان یکی از عوامل گسترش حاشیه‌های فقر، اتلاف منابع و انرژی معرفی شده‌اند. در کشورهای در حال توسعه

جدول شماره (۳): شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی

زمینه اصلی	زمینه‌های فرعی	شاخص‌ها	
آسیب‌های اجتماعی	جرم و خشونت	آمار نیروی انتظامی در مورد جرم و جنایت و میزان خشونت	
		جرایم اموال	
		جرایم مرتبط با نژاد یا دین	
		خشونت خانگی علیه (کودکان/شریک جنسی یا شریک زندگی)	
		نسبت زنانی که در ۱۲ ماه گذشته مورد خشونت فیزیکی و یا جنسی قرار گرفته‌اند	
		قتل	
		شیوع ختنه/بریدن اندام تناسلی زنان	
		تعداد رابطه جنسی پرخطر در سال گذشته	
		نگرش نسبت به افراد مبتلا به ایدز	
		شیوع استفاده از کاندوم توسط بزرگسالان ۱۵ تا ۴۹ ساله در طول رابطه جنسی پرخطر	
	روابط جنسی پرخطر	استفاده از کاندوم با شرکای غیرعادی	
		تعداد موارد گزارش شده اچ آی وی	
		جمعیت ۱۵ تا ۲۴ ساله با دانش صحیح و جامع از ایدز	
		دانش جامع در مورد پیشگیری از ایدز در بین جوانان	
		تعداد کارگران جنسی	
		مردان دارای رابطه جنسی با مردان (که طی ۱۲ ماه گذشته آزمایش ایدز انجام داده‌اند و نتایج آن را می‌دانند).	
		زنان فعال جنسی دریافت‌کننده خدمات بهداشت باروری	
		خودکشی (نوجوانان/سالمندان)	
		اعتیاد	سوء مصرف موادمخدر در نوجوانان
			تعداد معتادان به موادمخدر
	تعداد معتادان تزریقی		
	کودکان آسیب‌پذیر	کودکان بی سرپرست	
		کودکان بدسرپرست	
		کودکان شاغل (درصد کودکان ۷ تا ۱۴ ساله)	
		کودکان فقیر	
		رابطه جنسی اولیه در میان کودکان یتیم و آسیب‌پذیر در اثر اچ آی وی/ایدز	
		حمایت خارجی از کودکان یتیم و آسیب‌پذیر ناشی از اچ آی وی/ایدز	
	فقر و تنگدستی	سوء تغذیه در میان کودکان یتیم و آسیب‌پذیر در اثر ایدز	
		جمعیت زیر خط فقر	
		نسبت جمعیت با درآمد کمتر از دو دلار در روز	
		تعداد خانوارهای (فقیر/کم درآمد)	
		فقر (کودکان/بزرگسالان/سالمندان)	
		نسبت فقر در خط فقر ملی/شکاف فقر در خط فقر ملی	
نسبت فقر شهری در خط فقر ملی (درصد جمعیت شهری)/شکاف فقر شهری در خط فقر ملی			
نسبت فرزندان در خانواده‌های (کم درآمد/کم درآمد مطلق)			
ناامنی شدید تا متوسط غذایی			
جمعیت آسیب‌پذیر تحت پوشش سازمان‌های مختلف			

نیز مسائلی، مانند از هم گسیختگی روابط اجتماعی، ناسالم بودن فعالیت‌های اقتصادی، عدم تعادل و توزیع درآمدها، فقدان امکانات رفاهی برای اکثر مردم به مثابه آسیب‌های تهدیدکننده زیست سالم شهروندان معرفی شده‌اند (ستوده، ۱۳۸۹: ۶۲). همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، در گزارش‌های مرور شده شاخص‌هایی که معرف آسیب‌های اجتماعی بوده‌اند در زمینه‌هایی، نظیر «جرم و خشونت، روابط جنسی پرخطر، خودکشی، اعتیاد، کودکان آسیب‌دیده و فقر و تنگدستی» گونه‌بندی و معرفی شده‌اند.

شمولیت: ارزیابی سلامت شهری بیانگر آن است که وضعیت سلامت گروه‌های مختلف مردم با یکدیگر متفاوت است و هرچه بتوان وضعیت تمامی شهروندان، متعلق به هر گروه یا دسته‌ای، را به یکدیگر نزدیک کرد به هدف تأمین سلامت شهری نزدیک‌تر خواهیم شد. با تعریف مفهوم حق به شهر توسط هنری لوفور که شهر را به مثابه یک ساختار اجتماعی تعریف کرد و اعتقاد داشت تمام شهروندان نسبت به شهر دارای حق هستند؛ بر این مسئله تأکید شد که هر انسانی صرف‌نظر از ملیت، قومیت، جنسیت و ویژگی‌های فرهنگی تنها به دلیل انسان بودن مشمول این حقوق انسانی است. در ادبیات حکمروایی خوب نیز در راستای تحقق عدالت اجتماعی یا شمول اجتماعی بر توزیع مناسب خدمات و امکانات در شهر تأکید شده است. شاخص‌هایی از این دست، به‌طور پراکنده و تحت مضامین سیستم‌های سلامت، محیط‌زیست، کیفیت محیطی، قلمرو عمومی، محیط و زیرساخت‌های فیزیکی و زیست‌پذیری در گزارش‌های مرور شده بررسی شده‌اند. در پژوهش حاضر با خوانش اجتماعی از این شاخص‌ها، آن‌ها ذیل مفهوم شمولیت بازتعریف شده‌اند. همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، «دسترسی به خدمات

بهداشتی، دسترسی به امکانات آموزشی و فرهنگی، دسترسی به خدمات و امکانات شهری، برابری جنسیتی، تنوع‌پذیری، تحرک اجتماعی و کامیابی مشترک اقتصادی» به مثابه حیطه‌های برساننده شمولیت در شهر، تأمین‌کننده بهره‌مندی از مزایای شهروندی، بدون تبعیض و به‌شیوه‌ای منصفانه، در شهری سالم خواهند بود.

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی مجموع منافع بالفعل و بالقوه‌ای است که به داشتن شبکه پایداری از روابط متقابل کم‌و بیش نهادینه‌شده ناشی از آشنایی، مورد پذیرش قرار گرفتن و شناخته‌شده بودن مربوط است (پیران، ۱۳۹۲: ۵۹). سرمایه اجتماعی نهادها، روابط و ارزش‌هایی را در بر می‌گیرد که بر کنش و واکنش بین مردم حاکم است و در توسعه اقتصادی و اجتماعی سهم عمده دارد. این سرمایه از یک منظر، جمع ساده نهادهایی که جامعه را در بر گیرند نیست، بلکه پیوندهای نهادها، یادشده است و از منظر دیگر دربرگیرنده ارزش‌ها و هنجارهای مشترک لازم برای رفتار اجتماعی است که روابط مشخص افراد در اعتماد به هم و درک مشترک مسئولیت‌های مدنی منعکس شده است، امری که جامعه را چیزی فراتر از یک جمع می‌سازد (پیران و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶). سرمایه اجتماعی با ایجاد احساس اعتماد، امید به زندگی، مشارکت‌پذیری، تسهیل‌کنندگی جمعی، اعتماد متقابل، همدردی مشترک و به‌طور کلی تسهیل‌کنش همگرایانه به سلامت به‌عنوان یکی از شقوق توسعه پایدار کمک می‌کند. به همین دلیل، در سال‌های اخیر افزایش سرمایه اجتماعی را یکی از راهکارهای ارتقای سرمایه سلامت به شمار می‌آورند (قیاسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷-۱۱۶). سرمایه اجتماعی موضوعی کلان است که به‌مثابه چتری مفهومی قابلیت در بر گرفتن

جدول شماره (۳): شاخص‌های شمولیت

زمینه اصلی	زمینه‌های فرعی	شاخص‌ها
شمولیت	دسترسی به خدمات بهداشتی	پوشش بیمه سلامت و درمان
		نرخ پوشش مراقبت‌های دوران بارداری/پس از زایمان
		دسترسی به مراکز بهداشتی عمومی
		دسترسی به تخت بیمارستانی
		دسترسی به مراقبت‌های سلامتی باکیفیت
		دسترسی به خدمات سلامتی اورژانسی
		دسترسی به پزشک خانواده یا ارائه‌دهنده مراقبت‌های بهداشتی اولیه
	دسترسی به امکانات آموزشی و فرهنگی	محرومیت از آموزش
		سال‌های مورد انتظار برای تحصیل
		دسترسی به آموزش باکیفیت
		دستیابی به امکانات آموزشی
		امکان انتخاب مدرسه
		دسترسی به مدارس دولتی
		دسترسی به دانشگاه‌های باکیفیت
	در دسترس بودن کتابخانه، سینما، باشگاه، تئاتر، رویدادهای ورزشی، گالری‌های هنری، موزه‌ها و نمایشگاه‌ها	
	دسترسی به خدمات و امکانات شهری	دسترسی به مرکز محله
		امکان بهره‌مندی از خانه‌های دولتی یا محلی
		دسترسی به فضای عمومی بیرون از خانه
		حق داشتن مسکن مناسب/دسترسی برابر به زمین
		دسترسی به فضای سبز
		دسترسی به امکانات تفریحی
		دسترسی به پارک‌های محله‌ای
		دسترسی به سیستم حمل‌ونقل عمومی/تعداد وسایل نقلیه به ازای ۱۰۰۰ نفر
		دسترسی به برق شهری
		دسترسی به سوخت و فناوری پاک برای پخت‌وپز
		دسترسی به آب آشامیدنی سالم و فاضلاب شهری
		امکان پیاده‌روی
		دسترسی به خدمات خرده‌فروشی
		دسترسی به غذای مقرون‌به‌صرفه و باکیفیت
		دسترسی به مراکز ارائه مواد غذایی
		دسترسی به حمام و سرویس بهداشتی شخصی
		دسترسی به سرویس بهداشتی عمومی
		بهره‌مندی از سیستم جمع‌آوری زباله جامد
تعداد کاربران اینترنت		
متوسط سرعت دانلود		
بهره‌مندی از اینترنت پرسرعت		
تعداد کاربران تلفن همراه		

زمینه اصلی	زمینه‌های فرعی	شاخص‌ها
شمولیت	برابری جنسیتی	نسبت دختران به پسران (در تحصیلات ابتدایی/در تحصیلات متوسطه)
		سهم زنان از (استخدام در مدیریت ارشد و میانی/اشتغال/تحصیلات عالی)
		نرخ نیروی کار زن به مرد
		تأمین حق مالکیت زنان
		توزیع قدرت بین گرایش‌های جنسی
	تنوع‌پذیری	تبعیض و خشونت علیه اقلیت‌ها
		توزیع خدمات عمومی بین اقشار جامعه
		سهم اقلیت‌ها از مشاغل
		آزادی (ادیان/تجمع مسالمت‌آمیز/بیان)
		تحرك مسکونی
	تحرك اجتماعی	حضور گروه‌های کم‌برخوردار در پست‌های مدیریتی یا حرفه‌ای
		افزایش فرصت‌های شغلی با کیفیت بالا برای ساکنان محلی
		نابرابری درآمد
	کامیابی مشترک اقتصادی	میانگین مصرف/درآمد سرانه
		درآمد سرانه ناخالص ملی
		ضریب جینی
		دسترسی برابر به اعتبارات بانکی
		دسترسی به تأمین مالی مسکن
		دسترسی به بانک یا مؤسسات اعتباری

جدول شماره (۵): شاخص‌های سرمایه اجتماعی

زمینه اصلی	زمینه‌های فرعی	شاخص‌ها
سرمایه اجتماعی	مشارکت	حضور رأی‌دهندگان در انتخابات شهرداری‌ها
		تشویق و حمایت مشارکت و تعهد محلی
		افزایش مشارکت مدنی، اجتماعی و محله‌ای
		نرخ‌های رأی شهروندان
		انجام فعالیت‌های داوطلبی
		حضور در جلسات عمومی
		افرادی که در فعالیت‌های مربوط به حوزه عمومی شرکت می‌کنند.
		مشارکت گروه‌های اجتماعی
	اعتماد	نسبت افرادی که در صورت داشتن مشکل جدی همسر، خانواده یا دوستی دارند که می‌توانند به آنها اعتماد کنند.
		نسبت افرادی که به همسایگان خود اعتماد دارند.
		حصول اطمینان از حکمرانی شفاف، پاسخگو و کارآمد در شهرها
	انسجام	خانواده‌های دارای کودک
		و افراد سالمندی که به تنهایی زندگی می‌کنند
		به‌کارگیری شورای شهر
		واگذاری بودجه برای خدمات شهری و کار با محلات
		انجام طرح‌های توسعه اجتماعی

جدول شماره (۶): شاخص‌های کسب‌وکار

زمینه اصلی	زمینه‌های فرعی	شاخص‌ها	
کسب‌وکار	درآمد	میانگین دستمزد	
		متوسط درآمد خانوار	
		درصد داوطلب بدون حقوق (بیش از ۱۵ سال)	
	اشتغال	نرخ نیروی کار در بخش‌های مختلف	
		تراکم و میزان اشتغال	
		الگوهای استخدام	
		نرخ بیکاری/نرخ بیکاری جوانان/بیکاری بلندمدت (بیش از سه ماه)	
		درصد نیروی غیرکاری	
		درصد مدیران و شاغلان حرفه‌ای	
		درصد شاغلان در اولین و دومین بخش تک‌اشتغالی	
		نرخ تغییر شغل	

خواهد گذاشت. شاخص‌های مربوط به سنجش مضامین مذکور در اکثریت قریب به اتفاق گزارش‌های مرور شده بررسی شده است. به مثابه شاخص‌های پویایی جمعیت، می‌توان با بهره‌گیری از آمارها و گزارش‌های سازمان‌های ذی‌ربط با سهولت بیشتری به تحلیل این شاخص‌ها و مقایسه وضعیت شهرها در این زمینه پرداخت.

آموزش

آموزش پدیده‌ای است که آشکار یا نهان در تمام ارکان و نهادهای اجتماعی جای دارد، از راه تأثیرات متقابل در کل نظام اجتماعی نفوذ می‌کند و متضمن ترکیبی از روابط و کنش‌های اجتماعی است. سرمایه‌گذاری شهرها در آموزش و تربیت انسان‌هایی با دانش و متصف به ویژگی‌های عمل‌گرایی، مهارت‌گرایی، تغییرپذیری، نگرش سیستمی، پژوهشگری، خودنظارتی و منعطف توسعه‌رادر تمامی ابعاد گسترش خواهد داد و نیروهای انسانی را به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل توسعه شهر سالم توانمند خواهد ساخت. شاخص‌های مربوط به مباحث آموزش و پرورش در اکثریت قریب به اتفاق گزارش‌های مرور شده، در راستای سنجش سلامت شهری، بررسی

بسیاری از مفاهیم اجتماعی را دارد و می‌توان ردپای آن را در اکثر گزارش‌های مرور شده مشاهده کرد، اما به‌طور مشخص گزارش‌های محدودی به این شاخص‌ها پرداخته‌اند که همان‌گونه که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود، پس از تجمیع در قالب مشارکت، اعتماد و انسجام به‌عنوان مضامین برساننده سرمایه اجتماعی در شهری سالم بازتعریف شده‌اند.

کسب‌وکار

بدون شک در بین عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، وضعیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل به‌شمار می‌رود. اشتغال و به‌دنبال آن کسب درآمد علاوه بر اثرگذاری بر سلامت روان و تعریف منزلت اجتماعی افراد، بر تمامی ابعاد زندگی فرد تأثیر خواهد گذاشت. به عبارت دیگر، اشتغال نه تنها با تجربه و دانش آمیخته است، بلکه به‌صورت یک امر فرهنگی و ارزشی جلوه‌گر شده و بدین‌سان بین اندیشه، کار و روابط اجتماعی پیوندی ناگسستنی پدید آمده است (توسلی، ۱۳۸۹). اشتغال و درآمد بر محل زندگی، تغذیه، فعالیت‌های روزانه، اوقات فراغت، روابط خانوادگی و دوستانه یک شهروند در شهر تأثیر غیرقابل انکاری

جدول شماره (۷): شاخص‌های آموزش

زمینه اصلی	زمینه‌های فرعی	شاخص‌ها
آموزش	دانش پایه	نرخ باسوادی (مردان/زنان/در میان بزرگسالان بالای ۱۵ سال)
		تعداد مهدکودک (دارای مجوز/در حاشیه شهرها)
		تعداد کودکان بازمانده از تحصیل
		نرخ ثبت‌نام خالص در مقطع ابتدایی
		نرخ خالص حضور در مدرسه ابتدایی
		تعداد کودکان با غیبت مداوم از مدرسه
		نرخ خالص کودکانی که به کلاس پنجم می‌رسند
	دانش متوسطه	نرخ انتقال به دبیرستان
		نرخ ثبت‌نام در مقطع متوسطه
		نرخ خالص حضور در مدرسه متوسطه
		میزان افراد با تحصیلات متوسطه (۲۵ سال و بیشتر)
		دانش‌آموزانی که چهار سال پس از شروع کلاس نهم، از دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شوند.
		درصد جمعیتی که سال ۱۲ یا معادل آن را تکمیل کرده‌اند.
		نرخ پاس کردن برنامه درسی
	دانش عالی	درصد جمعیت با مدرک تحصیلی عالی
		حضور در آموزش عالی
		میزان حضور دانش‌آموزان مدارس دولتی در آموزش عالی
		سال‌های مورد انتظار در تحصیلات عالی
		هزینه تحقیق و توسعه از درصد تولید ناخالص داخلی
		درخواست‌های ثبت اختراع
		سهم/سرنانه سرمایه انسانی
مداوم	شرکت‌کنندگان در برنامه‌های کتابخانه	

شده‌اند. این شاخص‌ها در جدول شماره (۷) با توجه به مراحل و سطح آموزش در قالب دانش پایه، متوسطه، عالی و مداوم بازتعریف شده‌اند. شایان ذکر است، با توجه به ماهیت شاخص‌های مذکور، همانند شاخص‌های پویایی جمعیت و کسب‌وکار، می‌توان با بهره‌گیری از آمارها و گزارش‌های سازمان‌های ذی‌ربط به جمع‌آوری و تحلیل آن‌ها پرداخت.

سبک زندگی

سازمان جهانی بهداشت (۱۹۹۸) سبک زندگی سالم را ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی می‌داند که در جهت دستیابی به حالت رفاه

جدول شماره ۸: شاخص‌های سبک زندگی

زمینه اصلی	زمینه‌های فرعی	شاخص‌ها
سبک زندگی	فعالیت بدنی	فعالیت‌های بدنی
		بزرگ‌سالانی که بیش از ۱۵۰ دقیقه در هفته ورزش می‌کنند.
		بزرگ‌سالانی که فعالیت بدنی هوازی همراه با تقویت عضلات انجام می‌دهند.
		نسبت سفرهای شهری کمتر از ۵ مایل که پیاده یا با دوچرخه انجام می‌شود.
	استعمال دخانیات و الکل	استعمال دخانیات توسط (بزرگ‌سالان/نوجوانان)
		کودکان در معرض دود سیگار
		شیوع مصرف سیگار و الکل در بزرگ‌سالان بالای ۱۸ سال
		مصرف الکل
		نوجوانانی که در ۳۰ روز گذشته از الکل یا موادمخدر استفاده کرده‌اند
		زیاده‌روی بزرگ‌سالان در مصرف الکل در ماه گذشته
		مصرف حشیش
	رژیم غذایی	شیرخوارانی که در شش ماه اول زندگی از شیر مادر تغذیه می‌کنند.
		مادران پس از A میانگین مصرف (روزانه میوه و سبزیجات/نمک پیدار/مکمل ویتامین زایمان)
		اضافه‌وزن و چاقی در (کودکان/نوجوانان/بزرگ‌سالان)
	زیست جنسی	سن اولین رابطه جنسی در بین جوانان
		اختلاف سنی در بین شرکای جنسی
		چندهمسری
		اختلاف سنی با همسر

رویکرد شهر سالم نیز با توجه به تلاش‌ها در راستای شناسایی نابرابری و بی‌عدالتی‌های موجود در سلامت و بهداشت، همچنین تمرکز بر فقر شهری و نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر، به‌شکل غیرقابل انکاری بر وجوه اجتماعی سلامت شهری و تأثیر آن بر زندگی شهروندان تأکید شده است. بر مبنای این جهت‌گیری، توسعه اقتصادی، آزادی، حقوق شهروندی، ثبات زیست‌محیطی، مشارکت جامعه و حکمروایی خوب مضامین برساننده سلامت شهری است و توصیف و بررسی صرف بیماری‌ها حاشیه‌ای است بر متن این مسائل؛ حاشیه‌ای که حتی در گزارش‌های ملی و بین‌المللی نیز به متن تبدیل شده است. به عبارت دیگر، اگرچه در سطح جهانی بر این موضوع تأکید می‌شود که سلامت به‌عنوان هدفی مهم، با عدالت در

دخانیات و الکل، رژیم غذایی و زیست جنسی» صورت‌بندی کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ملاحظه کردید، اهمیت بررسی مسائل اجتماعی در مطالعه‌های سلامت با تعریف سازمان جهانی بهداشت از سال ۱۹۴۷ برجسته شده است. در این تعریف، سلامت حالت رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی و نه فقط نداشتن بیماری یا ناتوانی است و متضمن کلیه عوامل مؤثر رشد جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی به‌صورت فردی و اجتماعی است. بر مبنای این تعریف، سلامتی معادل بهره‌مندی از زندگی مولد و خلاق است و به‌جای بررسی و طبقه‌بندی بیماری‌ها باید بر وضعیت و شرایط زندگی، که سلامتی را به ارمغان می‌آورد، متمرکز بود. در

دسترسی به خدمات و مراقبت‌های بهداشتی، توجه به نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم و انجام اقدام‌های مبتنی بر نیازهای مردمی تحقق خواهد یافت، اما مرور گزارش‌های ملی و بین‌المللی حاکی از آن است که به غیر از بررسی موضوعات جمعیتی، آموزش، کسب‌وکار و دسترسی به خدمات بهداشتی و سلامت، همچنان تأکیدشان بر رصد و پایش مراقبت‌های بهداشتی و بیماری‌هاست.

مرور گزارش‌ها در پژوهش حاضر، حاکی از آن است که تلاش‌های ایران همگام با پوشش‌های بین‌المللی سازمان جهانی بهداشت، به‌خصوص در راستای اجرای برنامه شهر سالم از سال ۱۹۹۰، اقدامی برجسته از همراهی با دغدغه جهانی حفظ و ارتقای سلامت در شهرها بوده است. تلاشی که می‌توان ادعا کرد جامع‌ترین شاخص‌های سنجش سلامت شهری را معرفی می‌کند و بستر پیوستن شهرهای ایران به شبکه شهرهای سالم را فراهم کرده است، به‌گونه‌ای که تاکنون به ثبت برخی از شهرها و تلاش آن‌ها در راستای اخذ گواهی از سازمان جهانی بهداشت منجر شده است. علی‌رغم جامعیت این شاخص‌ها، احصای تمامی آن‌ها به‌شکل یکسان در تمامی شهرها سخت و غیرممکن به نظر می‌رسد و موضوعی است که مورد تأکید سازمان جهانی بهداشت است و به‌درستی نیز در پروفایل پیشنهادی شهر سالم نیز بر آن تأکید شده است. در همین راستا و به استناد سند سازمان جهانی بهداشت (۲۰۱۴) می‌توان ادعا کرد که ساخت ابزار سنجش شاخص‌های سلامت شهری، باید متناسب با زمینه و میدان مشخص و با استفاده از معیارهایی، نظیر «اجماع، تناسب، حساسیت نسبت به تفاوت‌ها و

شفافیت مشخصات» انجام شود.

معیار حساسیت نسبت به تفاوت‌ها به اصل زمینه‌محوری پایبند است و شاخص‌ها را متناسب با ویژگی‌های آن شهر بررسی می‌کند. به این معنا که ضرورت یا عدم ضرورت یک شاخص برای سنجش سلامت شهری یک شهر به تفاوت‌های آن شهر با شهرهای دیگر بازمی‌گردد. مسلماً شهرها از لحاظ جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی و بهداشتی متفاوت‌اند و بنابراین، به‌کارگیری شاخص‌ها و الگوهای یکسان برای احصای داده‌ها، مخصوصاً در زمینه‌های اجتماعی، نه‌تنها فایده ندارد، بلکه از لحاظ دیدگاه‌های نظری، مانند جنبش اجتماعی سلامت نیز کار صحیحی نیست. زیرا براساس چرخش‌های نظری اخیر در علوم اجتماعی قید اجتماعی بر هر پدیده‌ای لاجرم با انعطاف‌پذیری، نسبی بودن آن پدیده، کشف و شناسایی منحصر به فرد پدیده، توجه به معانی، دیدگاه‌ها و ادراکات حول آن پدیده، ادراک زمینه و ادراک فرایند همراه خواهد بود.

همان‌گونه که در توضیح هر بخش بر زمینه‌های اجتماعی سنجش سلامت شهری تأکید کردیم، شاخص‌هایی، نظیر بویایی‌های جمعیت و آموزش و کسب‌وکار، که برای توضیح آن می‌توان از داده‌های ثبتی بهره برد و یا به دلیل آنکه روش‌های احصا و محاسبه آن‌ها به‌صورت کمی و جهانی تعریف شده است، تا حدود قابل قبولی می‌توانند از الگوی یکسان پیروی کنند. این نتایج حتی می‌تواند با پیروی از تعاریف استاندارد جهانی، مبنایی برای مقایسه شهرها با ویژگی‌های زمینه‌ای متفاوت باشند. اما در مورد سایر شاخص‌های اجتماعی، که در این پژوهش در زمینه‌های آسیب اجتماعی، شمولیت، سبک زندگی و مخصوصاً سرمایه اجتماعی بازتعریف شد، باید محتاط‌تر و به شیوه زمینه‌محور

۱. تاکنون ده شهر سعادت‌شهر، پاوه، طرهبه، نور، سوران، آران و بیدگل، رامهرمز، مراغه، جلفا و سهند در پروفایل شبکه ملی شهرهای سالم ثبت شده‌اند.

عمل کرد. بررسی مضامین مذکور متضمن در نظر گرفتن همه‌جانبه معیارهای اجماع، رعایت تناسب و حساسیت به تفاوت‌ها (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۴) است. براساس معیار اجماع، باید شاخص‌هایی برای سنجش انتخاب شوند که بیشترین اجماع را از سوی پژوهشگران دارند. براساس معیار رعایت تناسب، باید ارتباط روشن و منطقی شاخص‌های مورد اجماع با اهداف و زمینه‌های تعریف‌شده برای رصد سلامت شهری در شهر مورد نظر مشخص شود. در تکمله معیار رعایت تناسب، معیار حساسیت به تفاوت‌ها مطرح شده است. براساس این دو معیار، شاخص‌های اجتماعی‌ای که بیشترین تناسب را جهت بازنمایی وضعیت سلامت شهری در یک شهر دارند انتخاب و بقیه شاخص‌ها حذف می‌شوند. بدین معنا که باید بر انتخاب و اولویت‌بخشی به مطالعه برخی از شاخص‌ها در هر شهری، متناسب با ویژگی‌های خاص آن توجه ویژه کرد. به عبارت دیگر، انتخاب و بررسی یا عدم بررسی یک شاخص برای سنجش سلامت شهری یک شهر به تفاوت‌های آن شهر با شهرهای دیگر بازمی‌گردد. توجه به این دو معیار کمک خواهد کرد ضمن تمرکز بر مسائل مبتلابه و مختص یک شهر، به‌طور ویژه بر مرتفع کردن مسائل اولویت‌داری که تهدیدکننده سلامت آن شهرند، تمرکز شود.

منابع

۱. پیران، پرویز (۱۳۹۲)، مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی، تهران: نشر علم.
۲. پیران، پرویز، موسوی، میرطاهر و شیبانی، ملیحه (۱۳۸۵)، «کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی با تأکید بر شرایط ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۹-۴۴ (۲۳).
۳. توسلی، علام‌عباس (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: انتشارات سمت.

۴. حسینی گرکانی، الهام و آگاه هریس، مژگان (۱۴۰۱)، «پیش‌بینی سبک زندگی سلامت‌محور براساس سخت‌روی روان‌شناختی با نقش میانجی تکانش‌گری در زنان ورزشکار»، مطالعات روان‌شناسی ورزشی، ۲۲۳-۲۴۲ (۴۲) ۱۱.
۵. خلیل‌آبادی، حسن (۱۳۹۲)، برنامه‌ریزی سلامت شهری، تهران: انتشارات دیبای دانش.
۶. رابینگن، ارل، واینبرگ، مارتین (۱۳۹۳)، رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آوای نور.
۸. شبکه ملی شهرهای سالم (۱۳۸۹)، پروفایل شهرهای سالم: <https://irnchn.ir/cities> (دسترسی در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۴۰۱).
۹. قیاسی، مجتبی، سرلک، احمد و غفاری، هادی (۱۳۹۸)، تأثیر متقابل سرمایه اجتماعی و سلامت در استان‌های کشور، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱۵-۱۳۰ (۳۱) ۹.
۱۰. معمار، ثریا (۱۳۹۴)، توسعه پایدار محله‌ای، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۱. مؤسسه ملی تحقیقات سلامت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶)، دیده‌بانی نظام سلامت جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. مؤسسه ملی تحقیقات سلامت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰)، حوزه سلامت جمهوری اسلامی ایران در یک نگاه.
۱۳. نظم‌فر، حسن، عشقی چهاربرج، علی، علوی، سعیده، عشقی، ثریا (۱۳۹۷)، «تحلیل فضایی شاخص‌های شهر سالم در سکونتگاه‌های شهری (مطالعه موردی: استان اردبیل)»، علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره بیستم، شماره چهار، صص ۲۸۲-۲۸۸.
14. Australian Urban Observatory (2021): <https://auo.org.au/>. (Accessed December 21, 2022)
15. Barton, H., Tsourou, C, (2000). Healthy urban planning, Spon press.
16. Bloomberg (2017). World health: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-02-24/spain-tops-italy-as-world-s-healthiest-nation-while-u-s-slips> (Accessed April 4, 2023)
17. Center for Disease Control and Prevention

- 2944_5327_47055—,00.html, 2011/ (Accessed November 6, 2023)
29. Public Health Agency of Barcelona (2021). Methodological guide. Slut als Carres (Health in the streets).
30. Tarkington, A., Denotti, A., Parker, R., Krylova, P. (2021) Urban Health Index methodology. Impact on Urban Health. London, U.K.
31. The University of Manchester (2008). European Urban Health Indicators: <http://www.urhis.eu/euro-urhis1/>(Accessed July 9, 2023).
32. United Nations Children’s Fund (2005). Monitoring the situation of children and women.
33. United Nations. (2019) World Urbanization Prospects: The 2018 Revision. Department of Economic and Social Affairs, Population Division, New York.
34. University of Cambridge (2022). Portfolio of Metrics and Methods for Urban Health. (CAMB)
35. United States Environmental Protection Agency (2018). Environmental public health indicators (EPHI) research impact report.
36. United States Department of Health and Human Services (2015). <https://www.hhs.gov/> (Accessed March 25, 2023)
37. World Health Organisation. (1986). The Ottawa charter for health promotion. World Health Organisation (WHO). <https://www.who.int/teams/health-promotion/enhanced-well-being/first-global-conference/> (Accessed December 3, 2022)
38. World Health Organization. (2010). Urban HEART: urban health equity assessment and response tool. , The WHO Centre for Health Development, Kobe.
39. World Health Organization. (2012). World health statistics 2012: a wealth of information on global (2015). Leading health indicators at a glance: https://www.cdc.gov/nchs/healthy_people/hp2010/hp2010_indicators.htm/ (Accessed November 6, 2023)
18. City of Vancouver (2023). Healthy City Dashboard: <https://opendata.vancouver.ca/pages/healthy-city-dashboard/> (Accessed April 4, 2023)
19. Grover, A., & Singh, R. B. (2020). Urban health and wellbeing. Springer
20. Humphreys, J. & Solarsh ,G.(2017).Population at special health risk : rural populations . Inter Encyclopedia of public health , 8: 599-608.
21. Institute for Innovation in Social Policy (2008). The Social Health of the States 2008.
22. Jacobs, J. (1961). The death and life of Great American Cities. Random House.
23. Kim, J., de Leeuw, E., Harris-Roxas, B., & Sainsbury, P. (2022). Four urban health paradigms: The search for coherence. *Cities*, 103-128.
24. Kim, J., de Leeuw, E., Harris-Roxas, B., & Sainsbury, P. (2020). The three paradigms on urban health. *European Journal of Public Health*, 30(Supplement_5), ckaa166-155.
25. Kim, J., Harris-Roxas, B., de Leeuw, E., Lilley, D., Crimeen, A., & Sainsbury, P. (2021). Protocol for a meta-narrative review on research paradigms addressing the urban built environment and human health. *Systematic Reviews*, 10(1), 1-9.
26. Leeuw, V. Simos, J. (2017). *Healthy Cities The Theory, Policy, and Practice of Value-Based Urban Planning*, Springer.
27. Maller, C. (2018). *Healthy urban environments: More-than-human theories*. Routledge.
28. Michigan department of community health (2011). Michigan critical health indicators: [شماره ۲۷، تابستان ۱۴۰۲](http://www.michigan.gov/mdch/0,4612,7-132-</p>
</div>
<div data-bbox=)

public health(No. WHO/HIS/HSI/13.1). World Health Organization.

40. World Health Organization. (2012). Health Compendium Indicators.

41. World Health Organization. Healthy cities. <https://www.who.int/southeastasia/activities/healthy-cities>. (Accessed December 1, 2022)

42. World Health Organization (2014). The urban health index: a handbook for its calculation and use. World Health Organization.

43. Wuerzer, T. (2014). Urban Health. In: Michalos, A.C. (eds) Encyclopedia of Quality of Life and Well-Being Research. Springer, Dordrecht. https://doi.org/10.1007/978-94-007-0753-5_3127

ارزیابی و تحلیل سطح توسعه‌یافتگی کاربری اراضی شهری در منطقه پانزده شهر اصفهان از دیدگاه شهر سالم

فرشاد طهماسبی زاده^۱

مربی گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

شیوا بنیادی

کارشناس مهندسی شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

سعادت قلی پور

مسئول شهرسازی و توسعه شهری شهرداری کوث عبدالله، خوزستان، ایران.

نازنین محمدیان

کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۴۷ - ۷۳

چکیده

کاربری اراضی شهری، هسته اصلی برنامه‌ریزی شهری و محور توسعه پایدار شهر است. ارزیابی و تحلیل کاربری‌های شهری، براساس الگوها و استانداردهای بهینه زیست در جوامع شهری ضرورتی انکارناپذیر است. هدف از این پژوهش ارزیابی و تحلیل کمی سطح توسعه کاربری اراضی وضع موجود در منطقه پانزده شهر اصفهان از دیدگاه شهر سالم است. منطقه پانزده اصفهان در سال ۱۳۹۲ به شهر اصفهان الحاق شد و از نظر توسعه کاربری اراضی با سایر مناطق شهر متفاوت است. از نظر روش‌شناسی براساس ماهیت هدف، این پژوهش از نوع کاربردی و براساس ماهیت روش از نوع توصیفی-موردی و تحلیلی است. در گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و پرسش‌نامه، در تجزیه و تحلیل داده‌ها از استانداردهای شهر سالم و مدل ضریب مکانی شاخص (LQ) و آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت توسعه‌یافتگی کاربری‌های خدمات تجاری، آموزشی، بهداشتی و درمانی، پارک و فضای سبز، ورزشی، فرهنگی، مذهبی و... در منطقه پانزده شهر اصفهان در مقایسه با سرانه‌های شهر سالم، سرانه‌های استاندارد شورای عالی شهرسازی و معماری، سرانه‌های پیشنهادی طرح بازنگری طرح تفصیلی شهر اصفهان و سرانه‌های وضعیت موجود کل شهر اصفهان نامطلوب و نامناسب است. همچنین تحلیل آزمون تی نشان داده است که وضعیت دسترسی به شاخص‌های شهر سالم از دیدگاه شهروندان نیز نامطلوب است. این نتایج نشان می‌دهد که منطقه پانزده اصفهان نیازمند ارتقای شاخص‌های توسعه در زمینه نیازهای اساسی زندگی شهری در کاربری اراضی است.

واژگان کلیدی: کاربری اراضی، شهر سالم، مدل ضریب مکانی، منطقه پانزده اصفهان.

۱. نویسنده مسئول: farshad.tahmasebzade@gmail.com

یک شهر نشان می‌دهد و استفاده از روش‌های کمی، آمار و مدل‌ها در این امر به برنامه‌ریزان کمک می‌کند (پورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱). بر این اساس این پژوهش راهنمای مناسبی برای مدیریت شهری در جهت نیل به الگوی بهینه کاربری اراضی شهری است.

تا قبل از سال ۱۳۹۲ خوراسگان شهری مستقل بوده است، اما از آن سال به بعد با پیوستن به شهر اصفهان «منطقه پانزده شهر اصفهان» نامیده شد. به دلیل تحولات کالبدی و اجتماعی در اثر رشد جمعیت و ساخت‌وسازهای شهری به نظر می‌رسد که کاربری‌های موجود در منطقه پانزده شهر اصفهان با سرانه‌های مطلوب شهر سالم و سایر استانداردهای موجود در شهرسازی ایران انطباق نداشته باشد. بنابراین، ارزیابی کاربری اراضی این منطقه به‌عنوان پهنه‌ای از کلان‌شهر اصفهان واجد ارزش و ضرورت است. این مطالعه بر آن است تا کاربری اراضی وضع موجود در منطقه پانزده شهر اصفهان را با فرض مطلوب بودن سرانه‌های موجود نسبت به سرانه‌های میانگین شهر، سرانه‌های شهر سالم و سرانه‌های استاندارد کشوری بررسی کند.

طرح مسئله

پژوهش‌های مربوط به ساخت شهرها در دهه‌های پیش نشان می‌دهد که بدون برنامه‌ریزی کاربری زمین، نمی‌توان به الگوی بهینه زندگی در شهرها دست یافت. به دنبال بروز مسائل و مشکلات شهری در دهه‌های پیش، مطالعات کاربری اراضی، که از جنبه‌های اصلی ساخت شهر است، از جایگاه ویژه‌ای در نظام برنامه‌ریزی شهری برخوردار شده است (زیاری، ۱۳۸۹: ۱۵). شهرنشینی و گسترش بی‌رویه شهرها، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، معضلات و چالش‌های عمده‌ای را در عرصه برنامه‌ریزی شهری ایجاد کرده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به

کاربری زمین جنبه‌های فضایی همه فعالیت‌های انسان روی کره زمین برای رفع نیازهای مادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد (Wiley, 1957: 77). به عبارتی، مفهوم کاربری اراضی به معنای به‌کارگیری زمین برای اهداف مخصوص توسط انسان است (Turner and Mayer, 1994: 1). موضوع زمین و چگونگی استفاده از آن، بستر اصلی برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود (سرور و نادری‌فر، ۱۳۸۵: ۱). برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری ابزاری برای دستیابی به اهداف کلان اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در یک شهر است که نه تنها آثار بسیاری بر سرمایه‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های عمومی دارد، بلکه نقش مهمی در میزان رشد شهری، کیفیت محیط کالبدی و توسعه شهر دارد (سعیدنیا، ۱۳۸۷: ۱۳). توسعه شهرنشینی و گسترش شهرها به تغییرات اساسی در کاربری اراضی شهری منجر شده است. ارزیابی و تحلیل سطح توسعه‌یافتگی کاربری اراضی شهری به منظور دستیابی به الگوی مطلوب توسعه شهری از اهمیت بسزایی برخوردار است (Smith, 2010). مفهوم «شهر سالم» به‌عنوان رویکردی نوین در برنامه‌ریزی شهری، به پایداری و کیفیت محیط زندگی شهروندان توجه ویژه‌ای دارد (Williams, 2020).

امروزه با توجه به توسعه روزافزون شهرها و عدم تعادل در پراکنش کاربری‌ها، ارزیابی و تحلیل وضعیت کاربری اراضی شهری براساس استانداردها و معیارهای دیدگاه شهر سالم از اهمیت برخوردار است. در این مقاله، سطح توسعه‌یافتگی کاربری اراضی منطقه پانزده شهر اصفهان با استفاده از دیدگاه شهر سالم ارزیابی و تحلیل می‌شود. استفاده از روش‌های مقایسه‌ای، توازن و پراکنش استاندارد و بهینه کاربری‌ها را در سطح

ناپایداری کاربری اراضی شهری، عدم تعادل در توزیع کاربری‌های مختلف، کاهش سرانه فضای سبز و باز شهری، افت کیفیت محیط زندگی شهروندان، آلودگی‌های زیست‌محیطی و افزایش هزینه‌های زیرساختی اشاره کرد (Hall and Pfeiffer, 2013; UN-Habitat, 2016). رویکرد شهر سالم با تأکید بر پایداری، عدالت اجتماعی و کیفیت محیط زندگی، تلاش می‌کند تا این چالش‌ها را مدیریت کند (Jennings et al., 2017). در این راستا، ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی کاربری اراضی شهری براساس شاخص‌های شهر سالم، ابزار مناسبی برای شناسایی معضلات کاربری اراضی و ارائه راهکارهای مدیریت شهری پایدار است.

در دهه‌های گذشته، رشد شتابان جمعیت و شهرنشینی در ایران رونق یافت. این رشد و گسترش شهرها، بدون برنامه‌ریزی کافی یا ضعف در اجرای طرح‌های توسعه شهری به وجود آمد. بنابراین، کاربری زمین در شهرها به صورت منطقی و منسجم صورت نگرفت. منطقه پانزده شهر اصفهان نیز از این وضعیت مستثنا نبوده است. به نظر می‌رسد که کاربری‌های اراضی فعلی در این منطقه نسبت به استانداردهای کشوری، منطقه‌ای و مفهوم «شهر سالم» در موقعیت مناسبی قرار ندارند. بنابراین، سؤالاتی که در ادامه آمده است، کارساز و مهم است:

سرانه‌های استاندارد کاربری اراضی در شهر چگونه است؟
- کاربری اراضی موجود در منطقه پانزده شهر اصفهان نسبت به سرانه‌های شهر سالم در چه وضعیتی قرار گرفته است؟

- کاربری اراضی وضع موجود در منطقه پانزده نسبت به سرانه‌های استاندارد مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری و سرانه‌های موجود در کل شهر اصفهان در

چه وضعیتی قرار دارد؟

همچنین با توجه به اینکه منطقه پانزده شهر اصفهان تا قبل از سال ۹۲ به‌عنوان شهری جداگانه شناخته می‌شد و ساختار مدیریتی خاص خود را داشت و بعد از سال ۹۲ به شهر اصفهان الحاق شد، شناخت وضعیت توسعه‌یافتگی به‌عنوان مسئله، پژوهشگران را بر آن داشت تا این موضوع بررسی کنند. بنابراین، هدف پژوهش آن است تا وضعیت موجود کاربری اراضی در منطقه پانزده شهر اصفهان را نسبت به استانداردها، براساس دیدگاه شهر سالم، با روش کمی ارزیابی و تحلیل کند.

پیشینه و چهارچوب نظری

پیشینه

اولین بررسی در زمینه کاربری زمین الگوی فون تونن در سال ۱۸۲۶ است. پس از او بود که مطالعات کاربری زمین شهری نیز آغاز شد (Gilat, 2002). در نظریه فون تونن، مکان‌یابی شهرها و الگوی کاربری زمین‌های شهری در مورد کاهش هزینه‌های تولید کالا (فاصله محل تولید از بازار) مورد توجه قرار گرفت (T-lai, 1981: 20). بعد از فون تونن، رابرت پارک، ابنزر هوارد، کاملیو زیتو و واگنر نیز مطالعه و اندیشه‌هایی داشته‌اند، اما از اوایل قرن بیستم در آمریکا نخستین کوشش‌های جامع در تبیین تئوری کاربری زمین را افرادی چون هومر هویت، برگس، مکنزی، چنسی هریس، ادوارد اولمن، فایری و... انجام دادند (Chapin, 1972: 3). در ایران سابقه مطالعات کاربری اراضی، بسیار کم و عمدتاً به زمان تهیه اولین طرح‌های جامع شهری مربوط می‌شود (هاشمی، ۱۳۷۶: ۷۷). در دو دهه اخیر با توسعه دانش شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، در ایران و خارج از ایران، مطالعات زیادی انجام شده است که در جدول شماره (۱) پیشینه پژوهش به بخشی از آنها اشاره می‌شود.

جدول (۱) پیشینه پژوهش

سال	پژوهشگران	عنوان	نتیجه
۲۰۲۳	ژائو و همکاران	ارزیابی ساخت شهر سالم در چین: چهارچوب مفهومی و سیستم شاخص ارزیابی	ناهمگونی فضایی ساخت شهر سالم در چین مشهود است و وضعیت توزیع فضایی نسبتاً پایدار است. الگوی فضایی ساخت و ساز شهر سالم با ترکیبی از عوامل شکل می‌گیرد. این پژوهش یک مبنای علمی برای ترویج ساخت شهرهای سالم و کمک به اجرای استراتژی سلامت چین است.
۲۰۲۳	ایمتراکول و توفونگ	عوامل مؤثر بر توسعه یک شهر سالم در مناطق حومه، تایلند	نتایج پژوهش نشان داد که عوامل مؤثر بر سلامت شهری دارای مؤلفه‌های مرتبط با مسائل بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی، کالبدی و محیطی است. در نهایت، این رویکرد با کمی کردن تعاملات پیچیده درگیر در سلامت و رفاه در مورد محیط شهری دائماً در حال تغییر مناطق گسترده کمک می‌کند تا به هدایت تصمیمات سیاستی برای دستیابی به توسعه یک شهر سالم کمک کند.
۲۰۲۱	جیا و همکاران	تحلیل کتاب‌سنجی و پیش‌بینی روند پژوهشی برنامه‌ریزی شهری سالم برای ۴۰ سال (۱۹۸۱-۲۰۲۰)	این مطالعه نشان می‌دهد که در برنامه‌ریزی شهری سالم موضوعاتی مانند فعالیت بدنی، فضای سبز، فضای سبز شهری و سلامت روان اهمیت دارند. همچنین این مطالعه، تنوع موضوعات و روند توسعه بین‌رشته‌ای در حوزه برنامه‌ریزی شهری سالم را نشان می‌دهد.
۲۰۱۸	پسوک ^۱ ، کاتاجیتا ^۲ و پچساسیتن ^۳	تجزیه و تحلیل تطبیقی برنامه‌ریزی شهر و تغییر کاربری زمین در بانکوک و تایلند با استفاده از سنجش از راه دور و GIS	نتایج نشان داد که منطقه شهری در بانکوک در طول بیست و یک سال گذشته ۴۰۳،۹۹ کیلومتر مربع افزایش یافته است. در حالی که، مناطق روستایی و کشاورزی در برنامه جامع بانکوک به دلیل گسترش مسکونی کاهش یافته است. بنابراین، سیستم بخش منطقه و برنامه منطقه‌ای از برنامه‌ریزی شهری ژاپن مشکلات را با توسعه شهر و کنترل مناطق شهری گسترش می‌دهد.
۲۰۱۸	چین لین، هسین هوانگ و لین ^۴	نقش زمین در توسعه شهری در شهر تایپه با اشاره خاص به محله‌های قدیمی	نتایج نشان می‌دهند که سایت‌های توسعه مسکونی در طول یک جاده بزرگ بزرگ‌تر و سایت‌هایی که نزدیک به ایستگاه مترواند، کوچک‌ترند. در مناطقی که مالکیت زمین نسبتاً مختل شده است نیز سایت‌های مسکونی کوچک‌ترند و سرانجام، یک سایت بزرگ توسعه مسکونی اغلب از مونتاژ چندین سایت کوچک‌تر شکل یافته است.
۲۰۰۵	جیانگ ^۵ ، ژائو ^۶ و ژانگ ^۷	تجزیه و تحلیل ساختار فضایی کاربری شهری در شهر جینان، چین	با توجه به نسبت زمین برای اقامت، صنعت و تجارت، منطقه شهری به سه حلقه متمایز می‌شود. در مقایسه با نظریه سنتی ساختار حلقه در کشورهای غربی، آنها دارای ویژگی‌های متفاوتی اند. وظایف اصلی حلقه درونی محل سکونت، کسب و کار و بانکداری است، اما نسبت مساحت مسکونی (بیش از ۵۰ درصد) نسبت به شهرهای کشورهای غربی قابل توجه است. نسبت مساحت مسکن و صنعت در حلقه متوسط به‌طور کلی برابر است. زمین اصلی حلقه بیرونی برای استفاده صنعتی است. با توجه به عملکرد خوشه‌های استفاده از زمین، این سه حلقه به ترتیب به چند بخش تقسیم می‌شوند. در پایان مقاله، روند جدید و مکانیسم تغییر کاربری زمین، که ساختار شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، پیشنهاد شده است.
۲۰۰۵	ماندیا ^۸ و آنیا ^۹	تجزیه و تحلیل تغییرات کاربری/ پوشش و گسترش شهری شهر نایروبی با استفاده از سنجش از راه دور و GIS	ادغام داده‌های جمعیت‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی با تغییر کاربری زمین/ پوشش نشان داد که رشد اقتصادی و نزدیکی به مسیرهای حمل و نقل عامل اصلی رشد شهرها بوده است. توپوگرافی، زمین‌شناسی و خاک نیز به عنوان عوامل ممکن برای تأثیر بر گسترش تجزیه و تحلیل شد. ادغام سنجش از راه دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در نظارت بر تغییرات استفاده از زمین و ارائه اطلاعات ارزشمند لازم برای برنامه‌ریزی و پژوهش مؤثر است. درک بهتر از دینامیک فضایی و زمانی رشد شهر، که در این مطالعه ارائه کردیم، پایه‌ای است برای برنامه‌ریزی بهتر و سازمان‌دهی فضایی مؤثر فعالیت‌های شهری برای توسعه آینده شهر نایروبی.

1. Suvimon Posuk
2. Yoshitaka Kajita
3. Arthit Petchsasithon
4. Tzu - Chin Lin, Fang-Hsin Huang, Siao-En Lin
5. Luguang Jiang
6. Huixia Zhao
7. Zulu Zhang
8. Mundia, Charles
9. Masamu Aniya

۱۴۰۰	یوسفی	شناسایی و بررسی شاخص‌های شهر سالم (مطالعه موردی: شهر تهران)	نتیجه حاصل از این پژوهش، که از منابع علمی جمع‌آوری و استخراج و با صاحب‌نظران و خبرگان این حوزه در میان گذاشته شده و در نهایت بعد از اصلاح مدل مفهومی زیر به تأیید رسیده، دارای یازده بعد است که مدیران شهری با توسعه و بهبود این شاخص‌ها می‌توانند گامی مؤثر در ایجاد شهر سالم بردارند.
۱۳۹۷	فرجام	ارزیابی شدت کارایی مکانی کاربری اراضی در بخش مرکزی شهر (مطالعه موردی: بخش مرکزی شیراز)	در نهایت نتایج این مطالعه نشان داد، دست‌کم بیست درصد از پویایی و کارایی مکانی کاربری‌ها به این متغیر بازمی‌گردد؛ از این رو، می‌توان به این رابطه در تهیه طرح‌های شهری و برنامه‌ریزی‌های شهرسازانه توجه کرد.
۱۳۹۷	مقدم و همکاران	ارزیابی کاربری اراضی شهری با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر زنجان)	نتایج نشان می‌دهند که توزیع و پراکنش و سازمان‌یابی کاربری‌های خدماتی در شهر زنجان به‌صورت متمرکز و با عدم تعادل فضایی روبه‌رو بوده و همراه با آشفتگی و اختلاف فاحش کمی و کیفی در مناطق سه‌گانه زنجان است.
۱۳۹۶	برک‌پور و فرحناکی	ارزیابی کمی و کیفی کاربری‌های اراضی حاشیه رودخانه شهری (نمونه موردی: رودخانه آبشوران شهر کرمانشاه)	نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر کمبود سرانه کاربری‌های خدمات‌رسان، وجود ناسازگاری به‌ویژه در هم‌جواری با کاربری‌های مسکونی و آموزشی و بی‌نظمی در الگوی توزیع کاربری‌ها در سطح ناحیه است.
۱۳۹۵	اسماعیلی، خداداد و نحعی	بررسی و ارزیابی کمی و کیفی کاربری اراضی شهر کلاله	نتایج بررسی‌های انجام‌شده به‌صورت ارائه وضعیت مطلوب برای هر یک از کاربری‌هاست.
۱۳۹۳	افسری و حمیدی	ارزیابی کمی و کیفی کاربری اراضی شهری با تأکید بر توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر سردرود)	ابتدا به بررسی وضعیت موجود کاربری‌های شهری در شهر سردرود پرداخته و با مقایسه آنها، با میزان استانداردهای رایج، کمبود سرانه‌ها را به دست آوردند. سپس بر اساس ماتریس‌های ظرفیت، سازگاری و مطلوبیت به بررسی کیفی کاربری‌ها پرداختند.
۱۳۹۳	مهربانی، سلیمان‌زاده و وراکرمی	ارزیابی کمی و کیفی کاربری اراضی شهری با استفاده از GIS (نمونه موردی: شهر مهران)	نتایج حاصل از ماتریس ظرفیت و سازگاری نشان می‌دهد که بسیاری از کاربری‌ها از جمله کاربری‌های عمومی به‌صورت ناسازگار در کنار هم قرار گرفته و به‌صورت نامناسب توزیع و پراکنش شده‌اند که دسترسی شهروندان به کاربری‌های مذکور را با مشکل مواجه ساخته است.
۱۳۹۳	مسلمی، مولایی و دارابی	ارزیابی کمی و کیفی کاربری اراضی شهری با تأکید بر توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر شاهین‌دژ)	ارزیابی کمی کاربری‌ها با توجه به سرانه‌ها و معیارها نشان‌دهنده آن است که بسیاری از کاربری‌های موجود به لحاظ کمی با استانداردها و ضوابط علمی منطبق نبوده و تأثیرات این شکل از توسعه و توزیع نامطلوب و نابرابر کاربری‌های شهری، باعث ایجاد نوعی دوگانگی فضایی در سطح شهر شده است، به طوری که روند کلی تحولات کاربری زمین در شهر شاهین‌دژ هماهنگ و هم‌سو با توسعه پایدار شهری نیست.
۱۳۹۳	طهماسبی‌زاده، ابوالحسنی و بیگ‌محمدی	آسیب‌شناسی طرح جامعه خوراسگان	از یافته‌های پژوهش می‌توان به وجود مشکلات مدیریتی و اداری، ضعف‌های محتوایی طرح جامع، وجود مسائل پیرامونی و محیطی، ضعف‌های نظام برنامه‌ریزی، تحقق نیافتن پیش‌بینی‌های اقتصادی، جمعیتی و پیشنهادها کالبدی و جهات گسترش شهر و... در نتیجه بررسی طرح اشاره کرد.
	اکبری و عمادالدین	ارزیابی کمی و کیفی کاربری‌های شهری با تأکید بر نظام توزیع و الگوی هم‌جواری (مطالعه موردی: ناحیه یک شهر گرگان)	نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر کمبود سرانه کاربری‌های خدمات‌رسان، وجود ناسازگاری به‌ویژه در هم‌جواری با کاربری‌های مسکونی و آموزشی و بی‌نظمی در الگوی توزیع کاربری‌ها در سطح ناحیه است.
۱۳۹۰	موحد و صمدی	ارزیابی کمی و کیفی کاربری اراضی شهر مریوان	نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پراکنش فضایی نامناسب کاربری‌های شهری در سنجش با استانداردهای رایج کشور زیاد بوده است و کاربری‌های ناسازگار عامل مهمی در عدم انتظام بخشی کاربری‌های شهر مریوان شمرده می‌شود.
۱۳۹۰	بیات	بررسی موفقیت یا عدم موفقیت طرح جامع تهران کاربری‌های منطقه سه شهر تهران	این پژوهش با استفاده از بررسی‌های میدانی و بهره‌گیری از مدل SWOT، نقیصات قوت، ضعف، فرصت و تهدید مؤثر بر کاربری‌های فعال در منطقه مورد نظر شناسایی شد.
۱۳۸۷	پورمحمدی و همکاران	ارزیابی گسترش فضایی - کالبدی شهر زنجان با تأکید بر تغییر کاربری زمین	رابطه معناداری بین مهاجرت، تبدیل کاربری اراضی دیم، بایر، زراعی و پیرامون شهر زنجان به نفع سایر کاربری‌ها و در نتیجه گسترش فضایی - کالبدی شهر دارد.

(مأخذ: پژوهشگران)

نظریه «شهر سالم» برای اولین بار در کنفرانسی که در تورنتوی کانادا به منظور بررسی نتایج گزارش لالونده تشکیل شده بود، معرفی شد. در این کنفرانس پروفیسور لئونارد دهل^۱ شهر سالم را شهری تعریف می کند که در ایجاد و بهبود اوضاع اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی فعالیت کند و با این وسیله امکان کارکرد درست و مناسب را فراهم آورد (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۵). از نظر سازمان بهداشت جهانی^۲ شهر سالم شهری است که از نظر جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی سالم است. این سازمان مفهوم «شهرهای سالم» را به عنوان راهنمایی برای تشویق بهبود کیفیت زندگی مردم ساکن در شهرها پذیرفته است (Bureau of environmental health, 2021; World Health Organization, 2005). منظور از شهر سالم رعایت همه کاربری ها با توجه به تراکم و سرانه مناسب و رعایت استانداردها و معیارهای سرانه است. رعایت مسائل زیست محیطی، زیرساخت ها، حفظ میراث فرهنگی، حراست از آسایش و... ضروری است. به طور کلی، در جهان امروز حفظ سلامتی و وجود شهر اجتماعی سالم از ضروریات اجتماعی است (زیاری، ۱۳۸۴: ۳۰).

شهر سالم یکی از نظریه های نوین در حوزه برنامه ریزی و طراحی شهری است که از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح شده است (Barton and Tsourou, 2000). این نظریه با الهام از مفهوم سلامت انسان ها، بر ارتقای کیفیت محیط زندگی شهروندان از طریق ایجاد محیط های پایدار و سالم تأکید دارد (WHO, 1997). به طور کلی، شهر سالم، شهری است که به

1. Leonard Duhl
2. WHO

نیازهای اساسی شهروندان از جمله مسکن، آموزش، بهداشت، امنیت و محیط زیست پاسخ می دهد و برای همه فرصت های برابر فراهم می کند (Barton, 2005).

شاخص های شهر سالم

سازمان بهداشت جهانی مجموعه ای از شاخص های شهر سالم را در سال ۲۰۲۱ منتشر کرد. این شاخص ها برای ارزیابی سلامت و رفاه شهروندان در شهرها طراحی شده اند. در ادامه، شاخص های شهر سالم را آورده ایم:

- **تعادل و تناسب بین کاربری های مختلف:** کاربری های مختلف شهری باید به گونه ای در کنار یکدیگر قرار گیرند که نیازهای مختلف شهروندان را به طور متعادل برآورده کنند. مثلاً، کاربری مسکونی باید در نزدیکی کاربری های تجاری و خدماتی قرار بگیرند تا شهروندان به راحتی به خدمات مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند.
- **کاهش آلودگی هوا و صوت:** کاربری های صنعتی و تولیدی باید به گونه ای در شهر قرار گیرند که کمترین تأثیر را بر آلودگی هوا و صوت داشته باشند. مثلاً، این کاربری ها باید در مناطقی دور از مناطق مسکونی قرار بگیرند و دارای سیستم های کنترل آلودگی باشند.
- **تأمین دسترسی مناسب به فضای سبز و پارک ها:** فضای سبز و پارک ها نقش مهمی در سلامت جسمی و روانی شهروندان دارند. بنابراین، باید به گونه ای در شهر توزیع شوند که همه شهروندان به راحتی به آنها دسترسی داشته باشند.
- **تأمین دسترسی مناسب به حمل و نقل عمومی:** حمل و نقل عمومی نقش مهمی در کاهش آلودگی هوا و ترافیک شهری دارد. بنابراین، باید به گونه ای

در شهر توسعه یابد که همه شهروندان به راحتی از آن استفاده کنند.

• **توزیع عادلانه کاربری‌های شهری در مناطق مختلف شهر:** کاربری‌های مختلف شهری باید به گونه‌ای در مناطق مختلف شهر توزیع شوند که همه شهروندان از آن‌ها به طور یکسان بهره‌مند شوند. مثلاً، کاربری‌های تجاری و خدماتی باید در مناطقی قرار گیرند که دسترسی به آن‌ها برای همه شهروندان آسان باشد.

• **حفظ و احیای کاربری‌های تاریخی و فرهنگی:** کاربری‌های تاریخی و فرهنگی نقش مهمی در هویت و فرهنگ شهر دارند. بنابراین، باید آن‌ها را محافظت و احیا کرد.

• **ایجاد فضاهای شهری متنوع و تشویق شهروندان به استفاده از آن‌ها:** فضاهای شهری متنوع مانند پارک‌ها، پیاده‌روها، مسیرهای دوچرخه‌سواری و فضاهای باز در سلامت جسمی و روانی شهروندان نقش مهمی دارند. بنابراین، این فضاها باید به گونه‌ای در شهر احداث شوند که شهروندان را به استفاده از آن‌ها تشویق کنند.

• **تأمین امنیت در فضاهای شهری:** فضاهای شهری باید به گونه‌ای ایمن باشند که شهروندان احساس امنیت کنند. این امر با انجام کارهایی مانند افزایش روشنایی، نصب دوربین مدار بسته و ایجاد محیط‌های اجتماعی قوی محقق می‌شود.

• **توجه به نیازهای گروه‌های مختلف جمعیتی:** کاربری اراضی شهری باید به گونه‌ای باشد که نیازهای همه گروه‌های جمعیتی مانند افراد سالمند، افراد دارای معلولیت و کودکان را برآورده کند.

• **توجه به آینده:** کاربری اراضی شهری باید به گونه‌ای باشد که نیازهای آینده شهر را نیز در نظر بگیرد. این

امر با انجام کارهایی مانند پیش‌بینی رشد جمعیت و توسعه اقتصادی محقق می‌شود.

• **کاهش اثرات تغییرات آب‌وهوایی:** کاربری اراضی شهری باید به گونه‌ای باشد که اثرات تغییرات آب‌وهوایی را کاهش دهد. این امر با انجام کارهایی مانند ایجاد فضاهای سبز، کاهش فضای شهری ساخته‌شده و افزایش جذب آب باران محقق می‌شود (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۱).

ارزیابی کمی کاربری اراضی شهری

در ارزیابی کمی، عمدتاً سرانه‌ها و استانداردهای تخصیص بهینه فضای شهری به کاربری‌های مختلف شهر مد نظر قرار می‌گیرند. نسبت این کاربری‌ها بسته به شرایط محیطی و کارکردهای انسانی و منطقه‌ای در کشورهای مختلف متنوع است؛ در عین حال در سطح ملی نیز بسته به شرایط جغرافیایی (عرض جغرافیایی، ارتفاع، دوری و نزدیکی به دریا و...) تفاوت‌هایی را دارند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۸). اصولاً ارزیابی کمی براساس سرانه‌های موجود کاربری‌ها یا استانداردهای مربوط و از طریق بررسی نیازهای فعلی و آتی شهر مورد مطالعه به کاربری‌های مختلف صورت می‌گیرد.

روش ارزیابی کمی شاخص‌های کاربری اراضی شهر سالم، به معنای سنجش کمی میزان تحقق هر یک از شاخص‌های کاربری اراضی در یک شهر است. این امر با استفاده از روش‌های مختلفی انجام می‌شود.

برای ارزیابی کمی شاخص‌های کاربری اراضی در یک شهر سالم، روش‌های مختلفی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- محاسبه سرانه: برای هر کاربری، سرانه آن کاربری (مثلاً، متر مربع به‌ازای هر نفر) محاسبه می‌شود و با سرانه استاندارد مقایسه می‌شود (کاظمی، ۱۳۹۰)؛
- نسبت درصد کاربری: درصد هر کاربری

جدول (۲) شاخص‌های شهر سالم

شاخص	تعریف	روش ارزیابی کمی	رفرنس
تعادل و تناسب بین کاربری‌های مختلف	نسبت کاربری‌های مختلف در شهر	محاسبه نسبت کاربری‌های مختلف در شهر براساس مساحت یا ارزش اقتصادی آن‌ها	انجمن جهانی بهداشت (WHO), (2021)
کاهش آلودگی هوا و صوت	میزان آلودگی هوا و صوت در شهر	اندازه‌گیری میزان آلودگی هوا و صوت در شهر با استفاده از دستگاه‌های اندازه‌گیری استاندارد	
تأمین دسترسی مناسب به فضای سبز و پارک‌ها	نسبت فضای سبز و پارک‌ها در شهر به جمعیت	محاسبه نسبت مساحت فضای سبز و پارک‌ها به جمعیت شهر	
تأمین دسترسی مناسب به حمل‌ونقل عمومی	پوشش حمل‌ونقل عمومی در شهر	محاسبه درصد مناطق شهری که در دسترس حمل‌ونقل عمومی‌اند	
توزیع عادلانه کاربری‌های شهری در مناطق مختلف شهر	توزیع کاربری‌های مختلف در مناطق مختلف شهر	محاسبه میزان توزیع کاربری‌های مختلف در مناطق مختلف شهر	
حفظ و احیای کاربری‌های تاریخی و فرهنگی	سطح حفاظت و احیای کاربری‌های تاریخی و فرهنگی	ارزیابی سطح حفاظت و احیای کاربری‌های تاریخی و فرهنگی با استفاده از شاخص‌های استاندارد	
ایجاد فضاهای شهری متنوع و تشویق شهروندان به استفاده از آن‌ها	میزان استفاده از فضاهای شهری متنوع	اندازه‌گیری میزان استفاده از فضاهای شهری متنوع با استفاده از نظرسنجی‌ها و مطالعات میدانی	
تأمین امنیت در فضاهای شهری	میزان احساس امنیت شهروندان در فضاهای شهری	اندازه‌گیری میزان احساس امنیت شهروندان در فضاهای شهری با استفاده از نظرسنجی‌ها و مطالعات میدانی	
توجه به نیازهای گروه‌های مختلف جمعیتی	میزان پاسخگویی کاربری اراضی شهری به نیازهای گروه‌های مختلف جمعیتی	ارزیابی میزان پاسخگویی کاربری اراضی شهری به نیازهای گروه‌های مختلف جمعیتی با استفاده از شاخص‌های استاندارد	
توجه به آینده	میزان توجه به نیازهای آینده شهر در کاربری اراضی شهری	ارزیابی میزان توجه به نیازهای آینده شهر در کاربری اراضی شهری با استفاده از شاخص‌های استاندارد	
کاهش اثرات تغییرات آب‌وهوایی	میزان کاهش اثرات تغییرات آب‌وهوایی در کاربری اراضی شهری	ارزیابی میزان کاهش اثرات تغییرات آب‌وهوایی در کاربری اراضی شهری با استفاده از شاخص‌های استاندارد	
ایجاد محیط‌های تشویق‌کننده برای فعالیت بدنی	میزان تشویق شهروندان به انجام فعالیت بدنی	ارزیابی میزان تشویق شهروندان به انجام فعالیت بدنی با استفاده از شاخص‌های استاندارد	
ایجاد محیط‌های تشویق‌کننده برای اجتماع و تعامل اجتماعی	میزان تشویق شهروندان به اجتماع و تعامل اجتماعی	ارزیابی میزان تشویق شهروندان به اجتماع و تعامل اجتماعی با استفاده از شاخص‌های استاندارد	

نسبت به کل مساحت شهر محاسبه و با استانداردهای شهرسازی مقایسه می‌شود (صرافی، ۱۳۹۳)؛

• سیستم امتیازدهی: به هر کاربری براساس سرانه و درصد آن امتیازی تعلق می‌گیرد و مجموع امتیازات نشان‌دهنده وضعیت کلی کاربری‌هاست (رهنما و همکاران، ۱۳۹۷)؛

• مدل تاپسیس^۱: این مدل بهترین و بدترین حالت‌ها را با بهره‌گیری از مفاهیم فاصله‌ای تعیین می‌کند (شماعی و همکاران، ۱۳۹۰)؛

• مدل ویکور^۲: این مدل گزینه‌ها را براساس سطح نزدیکی به راه‌حل ایدئال اولویت‌بندی می‌کند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴).

در نهایت وضعیت کمی هر شاخص با مقایسه نتایج به‌دست‌آمده با حد استانداردها ارزیابی می‌شود.

کاربری اراضی شهری

کاربری اراضی شهری مشخص کردن نوع مصرف زمین در شهر، هدایت و ساماندهی فضایی شهر، تعیین ساخت‌ها و چگونگی انطباق آنها با سیستم‌های شهری است (زیاری، ۱۳۸۴: ۳). کاربری زمین بدان معنی است که از هر واحد زمین در سطح شهر به چه صورتی استفاده می‌شود و چه فعالیت‌هایی در ترکیب با هم در قطعات مختلف زمین استقرار می‌یابند.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش، از نظر روش‌شناسی بر مبنای هدف، از نوع کاربردی است. براساس ماهیت و روش، پژوهش حاضر از نوع توصیفی-موردی و تحلیلی است. در گردآوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی استفاده شده است. متغیرهای مورد استفاده در پژوهش شامل کاربری اراضی وضع موجود در منطقه

پانزده شهر اصفهان، از جمله کاربری‌های مسکونی، تجاری، فرهنگی، ورزشی و... است. از نظر قلمرو مکانی، پژوهش محدود به منطقه پانزده شهرداری شهر اصفهان است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل ضریب مکانی (LQ) به‌همراه شاخص‌ها و استانداردهای مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری و استانداردهای کاربری اراضی در شهر سالم و... استفاده شده است. همچنین از آزمون تی تک نمونه‌ای نیز در تحلیل دسترسی به شاخص‌های شهر سالم نیز استفاده شده است.

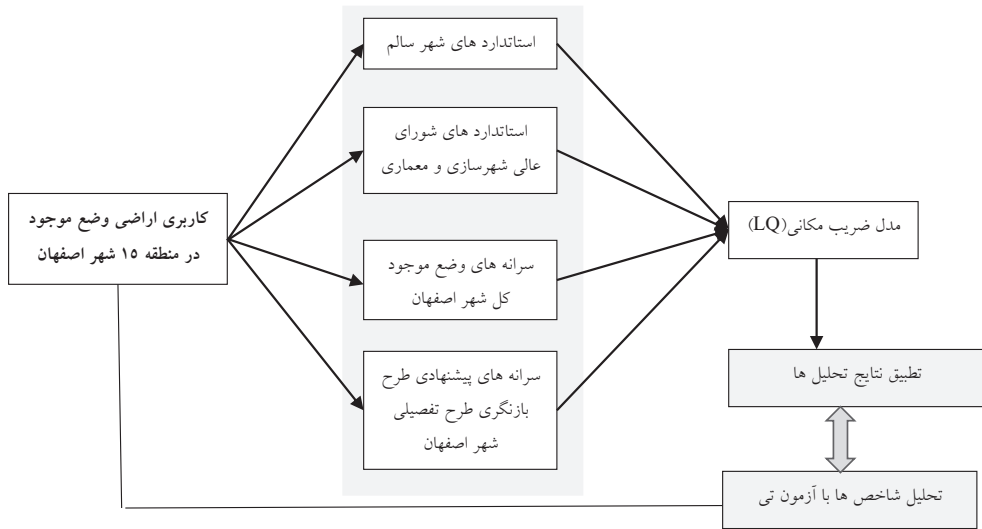
مدل فرایندی و مفهومی پژوهش

در شکل شماره (۱) مدل مفهومی و فرایندی پژوهش ارائه شده است. بر این اساس، ابتدا وضعیت سطح و سرانه کاربری اراضی در وضع موجود منطقه پانزده شهر اصفهان استخراج می‌شود. سپس براساس استانداردهای شهر سالم، استانداردهای شورای عالی شهرسازی و معماری، سرانه‌های وضع موجود شهر اصفهان و سرانه‌های پیشنهادی طرح بازنگری طرح تفصیلی اصفهان با استفاده از مدل ضریب مکانی (LQ) تحلیل می‌شوند. در نهایت نتایج حاصل مقایسه خواهند شد.

در ادامه، مراحل انجام پژوهش را آورده‌ایم: در ابتدا وضعیت فعلی منطقه بررسی می‌شود و سپس مقایسه‌ای تطبیقی با استانداردهای «شهر سالم»، «شورای عالی شهرسازی و معماری ایران»، سرانه‌های وضعیت فعلی و پیشنهادی طرح بازنگری طرح تفصیلی شهر اصفهان انجام می‌شود، سپس با استفاده از مدل ضریب مکانی وضعیت هر شاخص ارزیابی می‌شود. در این قسمت، معیارهای کمی جهت ارزیابی و مقایسه ابعاد مختلف شاخص‌ها در نظر گرفته می‌شوند. نتایج به‌دست‌آمده از این مدل، وضعیت هر

1. TOPSIS
2. VIKOR

شکل شماره (۱) مدل مفهومی و فرایندی پژوهش



(مأخذ: پژوهشگران)

شاخص را به صورت کمی نشان می دهد. در مرحله بعدی، با تطبیق نتایج حاصل از مدل ضریب مکانی با نتایج حاصل از پرسش نامه، مشخص می شود که آیا نتایج مدل با وضعیت شاخص ها هماهنگ اند یا خیر. این مقایسه به ما اطلاعات مفیدی ارائه می دهد که در فهم بهتر و بهبود شاخص های کاربری اراضی شهری مورد مطالعه کمک می کند (شکل شماره ۱).

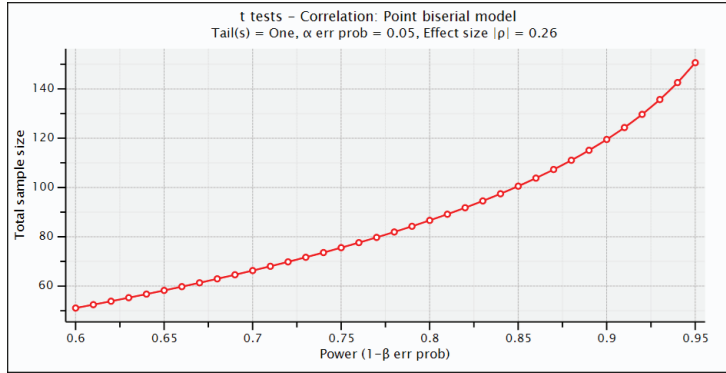
جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش جمعیت ساکن در منطقه پانزده شهر اصفهان برابر با ۱۲۱.۹۶۱ نفر بوده است. به منظور انتخاب حجم نمونه از نرم افزار GPower استفاده شد. نتایج حاصل در شکل شماره (۳) و (۴) ارائه شده است. بر این اساس با توان آزمون ۹۵ درصد و میزان ضریب تأثیر ۰.۲۶ تعداد نمونه آماری ۱۵۱ نفر اندازه گیری شده است. در این پژوهش برای ۱۵۱ نمونه آماری پرسش نامه توزیع شد.

$$L.Qi = \frac{UEi}{NEi}$$

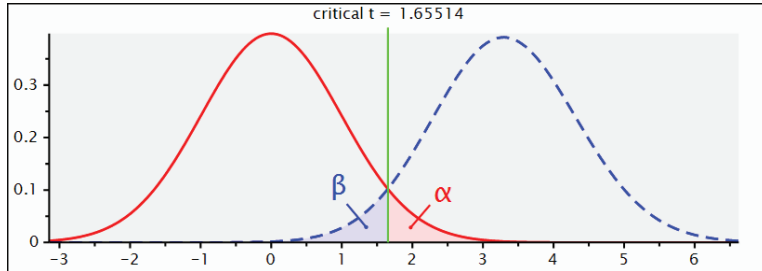
رابطه شماره (۱) مدل ضریب مکانی

در این فرمول $L.Qi$ ضریب مکانی، UEi سرانه یک



شکل شماره (۲) حجم نمونه در نرم افزار جی باور

(مأخذ: پژوهشگران)



شکل شماره (۳) میزان آمار تی در حجم نمونه

(مأخذ: پژوهشگران)

می دهد که آن مکان سهم کمی از آن فعالیت دارد (عدم تحقق توسعه). اگر این شاخص بین ۱ و ۹۹/۱ باشد (تحقق نسبی توسعه)، بیانگر تمرکز نسبی فعالیت در آن مکان است و اگر مکانی دارای شاخص LQ بیشتر از ۲ باشد (تحقق بالای توسعه)، به معنی تمرکز بالای توسعه است.

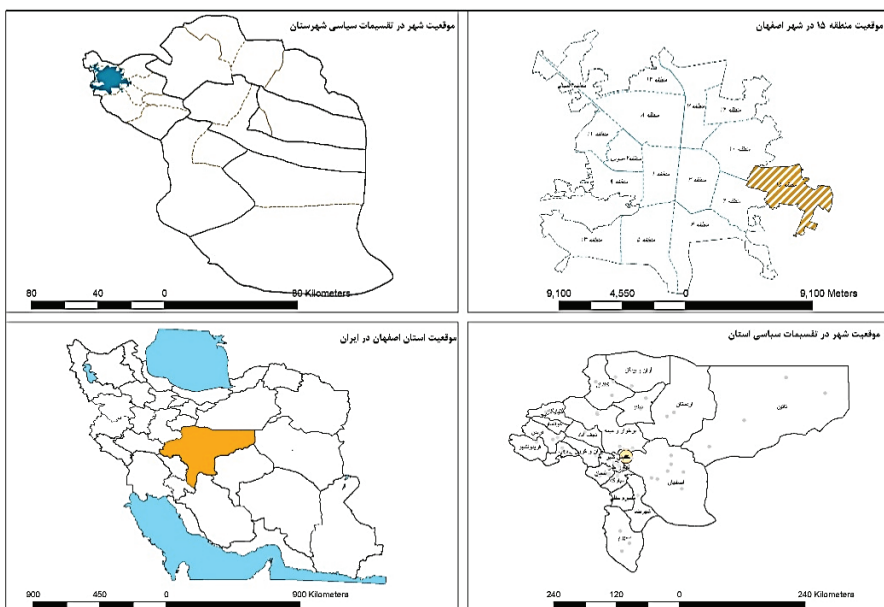
قلمرو پژوهش

موقعیت محدوده مورد مطالعه

منطقه پانزده شهر اصفهان (خوراسگان) در شرق شهر اصفهان، بر سر راه اصفهان، نایین و یزد، بر روی جلگه آبرفتی زاینده رود قرار گرفته است. این منطقه

کاربری ویژه در محله یا منطقه شهر، UEt سرانه کل کاربری در همان محله یا منطقه شهری، NEi سرانه همان کاربری ویژه در شهر سرانه کل کاربری های شهر است. ضریب مکانی یک کاربری عبارت است از نسبت سهم سرانه یک کاربری از کل سرانه یک منطقه شهری، به سهم سرانه همان کاربری در شهر از کل سرانه کاربری های شهری، بدین ترتیب با تعیین ضریب مکانی یک کاربری، سهم و وزن سرانه آن را در یک منطقه با سهم و وزن همان کاربری در کل شهر می توان مقایسه کرد.

اگر مقدار LQ در مکانی کمتر از ۹۹/۰ باشد، نشان



شکل شماره (۴) موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

مأخذ: پژوهشگران

فاقد هرگونه عوارض طبیعی مؤثر و محدودکننده در توسعه است. پهنه‌ای که این منطقه بر روی آن قرار دارد، مسطح و دارای شیب تقریبی ۲.۵ درصد به طرف شمال شرقی است (طرح جامع خوراسگان، ۱۳۷۳: ۹۲). به‌طور کلی، دارای آب‌وهوای بیابانی، یعنی تابستان خشک و زمستان نسبتاً مرطوب، است. نوسانات بارندگی سالیانه آن بین ۳۷.۸ در سال ۱۳۶۸ تا ۳۲۵ در سال ۱۳۳۳ است. متوسط بارندگی سالیانه منطقه ۱۱۰ میلی‌متر و متوسط در حرارت سالیانه آن ۱۶.۸ درجه سانتی‌گراد است (طهماسبی‌زاده، ۱۳۹۳). در شکل شماره (۴) موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه ارائه شده است.

جغرافیایی اجتماعی محدوده مورد مطالعه

شهر خوراسگان در سال ۱۳۴۳ از ترکیب هفت روستا و تبدیل آنها به شهر شکل گرفت. در آمار

منتشرشده توسط وزارت آب و برق که متعلق به قبل از اولین سرشماری (سرشماری ۱۳۳۵) است، جمعیت روستاهای متشکله خوراسگان به این صورت است که خوراسگان ۸.۹۳۳ نفر، پزوه ۶.۰۰۰ نفر، ابهر ۱۵۸۲، بوزان ۸۰۰ نفر و خیادان ۶۵۰ نفر و جمعیت ارداجی و کنگاز کمتر از ۵۰۰ نفر ذکر شده است. این ارقام، که احتمالاً مربوط به سال ۱۳۳۲ است، نسبت به نتایج آمار سال ۱۳۳۵ اختلاف فاحشی را نشان می‌دهد. در آمار سال ۱۳۳۵ جمعیت روستای خوراسگان ۷.۳۹۳ نفر ذکر شده است. در سرشماری سال ۱۳۴۵ جمعیت خوراسگان ۱۱۸۹۳ نفر ذکر شده و روستاهای ارداجی، ابهر، بوزان، پزوه، خیادان و کنگاز نیز جدا محاسبه شد که جمعیت ابهر در سال ۱۳۴۵، ۲.۲۵۱ نفر و پزوه ۲۸۹۸ نفر ذکر شده است. در آمارگیری سال ۱۳۵۵ برای اولین بار جمعیت هفت روستای ذکر شده به‌صورت

جدول (۳) روند رشد جمعیت شهر خوراسگان از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

سال سرشماری	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
جمعیت	۷,۳۹۳	۱۱,۱۹۳	۳۱,۰۹۵	۵۱,۰۰۵	۵۶,۸۳۱	۶۱,۲۱۱	۸۷,۲۸۲	۱۱۲,۷۷۱	۱۲۱,۹۶۱
نرخ رشد	-	-	-	۵	۲,۲	۱,۵	۳,۶۱	۵,۲۶	۱,۵۸

مأخذ: طرح جامع خوراسگان: ۱۳۷۳، مرکز آمار ایران سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵ و سالنامه آماری ۱۳۹۵ شهر اصفهان

یک واحد جغرافیایی در نظر گرفته شد که جمعیت خوراسگان در این سرشماری ۳۱,۰۹۵ نفر برآورد شد. ۱۶,۷۲۰ نفر را مردان و ۱۴,۳۷۵ نفر را زنان تشکیل می‌دادند. بعد خانوار در این دوره ۴,۹ نفر با ۶,۳۰۳ خانوار بوده است. در این دوره مهاجرت‌های عمده از شهرستان‌های دیگر به این شهر صورت نگرفته است. در آمار سال ۱۳۶۵ جمعیت شهر خوراسگان ۵۱,۰۰۵ نفر ذکر شد که از این تعداد ۲۶,۸۳۲ نفر را مردان و ۲۴,۱۷۳ نفر را زنان تشکیل می‌دادند. بعد خانوار در این دوره به ۵ نفر رسید و نسبت به سال ۵۵ دارای رشد ۰,۱ درصد بوده است. در سرشماری سال ۱۳۷۰ جمعیت شهر خوراسگان ۵۶,۸۳۱ نفر ذکر شده است که با توجه به نرخ رشد، بین سال‌های ۷۰-۶۵، بالغ بر ۲,۲ درصد و نرخ رشد، بین سال‌های ۷۰-۵۵، بالغ بر ۴,۱۲ درصد می‌شود. در سال ۱۳۷۵ جمعیت شهر به ۶۱,۲۱۱ نفر با نرخ رشد سالانه ۱,۵ درصد، در سال ۸۵ با نرخ رشد سالانه ۳,۶۱ جمعیت به ۸۷,۲۸۲ نفر، در سال ۱۳۹۰ با نرخ رشد سالانه ۵,۲۶ درصد جمعیت به ۱۱۲,۷۷۱ نفر رسیده است. از سال ۱۳۹۲ با پیوستن به شهر اصفهان به‌عنوان منطقه پانزده شهر اصفهان نامیده شد. این نقطه در حال حاضر دارای ۲۰,۰۳۴ هکتار سطح است. براساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ این منطقه دارای جمعیت ۱۲۱,۹۶۱ نفر است و نرخ رشد جمعیت در فاصله ۱۳۹۰ تا ۹۵ در این منطقه ۱,۵۸ بوده است.

یافته‌های پژوهش
کاربری اراضی وضع موجود در منطقه پانزده شهر اصفهان
 در جدول شماره (۳) وضعیت سطح، درصد و سرانه کاربری اراضی وضع موجود و در شکل شماره (۳) نقشه کاربری اراضی وضع موجود ارائه شده است. منطقه پانزده اصفهان براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۱۲۱,۹۶۱ جمعیت دارد و میزان سطح محدوده آن نیز ۱۴۱۷,۸ هکتار است. بر این اساس میزان تراکم ناخالص جمعیت در آن ۸۶ نفر در هکتار است. میزان سطح مسکونی منطقه نیز ۴۶۵,۹۸ هکتار است که با سرانه ۳۸,۲۱ مترمربع برای هر نفر ۳۲,۸۷ درصد از منطقه را در بر گرفته است. تراکم خالص مسکونی در منطقه پانزده شهر اصفهان ۲۶۱ نفر در هکتار است. کاربری تجاری با سطح ۱۴,۰۱ و سرانه ۱,۱۵ مترمربع، کاربری آموزشی با سطح ۱۴,۸۳ و سرانه ۱,۲۲ مترمربع، کاربری فرهنگی با سطح ۴,۰۶ و سرانه ۰,۳۳، کاربری مذهبی با سرانه ۶,۴۷ و سرانه ۰,۵۳ مترمربع، کاربری ورزشی با سطح ۳۴,۱۲ و سرانه ۲,۸ مترمربع، کاربری بهداشتی و درمانی با سطح ۱۲,۵۶ و سرانه ۱,۰۳ مترمربع و کاربری پارک و فضای سبز نیز با سطح ۳۷ هکتار و سرانه ۰,۳ در این منطقه قرار گرفته‌اند. بیشترین میزان سطح منطقه با ۳۲,۸۷ درصد مربوط به کاربری مسکونی و کمترین مقدار با ۰,۱۲ درصد مربوط به کاربری گردشگری و پذیرایی

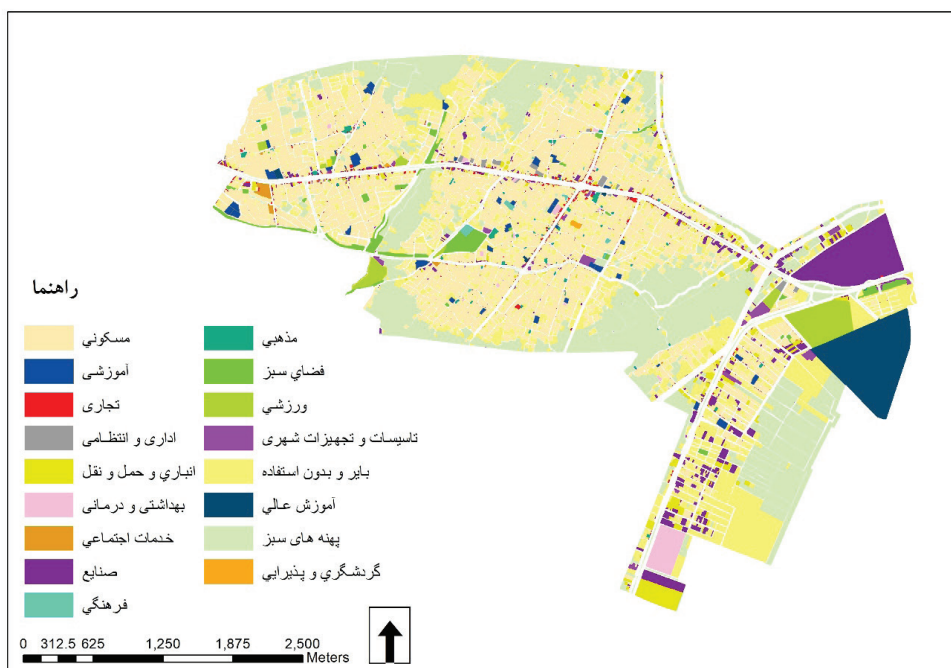
جدول (۴) سطح، درصد و سرانه کاربری اراضی وضع موجود در منطقه پانزده شهر اصفهان

ردیف	کاربری	سطح (هکتار)	درصد	سرانه
۱	مسکونی	۴۶۵,۹۸	۳۲,۸۷	۳۸,۲۱
۲	تجاری	۱۴,۰۱	۰,۹۹	۱,۱۵
۳	آموزشی	۱۴,۸۳	۱,۰۵	۱,۲۲
۴	فرهنگی	۴,۰۶	۰,۲۹	۰,۳۳
۵	مذهبی	۶,۴۷	۰,۴۶	۰,۵۳
۶	ورزشی	۳۴,۱۲	۲,۴۱	۲,۸۰
۷	بهداشتی و درمانی	۱۲,۵۶	۰,۸۹	۱,۰۳
۸	پارک و فضای سبز	۳۷,۰۰	۲,۶۱	۳,۰۳
۹	اداری و انتظامی	۴,۱۶	۰,۲۹	۰,۳۴
۱۰	تأسیسات و تجهیزات شهری	۸,۱۶	۰,۵۸	۰,۶۷
۱۱	خدمات اجتماعی	۳,۱۴	۰,۲۲	۰,۲۶
۱۲	گردشگری و پذیرایی	۱,۶۹	۰,۱۲	۰,۱۴
۱۳	آموزش عالی	۴۷,۵۵	۳,۳۵	۳,۹۰
۱۴	انباری و حمل و نقل	۲۶,۱۳	۱,۸۴	۲,۱۴
۱۵	مغایر	۲۸۷,۱۲	۲۰,۲۵	۲۳,۵۴
۱۶	صنایع	۵۹,۲۳	۴,۱۸	۴,۸۶
۱۷	پهنه‌های کشاورزی	۲۶۶,۹۴	۱۸,۸۳	۲۱,۸۹
۱۸	بایر و بدون استفاده	۱۲۴,۶۴	۸,۷۹	۱۰,۲۲
	جمع	۱۴۱۷,۸۰	۱۰۰,۰۰	۱۱۶,۲۵
	جمعیت		۱۲۱۹۶۱	
	تراکم ناخالص		۸۶,۰۲	
	تراکم خالص		۲۶۱,۷۳	

(مأخذ: استخراج شده از نقشه کاربری اراضی وضع موجود (شهرداری اصفهان))

است. مغایر در این منطقه با سطح ۲۸۷.۱۲ هکتار و سهم ۲۰.۲۵ درصد دارای سرانه ۲۳.۵۴ است. آنچه در زمینه وضعیت کمی کاربری اراضی وضع موجود در این منطقه قابل توجه است، سطح پهنه‌های کشاورزی با میزان ۵۹.۲۳ هکتار و پهنه‌های بایر و بدون استفاده با سطح ۱۲۴.۶۴ هکتار است که به ترتیب ۱۸.۸۳ و ۸.۷۹ درصد از منطقه را به خود اختصاص داده‌اند.

تحلیل کمی کاربری اراضی وضع موجود منطقه پانزده با استانداردهای شهر سالم در جدول شماره (۴) تحلیل کمی کاربری اراضی مقایسه وضع موجود منطقه پانزده شهر اصفهان با استانداردهای شهر سالم ارائه شده است. سرانه‌های استاندارد کاربری اراضی وضع موجود شهر براساس آنچه مرکز آمار ایران ارائه کرده است، در ستون سرانه



شکل شماره (۵) نقشه وضع موجود کاربری اراضی در شهر منطقه پانزده اصفهان
(مأخذ: شهرداری اصفهان)

صنعتی و کارگاری در وضعیت مازاد سطح، اما دیگر کاربرها با کمبود مواجه‌اند. از نظر درصد تحقق‌پذیری و وضعیت مطلوبیت هر کاربری براساس وضعیت شهر سالم نیز کاربری مسکونی با درصد تحقق ۷۶.۴۱ در وضعیت مطلوبی قرار دارد. کاربری تجاری با درصد تحقق ۲۲.۹۷ در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. کاربری‌های خدمات اساسی در زندگی شهری شامل آموزشی، بهداشتی و درمانی، پارک و فضای سبز، ورزشی و فرهنگی نیز به‌ترتیب با درصد تحقق‌پذیری ۱۲.۵۶، ۱۲.۱۶، ۱۵.۱۷، ۱۹.۲۹ و ۲.۱۳ در وضعیت کاملاً نامطلوبی قرار دارند. درصد تحقق‌پذیری این خدمات از دیدگاه شهر سالم در وضعیت نامناسبی قرار دارد. همچنین کاربری مذهبی نیز با درصد تحقق

در شهر سالم ارائه شده است و در ستون‌های اول، دوم و سوم نیز به‌ترتیب سطح و سرانه کاربری اراضی وضع موجود در منطقه پانزده شهر اصفهان ارائه شده است. در وضعیت موجود سرانه کاربری‌های خدماتی بررسی شده ۷۹.۸۵ مترمربع است. در صورتی که در وضعیت استاندارد شهر سالم مجموع این سرانه‌ها ۱۶۲.۵ مترمربع است. مجموع سطح کاربری اراضی بررسی شده در وضعیت موجود ۹۷۳۸۴ هکتار است. اما اگر سرانه‌های شهر سالم در این منطقه اجرا می‌شد، سطح کاربری‌ها به ۱۹۸۱۸۷ هکتار افزایش پیدا می‌کرد. بررسی وضعیت کمبود یا مازاد سطح به تفکیک هر کاربری نشان می‌دهد که با توجه به سرانه‌های شهر سالم کاربری حمل‌ونقل و انبارداری و

جدول (۵) تحلیل کمی کاربری اراضی وضع موجود با استانداردهای شهر سالم

کاربری	سطح کاربری‌ها در وضع موجود	سرانه وضع موجود	سرانه در شهر سالم	زمین مورد نیاز برای محله پایدار	مقدار کمبود یا مازاد	درصد تحقق‌پذیری	وضعیت نهایی
مسکونی	۶۶۵.۹۸	۳۸.۲۱	۵۰.۰۰	۶۰۹۸۰۵۰	-۱۴۳۸۲۵۹.۸	۷۶.۴۱	مطلوب
مختلط تجاری	۱۴.۰۱	۱.۱۵	۵.۰۰	۶۰۹۸۰۵	-۴۶۹۷۱۸.۳	۲۲.۹۷	نامطلوب
آموزشی	۱۴.۸۳	۱.۲۲	۱۰.۰۰	۱۲۱۹۶۱۰	-۱۰۷۱۳۰۲.۷	۱۲.۱۶	کاملاً نامطلوب
بهداشتی و درمانی	۱۲.۵۶	۱.۰۳	۸.۲۰	۱۰۰۰۰۸۰.۲	-۸۷۴۵۰۷.۳	۱۲.۵۶	کاملاً نامطلوب
پارک و فضای سبز عمومی	۳۷.۰۰	۳.۰۳	۲۰.۰۰	۲۴۳۹۲۲۰	-۲۰۶۹۲۲۰.۰	۱۵.۱۷	کاملاً نامطلوب
ورزشی	۳۴.۱۲	۲.۸۰	۱۴.۵۰	۱۷۶۸۴۳۴.۵	-۱۴۲۷۲۵۶.۱	۱۹.۲۹	کاملاً نامطلوب
فرهنگی	۴.۰۶	۰.۳۳	۶.۵۰	۷۹۲۷۴۶.۵	-۷۵۲۱۰۷.۳	۵.۱۳	کاملاً نامطلوب
مذهبی	۶.۴۷	۰.۵۳	۲.۶۰	۳۱۷۰۹۸.۶	-۲۵۲۴۰۴.۹	۲۰.۴۰	نامطلوب
اداری و انتظامی	۴.۱۶	۰.۳۴	۲.۱۰	۲۵۶۱۱۸.۱	-۲۱۴۴۸۸.۷	۱۶.۲۵	کاملاً نامطلوب
حمل‌ونقل و انبارداری	۳۱۳.۲۵	۲۵.۶۸	۲۴.۰۰	۲۹۲۷۰۶۴	۲۰۵۴۷۷.۸	۱۰۷.۰۲	کاملاً مطلوب
تأسیسات و تجهیزات شهری	۸.۱۶	۰.۶۷	۱۵.۰۰	۱۸۲۹۴۱۵	-۱۷۴۷۷۹۶.۰	۴.۴۶	کاملاً نامطلوب
صنعتی و کارگاهی غیرمزاحم	۵۹.۲۳	۴.۸۶	۴.۶۰	۵۶۱۰۲۰.۶	۳۱۲۷۴.۵	۱۰۵.۵۷	کاملاً مطلوب
جمع	۹۷۳.۸۴	۷۹.۸۵	۱۶۲.۵۰	۱۹۸۱۸۶۶۲.۵	-۱۰۰۸۰۳۰۸.۹	۴۹.۱۴	متوسط
جمعیت		۱۲۱۹۶۱		کاملاً نامطلوب	۰-۲۰	مطلوب	۶۰-۸۰
تراکم ناخالص		۸۶.۰۲		نامطلوب	۲۰-۴۰	کاملاً مطلوب	۸۰-۱۰۰
تراکم خالص		۲۶۱.۷۳		متوسط	۴۰-۶۰		

(مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عموم و نفوس مسکن سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ و مطالعات نگارنده)

۲۰.۴۰ در وضعیت نامطلوب قرار گرفته است. کاربری اداری انتظامی نیز با درصد تحقق ۱۶.۲۵ و تأسیسات و تجهیزات شهری نیز با ۴.۴۶ درصد در وضعیت کاملاً نامطلوب است. اما کاربری حمل‌ونقل و انبارداری و صنعتی و کارگاهی به ترتیب با درصد تحقق‌پذیری ۱۰۷ و ۱۰۵ در وضعیت کاملاً مطلوبی قرار دارند.

بررسی وضعیت کلی منطقه نشان می‌دهد که میزان تحقق‌پذیری توسعه براساس استانداردهای شهر سالم ۴۹.۱۴ درصد و در وضعیت متوسط است. اما بررسی توسعه‌یافتگی براساس شاخص خدمات اساسی نشان می‌دهد که منطقه پانزده شهر اصفهان، براساس معیارهای شهر سالم، در وضعیت کاملاً نامطلوبی قرار دارد.

جدول (۶) تحلیل کمی کاربری اراضی وضع موجود منطقه پانزده شهر اصفهان با استانداردهای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

کاربری	سطح کاربری ها در وضع موجود	سرانه وضع موجود	سرانه استاندارد مصوب	زمین مورد نیاز برای محله پایدار	مقدار کمبود یا مازاد	درصد تحقق پذیری	وضعیت نهایی
مسکونی	۴۶۵۹۷۹۰۰۲	۳۸.۲	۲۵.۰۰	۳۰۴۹۰۲۵	۱۶۱۰۷۶۵۰۲	۱۵۲.۸	کاملاً مطلوب
مختلط تجاری	۱۴۰۰۸۶.۷	۱.۱	۳.۵۰	۴۲۶۸۶۳.۵	-۲۸۶۷۷۶.۸	۳۲.۸	نامطلوب
آموزشی	۱۴۸۳۰۷.۳	۱.۲	۵.۰۰	۶۰۹۸۰۵	-۴۶۱۴۹۷.۷	۲۴.۳	نامطلوب
بهداشتی و درمانی	۱۲۵۵۷۲.۹	۱.۰	۲.۵۰	۳۰۴۹۰۲.۵	-۱۷۹۳۲۹.۶	۴۱.۲	متوسط
پارک و فضای سبز عمومی	۳۷۰۰۰۰.۰	۳.۰	۸.۰۰	۹۷۵۶۸۸	-۶۰۵۶۸۸.۰	۳۷.۹	نامطلوب
ورزشی	۳۴۱۱۷۸.۴	۲.۸	۲.۰۰	۲۴۳۹۲۲	۹۷۲۵۶.۴	۱۳۹.۹	کاملاً مطلوب
فرهنگی	۴۰۶۳۹.۲	۰.۳	۰.۷۵	۹۱۴۷۰.۷۵	-۵۰۸۳۱.۵	۴۴.۴	متوسط
مذهبی	۶۴۶۹۳.۷	۰.۵	۰.۷۵	۹۱۴۷۰.۷۵	-۲۶۷۷۷.۱	۷۰.۷	مطلوب
اداری و انتظامی	۴۱۶۲۹.۴	۰.۳	۱.۵۰	۱۸۲۹۴۱.۵	-۱۴۱۳۱۲.۱	۲۲.۸	نامطلوب
حمل و نقل و انبارداری	۳۱۳۲۵۴۱.۸	۲۵.۷	۲۰.۰۰	۲۴۳۹۲۲۰	۶۹۳۳۲۱.۸	۱۲۸.۴	کاملاً مطلوب
تأسیسات و تجهیزات شهری	۸۱۶۱۹.۰	۰.۷	۲.۰۰	۲۴۳۹۲۲	-۱۶۲۳۰۳.۰	۳۳.۵	نامطلوب
صنعتی و کارگاهی غیرمزااحم	۵۹۲۲۹۵.۱	۴.۹	۸.۰۰	۹۷۵۶۸۸	-۳۸۳۳۹۲.۹	۶۰.۷	مطلوب
جمع	۹۷۳۸۳۵۳.۶	۷۹.۸۵	۷۹.۰	۹۶۳۴۹۱۹	۱۰۳۴۳۵	۱۰۱.۱	کاملاً مطلوب
جمعیت	۱۲۱۹۶۱			کاملاً نامطلوب	۰-۲۰	مطلوب	۶۰-۸۰
تراکم خالص	۲۶۲			نامطلوب	۲۰-۴۰	کاملاً مطلوب	۸۰-۱۰۰
تراکم ناخالص	۱۲۵			متوسط	۴۰-۶۰		

بررسی میزان کمبود یا مازاد زمین به منظور دستیابی به توسعه براساس استانداردهای شورای عالی شهرسازی و معماری نشان می‌دهد که در مجموع ۱۰.۳۴ هکتار مازاد در سطح اراضی موجود وجود دارد، اما بررسی وضعیت کاربری مسکونی و بررسی جزئی آنها نشان می‌دهد که درصد تحقق پذیری کاربری مسکونی مطابق با سرانه‌های استاندارد شورای عالی شهرسازی و معماری ایران ۱۵۲.۳ و در وضعیت کاملاً مطلوب است. کاربری تجاری و کاربری آموزشی به ترتیب با تحقق پذیری ۳۲.۸ و ۲۴.۳ درصدی، از نظر توسعه، در وضعیت نامطلوبی‌اند. کاربری بهداشتی و درمانی

تحلیل کمی کاربری اراضی وضع موجود منطقه پانزده شهر اصفهان با استانداردهای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

تحلیل کمی کاربری اراضی وضع موجود منطقه پانزده شهر اصفهان با استفاده از استانداردهای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جدول شماره (۵) ارائه شده است. بر این اساس سرانه کاربری اراضی در وضعیت موجود منطقه پانزده شهر اصفهان ۷۹.۸۵ مترمربع است. براساس سرانه‌های مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مجموع سرانه‌های این کاربری‌های به صورت استاندارد ۷۹ مترمربع است.

جدول (۷) تحلیل ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس استانداردهای شهر سالم

وضعیت توسعه یافتگی	ضریب مکانی (LQ شاخص)	وضع موجود منطقه	سرانه‌های شهر سالم	کاربری اراضی
تحقق نسبی توسعه	۱.۵۶	۳۸.۲۱	۵۰	مسکونی
عدم تحقق	۰.۴۷	۱.۱۵	۵	تجاری
عدم تحقق	۰.۲۵	۱.۲۲	۱۰	آموزشی
عدم تحقق	۰.۲۶	۱.۰۳	۸.۲	بهداشتی و درمانی
عدم تحقق	۰.۳۱	۳.۰۳	۲۰	پارک و فضای سبز عمومی
عدم تحقق	۰.۳۹	۲.۸۰	۱۴.۵	ورزشی
عدم تحقق	۰.۱۹	۰.۸۶	۹.۱۰	فرهنگی-مذهبی
عدم تحقق	۰.۳۳	۰.۳۴	۲.۱	اداری و انتظامی
تحقق زیاد	۲.۱۸	۲۵.۶۸	۲۴	حمل و نقل و انبارداری
عدم تحقق	۰.۰۹	۰.۶۷	۱۵	تأسیسات و تجهیزات شهری
تحقق زیاد	۲.۱۵	۴.۸۶	۴.۶	صنعتی و کارگاهی غیرمزاحم

درمانی، پارک و فضای سبز عمومی، ورزشی، فرهنگی - مذهبی، اداری و انتظامی و تأسیسات و تجهیزات شهری عدم تحقق توسعه بر مبنای شاخص‌های شهر سالم را داشته‌اند و کاربری‌های حمل و نقل و انبار و صنعتی و کارگاهی غیرمزاحم نیز سطح تحقق توسعه بالا را داشته‌اند. به این ترتیب بر مبنای شاخص‌های توسعه شهر سالم، نیازهای اساسی زندگی در منطقه پانزده شهر اصفهان در وضعیت نامطلوب و نامناسبی قرار دارند.

تحلیل ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس سرانه استانداردهای مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری

در جدول شماره (۷) ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس استانداردهای سرانه استاندارد مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری در منطقه پانزده شهر اصفهان ارائه شده است. بر این اساس کاربری مسکونی، ورزشی و انباری و حمل و نقل در وضعیت تحقق توسعه نسبی

با تحقق‌پذیری ۴۱.۲ درصد در وضعیت متوسط قرار دارد. کاربری پارک و فضای سبز عمومی با درصد تحقق ۳۷.۹ در وضعیت نامطلوب است و کاربری ورزشی با درصد تحقق ۱۳۹.۹ در وضعیت کاملاً مطلوب است. به طور کلی، درصد تحقق خدمات اساسی در زندگی شهری شامل آموزشی، بهداشتی - درمانی، پارک و فضای سبز در وضعیت نامطلوب قرار دارد و سایر خدمات نیز به جز کاربری مسکونی و ورزشی دارای تحقق‌پذیری کمتر از ۵۰ درصد است.

تحلیل ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس استانداردهای شهر سالم

در جدول شماره (۶) وضعیت ضریب مکانی توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس استانداردهای شهر سالم در منطقه پانزده شهر اصفهان به تفکیک کاربری‌ها ارائه شده است. بر این اساس، کاربری مسکونی با ضریب ۱.۵۶ دارای تحقق نسبی در توسعه کاربری‌های تجاری، آموزشی، بهداشتی و

جدول (۸) ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس استانداردهای سرانه استاندارد مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری

وضعیت توسعه یافتگی	ضریب مکانی (LQ) شاخص	وضع موجود منطقه	سرانه استاندارد مصوب	کاربری اراضی
تحقق نسبی توسعه	۱.۵۱	۳۸.۲۱	۲۵	مسکونی
عدم تحقق	۰.۳۲	۱.۱۵	۳.۵	تجاری
عدم تحقق	۰.۲۴	۱.۲۲	۵	آموزشی
عدم تحقق	۰.۴۱	۱.۰۳	۲.۵	بهداشتی و درمانی
عدم تحقق	۰.۳۸	۳.۰۳	۸	پارک و فضای سبز عمومی
تحقق نسبی توسعه	۱.۳۸	۲.۸۰	۲	ورزشی
عدم تحقق	۰.۵۷	۰.۸۶	۱.۵	فرهنگی-مذهبی
عدم تحقق	۰.۲۳	۰.۳۴	۱.۵۰	اداری و انتظامی
تحقق نسبی توسعه	۱.۲۷	۲۵.۶۸	۲۰.۰۰	حمل و نقل و انبارداری
عدم تحقق	۰.۳۳	۰.۶۷	۲.۰۰	تأسیسات و تجهیزات شهری
عدم تحقق	۰.۶۰۱	۴.۸۶	۸.۰۰	صنعتی و کارگاهی غیرمزاحم

ارائه شده است. بر این اساس کاربری مسکونی و بهداشتی و درمانی در شرایط تحقق نسبی قرار دارند و کاربری های خدمات تجاری، آموزشی، پارک و فضای سبز، فرهنگی و مذهبی، اداری و انتظامی، حمل و نقل و انبار و تأسیسات و تجهیزات شهری نیز در وضعیت عدم تحقق توسعه قرار گرفته اند. کاربری ورزشی و صنعتی و کارگاهی غیرمزاحم در وضعیت تحقق توسعه بالاست. باین حال، به طور کلی، براساس تحلیل ضریب مکانی LQ در منطقه پانزده شهر اصفهان در مقایسه با سرانه های پیشنهادی طرح بازنگری طرح تفصیلی شهر اصفهان خدمات اساسی در وضعیت نامطلوبی اند.

تحلیل ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس سرانه های وضع موجود شهر اصفهان

در جدول شماره (۹) ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس سرانه های

قرار دارند و کاربری های خدمات تجاری، آموزشی، بهداشتی و درمانی، پارک و فضای سبز عمومی، فرهنگی و مذهبی، اداری و انتظامی، تأسیسات و تجهیزات شهری و صنعتی و کارگاهی غیرمزاحم نیز در وضعیت عدم تحقق توسعه، مطابق با استانداردهای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، قرار دارد. بنابراین، در تحلیل نیز نیازهای اساسی زندگی شهری در منطقه پانزده شهر اصفهان در وضعیت نامطلوب براساس تحلیل ضریب مکانی LQ قرار دارد.

تحلیل ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس استانداردهای سرانه پیشنهادی طرح بازنگری طرح تفصیلی شهر اصفهان

در جدول شماره (۸) ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس استانداردهای سرانه پیشنهادی طرح بازنگری طرح تفصیلی شهر اصفهان در منطقه پانزده شهر اصفهان

جدول (۹) ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس استانداردهای سرانه پیشنهادی طرح بازنگری طرح تفصیلی شهر اصفهان

وضعیت توسعه یافتگی	ضریب مکانی شاخص (LQ)	وضع موجود منطقه	طرح بازنگری طرح تفصیلی	کاربری اراضی
تحقق نسبی توسعه	۱.۰۵	۳۸.۲۱	۳۷.۹۶	مسکونی
عدم تحقق	۰.۶۸	۱.۱۵	۱.۷۵	تجاری
عدم تحقق	۰.۶۴	۱.۲۲	۱.۹۷	آموزشی
تحقق نسبی توسعه	۱.۷۸	۱.۰۳	۰.۶۰	بهداشتی و درمانی
عدم تحقق	۰.۴۵	۳.۰۳	۷.۰۶	پارک و فضای سبز عمومی
تحقق بالا	۲.۸۰	۲.۸۰	۱.۰۴	ورزشی
عدم تحقق	۰.۷۴	۰.۸۶	۱.۲۲	فرهنگی - مذهبی
عدم تحقق	۰.۳۱	۰.۳۴	۱.۱۳	اداری و انتظامی
عدم تحقق	۰.۹۵	۲۵.۶۸	۲۸.۰۷	حمل و نقل و انبارداری
عدم تحقق	۰.۹۷	۰.۶۷	۰.۷۲	تأسیسات و تجهیزات شهری
تحقق بالا	۳.۳۹	۴.۸۶	۱.۴۹	صنعتی و کارگاهی غیرمزامح
	۱.۰۰	۷۹.۸۵	۸۳.۰	جمع

توسعه در بیشتر شاخص‌های بررسی شده وجود دارد. جمع‌بندی وضعیت توسعه کاربری اراضی در منطقه پانزده شهر اصفهان در جدول شماره (۱۰) و شکل شماره (۴) مقایسه وضعیت ضریب مکانی توسعه کاربری اراضی در منطقه پانزده شهر اصفهان در وضعیت شهر سالم، استاندارد شورای عالی شهرسازی و معماری، سرانه طرح بازنگری طرح تفصیلی شهر اصفهان و سرانه وضع موجود شهر اصفهان ارائه شده است. بر این اساس وضعیت توسعه‌یافتگی کاربری اراضی در منطقه پانزده به‌خصوص در زمینه خدمات تجاری، آموزشی، بهداشتی و درمانی، پارک و فضای سبز، فرهنگی و مذهبی، اداری و انتظامی، حمل و نقل و انبار و تأسیسات در وضعیت نامناسبی و نامطلوبی

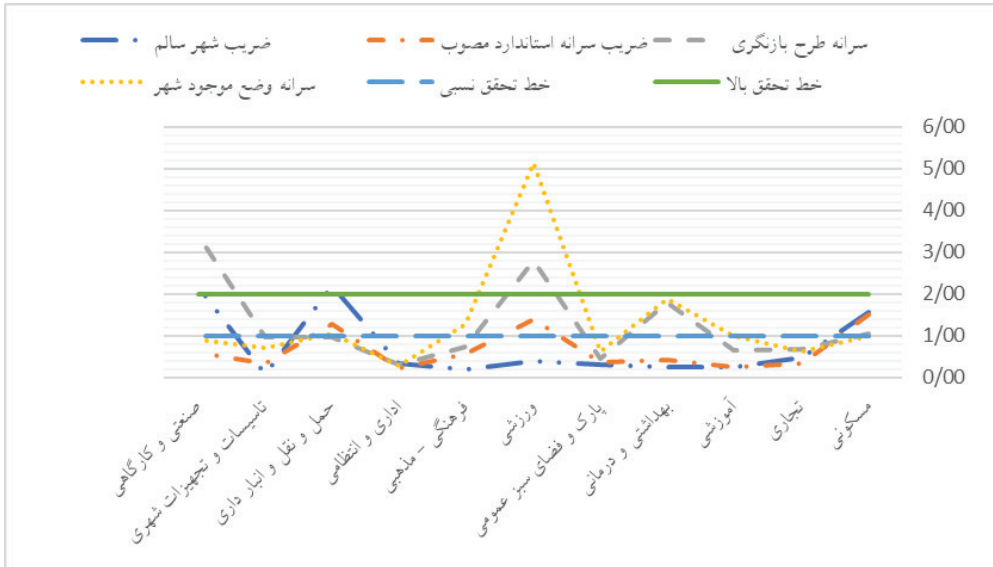
وضع موجود شهر اصفهان در منطقه پانزده شهر اصفهان ارائه شده است. بر این اساس کاربری مسکونی، خدمات تجاری، آموزشی، اداری و انتظامی، تأسیسات و تجهیزات شهری و صنعتی و کارگاهی غیرمزامح و پارک و فضای سبز در وضعیت عدم تحقق توسعه قرار دارند. کاربری‌های بهداشتی و درمانی، فرهنگی و مذهبی و حمل و نقل و انبارداری، نسبت به وضع موجود شهر، در وضعیت تحقق نسبی قرار دارند. کاربری ورزشی دارای تحقق توسعه در سطح بالاست. بنابراین، ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی در منطقه پانزده شهر اصفهان نسبت به سرانه‌های وضع موجود شهر اصفهان نشان می‌دهد که توسعه‌یافتگی کاربری اراضی به‌خصوص در زمینه نیازهای اساسی زندگی شهری به وجود نیامده است و عدم تحقق

جدول (۱۰) ضریب مکانی وضعیت توسعه کاربری اراضی وضع موجود منطقه براساس سرانه‌های وضع موجود شهر اصفهان

کاربری اراضی	وضع موجود شهر اصفهان	وضع موجود منطقه	ضریب مکانی (LQ) شاخص	وضعیت توسعه یافتگی
مسکونی	۳۶.۷۳	۳۸.۲۱	۰.۹۹	عدم تحقق
تجاری	۱.۷۵	۱.۱۵	۰.۶۳	عدم تحقق
آموزشی	۱.۱۶	۱.۲۲	۱.۰۰	عدم تحقق
بهداشتی و درمانی	۰.۵۲	۱.۰۳	۱.۸۹	تحقق نسبی توسعه
پارک و فضای سبز عمومی	۴.۶۶	۳.۰۳	۰.۶۲	عدم تحقق
ورزشی	۰.۵۲	۲.۸۰	۵.۱۴	تحقق بالا
فرهنگی-مذهبی	۰.۶۵	۰.۸۶	۱.۲۷	تحقق نسبی توسعه
اداری و انتظامی	۱.۱۵	۰.۳۴	۰.۲۸	عدم تحقق
حمل و نقل و انبارداری	۲۳.۱۳	۲۵.۶۸	۱.۰۶	تحقق نسبی توسعه
تأسیسات و تجهیزات شهری	۰.۹۰	۰.۶۷	۰.۷۱	عدم تحقق
صنعتی و کارگاهی	۵.۰۸	۴.۸۶	۰.۹۱	عدم تحقق
جمع	۷۶.۳	۷۹.۸۵	۱.۰۰	

جدول (۱۱) مقایسه وضعیت ضریب مکانی توسعه کاربری اراضی در منطقه پانزده شهر اصفهان در وضعیت‌های گوناگون

ضریب شهر سالم	ضریب سرانه استاندارد مصوب	سرانه طرح بازنگری طرح تفصیلی شهر اصفهان	سرانه وضع موجود شهر	
۱.۵۶	۱.۵۱	۱.۰۵	۰.۹۹	مسکونی
۰.۴۷	۰.۳۲	۰.۶۸	۰.۶۳	تجاری
۰.۲۵	۰.۲۴	۰.۶۴	۱.۰۰	آموزشی
۰.۲۶	۰.۴۱	۱.۷۸	۱.۸۹	بهداشتی و درمانی
۰.۳۱	۰.۳۸	۰.۴۵	۰.۶۲	پارک و فضای سبز عمومی
۰.۳۹	۱.۳۸	۲.۸۰	۵.۱۴	ورزشی
۰.۱۹	۰.۵۷	۰.۷۴	۱.۲۷	فرهنگی-مذهبی
۰.۳۳	۰.۲۳	۰.۳۱	۰.۲۸	اداری و انتظامی
۲.۱۸	۱.۲۷	۰.۹۵	۱.۰۶	حمل و نقل و انبارداری
۰.۰۹	۰.۳۳	۰.۹۷	۰.۷۱	تأسیسات و تجهیزات شهری
۲.۱۵	۰.۶۰	۳.۳۹	۰.۹۱	صنعتی و کارگاهی غیرمزاحم



شکل شماره (۶) مقایسه وضعیت توسعه یافتگی کاربری اراضی در منطقه پانزده شهر اصفهان براساس شاخص‌های گوناگون

قرار دارد. در وضعیت شهر سرانه‌های شهر سالم فاصله وضع موجود تا سرانه‌های شهر سالم بسیار بیشتر است. بنابراین، وضعیت کلی منطقه پانزده براساس شاخص‌های بررسی شده از دیدگاه شهر سالم توسعه نیافته و نامطلوب است. با توجه به اینکه در سال ۱۳۹۲ به شهر اصفهان الحاق شده است، نیازمند اجرای طراحی ویژه در زمینه ارتقای کیفیت و سطح توسعه یافتگی در زمینه شاخص‌های بررسی شده به‌عنوان نیازهای اساسی زندگی شهری سالم است.

تحلیل وضعیت دسترسی به شاخص‌های شهر سالم براساس آزمون تی تک نمونه‌ای نتایج تحلیل وضعیت شاخص‌های شهر سالم در منطقه پانزده شهر اصفهان براساس آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر ارائه شده است. بر این اساس:

دسترسی به حمل و نقل عمومی: آماره T برابر با ۱۱.۵۱۱- است و مقدار p-value (سطح معناداری) نیز ۰.۰۰۰ است. این نتیجه نشان می‌دهد که دسترسی به اماکن اداری با اطمینان زیادی از میانگین متفاوت است (تفاوت نامطلوب) و معمولاً در سطح متوسط قرار دارد.

دسترسی به مراکز بهداشت و درمان: آماره T برابر با ۹.۶۲۱- است و مقدار p-value (سطح معناداری) نیز ۰.۰۰۰ است. این نتیجه نشان می‌دهد که دسترسی به مراکز بهداشت و درمان با اطمینان زیادی از میانگین متفاوت است (تفاوت نامطلوب) و معمولاً در سطح زیاد قرار دارد.

دسترسی به مراکز خرید روزانه و محلی: آماره T برابر با ۱۱.۵۶۰- است و مقدار p-value (سطح معناداری)

جدول (۱۱): تحلیل وضعیت شاخص‌های شهر سالم در منطقه پانزده شهر اصفهان براساس آزمون تی تک نمونه‌ای

اندازه اثر	وضعیت	Test Value = 3					T آماره	
		سطح اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی		
		حد بالا	حد پایین					
متوسط	نامطلوب	۰,۵۹۸۵-	۰,۸۴۵۲-	۰,۷۲۱۸۵-	۰,۰۰۰	۱۵۰	۱۱,۵۶۰-	دسترسی به حمل و نقل عمومی
کم	نامطلوب	۰,۶۳۶۳-	۰,۹۰۰۱-	۰,۷۶۸۲۱-	۰,۰۰۰	۱۵۰	۱۱,۵۱۱-	دسترسی به اماکن اداری
زیاد	نامطلوب	۰,۵۷۸۹-	۰,۸۷۸۱-	۰,۷۲۸۴۸-	۰,۰۰۰	۱۵۰	۹,۶۲۱-	دسترسی به مراکز بهداشت و درمان
زیاد	نامطلوب	۰,۳۹۲۹-	۰,۷۴۶۲-	۰,۵۶۹۵۴-	۰,۰۰۰	۱۵۰	۶,۳۷۱-	دسترسی به مراکز خرید روزانه و محلی
زیاد	نامطلوب	۰,۶۲۵۰-	۰,۸۸۴۹-	۰,۷۵۴۹۷-	۰,۰۰۰	۱۵۰	۱۱,۴۸۱-	دسترسی به اماکن ورزشی
زیاد	نامطلوب	۵,۹۸۳۹	۰,۱۲۹۶-	۲,۹۲۷۱۵	۰,۰۶۰	۱۵۰	۱,۸۹۲	دسترسی به محل کار
کم	نامطلوب	۰,۲۳۲۳-	۰,۶۱۵۴-	۰,۴۲۳۸۴-	۰,۰۰۰	۱۵۰	۴,۳۷۲-	وضعیت آسفالت معابر
متوسط	نامطلوب	۰,۸۳۹۸-	۰,۹۸۸۰-	۰,۹۱۳۹۱-	۰,۰۰۰	۱۵۰	۲۴,۳۶۰-	دسترسی به اماکن آموزشی
زیاد	مطلوب	۴,۸۰۴۱	۰,۵۰۷۱	۲,۶۵۵۶۳	۰,۰۱۶	۱۵۰	۲,۴۴۲	دسترسی به اماکن فرهنگی و مذهبی

و مقدار p-value (سطح معناداری) نیز ۰.۰۰۰ است. این نتیجه نشان می‌دهد که وضعیت آسفالت معابر با اطمینان زیادی از میانگین متفاوت است (تفاوت نامطلوب) و معمولاً در سطح کم قرار دارد.

دسترسی به اماکن آموزشی: آماره T برابر با ۲۴.۳۶۰- است و مقدار p-value (سطح معناداری) نیز ۰.۰۰۰ است. این نتیجه نشان می‌دهد که دسترسی به اماکن آموزشی با اطمینان زیادی از میانگین متفاوت است (تفاوت نامطلوب) و معمولاً در سطح متوسط قرار دارد.

دسترسی به اماکن فرهنگی و مذهبی: آماره T برابر با ۲.۴۴۲ است و مقدار p-value (سطح معناداری) برابر با ۰.۰۱۶ است. این نتیجه نشان می‌دهد که دسترسی به اماکن فرهنگی و مذهبی با اطمینان مطلوبی از میانگین متفاوت است (تفاوت مطلوب) و معمولاً در سطح زیاد قرار دارد

با ۶.۳۷۱- است و مقدار p-value (سطح معناداری) نیز ۰.۰۰۰ است. این نتیجه نشان می‌دهد که دسترسی به مراکز خرید روزانه و محلی با اطمینان زیادی از میانگین متفاوت است (تفاوت نامطلوب) و معمولاً در سطح زیاد قرار دارد.

دسترسی به اماکن ورزشی: آماره T برابر با ۱۱.۴۸۱- است و مقدار p-value (سطح معناداری) نیز ۰.۰۰۰ است. این نتیجه نشان می‌دهد که دسترسی به اماکن ورزشی با اطمینان زیادی از میانگین متفاوت است (تفاوت نامطلوب) و معمولاً در سطح زیاد قرار دارد.

دسترسی به محل کار: آماره T برابر با ۱.۸۹۲ است و مقدار p-value (سطح معناداری) برابر با ۰.۰۶۰ است. این نتیجه نشان می‌دهد که دسترسی به محل کار با اطمینان متوسطی از میانگین متفاوت است و معمولاً در سطح زیاد قرار دارد.

وضعیت آسفالت معابر: آماره T برابر با ۴.۳۷۲- است

به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که در اکثر موارد، دسترسی به امکانات در منطقه مورد مطالعه از دسترسی مطلوب کمتر است. این تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار است. این امر بر کیفیت زندگی و رفاه ساکنان منطقه مورد مطالعه تأثیر منفی می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

نظریه شهر سالم بر ترکیب متعادل کاربری‌های مختلف زمین در شهر تأکید دارد. این نظریه پیشنهاد می‌دهد که شهرها باید تراکم، ترافیک، آلودگی و نابرابری‌ها را کاهش دهند تا محیط‌های سالم‌تری ایجاد کنند. پیاده‌سازی اصول نظریه شهر سالم نیازمند برنامه‌ریزی دقیق کاربری اراضی است. دستیابی به شهرهای سالم نیازمند برنامه‌ریزی یکپارچه‌ای است که کاربری‌های زمین، حمل‌ونقل و محافظت از محیط‌زیست را هماهنگ کند. کاربری اراضی یکی از مهم‌ترین عوامل در ایجاد شهر سالم است. کاربری اراضی مناسب به بهبود سلامت جسمی و روانی شهروندان، کاهش آلودگی هوا و صوت و ایجاد محیطی پایدار کمک می‌کند. بنابراین، برنامه‌ریزان شهری باید با توجه به نیازهای شهروندان و محیط‌زیست، کاربری اراضی را در شهرها به‌گونه‌ای طراحی کنند که به بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ایجاد محیطی پایدار کمک کند.

مطالعه حاضر با هدف ارزیابی و تحلیل سطح توسعه‌یافتگی کاربری اراضی شهری در منطقه پانزده شهر اصفهان از دیدگاه شهر سالم انجام شد. نتایج نشان داد که میزان تحقق‌پذیری توسعه براساس استانداردهای شهر سالم در این منطقه ۴۹.۱۴ درصد و در وضعیت متوسط است. اما بررسی توسعه‌یافتگی براساس شاخص خدمات اساسی نشان می‌دهد که منطقه پانزده شهر اصفهان در وضعیت کاملاً نامطلوبی قرار دارد. درصد تحقق خدمات اساسی در زندگی

شهری شامل آموزشی، بهداشتی-درمانی، پارک و فضای سبز در وضعیت نامطلوب قرار دارد و سایر خدمات نیز به‌جز کاربری مسکونی و ورزشی دارای تحقق‌پذیری کمتر از ۵۰ درصد است.

مقایسه با سرانه‌های وضع موجود شهر اصفهان نشان می‌دهد که توسعه‌یافتگی کاربری اراضی به‌خصوص در زمینه نیازهای اساسی زندگی شهری به وجود نیامده است و عدم تحقق توسعه در بیشتر شاخص‌های بررسی‌شده وجود دارد.

تحلیل وضعیت منطقه براساس دسترسی به خدمات نیز نشان داد که در اکثر موارد، دسترسی به امکانات در منطقه مورد مطالعه از دسترسی مطلوب کمتر است. این امر بر کیفیت زندگی و رفاه ساکنان منطقه مورد مطالعه تأثیر منفی می‌گذارد.

به‌طور کلی، منطقه پانزده براساس شاخص‌های بررسی‌شده از دیدگاه شهر سالم توسعه نیافته و نامطلوب است. با توجه به اینکه این منطقه در سال ۱۳۹۲ به شهر اصفهان الحاق شده است، نیازمند اجرای طراحی ویژه در زمینه ارتقای کیفیت و سطح توسعه‌یافتگی در زمینه شاخص‌های بررسی‌شده به‌عنوان نیازهای اساسی زندگی شهری سالم است.

مطالعه حاضر نشان داد که منطقه پانزده شهر اصفهان از دیدگاه شهر سالم توسعه نیافته و نامطلوب است. دلیل این وضعیت عوامل مختلفی است از جمله عدم توجه کافی به نیازهای اساسی زندگی شهری در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی منطقه.

برای بهبود وضعیت کاربری اراضی شهری در منطقه پانزده شهر اصفهان، پیشنهاد می‌شود کارهای زیر انجام شود:

- افزایش سرانه‌های خدمات اساسی، به‌ویژه کاربری‌های آموزشی، بهداشتی-درمانی و فضای سبز با توجه به جمعیت و نیازهای ساکنان منطقه؛

فهرست منابع

- بهبود دسترسی به خدمات، به ویژه در مناطق محروم، با ایجاد شبکه‌های حمل و نقل عمومی مناسب و تقویت شبکه معابر شهری؛
 - ایجاد هماهنگی و همکاری بین دستگاه‌های مختلف متولی خدمات شهری، به منظور بهره‌برداری بهینه از منابع و امکانات موجود؛
 - برنامه‌ریزی جامع و بلندمدت برای توسعه کاربری اراضی منطقه، با توجه به نیازهای ساکنان و اهداف توسعه پایدار شهری؛
 - توجه به موضوع عدالت اجتماعی در توزیع خدمات شهری: در اجرای اقدامات پیشنهادی، باید به موضوع عدالت اجتماعی نیز توجه شود. مثلاً، در افزایش سرانه‌های خدمات اساسی، باید مناطق محروم و کم‌برخوردار را در اولویت قرار داد؛
 - توجه به موضوع مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای: در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای منطقه پانزده، باید از مشارکت شهروندان استفاده شود. این امر می‌تواند با برگزاری جلسات عمومی و یا ایجاد سازوکارهایی برای دریافت نظرات شهروندان انجام شود.
 - با توجه به مواردی که ذکر کردیم، می‌توان نتیجه گرفت که برای بهبود وضعیت کاربری اراضی شهری در منطقه پانزده شهر اصفهان، نیاز به کارهایی است که در چهارچوب برنامه‌ای جامع و بلندمدت انجام شود. این کارها باید با توجه به نیازهای اساسی زندگی شهری و اهداف شهر سالم انجام شود. همچنین، باید به موضوع عدالت اجتماعی و مشارکت شهروندان نیز توجه شود. با اجرای این کارها، می‌توان زمینه را برای ایجاد شهری سالم و پایدار در منطقه پانزده شهر اصفهان فراهم کرد.
۱. احمدی، حسن (۱۳۸۵)، «ریشه‌های پیدایش ایده شهر سالم»، فصلنامه بین‌المللی فنی و مهندسی ساخت شهر، سال سوم، ۶(۷)، صص ۱۵-۷.
 ۲. برکپور، ناصر و فرحناکی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «ارزیابی کمی و کیفی کاربری‌های اراضی حاشیه رودخانه شهری (نمونه موردی: رودخانه آبشوران شهر کرمانشاه)»، چهارمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی: پایداری و تاب‌آوری از آرمان تا واقعیت، قزوین، <https://civilica.com/doc/632096>.
 ۳. بیات، اشکان (۱۳۹۰)، «بررسی موفقیت یا عدم موفقیت طرح جامع تهران (نمونه موردی کاربری‌های منطقه ۳)»، نخستین همایش ملی آرمان شهر ایران، نور، <https://civilica.com/doc/160053>.
 ۴. بیک محمدی، حسن، طهماسبی زاده، فرشاد، ابوالحسنی، رضا (۱۳۹۳)، «آسیب‌شناسی طرح جامع شهر خوراسگان»، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۶(۳)، صص ۷۹-۵۸.
 ۵. پورمحمدی، محمدرضا، جمالی، فیروز، اصغری‌زمانی، اکبر (۱۳۸۷)، «ارزیابی گسترش فضایی-کالبدی شهر زنجان با تأکید بر تغییر کاربری زمین طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۴»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۱(۱)، صص ۲۰۵-۱۹۷۵.
 ۶. پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، تهران: انتشارات سمت.
 ۷. رهنما، محمدرحیم و همکاران (۱۳۹۷)، «اولویت‌بندی کاربری‌های شهری با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هجدهم، ۴۹، صص ۲۰۳-۱۸۸.
 ۸. سازمان جهانی بهداشت (۲۰۲۱)، شاخص‌های شهر سالم، ژنو، سوئیس: سازمان جهانی بهداشت.
 ۹. سلمانی مقدم، محمد، خداپنده‌لو، حسن، درودی‌نیا، عباس، میرواحدی، نگین سادات (۱۳۹۷)، «ارزیابی کاربری اراضی شهری با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر زنجان)»، مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های سانی، ۱۳(۲)، صص ۶۶-۴۴۵.
 ۱۰. شماعتی، علی و همکاران (۱۳۹۰)، «ارزیابی کمی

to old neighborhoods”, *Land Use Policy*, Volume 78, November 2018, Pages 555-561

21. Hall, P., & Pfeiffer, U. (2013). “Urban future 21: a global agenda for twenty-first century cities”, *Routledge*.

22. Iamtrakul, Pawinee & Chayphong, Sararad. (2023). “Factors affecting the development of a healthy city in Suburban areas”, *Thailand. Journal of Urban Management*. 12. 10.1016/j.jum.2023.04.002.

23. Jennings, V., Larson, L., & Yun, J. (2016). “Advancing sustainability through urban green space: cultural ecosystem services, equity, and social determinants of health”. *International journal of environmental research and public health*, 13(2), 196.

24. Jia B, Chen Y, Wu J.(2021). “Bibliometric Analysis and Research Trend Forecast of Healthy Urban Planning for 40 Years (1981-2020)”. *Int J Environ Res Public Health*. 2021 Sep. 7;18 (18): 9444. doi: 10.3390/ijerph18189444. PMID: 34574368; PMCID: PMC8464861.

25. Jiang L. G.; Zhao H. X.; Zhang Z. L.; Ieee (2005) “Analysis on the spatial structure of urban land use in Jinan City, China, Published in: Proceedings”. 2005 *IEEE International Geoscience and Remote Sensing Symposium*, 2005. IGARSS '05.

26. Mundia, Charles N AND Aniya, Masamu (2005), “Analysis of land use/cover changes and urban expansion of Nairobi city using remote sensing and GIS”, *Article in International Journal of Remote Sensing* 26 (13): 2831-2849· July 2005 with 676 Reads.

27. Posuk, Suvimon Kajita, Yoshitaka and Petchsasithon, Arthit (2018), “Comparative analysis of city planning and land use change in Bangkok, Thailand, by using remote sensing and GIS”, *The 4th*

شاخص‌های پایداری کالبدی-فضایی شهر با استفاده از مدل TOPSIS فازی»، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۸(۲)، صص ۶۳-۴۴

۱۱. صرافى، مظفر (۱۳۹۳)، مبانی نظری و کاربردی ارزیابی کمی شاخص‌های کیفیت محیط‌زیست شهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۲. فرجام، رسول (۱۳۹۷)، «ارزیابی شدت کارایی مکانی کاربری اراضی در بخش مرکزی شهر (مطالعه موردی: بخش مرکزی شیراز)»، فصلنامه مطالعات شهری، ۷(۲۶)، صص ۸۸-۷۳.

۱۳. قلمی، علیرضا (۱۳۸۷)، «از مدینه فاضله تا شهر سالم»، معاونت امور اجتماعی، فرهنگی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهری شهرداری منطقه ۲۰، صص ۳۳-۳۴.

۱۴. کاظمی، مهدی (۱۳۹۰)، «روش‌های کمی سنجش و ارزیابی شاخص‌های کیفیت محیطی»، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۳(۱۵)، صص ۱۳۱-۱۱۲.

۱۵. موحد، علی، صمدی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «ارزیابی کمی و کیفی کاربری اراضی شهر مریوان»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۳(۴)، صص ۶۶-۴۵.

۱۶. یوسفی، محبوبه (۱۴۰۰)، «شناخت و بررسی شاخص‌های شهر سالم»، آفاق علوم انسانی، ۵(۵۸)، صص ۵۰-۳۷.

17. Barton, H. and Tsourou, C., (2000). *Healthy urban planning: a WHO guide to planning for people*. Spon Press.

18. Barton, H., (2005). “A health map for urban planners: Towards a conceptual model for healthy, sustainable settlements”. *Built Environment*, 31(4), pp. 339-355.

19. Bureau of environmental health (2021). *Healthy city in the perspective of the department of health*. Available online: [http://advisor.anamai.moph.go.th/main.php? filename=%cities01](http://advisor.anamai.moph.go.th/main.php?filename/%cities01), 1 March 2021.

20. Chin Lin ،Tzu, Hsin Huang، Fang AND Siao-En Lin (2018), “Land assembly for urban development in Taipei City with particular reference

- International Conference on Engineering, Applied Sciences and Technology (ICEAST 2018)* “Exploring Innovative Solutions for Smart Society” Volume 192 (2018) MATEC Web Conf., 192 (2018) 02064.
28. Smith, A. (2010). “Urban land use planning”, *Journal of Urban Studies*, 15(2), 25-35.
29. United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat) (2016), “Urbanization and Development: Emerging Futures”, *World Cities Report 2016*. UN-Habitat: Nairobi.
30. Williams, B. (2020), “Healthy city planning: A guide for sustainable communities”, *New York: Routledge*.
31. World Health Organization (WHO), (1997), “Twenty steps for developing a healthy cities project-3rd Edition”, *Copenhagen: WHO Regional Office for Europe*.
32. World Health Organization (2005), “Settings-based initiatives to address environmental risks to children’s health - what works”, *Available online: http://www.who.int/heca/activities/entebbe_report.pdf, 10 January 2020*.
33. Zhao M, Qin W, Zhang S, Qi F, Li X, Lan X.(2023), “Assessing the construction of a Healthy City in China: a conceptual framework and evaluation index system”, *Public Health*. Jul;220:88-95. doi: 10.1016/j.puhe.2023.04.020. Epub 2023 Jun 7. PMID: 37285608; PMCID: PMC10243958.

بررسی میزان مشارکت شهری در محلات شهری با تأکید بر بی تفاوتی اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان میمه)

نسرین قلانی^۱

دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، مربی دانشگاه فرهنگیان، شهید رجایی اصفهان، ایران.

زهرا براتی

کارشناسی ارشد جغرافیا، پژوهشگر و دبیر آموزش و پرورش، اصفهان، ایران.

مصطفی سعیدی

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، پژوهشگر و دبیر آموزش و پرورش، اصفهان، ایران.

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۷۵ - ۹۶

چکیده

بی تفاوتی به معنای عزلت گزیدن و فقدان مشارکت در حد انتظار است. طی این فرآیند فرد از دیگران، سیستم یا عقیده خاصی فاصله می‌گیرد. در واقع بی تفاوتی اجتماعی یعنی عدم درگیری فرد در حیات اجتماعی. مقاله حاضر با هدف سنجش بی تفاوتی اجتماعی به دنبال تأثیر آن بر میزان مشارکت شهری در ابعاد اجتماعی و عمرانی در بین شهروندان شهرستان میمه است. بنابراین، در پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن متغیرهایی مثل توجه به زیبایی شهری، اعتماد به مسئولان در طراحی شهری، نوسازی و مشارکت محلی و دولتی به سنجش آن پرداخته و از لحاظ روش‌شناسی، از روش پیمایشی و از ابزار محقق ساخته استفاده کرده‌ایم. نمونه آماری این پژوهش به لحاظ روش نمونه‌گیری در دو مرحله خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده در پنج محله، در بین چهارصد نفر از شهروندان ۱۸ تا ۶۴ سال شهرستان میمه، در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹، اجرا شده است. نتایج حاصل از ترکیب گویه‌ها در خصوص میزان بی تفاوتی اجتماعی، حاکی از این است که میزان بی تفاوتی در بین اکثر پاسخگویان ۵۲ درصد، در حد متوسط، ارزیابی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیر بی تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. تفاوت در میزان مشارکت اجتماعی و مشارکت عمرانی در بین محلات تأیید شده است و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان در سطح محلات متفاوت است.

واژگان کلیدی: بی تفاوتی اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، مشارکت، فضای شهری، گرافیک شهری.

^۱ نویسنده مسئول: ghalani_n@yahoo.com

و مغایر با برخی نیازمندی‌هایشان است که به جدایی و تعلق نداشتن آنان نسبت به جامعه منجر می‌شود (تبریزی ۱۳۶۳، به نقل از فولادیان، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی، دل‌سردی و بی‌اعتنایی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی تحت تأثیر بیگانگی باعث ایجاد شکنندگی در ساختار اجتماعی می‌شود و اعضای شبکه اجتماعی نسبت به فرآیندهای اجتماعی بدبین و دچار بیماری ناامیدی نسبت به آینده و انزوای اجتماعی به دور از هرگونه ارتباط اجتماعی می‌شوند. بنابراین، فردی که نسبت به جامعه به‌طور عام و نظام اجتماعی-سیاسی به‌طور خاص خصومت می‌کند، احتمال دارد که از همه انواع مشارکت کناره‌گیری کند و به صف افرادی که کاملاً بی‌تفاوت‌اند بپیوندد و یا اینکه در سطوح مختلف جامعه مشارکت فعال نداشته باشد (Paxton, 1999). بنابراین، اهمیت بحث بی‌تفاوتی اجتماعی از آنجا ناشی می‌شود که رابطه فرد با محیط و جامعه شکسته می‌شود و این امر در میزان مشارکت و اعتماد به مسئولان و جامعه نقش بسزایی دارد و در جریانی مستمر، این بی‌تفاوتی اجتماعی با کاهش مشارکت اجتماعی شهری همراه می‌شود که این امر ضرورت بررسی این پژوهش را دوچندان می‌کند. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت می‌کنند و مستقیماً یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۵). به همین دلیل، از دیدگاه جامعه‌شناسی باید بین مشارکت در مفهوم شرکت کردن و مشارکت به‌عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تفاوت قائل شد. مشارکت در معنای اول به گروهی خاص تعلق دارد و از داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم نشانه

بی‌تفاوتی کنشی منفعلانه است که افراد در آن از مشارکت فعال و انجام کنش‌های دگرخواهانه دوری می‌کنند و در مورد مسائل جامعه بی‌اعتنا می‌شوند (فیض‌اللهی و کمریگی، ۱۴۰۰). این امر به‌عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی در فرهنگ اکثر کشورهای دنیا در قالب مسئله‌ای اجتماعی شناخته شده و عمومیت پیدا کرده است. کناره‌گیری افراد و بی‌توجهی آنها نسبت به محیط اطراف و دل‌سردی و بیگانگی نسبت به مسائل اجتماعی از موضوعاتی‌اند که بسیاری از اندیشمندان اجتماعی در محافل اجتماعی و سیاسی به آن توجه بسیاری کرده‌اند. از نظر این گروه توده مردم در فراگردهای اجتماعی به تأثیرگذاری بر رویدادها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی تمایل چندانی ندارند، به‌طوری که در قالب واحدهای منفعل اجتماعی، فاقد اعتمادبه‌نفس و جهت‌گیری کلی جمع‌اند (شهاب سامانی، ۱۳۹۵). توجه جامعه‌شناسان عمدتاً به تبیین و تشریح چگونگی مخدوش شدن روابط اجتماعی و حالات و خصوصیات منفصلانه و پرخاشگرانه فرد در قبال جامعه و همچنین تأکید آنان بر بیگانگی اجتماعی و انومی اجتماعی است که در آن احساسات فرد نسبت به واقعیت‌های اجتماعی (جامعه، نهادها، عوامل فرهنگی، امور اجتماعی و...) سنجیده می‌شود. همچنین بر نقش عوامل بیرونی و واقعیت‌های اجتماعی در بروز بیگانگی تأکید می‌شود. با آنکه بیگانگی دارای موضوعات متعدد و متنوعی است، جامعه‌شناسان، عمدتاً، به بررسی بیگانگی اجتماعی، بیگانگی سیاسی و بیگانگی از کار رغبت نشان می‌دهند که مهم‌ترین آن بیگانگی اجتماعی است. یعنی: حالتی برای افراد که احساس می‌کنند نظام اجتماعی‌ای که در آن زندگی می‌کنند، خردکننده

می‌دهد که در گروه فعالانه شرکت می‌کند و بر فعالیت اجتماعی انجام‌شده تأکید دارد. مشارکت می‌تواند شکل‌ها و درجات گوناگونی، نظیر همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی، ایفای نقش اجتماعی و انجام وظایفی باشد که با این نقش‌ها ملازم‌ت دارند و مبین مشارکت معمولی و ارتجالی‌گونه در حیات اجتماعی‌اند. اگرچه شاتزو مشارکت را درگیری مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها از طریق یک سری مکانیسم رسمی یا غیررسمی می‌داند (Schatzow, 1977)، اما در مفهومی کلی، ایفای این نقش‌ها تجلی اراده انسان‌ها جهت تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آنهاست. در تعریفی جامع می‌توان این‌گونه بیان داشت که مشارکت حاصل روندی پویاست که در آن فرد خواسته‌های واقعی جامعه خود را به‌درستی می‌شناسد و نه تنها هدف خود را با اهداف جامعه هم‌سو می‌یابد، بلکه فعالیت خود و جامعه را بدون هیچ‌گونه احساس فشار با هم می‌آمیزد و نسبت به این آمیزش احساس تعهد می‌کند. به عبارتی، این عمل از واکنش‌هایی برگرفته می‌شود که در بیرون از مجموعه خصوصاً روی می‌دهند تا فعالیت‌های روزانه سازگار و ترتیب یابند و آنچه فرد باید انجام دهد، تکمیل می‌کند (Degler, 1998). این امر مشارکت‌های عمرانی را در دو حوزه زیبایی شهر و نوسازی در بین شهروندان افزایش می‌دهد. در حوزه زیبایی شهری بیشتر به المان‌های شهری یا مبلمان شهری توجه می‌شود؛ مبلمان شهری با مفهوم تجهیزات شهری همراه است که خیابان یا فضای باز اصطلاحات رایج این تسهیلات و امکانات‌اند. این تسهیلات در انگلستان بیشتر به (مبلمان خیابانی) و در آمریکا به (مبلمان همگانی) یا (مبلمان فضای باز) معروف‌اند (مرتضایی، ۱۳۸۱). به‌طور کلی، به مجموعه

امکاناتی که در شهرها، خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها و فضای باز شهری، جهت استفاده عمومی، نصب شده‌اند، اطلاق می‌شود. از جمله: نیمکت‌ها، باجه‌های تلفن، صندوق‌های پستی، سطل‌های زباله، ایستگاه اتوبوس، ایستگاه تاکسی، سرپناه‌ها و نشست‌گاه‌ها و... که در مکان‌های مناسب شهری و متناسب با نحوه استفاده به‌منظور برقراری راحتی، زیبایی و آرامش، رفاه و امنیت شهری قرار گرفته‌اند. با توجه به ارتباط این مفهوم با بی‌تفاوتی اجتماعی در پژوهش حاضر، بررسی میزان آرامش شهروندان در فضای شهری در پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. به تعبیر دیگر، مبلمان شهری به نماد تندیس اطلاق می‌شود که در شهر، خیابان و فضای باز، که محل استفاده عموم است، نصب می‌شود. از یک‌سو، آنچه در فضاهای عمومی شهر نصب می‌شود، در زمره مبلمان شهری قرار دارد و ازسوی دیگر، با ورود گردشگر، مسافر و حتی شهروندان می‌تواند آن تصویر خاصی از شهر را که در ذهن فرد ثبت می‌شود، تأثیری از فضای مبلمان شهری دانست. این فضاسازی یا مبلمان شهری در این مقاله در بعد نوسازی از مشارکت عمرانی بررسی شده است. به‌طور کلی فضای شهری، توجه به عناصر سازنده سیمای شهر است که این عناصر عبارت‌اند از: راه، لبه، نشانه، گره و محله (لینچ، ۱۳۸۳)؛ زیرا راه عاملی برای حرکت بالفعل یا بالقوه شهروندان است که شامل: خیابان، پیاده‌رو، جاده، خطوط زیرزمینی، تراموا و یا راه‌آهن است و مردم با حرکت در فضای شهر به مشاهده آن‌ها می‌پردازند و در امتداد راه‌ها در معرض عوامل محیط‌های گوناگون قرار می‌گیرند و با یکدیگر بستگی و ارتباط برقرار می‌کنند (شکوئی، ۱۳۹۵). بنابراین، در طراحی شهری بیشترین وقت و انرژی و مهم‌ترین عنصر و پارامتر مؤثر در پروژه‌های طراحی

شهری ایجاد راه‌ها، مسیرها، محورهای ارتباطی (پیاده، سواره و تلفیقی) و طراحی ساختمان‌هاست. بر این اساس، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤالات است:

- تا چه حد بی‌تفاوتی اجتماعی بر مشارکت در بخش عمرانی در شهرستان میمه تأثیر دارد؟

- آیا میزان مشارکت شهروندان در بخش عمرانی و اجتماعی در مناطق شش‌گانه شهرستان میمه متفاوت است؟

- تا چه حد شهروندان به طراحی شهر (مبلمان شهری) در سطح شهر اهمیت می‌دهند؟

مبانی نظری

فضای شهری

شهرها به‌عنوان یکی از عرصه‌های فعالیت‌های اجتماعی انسان معاصر، محیط فرد را به‌عنوان یک سیستم شکل می‌دهند که البته محیط نیز به‌عنوان محصول یک سیستم فراگیر اجتماعی قابل شناسایی است. طبق دیدگاه زیمل جامعه اساساً محصول کنش و واکنش‌های بی‌وقفه افراد است (Smit, 2012). این کنش و واکنش‌ها به پدیده‌ای به نام فضای شهری منجر می‌شود که یکی از عناصر ساخت فضایی و هویت بخش شهر است که همراه با تاریخ یک ملت در ادوار مختلف به وجود می‌آید و دگرگونی در آن رخ می‌دهد. به این ترتیب بخشی از فعالیت‌های اجتماعی، گذران اوقات فراغت و تبادل اطلاعات و تجربه‌ها از طریق تماس‌های چهره‌به‌چهره در این فضا صورت می‌گیرد؛ فضاهایی اعم از کوچه‌ها، خیابان‌ها و دروازه‌ها که بستر شکل‌گیری خاطره‌ها هستند. والتر بنیامین شهر را کتابی حماسی می‌خواند که خوانشی از پرسه‌زنی (فلانتور) یک انسان در شهر با لایه‌های متعددی از گذشته در مقابل دیدگان شهرنشینان قرار می‌گرفت. همچنین

مأمور در ارتباط میان زمان و فضای شهری تأکید می‌کند. شهرهایی که محصول زمان بوده‌اند و مثل قالبی، حیات متمدنی انسان در آنها منجمد می‌شود. آلدوی روسی هم شهر را پایگانی‌ای از خاطرات شخصی و جمعی می‌داند که پیشامدهای انسانی در لایه‌های مختلف در آن ثبت می‌شوند. وقتی از شهر صحبت می‌شود، جای‌جای آن مملو از فضاهایی است که صور خیالی شهروندان در آن‌ها نقش بسته است. در واقع خاطره به حال آوردن گذشته یا تجربه‌ای مشترک است و خیال به‌عنوان عاملی در ایجاد خاطره‌ای جدید و زمان شکل می‌گیرد که فضای آن جاری باشد، مانند زندگی روزانه^۱ (پورزکریا، ۱۳۹۷). بنابراین، فضا زائیده مناسبات اجتماعی است که به شکل‌گیری مکان‌هایی با ترکیبی از نظام طبیعی و انسانی با عنوان خصیصه‌های مکانی منجر می‌شود. برخی از این خصیصه‌های مکانی، که اگر به‌درستی نقش خود را ایفا نکنند، به بی‌تفاوتی شهروندان در فضای شهری، در قالب‌های ذیل، منجر می‌شود، عبارت‌اند از:

۱- روح مکان: که قبل از هر چیز ابتدا در چشم‌انداز آن بازتاب می‌یابد و ارزش‌ها، فعالیت‌ها و هدف‌های انسانی را به نمایش می‌گذارد؛

۲- ریشه در مکان: همان بخشی از فضا که نیازهای اساسی و امنیت افراد را تأمین می‌کند؛

۳- مکان و زمان: عدم تغییر هم‌زمان مکان با خواسته‌های افراد، به تغییر و دگرگونی در نگرش‌ها، ارزش‌ها و هدف‌های دوره و ویژه‌ای منجر می‌شود؛

۴- غربت‌زدگی و مکان: وابستگی به مکان‌های علایقی را در انسان به وجود می‌آورد و دوری از آن، دلتنگی، افسردگی و پاره‌ای از امراض را سبب می‌شود.

۱. زمانی که افراد برحسب زندگی روزانه در فضای شهری، برای خود و دیگران خاطره جمعی ایجاد می‌کنند.

آنچه به فضا و خصیصه‌های مکانی نظم می‌دهد (شکویی، ۱۳۹۹)، توجه به گرافیک شهری است؛ همان بخشی از هنرِ سازمان دادن به فضای شهری که با رشته‌های مختلف علمی و هنری، مانند برنامه‌ریزی شهری، معماری و منظرسازی و غیره همراه است. در این فرآیند رنگ‌ها در فضا با هدف ایجاد ارتباط تصویری مناسب میان شهروندان از جمله نماهای ساختمان‌ها، آب‌نماها، علائم رانندگی، طراحی مکانی، علائم هشدار، علائم اطلاع‌رسانی و... مستقیماً یا غیرمستقیم نقش مهمی دارند و ناهمگونی بصری رنگی، بی‌توجهی به ارزش‌های تاریخی و کالبد هویتی و فرهنگ یک شهر در طراحی بخش‌های گوناگون آن، تداخل عملکردها و... سبب شکل‌گیری فضاهای ناخوشایند برای کار و زندگی و در نتیجه زمینه شکل‌گیری بی‌تفاوتی اجتماعی می‌شود (رضایی و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد که فضای شهری خود عاملی برای بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان و بالعکس بی‌تفاوتی اجتماعی عاملی بر عدم شکل‌گیری فضای شهری و کاهش مشارکت شهروندان در امور شهری است.

مشارکت شهری

مشارکت در معنای لغوی، همکاری کردن و درگیر شدن در یک فعالیت است (Oxford, 2008). مشارکت شهری شهروندان، حضور جدی و شرکت فعال، آگاهانه، ارادی، مؤثر و سازمان‌یافته عناصر جامعه شهری (افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها، نهادها و بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی) در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی زندگی شهری برای دستیابی به اهداف جمعی است. به‌طور کلی، این فرآیند علاوه بر دستیابی به اهداف جمعی به افزایش عزت‌نفس، تعامل اجتماعی، کسب تجربه

و مهارت‌های مشارکت‌کنندگان نیز منجر می‌شود (Charuvichaipong al et, 2006). در جامعه‌شناسی شهری مشارکت وسیله تبدیل شهرنشینان بی‌تفاوت به شهروندان صاحب حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی است (farks, 2000). حقی که منعکس‌کننده نقش فردی اعضای یک جامعه نسبت به یکدیگر است و با اجتماعی شدن انسان، مسئولیت او را افزایش می‌دهد و به تعیین حدود قانونی برای دستیابی به آن منجر می‌شود (Macdonald, 2000). به دیگر بیان، مشارکت فرآیندی است که با کمک آن مردم بر ساختارها، سازمان‌ها و مسئولان تأثیر می‌گذارند تا خدمات شهری مناسب در اختیارشان نهاده شود. بنابراین، مشارکت باعث افزایش ظرفیت مردم در اداره امور محلی بوده و به‌نوعی با توانمندسازی شهروندان مرده یا همان بی‌تفاوت همراه است (Schuler, 1996).

بی‌تفاوتی اجتماعی

پدیده‌های اجتماعی تک‌علتی نیستند، زمانی که جامعه آنومیک یا آشفته می‌شود با جریانی روبه‌رو می‌شویم که بیشتر در فرآیند گذر شتابان از جامعه پیش‌مدرن به مدرن و در نتیجه جریان‌های نوسازی پدید می‌آید (دورکیم، ۱۴۰۱)

آشفستگی در این زمان همراه با تعارضی است که به از بین رفتن تعهد اجتماعی در بین شهروندان منجر می‌شود؛ تعهدی که خود در وابستگی و ارتباط عاطفی به جمع، و احساس عضویت در جمعی ریشه دارد که در زمان این آنومی در جامعه تناقض محسوب می‌شود و به‌مرور از بین می‌رود (Manch, 1998). نبود این وابستگی و ارتباط عاطفی «افسردگی اجتماعی» را به وجود می‌آورد که ادامه این فرآیند به پدید آمدن «بی‌تفاوتی اجتماعی» منجر می‌شود. بی‌تفاوتی اجتماعی، نوعی احساس جدایی ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان

مشارکت فعالانه شهروندان در شرایطی آزاد و برابر صورت می‌گیرد. نبود حوزه‌های مرزبندی‌شده و احساس عدم برابری مشارکت در جامعه، شرایط بی‌تفاوتی را در شهروندان افزایش می‌دهد. دیدگاه هابرماس در عقیده دیوید ریزمن قابل تبیین است؛ وی معتقد است که الگوهای اجتماعی‌کننده جامعه، مسئول از خودبیگانگی فردند، چراکه این الگوها در جامعه مدرن به‌گونه‌ای است که فرد را بیش از آنکه متوجه خود کند، تحت راهنمایی‌های دیگران درمی‌آورد؛ یعنی به فرد همواره توصیه می‌شود که برای رفتار و کرداری معقول و مطلوب به دیگران بنگرد. در چنین شرایطی، فرد ارتباط بنیادی را با خویش گم می‌کند و دچار نوعی «بحران هویت» می‌شود که نتیجه آن کاهش مشارکت فرد در امور جامعه است. بدین طریق فرد ماهیت رهبری‌کننده و آموزنده خود را از دست می‌دهد. در این شرایط انسان به موجودی تبدیل می‌شود که از هرگونه فعالیت در راه تحول اجتماعی جامعه روگردان می‌شود و به امیال شخصی و مصرفی رو می‌آورد (Marshall, 2004). نظریه پردازان معاصر، در قالب نظریه‌های نسبتاً تجربی‌تر، عوامل مؤثر در بروز بی‌تفاوتی را در جامعه شناسایی کرده‌اند. استرلین تبیینی اقتصادی و جمعیت‌شناختی از بی‌تفاوتی ارائه کرده و معتقد است که تمایلات و روندها در ارتباط با بی‌تفاوتی اجتماعی تا اندازه‌ای تابع تغییرپذیری نسلی در زمینه بهزیستی و رفاه اقتصادی است. در نظر لیپست (۱۹۶۳) و لرنر بی‌تفاوتی اجتماعی در نقطه مقابل مشارکت اجتماعی قرار می‌گیرد و متغیرهای اجتماعی در آن دارای محوریت و اهمیت فراوانی‌اند (Mutz, 2005). این شرایط می‌تواند احساس بی‌قدرتی را در شهروندان ایجاد کند که طبق نظر سیلورمن، جهت کاهش احساس بی‌قدرتی

فرد با نهادها و ساختارهای اجتماعی نظیر سیاست، خانواده و مذهب است؛ به‌گونه‌ای که خود را از نهادها جدا می‌بیند و فکر می‌کند در اصلاح نهادها و ساختارهای اجتماعی فردی بی‌اثر است. در وضعیت بی‌تفاوتی، فرد احساس تعلق گروهی ندارد و نفع جمعی را به نفع فردی ترجیح نمی‌دهد، در صورتی که فرد خود عضو از جمع است و نفع جمع نفع خود وی نیز هست (سفیری و حجتی کرمانی، ۱۳۹۹). زیمل بر این نظر است که زندگی شهری در شهرهای بزرگ (مادرشهرها)، موجب فردگرایی، تقسیم کار، تخصص و غلبه روح عینی بر روح ذهنی می‌شود و انسان را به سوی از خودبیگانگی سوق می‌دهد. از نظر وی، از خودبیگانگی عامل اصلی سرگردانی انسان در جوامع جدید است (ستوده، ۱۳۹۲). زمانی که شرایط مشارکت شهروندان کاهش پیدا کند، در امور و مسائل شهری، بی‌تفاوتی اجتماعی ایجاد می‌شود؛ به‌طوری که تناسب پاسخ‌گویی و انطباق‌پذیری مدیریت شهرها شدیداً به روابط آن اجتماع بستگی دارد تا واقعیت‌ها، ایده‌ها، تقاضاها و پیشنهادها بتوانند درون نهادهای رسمی انتقال یابند. از سوی دیگر، کم‌توجهی به مفهوم شهروند و نقش آن در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باعث کم‌اهمیت شدن مشارکت و افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی در حوزه‌های شهری می‌شود. در نظریه شهروندی هابرماس، که بر مبنای فلسفه سیاسی هابرماسی است، بر حوزه‌های عمومی و جامعه مدنی تأکید شده است که این کاربست از طریق عقلانیت بینادهنی، کنش ارتباطی، تفاهمی و توافقی رخ می‌دهد و نتیجه آن تجلی شهروندی گفت‌وگویی است (Courtis, 2000). این حوزه گفتمانی یا گفت‌وگویی حائلی است میان دولت و حوزه خصوصی زندگی افراد که در آن تصمیم‌گیری‌های جمعی از طریق

و بی تفاوتی شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی، استفاده از برنامه‌های مشارکتی داوطلبانه‌گرایی و سازوکارهایی مثل نشست‌های عمومی سالانه، برگزاری همه‌پرسی‌های عمومی در مورد موضوعات عمومی مؤثر است (silverman, 2006). همچنین نظریه‌پردازان محرومیت نسبی، در تبیین میزان بی تفاوتی اجتماعی شهروندان در امور شهری، مبنای کار خود را بر مفهوم مقایسه موقعیت فرد با موقعیت افرادی دیگر در سایر گروه‌ها و دسته‌های انسانی قرار داده‌اند. تدگار معتقد است برخی افراد در شرایطی که مشکلات و گرفتاری‌های روزمره برایشان به نحو چشمگیری اهمیت یابد، نوعی فردگرایی، نسبت به مسائل بیرونی، بر رفتار آنان حاکم می‌شود، به طوری که به نارضایتی و بی تفاوتی خواهند رسید (Edwards, 1973). Booth & مک کله‌نلد، کاهش محرومیت شهروندان را نتیجه برنامه‌ریزی مدیران در ایجاد محیط مناسب مانند اعطای آزادی عمل نسبی در انجام کارها، افزایش مسئولیت و... می‌داند، به طوری که این عوامل انگیزه را در افراد برای ایجاد مشارکت در امور ترغیب و فرد را از فردگرایی دور می‌کند (Lee, 2006).

پیشینه پژوهش

– جسیکا و لیندسی^۲ (۲۰۱۸) پژوهشی را با عنوان «انزوای اجتماعی و تنهایی در زندگی بعدی A»، با استفاده از روش ترکیبی و روش موازی هم‌گرا بر روی افراد بزرگسال، در منطقه مسکونی مورد مطالعه در شهر میناپالیس آمریکا، انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داده است: کسانی که دارای وضعیت اقتصادی و اجتماعی بالاتری بوده‌اند و کسانی که تنهایی زندگی می‌کرده‌اند و کسانی که به مرکز شهر نزدیک‌تر بوده‌اند، کمتر احساس منزوی بودن داشته‌اند.

1. McClelland
2. Jessica and Lindsay

– رابین و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان «پیش‌بینی تفاوت‌های فردی در سیستم اجتماعی، شناسایی شهر و ارزیابی در شهرهای استرالیا، فرانسه و ترکیه»، ساکنان چهار شهر از سه کشور را بررسی کردند. نتایج نشان داده است که در هر نمونه شهر و در میان نمونه‌های ترکیبی، معیار خاصی از جمع‌گرایی به عنوان یک پنداشت درونی وابسته به ارزیابی شهر است. به علاوه، شناسایی شهر رابطه بین پنداشت متقابل گروهی و ارزیابی شهر را میانجی‌گری می‌کند. بر این اساس گرایش‌های کلی مردم به تفسیر گروه‌های اجتماعی، به عنوان بخشی از خود آن‌ها، شناسایی آن‌ها را با شهر خود پیش‌بینی می‌کند و به ارزیابی مثبت از شهر خودشان کمک می‌کند که نشان‌دهنده تأثیر دیدگاه روان‌شناسی محیطی و اجتماعی است.

مورتی و پانب^۴ (۲۰۱۳) مطالعه‌ای را با عنوان «بی تفاوتی نسبت به مسائل محیط‌زیست، خودشیفتگی و دیدگاه رقابتی جهان در جاکارترای اندونزی» بر روی ۲۲۵ دانشجوی، از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده، از چندین رشته دانشگاهی، انجام داده‌اند. نتایج تحلیل مسیر نشان داده است که خودشیفتگی به طور غیرمستقیم، با توجه به دیدگاه رقابتی جهان، بی‌نظمی را نسبت به محیط‌زیست پیش‌بینی می‌کند.

– سرفراز و احمد^۵ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «نقش پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مشارکت سیاسی در ایجاد بی تفاوتی در بین جوانان» به این نتیجه دست یافته‌اند که بین جنس، سن، تحصیلات والدین و مشارکت سیاسی با بی تفاوتی رابطه معناداری وجود دارد.

– مانینگ^۶ (۲۰۱۴) با بررسی بی تفاوتی جوانان و عدم مشارکت سیاسی آن‌ها در سیاست آورده است که

3. Rubin et al.
4. Murty and Paneb
5. Sarfaraz, Ayesha, ahmed, shahla
6. Manning .N

عوامل زمینه‌ساز بروز بی‌تفاوتی عبارت‌اند از: گرایش متعصبانه به یک حزب، نقش مهم دوستان و خانواده در پرورش و حفظ تعهدها، احساس از خودبیگانگی، بی‌توجهی، بدبینی و اثربخشی سیاسی کم.

- آنتونیو و یانگ^۱ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با بررسی تأثیر دوره تصدی بر بی‌تفاوتی کارکنان، به این نتیجه رسیده‌اند که کارکنان دارای سابقه کار شانزده سال یا بیشتر، بی‌تفاوتی کمتری داشته‌اند. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل چندمتغیره در این پژوهش نشان داده است که ویژگی‌های پاسخ‌دهنده از جمله دوره تصدی و رسته شغلی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری از بی‌تفاوتی کارکنان نسبت به عوامل محیطی (که شامل: استرس در محل کار، پشتیبانی، سرپرستی و...) مرتبط با زندان بوده است.

- بوون^۲ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با بررسی رابطه بین سرمایه ساختاری و بی‌تفاوتی، به این نتیجه رسیده است که افزایش سرمایه ارتباطی، یعنی افزایش اعتماد بین گروهی و ایجاد هویت مشترک در بین کارکنان، سبب می‌شود که آن‌ها در کسب اهداف سازمانی موفق‌تر عمل کنند و به سازمان خود وفادار و متعهد باشند.

- علی فیض‌اللهی و خلیل کمربگی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «ریشه‌ها و پیامدهای پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی: مطالعه موردی شهروندان استان ایلام» با استفاده از روش کیفی و مبتنی بر رهیافت نظری و مصاحبه با ۸۴ نفر از صاحب‌نظران و متخصصان با کدگذاری استروس و کوربین، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به مفاهیمی، مثل غفلت از نقش شهروندان، نوع ساختار سیاسی، توقع‌های فزاینده، فردگرایی خودخواهانه، زوال

وفاداری جمعی، بده‌بستان اجتماعی، برابری اجتماعی و اقتصادی و انباشتگی فقر و فلاکت در داده‌های علی و مفاهیمی مثل تبلی اجتماعی، ضعف در ابراز وجود، اقتصادزدگی فرهنگ، شکاف قانونی، نارسایی نظام تربیتی، آشفتگی سنت، خویشاوندگرایی، کم‌کارایی شکل‌های مدنی و انزوگرایی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای، و مفاهیمی مثل ناکارآمدی دولت، هم‌ستری اجتماعی و کژکارکردی رسانه‌ها به‌عنوان شرایط مداخله‌گر دست یافته‌اند. بر پایه یافته‌های پژوهش در این مقاله «بی‌سازمانی اجتماعی» به‌عنوان هسته اصلی پژوهش به دست آمده که حاصل شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر بوده است.

- علی فیض‌اللهی و خلیل کمربگی (۱۴۰۰) در طرح مطالعاتی ملی-استانی با عنوان «پیمایش بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان استان ایلام؛ با استفاده از روش کمی و نمونه‌گیری تصادفی ساده از نمونه ۴۰۰ نفری از جامعه آماری استان ایلام» به این نتیجه دست یافته‌اند که تنها کمتر از یک‌سوم ساکنان استان ایلام به آینده خوش بین‌اند و بر این نظرند که وضع بهتر خواهد شد. ۱۸ درصد از پاسخگویان بر این نظر بوده‌اند که برای مراقبت از فرزندان‌شان می‌توانند تا اندازه زیادی به کمک همسایگان امیدوار باشند، بیش از دوسوم از پاسخگویان گفته بودند که در ماه گذشته، هیچ کمک ملی‌ای به هیچ سازمان یا مؤسسه خیریه‌ای نداشته‌اند. ۹۲ درصد عضو هیچ اتحادیه و انجمن صنفی و ۹۴ درصد عضو هیچ سازمان مردم‌نهادی نبوده‌اند.

- موسی عنبری و سارا غلامیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی» موضوع بی‌تفاوتی را با روش پیمایشی در میان ساکنان بالای ۱۸ سال دو منطقه شهری (محله قزل‌قلعه، منطقه ۶ تهران) و روستای (نظام‌آباد

1. Antonio & Yang
2. Boan

اسلام‌شهر) بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داده است که بی‌تفاوتی اجتماعی بیش از آنکه به عوامل و متغیرهای فردی نسبت داده شود، تابعی از ادراک و تفسیرهای اجتماعی افراد، خاصه میزان اعتماد عمومی، رضایت اجتماعی، حس بی‌هنجاری در جامعه، تقدیرگرایی و احساس بی‌عدالتی بوده است و اثرگذارترین متغیرها «بی‌اعتمادی» در جامعه شهری و «نارضایتی اجتماعی» در جامعه روستایی بوده است. با این معنا که افراد با بی‌تفاوتی بالاتر، در مقایسه با دیگران، جامعه را بی‌هنجارتر و قانون‌گریزتر دیده‌اند و در مقابل هرچه اعتماد ایشان به جامعه، سازمان‌ها و گروه‌ها بیشتر شده، از فرآیندهای اجتماعی راضی‌تر بوده‌اند. در مجموع نتایج به‌دست‌آمده این بود که «بی‌اعتمادی» و «نارضایتی» خود به‌مثابه شاخص هم‌گرا با بی‌تفاوتی در بین شهروندان جامعه عمل می‌کند.

- علیرضا محسنی تبریزی و مجتبی صدقاتی فرد (۱۳۹۰) در پژوهشی به نام «بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)» فرضیه‌هایی را در مورد بی‌تفاوتی اجتماعی در شهر تهران به آزمون نهاده‌اند. این پژوهش با روش پیمایش و نمونه با حجم ۸۵۰ نفر در شهر تهران انجام گرفته که به نتایج ذیل منجر شده است:

میان متغیرهای قومیت، شغل و تحصیلات از صفات زمینه‌ای تفاوت وجود دارد و بین تمامی متغیرهای مستقل اصلی یعنی بی‌هنجاری، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه پاداش و التزام مدنی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

- محمد صالحی فرد و دانا علی‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی به نام «بررسی اثرات مشارکت شهروندان در بهبود خدمات شهری، با تأکید بر بازارهای روز در

مشهد» ضمن تشریح ابعاد پیدا و پنهان مشارکت‌های شهروندی در ایجاد و نگهداری بازارهای روز میوه و تره‌بار، نحوه مداخله شهروندان و تعامل آنها با شهرداری بررسی شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با اتکا به مطالعات پیمایشی و میدانی و تحلیل ثانویه بوده است. نتایج گویای آن است که:

۱- میزان مراجعه و خرید شهروندان کلان‌شهر مشهد از ۴۸ درصد در سال ۱۳۸۵ به بیش از ۶۵ درصد در حال حاضر افزایش یافته که بدون شک یکی از مهم‌ترین دلایل آن توجه مسئولان و مدیران شهری و شهرداری به خواسته‌های شهروندان و بسترسازی جهت مشارکت شهروندان در پروژه مکان‌یابی، احداث و بهره‌برداری از بازارهای روز بوده است؛

۲- براساس مشاهده‌های میدانی در سال جاری نسبت به سال ۱۳۸۵، مشارکت شهروندان در فرایند استانداردسازی خدمات شهری به‌ویژه در بازارهای روز به بهبود خدمات این بازارها به مشارکت‌های شهروندی در قالب کمک‌های فکری و فنی، کمک‌های مالی، همکاری در اجرا، مشارکت در سرمایه‌گذاری و... بوده است؛

۳- میزان مشارکت شهروندان در خصوص بازارروز در مناطق شهری شهر مشهد متفاوت است، به‌نحوی که مناطق ۱، ۲ و ۱۰ حداکثر مشارکت و مناطق ۳، ۸، ۹ و ۱۱ دارای مشارکت متوسط و سایر مناطق دارای حداقل مشارکت بوده‌اند.

- علیزاده اقدم، محمد باقر و همکاران (۱۳۸۹) موضوعی با عنوان «نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در امور شهری» را با روش پیمایشی و نمونه ۷۰۰ نفری به شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بیشتر شهروندان اصفهانی، در امور شهری، مشارکت بالایی

دارند و بین اعتماد و رضایتمندی با مشارکت و کاهش بی تفاوتی در شهر رابطه وجود دارد. همچنین عملکرد نهادهای شهری بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیرگذار بوده است.

با توجه به مطالب مطرح شده و پژوهش های انجام گرفته در زمینه بی تفاوتی اجتماعی و مشارکت شهری، نقطه مشترک پژوهش های انجام شده با پژوهش حاضر، تأثیر اهمیت شهر و فضای شهری بر شرایط ارتباطی شهروندان است، به این معنا که فضای شهر در بی تفاوتی اجتماعی مؤثر است، همانند پژوهش های جسیکا و لیندسی^۱ (۲۰۱۸)، رایین و همکاران^۲ (۲۰۱۷)، علی فیض اللهی و خلیل کمربگی (۱۳۹۸ و ۱۴۰۰)، موسی عنبری و سارا غلامیان (۱۳۹۵). همچنین میزان مشارکت در مکان و فضای شهری نیز در پژوهش های محمد صالحی فرد و دانا علی زاده (۱۳۹۰) و علیزاده اقدم، محمد باقر و همکاران (۱۳۸۹) بررسی شده است. آنچه جنبه نوآوری این پژوهش را نسبت به پژوهش های قبل نشان می دهد، بررسی تأثیر بی تفاوتی در میزان مشارکت عمرانی و اجتماعی در سطح شهر و نقش و ارتباط دوسویه شهروندان در فضای شهری و گرافیک شهری است.

فرضیه های پژوهش

- ۱- به نظر می رسد بین بی تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می رسد بین بی تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت عمرانی رابطه وجود دارد.
- ۳- در بین محلات مختلف، در میزان مشارکت اجتماعی، تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۴- در بین محلات مختلف، در میزان مشارکت عمرانی، تفاوت معناداری وجود دارد.

1. Jessica and Lindsay
2. Rubin et al.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش، با توجه به اهداف مورد نظر آن، از روش پیمایشی استفاده و جمع آوری اطلاعات با کمک پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه حضوری انجام شده است. سنجش متغیرها از طریق گویه هایی که روایی صوری آن از دیدگاه پژوهشگران و صاحب نظران علوم اجتماعی تأیید و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ به دست آمده است. جامعه آماری این پژوهش بر سنجش شهروندان در پنج محله شهر است. برای انتخاب افراد نمونه ۴۰۰ نفری از شهروندان شهرستان میمه، به تفکیک مناطق، روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای و تصادفی ساده اجرا شده است. مشارکت شهری به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و واحد تحلیل در این پژوهش فرد است.

شاخص سازی متغیرهای پژوهش

برای استانداردسازی مقیاس ساخته شده برای اندازه گیری تأثیر بی تفاوتی اجتماعی بر مشارکت شهری و گویه ها در قالب پرسشنامه تنظیم و در جامعه آماری به شکل تصادفی بین سی نفر از شهروندان شهرستان میمه، بر حسب تفکیک منطقه مورد نمونه، توزیع و با جمع آوری داده ها بعضی از سؤالات پرسش نامه مقدماتی حذف و اصلاح شد که پس از اصلاحات لازم روایی نهایی و شاخص های پژوهش در جدول زیر ارائه شده است.

یافته ها

در قسمت یافته های پژوهش، ابتدا به تحلیل یافته های توصیفی مربوط به توزیع فراوانی پاسخگویان جامعه آماری و سپس یافته های استنباطی پژوهش (آزمون فرضیه ها) پرداخته شده است.

با توجه به فراوانی های به دست آمده از جامعه آماری، براساس نظر پاسخگویان در مورد ساخت و سازهای

جدول شماره (۱): شاخص‌ها و روایی متغیر مستقل

متغیر	متغیر مستقل «متغیر» تأثیرگذار بر شرایط شهری»	شاخص	ضریب قابلیت اعتماد	پاسخ‌ها	ضریب روایی
بی تفاوتی اجتماعی		حس مؤثر بودن در زیبایی شهر	اسپیرمن براون	کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم	۰/۷۹
		اعتماد به مسئولان			

جدول شماره (۲): شاخص‌ها و روایی متغیر وابسته

متغیر	ابعاد	شاخص	مفهوم	ضریب قابلیت اعتماد	پاسخ‌ها	ضریب روایی
مشارکت شهری	اجتماعی	مشارکت محلی	عضو گروه‌های NGO	آلفای کرونباخ	همیشه تا اصلاً	۰/۸۶
		مشارکت دولتی	حل مسائل شهری			
	عمرانی	طراحی شهری	توجه به زیبایی محله و شهر	آلفای کرونباخ	خیلی زیاد تا اصلاً	۰/۸۰
		نوسازی	بازسازی منازل			

جدول شماره (۳): من نگران ساخت‌وسازهای بی‌رویه در شهرم

ساخت‌وسازهای بی‌رویه	فراوانی	درصد
کاملاً مخالفم	۱۶	۴/۱
مخالفم	۵۸	۱۴/۸
بی‌نظر	۶۸	۱۷/۳
موافقم	۱۰۹	۲۷/۷
کاملاً موافقم	۱۴۲	۳۶/۱
جمع	۳۹۳	۰/۱۰۰

بی‌رویه در شهر، می‌توان گفت که ۱۴۲ نفر، برابر با ۲۶/۱ درصد، از این امر ناراضی بوده‌اند و ۱۶ نفر، برابر با ۴/۱ درصد، این مسئله را نگران‌کننده نمی‌دانستند. بنابراین، میزان بی‌تفاوتی در جامعه آمار این سؤال بسیار کم بوده است و شهروندان خود را درگیر مسائل ساخت‌وساز نمی‌کرده‌اند. براساس نمونه به‌دست آمده، شهروندان افراد آگاه در جامعه را مسئول مشارکت و خدمت می‌دانستند، به‌طوری که ۱۴۷ نفر، برابر با ۳۵/۱ درصد، با این مسئله موافق بوده‌اند. همچنین ۹۱ نفر، از پاسخگویان برابر با ۲۳/۲ درصد، عملکرد مسئولان را رضایت‌بخش نمی‌دانستند و ۵۳ نفر، برابر با ۱۳/۵ درصد، عملکرد مسئولان را رضایت‌بخش قلمداد

جدول شماره (۴): آگاهی‌هایی که آگاهی بیشتری از جامعه و محیط اطرافشان دارند، سعی می‌کنند در جامعه مشارکت و خدمت مؤثر داشته باشند

درصد	فراوانی	آگاهی انسان‌ها در مشارکت و خدمت به جامعه
۳/۱	۱۲	کاملاً مخالفم
۱۴/۲	۵۶	مخالفم
۲۹/۵	۱۱۶	بی‌نظر
۳۵/۱	۱۳۸	موافقم
۰/۳	۷۰	کاملاً موافقم
۰/۱۰۰	۳۹۳	جمع

جدول شماره (۵): اینکه مردم عوارض شهری را پرداخت می‌کنند یا نه، فرقی به حال من نمی‌کند

درصد	فراوانی	پرداخت عوارض شهرداری
۱۳/۷	۵۴	کاملاً مخالفم
۲۸/۰	۱۱۰	مخالفم
۲۶/۵	۱۰۴	بی‌نظر
۱۸/۶	۷۳	موافقم
۱۳/۲	۵۲	کاملاً موافقم
۰/۱۰۰	۳۹۳	جمع

کرده‌اند. نیز ۱۱۰ نفر، برابر با ۲۸/۱ درصد، پرداخت عوارض را مهم و حداقل پاسخگویان ۵۳ نفر، برابر با ۱۳/۷ درصد، فرقی برایشان نمی‌کرده است که کسی عوارض پرداخت کند. در مقابل حداکثر افراد برابر با ۱۰۶ نفر، ۲۷/۵ درصد، برایشان مهم بوده است که شهری زیبا داشته باشند و کمتر از ۴۴ نفر، برابر با ۱۱/۲ درصد، مخالف داشتن شهری زیبا بوده‌اند. با احتساب حداکثری می‌توان برداشت کرد که در بین جامعه نمونه بی‌تفاوتی اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد. بنابر فراوانی‌های به‌دست‌آمده، می‌توان این‌گونه بیان کرد: در صورتی که جمعیت حداقلی آگاه شوند که عوارض پرداخت‌شده برای زیباسازی پروژه‌های عمرانی صرف می‌شود، بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان جامعه نمونه بسیار کاهش می‌یابد. آمار توصیفی مشارکت اجتماعی و عمرانی به شرح ذیل است:

در تحلیل یافته‌های جامعه آماری متغیر، مشارکت اجتماعی در بین پاسخگویان ۱۱۲ نفر از افراد، برابر با ۲۸/۵ درصد، با معتمدان محل مشورت می‌کنند. این امر برای برقرار کردن رابطه با شهروندان به مسئولان کمک می‌کند. نتیجه به‌دست‌آمده مؤید وجود تعاملات اجتماعی بالا در بین شهروندان منطقه مورد مطالعه است. در میزان مراجعه به مسئولان شهرداری ۹۵ نفر، برابر با ۲۴/۲ درصد، به‌ندرت و ۷۲ نفر، برابر با ۱۸/۳ درصد، همیشه و حداقل افراد

جدول شماره (۶): تا چه حد برای حل مسائل و مشکلات محله‌تان به مسئولان شهر و شورای شهر مراجعه می‌کنید

درصد	فراوانی	دعوت از مسئولان شهرداری و شورای شهر
۱۲/۰	۴۷	اصلاً
۲۳/۲	۹۱	به‌ندرت
۲۳/۷	۹۳	گاهی
۲۴/۲	۹۵	اغلب
۱۶/۵	۶۵	همیشه
۰/۱۰۰	۳۹۳	جمع

جدول شماره (۷): تا چه حد با مسئولان شهری در انجام سریع پروژه شهری همکاری می‌کنید

درصد	فراوانی	همکاری در پروژه‌های شهرداری
۲۸/۲	۱۱۱	خیلی زیاد
۲۱/۶	۸۵	زیاد
۲۰/۶	۸۱	متوسط
۱۰/۷	۴۲	کم
۹/۷	۳۸	خیلی کم
۹/۲	۳۶	اصلاً
۰/۱۰۰	۳۹۳	جمع

جدول شماره (۸): تا چه حد دوست دارید در میدان نزدیک محله‌تان نشانه‌ها یا تصاویر خاطره‌انگیز نصب شود

درصد	فراوانی	نشانه یا تصاویر خاطره‌انگیز
۱۷/۰	۶۷	خیلی زیاد
۳۰/۳	۱۱۹	زیاد
۲۸/۵	۱۱۲	متوسط
۱۱/۵	۴۵	کم
۹/۷	۳۸	خیلی کم
۳/۱	۱۲	اصلاً
۰/۱۰۰	۳۹۳	جمع

جدول شماره (۹): خانه‌های محله شما تا چه حد نیاز به بازسازی و تعمیر ملک دارد

بازسازی ملک	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۸۵	۲۱/۶
زیاد	۸۴	۲۱/۴
متوسط	۱۱۳	۲۸/۸
کم	۳۹	۹/۹
خیلی کم	۴۳	۱۰/۹
اصلاً	۲۹	۷/۴
جمع	۳۹۳	۰/۱۰۰

جدول شماره (۱۰): برای عریض تر شدن خیابان منتهی به خانه‌تان تا چه حد حاضر به عقب‌نشینی‌اید

عقب‌نشینی برای خیابان	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۵۷	۱۴/۵
زیاد	۶۴	۱۶/۳
متوسط	۱۰۶	۲۷/۰
کم	۵۶	۱۴/۲
خیلی کم	۶۳	۱۶/۰
اصلاً	۴۷	۱۲/۰
جمع	۳۹۳	۰/۱۰۰

زیاد و ۸۵ نفر، برابر با ۲۱/۶ درصد، زیاد، حاضرند با مسئولان شهرداری و شورای شهر، برای برطرف کردن مشکلات و زیباسازی شهر، همکاری کنند که این امر میزان بالای مشارکت شهروندان مورد مطالعه جامعه آماری را نشان می‌دهد و تنها ۳۶ نفر، برابر با ۹/۲ درصد، اصلاً حاضر به همکاری نیستند که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی (میزان اعتماد متقابل مسئولان و مردم به یکدیگر) این عدم مشارکت کاهش می‌یابد. در بررسی مشارکت عمرانی از میان گویه‌های موجود ۱۱۳ نفر، برابر با ۲۸/۸ درصد، در

۴۵ نفر، برابر با ۱۱/۵ درصد، اصلاً به شهرداری یا شورای شهر مراجعه نکرده‌اند. حضور افراد در این سازمان‌ها نشان‌دهنده امید شهروندان جامعه آماری به برطرف شدن مشکلاتشان به دست مسئولان است. حداکثر افراد حدود ۹۳ نفر، برابر با ۲۳/۷ درصد، کمتر مسئولان را برای طرح مشکلات محله‌شان در جلسات محلی دعوت می‌کنند. این امر نیازمند برقراری رابطه بالای مسئولان شهرداری، به‌ویژه شورای شهر، با شهروندان محلات مختلف شهر است. چراکه حداکثر افراد حدود ۱۱۱ نفر، برابر با ۲۸/۲ درصد، خیلی

جدول شماره (۱۱): مدل رگرسیونی میزان مشارکت اجتماعی

Sig	T	Constant	Beta	B	Sig	F	R ²	R	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۱	۳/۴۲۰	۱۶/۰۵۵	۰/۱۷۱	۰/۲۴۳	۰/۱۰۰	۱۱/۹۶۳	۰/۰۲۹	۰/۱۷۱	میزان مشارکت اجتماعی	بی تفاوتی اجتماعی

جدول شماره ۱۲: مدل رگرسیونی میزان مشارکت عمرانی

Sig	T	Constant	Beta	B	Sig	F	R ²	R	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۴/۲۸۲	۲۴/۰۰۸	۰/۲۱۲	۰/۳۴۲	۰/۰۰۰	۱۸/۳۳۶	۰/۰۴۵	۰/۲۱۲	میزان مشارکت عمرانی	بی تفاوتی اجتماعی

جدول شماره (۱۳): آنوا (Anova)

	Sum of squares	Df	Mean squares	F	Sig
Between Groups	۵۴۰/۲۱۲	۴	۱۳۵/۰۵۳	۶/۵۶۲	۰/۰۰۰
Within Groups	۷۹۸۵/۳۲۰	۳۸۸	۲۰/۵۸۱		
Total	۸۵۲۳/۵۳۲	۳۹۲			

شهر با تجمع زباله روبه‌رو می‌شوند و تنها ۱۲ نفر، برابر با ۳/۱ درصد، در شهر شاهد تجمع آشغال و زباله نیستند. برطرف کردن این مشکل منوط است به افزایش زباله‌های سطح شهر به‌خصوص در کنار بازار میوه و جمع‌آوری به‌موقع زباله‌ها در سطح شهر بدون وجود تفاوت بین محلات.

۱۰۳ نفر، برابر با ۲۸/۷ درصد، وجود سطل زباله در سطح شهر و میزان فاصله آنها را با یکدیگر متوسط ارزیابی کرده‌اند و ۶۴ نفر، برابر با ۱۶/۳ درصد، فاصله سطل‌های زباله را زیاد دانسته‌اند. در مورد طراحی و مبلمان شهری ۱۱۹ نفر، برابر با ۳۰/۳ درصد، علاقه‌مند به وجود تصاویر و المان‌ها در سطح شهرند و ۱۱۲

جدول شماره (۱۴): آزمون مقایسه میانگین بین محلات در مشارکت اجتماعی

محله شهری (I)	محله شهری (J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.	95% Confidence Interval	
					Lower Bound	Upper Bound
آزادی	سعدی	۱,۱۹۳۷۱*	.۵۳۹۰۸	.۰۲۷	۲,۲۵۳۶-	-.۱۳۳۸
	طالقانی	۱,۰۵۰۱۵*	.۵۱۱۵۰	.۰۴۱	.۰۴۴۵	۲,۰۵۵۷
	بهشتی	-.۴۳۴۶۶	.۴۸۱۰۶	.۳۶۷	۱,۳۸۰۵-	.۵۱۱۲
	سازمانی	.۸۹۱۴۸	.۶۲۸۸۱	.۱۵۷	-.۳۴۴۸	۲,۱۲۷۸
سعدی	آزادی	۱,۱۹۳۷۱*	.۵۳۹۸۰	.۰۲۷	.۱۳۳۸	۲,۲۵۳۶
	طالقانی	۲,۲۴۳۸۷*	.۵۰۷۴۳	.۰۰۰	۱,۲۴۶۲	۳,۲۴۱۵
	بهشتی	.۷۵۹۰۵	.۴۷۶۷۳	.۱۱۲	-.۱۷۸۳	۱,۶۹۶۴
	سازمانی	۲,۰۸۵۱۹*	.۶۲۵۵۰	.۰۰۱	.۸۵۵۴	۳,۳۱۵۰
طالقانی	آزادی	۱,۰۵۰۱۵*	.۵۱۱۵۰	.۰۴۱	۲,۰۵۵۸-	-.۰۴۴۵
	سعدی	۲,۲۴۳۷۸*	.۵۰۷۴۳	.۰۰۰	۳,۲۴۱۵-	۱,۲۴۶۲-
	بهشتی	۱,۴۸۴۸۳*	.۴۴۵۳۱	.۰۰۱	۲,۳۶۰۴-	-.۶۰۹۳
	سازمانی	-.۱۵۸۶۷	.۶۰۱۹۰	.۷۹۲	۱,۳۴۲۱-	۱۰۲۴۷
بهشتی	آزادی	.۴۳۴۶۶	.۴۸۱۰۶	.۳۶۷	-.۵۱۱۲	۱,۳۸۰۵
	سعدی	-.۷۵۹۰۵	.۴۷۶۷۳	.۱۱۲	۱,۶۹۴۶-	.۱۷۸۳
	طالقانی	۱,۴۸۴۸۳*	.۴۴۵۳۱	.۰۰۰	.۶۰۹۳	۲,۳۶۰۴
	سازمانی	۱,۳۲۶۱۴*	.۵۷۶۲۵	.۰۲۲	.۱۹۳۲	۲,۴۵۹۱
سازمانی	آزادی	-.۸۹۱۴۸	.۶۲۸۸۱	.۱۵۷	۲,۱۲۷۸-	.۳۴۴۸
	سعدی	۲,۰۸۵۱۹*	.۶۲۵۵۰	.۰۰۱	۳,۳۱۵۰-	-.۸۵۵۴
	طالقانی	.۱۵۷۶۷	.۶۰۱۹۰	.۷۹۲	۱,۰۲۴۷-	۱,۳۴۲۱
	بهشتی	۱,۳۲۶۱۴*	.۵۷۶۲۵	.۰۲۲	۲,۴۵۹۵-	-.۱۹۳۲

*. The mean difference is significant at the 0.05 level.

نفر، برابر با ۲۸/۵ درصد، متوسط و تنها از نظر ۱۲ نفر، برابر با ۳/۱ درصد، معتقدند که اصلاً به وجود المان

نیازی ندیده‌اند. در سطح شهر نیازی نیست. از نظر کاشت درخت، که هم در زیبایی شهر مؤثر است و هم در فضای سبز، ۹۱ نفر، برابر با ۲۳/۲ درصد، خیلی زیاد و ۸۲ نفر، برابر با ۲۱/۱ درصد، زیاد به کاشت درخت اهمیت داده‌اند

نیازی ندیده‌اند. بررسی فرضیه‌های پژوهش در مدل رگرسیونی فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. در جدول شماره (۱۱)، ستون مربوط به میزان

همبستگی چندگانه بین متغیر مستقل و وابسته را نشان می‌دهد و ستون مربوط به میزان تبیین واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل را نشان می‌دهد. به عبارتی، متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی توانسته است ۲/۹ درصد تغییرات متغیر میزان مشارکت اجتماعی را تبیین کند. با توجه به مشاهده‌های به‌دست‌آمده در جدول فوق مقدار sig مربوط به F کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، فرض H_1 تأیید می‌شود، به این معنا که رابطه خطی بین متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی وجود دارد.

بی‌تفاوتی اجتماعی = $167055 +$ میزان مشارکت اجتماعی $0/243$

در جدول بالا Beta ضریب تأثیر استاندارد را نشان می‌دهد. در واقع این ضریب تأثیر نشان می‌دهد که تغییر یک انحراف استاندارد در متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی باعث تغییر ۰/۱۷۱ انحراف استاندارد در متغیر میزان مشارکت اجتماعی می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت عمرانی رابطه وجود دارد.

در جدول شماره (۱۲)، ستون مربوط به میزان همبستگی چندگانه بین متغیر مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. به عبارتی، متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی توانسته است ۴/۵ درصد تغییرات متغیر میزان مشارکت عمرانی را تبیین کند. با توجه به مشاهده‌های به‌دست‌آمده در جدول فوق مقدار sig مربوط به F کوچک‌تر از ۰/۰۵ است.

بنابراین، فرض H_1 تأیید می‌شود، به این معنا که رابطه خطی بین متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت عمرانی وجود دارد.

بی‌تفاوتی اجتماعی = $24/008 +$ میزان مشارکت عمرانی $0/342$

در جدول شماره (۱۲)، Beta ضریب تأثیر استاندارد را

نشان می‌دهد. در واقع این ضریب تأثیر نشان می‌دهد که تغییر یک انحراف استاندارد در متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی باعث تغییر ۰/۲۱۲ انحراف استاندارد در متغیر میزان مشارکت عمرانی می‌شود.

فرضیه سوم: در بین محلات مختلف، در میزان مشارکت اجتماعی، تفاوت معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که میانگین‌ها با هم تفاوت دارند. همچنین مقدار F و سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه فرض صفر رد شده و فرض پژوهش مبنی بر تفاوت در میزان مشارکت اجتماعی در بین محلات تأیید شده است.

در بررسی نتایج تحلیلی-تعقیبی میانگین‌های تحلیل واریانس تفاوت در میزان مشارکت اجتماعی در بین محلات، نتایج آزمون نشان می‌دهد که در پنج محله مورد بررسی بیشترین تفاوت میانگین بین محله سعدی و طالقانی با اختلاف میانگین ۲,۲۴۳۸۷ بود که این تفاوت معنادار است. همچنین تفاوت محله طالقانی و بهشتی با اختلاف میانگین ۱,۴۸۴۸۲ معنادار است. اختلاف میانگین بین محله سازمانی و سعدی ۲,۰۸۵۱۹ بود که معنادار است. بنابراین، بیشترین مشارکت اجتماعی متعلق به شهروندان محله سعدی است.

فرضیه چهارم: در بین محلات مختلف، در میزان مشارکت عمرانی، تفاوت معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که میانگین‌ها با هم تفاوت دارند. همچنین مقدار F و سطح معناداری به‌دست‌آمده، کمتر از ۰/۰۵ است و نشان‌دهنده این مطلب است که فرض صفر رد شده و فرض پژوهش مبنی بر تفاوت در میزان مشارکت عمرانی در بین محلات تأیید شده است.

جدول شماره (۱۵): آنوا (Anova)

	Sum of squares	Df	Mean squares	F	Sig.
Between Groups	۱۱۰۶/۱۴۹	۴	۲۷۶/۵۳۷	۱۰/۹۴۰	۰/۰۰۰
Within Groups	۹۸۰۷/۹۳۲	۳۸۸	۲۵/۲۷۸		
Total	۱۰۹۱۴/۰۸۱	۳۹۲			

جدول شماره (۱۶): آزمون مقایسه میانگین بین محلات در مشارکت عمرانی

محله شهری (I)	محله شهری (J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.	95% Confidence Interval	
					Lower Bound	Upper Bound
آزادی	سعدی	۱,۹۲۱۰۰*	.۴۷۰۰۷	.۰۰۰	.۹۹۶۸	۲,۸۴۵۲
	طالقانی	۲,۰۵۰۵۲*	.۴۷۶۰۳	.۰۰۰	۱,۱۷۸۳	۲,۹۳۲۱
	بهشتی	.۶۶۳۱۳	.۴۱۸۲۴	.۱۱۴	-۱۰۹۲	۱,۴۸۵۴
	سازمانی	.۶۲۲۴۸	.۵۴۸۳۲	.۲۵۷	-۴۵۵۶	۱,۷۰۰۵
سعدی	آزادی	۱,۹۲۱۰۰*	.۴۷۰۰۷	.۰۰۰	۲,۸۴۵۲-	-۰,۹۹۶۸
	طالقانی	.۱۳۴۲۰	.۴۴۲۸۴	.۷۶۲	-۷۳۵۸	۱,۰۰۴۲
	بهشتی	۱,۲۵۷۴۷*	.۴۱۴۴۴	.۰۰۳	۲,۰۷۲۷-	-۰,۴۴۳۰
	سازمانی	۱,۲۹۸۵۲*	.۵۴۵۴۴	.۰۱۸	۲,۳۷۰۹-	-۰,۲۲۶۱
طالقانی	آزادی	۲,۰۵۵۲۰*	.۴۴۶۰۳	.۰۰۰	۲,۹۳۲۱-	۱,۱۷۸۳-
	سعدی	-۱۳۴۲۰	.۴۴۲۸۴	.۷۶۲	۱,۰۰۴۲-	.۷۳۸۸
	بهشتی	۱,۳۹۲۰۷*	.۳۸۶۹۷	.۰۰۰	۲,۱۵۲۹-	-۰,۶۳۱۳
	سازمانی	۱,۴۳۲۷۲*	.۵۲۴۸۶	.۰۰۷	۲,۴۶۴۶-	-۰,۴۰۰۸
بهشتی	آزادی	-۰,۶۶۳۱۳	.۴۱۸۲۴	.۱۱۴	۱,۴۸۵۴-	.۱۵۹۲
	سعدی	۱,۲۵۷۴۷*	.۴۱۴۴۴	.۰۰۳	.۴۴۳۰	۲,۰۷۰۲
	طالقانی	۱,۳۹۲۰۷*	.۳۸۹۶۷	.۰۰۰	.۶۳۱۳	۲,۱۵۲۹
	سازمانی	-۰,۰۴۰۶۵	.۵۰۱۴۶	.۹۳۵	۱,۰۲۶۶-	.۹۴۵۳
سازمانی	آزادی	-۰,۶۲۲۴۷	.۵۴۸۳۲	.۲۵۷	۱,۷۰۰۵-	.۴۵۵۶
	سعدی	۱,۲۹۸۵۲*	.۵۴۵۴۴	.۰۱۸	.۲۲۶۱	۲,۳۷۰۹
	طالقانی	۱,۴۳۲۷۲*	.۵۲۴۶۶	.۰۰۷	.۴۰۰۸	۲,۴۶۴۶
	بهشتی	.۰۴۰۶۵	.۵۰۱۴۶	.۹۳۵	-۰,۹۴۵۳	۱,۰۲۶۶

* The mean difference is significant at the 0.05 level.

در بررسی نتایج تحلیلی تعقیبی میانگین‌های تحلیل واریانس تفاوت در میزان مشارکت عمرانی در بین محلات، نتایج آزمون نشان می‌دهد که در پنج محله مورد بررسی بیشترین تفاوت میانگین بین محله آزادی و طالقانی با اختلاف میانگین ۲,۰۵۰۵۲ بوده که این تفاوت معنادار است. همچنین تفاوت سعدی و آزادی با اختلاف میانگین ۱,۹۲۱۰۰ معنادار است. تفاوت میانگین بین محله طالقانی، آزادی منفی اما معنادار است. محله بهشتی و سعدی با اختلاف میانگین ۱,۲۵۷۴۷ نیز معنادار است. بنابراین، بیشترین مشارکت عمرانی متعلق به شهروندان محله آزادی است.

نتیجه‌گیری

شهر فضایی است که تحرک، تداوم و توسعه از مشخصات بارز آن به شمار می‌آید و ناگزیر از تحرک و توسعه در فضای مکانی است. فضاهای شهری به دلیل جوانب فیزیکی و کالبدی خود، نوعی فضای نمادین، ادراکی، مادی و حقیقی است که با شهر و کالبد شهر پیوندی عمیق دارد. بنابراین، فضای شهری عنصری هویت‌بخش از یک شهر تلقی می‌شود، به طوری که اغلب شهرهای بزرگ را می‌توان به واسطه فضاهای شهری آن بازشناخت. این پژوهش به دنبال سنجش بی‌تفاوتی اجتماعی و تأثیر آن بر میزان مشارکت شهری در ابعاد اجتماعی و عمرانی در بین شهروندان میمه است. نتایج فراوانی جامعه آماری در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه «تا چه حد شهروندان به طراحی شهر (مبلمان شهری) در سطح شهر اهمیت می‌دهند؟»، نشان‌دهنده این امر است که عدم آگاهی شهروندان نسبت به مسائل زیباسازی شهر و عدم آگاهی از پرداخت عوارض شهرداری باعث گسترش بی‌تفاوتی شهروندان می‌شود. بنابراین، ساخت نمادهای شهری براساس هویت شهر، نوع پیام‌های

حکیمانه و مفاهیم حقوق شهروندی در بیلبردهای شهری حائز اهمیت است؛ زیرا از یک‌سو، تأثیر این فضا را بر سطح آگاهی شهروندان و از سوی دیگر، توجه و تأثیرپذیری شهروندان از کیفیت و تنوع مبلمان شهری و فضای‌های گرافیک شهری را نشان می‌دهد که به افزایش مشارکت محلی و شهری منجر می‌شود و نشان‌دهنده رابطه متقابل فضای شهری با زندگی شهری است.

همچنین نتایج حاصل آزمون‌های آماری در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه «تا چه حد بی‌تفاوتی اجتماعی بر مشارکت در بخش عمرانی در شهرستان میمه تأثیر دارد؟»، نتایج مدل رگرسیون نشان داده است که بین متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت عمرانی رابطه خطی وجود دارد. همچنین در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه «آیا میزان مشارکت شهروندان در بخش عمرانی و اجتماعی در مناطق شش‌گانه شهرستان میمه متفاوت است؟»، نتایج آزمون آنوا نشان داده است که میانگین بی‌تفاوتی در محلات با یکدیگر تفاوت دارند که این امر به تفاوت در میزان مشارکت عمرانی در بین محلات منجر شده است. بنابراین، پیشنهادهایی برای افزایش آگاهی و مشارکت شهروندان ارائه می‌شود:

- افزایش سطح سرمایه اجتماعی از سوی مسئولان شهری برای تمایل به مشارکت شهری (جلوگیری از عدم ارتباط شهروندان با مسئولان در درخواست‌های عمرانی)؛
- مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های شهری و ارائه نظرات اصلاحی در خصوص آنها (توجه به زمان‌بندی‌های جمع‌آوری زباله یا نصب آلمان در شهر با نظرسنجی شهروندان)؛
- اصلاح مقررات در تسهیل و آگاداری امور به مردم و

در نظر گرفتن سیستم نظارتی بر مدیریت شهری (در حوزه مشارکت عمرانی شهروندان)؛

• آموزش کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت جوانان و نوجوانان در زمینه جلب مشارکت آنان در امور شهری؛

• انتشار و پخش بروشورهای اطلاع رسانی از طرف سازمان های ذی ربط (جهت آگاهی از اهمیت پرداخت عوارض شهری در امور شهری)؛

• توزیع مناسب انواع مبلمان شهری در سطح شهر (افزایش هویت یابی شهری و کاهش بی تفاوتی شهروندان) طبق دیدگاه های نظریه پردازان شهری.

اگر قرار است شعور شهری شناخته شود، باید به مبلمان آن شهر نگاه کرد؛ زیرا این عناصر لبخند را به لب مردم می آورند و برای آنها پیام آور احساس آرامش و امنیت اند و این امر نشان از عملکرد موفق شهرداری و سازمان های مرتبط با آن است که بی تفاوتی مردم را در امور شهری کاهش می دهد؛

• توجه یکسان به فضای شهری، مبلمان شهری و گرافیک شهری برای افزایش سطح مشارکت در تمامی محلات؛ زیرا عناصر نمادین یک شهر بر منظر و سیمای شهر تأثیر گذار می گذارد و آن را در دو قالب مدرن و تاریخی (یا حداقل با پس زمینه های تاریخی)

شکل می دهد و به همه افراد در هر محله ای، از شهری که در آن زندگی می کنند، حس مشترک القا می کند؛

• رعایت توزیع مناسب فضای سبز هماهنگ با ظرفیت محیط و تعداد کاربران آن (تمایل شهروندان به حفظ فضای سبز)، تشویق جهاد کشاورزی با همکاری معتمدان برای جلب مشارکت شهروندان در کاشت درخت و یاری گرفتن از گروه های محلی برای کاشت درخت در مسیرهای محلی یا جاده ای که به آب زیاد نیاز ندارد.

منابع

۱. پوراکبر، حمیدرضا، عباس زاده، شهاب (۱۴۰۰)، «مفهوم منظر شهری جهت ارتقاء میزان خاطره انگیزی در فضای شهری: هنر و معماری»، نشریه معماری شناسی، بهار، شماره ۱۸، صص ۸۸ - ۱.

۲. پورذکریا، مریم (۱۳۹۷)، «قطب، خلاق فرهنگی، نگرشی نو در بازآفرینی فرهنگ، معنا، بررسی و تحلیل قطب خلاق فولکستن»، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، شهریور، سند علمی CAUCONF01_0817.

۳. دورکیم، امیل (۱۴۰۴)، خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ چهارم، صص ۹۸.

۴. رضایی، فرامرز، چیت ساز، محمدعلی و شاپور، بهیان (۱۳۹۹)، «بررسی گرافیک شهری با مباحث اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر بی تفاوتی سیاسی شهروندان»، نشریه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۴۵، دوره ۱۹، صص ۲۳۹ - ۲۵۸.

۵. سفیری، خدیجه، حجتی کرمانی، سوده (۱۳۹۹)، «بررسی جامعه شناختی بی تفاوتی اجتماعی در تهران»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، پاییز، دوره ۶۱، شماره ۱۶، صص ۱۱۳.

۶. ستوده، هدایت الله (۱۳۹۲)، آسیب شناسی اجتماعی؛ جامعه شناسی انحرافات، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات آوای نور، صص ۲۴۳.

۷. شکوئی، حسین (۱۳۹۹)، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ بیستم، تهران: انتشارات آگاه، صص ۳۲۰.

۸. شهاب سامانی، محسن (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی بی تفاوتی اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه های اصفهان و یزد با تأکید بر سرمایه اجتماعی (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری اجتماعی)»، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی.

۹. عنبری، موسی، غلامیان، سارا (۱۳۹۵)، «تبیین جامعه شناختی عوامل مرتبط با بی تفاوتی اجتماعی»، مجله علمی-پژوهشی بررسی مسائل اجتماعی ایران، پاییز ۱۳ (۷)، شماره ۲، صص ۱۳۳.

Participation, Mass Media Use, Social Capital, and Political Participation (Dissertation), Cornell University ,UAS.P:96.

Murty, J.; Paneb, M. (2013). Apathy towards Environmental Issues, Narcissism, and Competitive View of the World, *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, Vol. 101, pp. 44 – 52.

Macdonald, Iaura (2000) *Citizenship Participation the Public sphere in the Americans University*.

Munch, Richard (1998) *Understanding Modernity*. London:m:Routledge.p:68.

Mutz, D.C., 2005, *Social Trust and E Commerce: Experimental Evidence for Social Trust in Individuals, Economic Behavior, Public Opinion Quarterly*, Vol. 69, No.3, P.393.

Marshal, M., 2004, *Citizen Participation and the Neighborhood Context: a New at the Corproduction of Local Public Goods*, *Political Research Quarterly*, Vol. 57, No. 2,P.238.

Oxford Advanced Learners(2008s).

Paxton, Pamela (1999), "Is social capital docling in the United State?"; A Multiple Indicator Assessment. *AJS.*, Vol. 105, No. 1.

Rubin M.; Badea C.; Condie J.; Mahfud Y.; Morrison T.; Peker M. (2017). Individual differences in collectivism predict city identification and city evaluation in Australian, French, and Turkish cities, *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 50, pp.9-16

Sarfaraz, A, Ahmed, sh. (2012). Reasons for political interest and apathy among university students: A Qualitative study. *Pakistan journal of social psychology*, vol 10, no, 1, 61-67.

Schubler, Peter (1996) *Participation and Partnership in urban management and Infrastructure*. Washington D. C: Programme by world Bank

۱۰. فیض‌اللهی، علی، کمربگی، خلیل (۱۴۰۰)، «ریشه‌ها و پیامدهای پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان استان ایلام)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، پاییز، ۱۴(۳)، ۱۷۹-۱۵۱، پیاپی ۵۵، ص ۱۵۱.

۱۱. فیض‌اللهی، علی، کمربگی، خلیل (۱۴۰۰)، «شناسایی و اولویت‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان ایلام»، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبردهای اجتماعی و فرهنگی، تابستان، سال دهم، شماره ۳۹، صص ۲۷۸-۳۱۷.

۱۲. فولادیان، احمد (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه بین بیگانگی اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد واحد مشهد»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، بهار، سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۱۲۵-۱۴۴.

۱۳. کریمی، رضا، محسنی تبریزی، علی رضا و نوابخش، مهرداد (۱۳۸۷)، «تبیین جامعه‌شناختی مشارکت جوانان، علل، صور و چالش‌ها (مورد مطالعه: شهر تهران)»، مجله علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، آذر، دوره ۱۵، شماره ۳۳، صص ۹-۴۴.

Ahmad.S.2015. Rols of socioeconomic ststus and political participation in construction of apathy among youth.*Journal Of Human Behavior in the Social Environment*,25(8),801-809.

Courtis, S (2002) "Le patriotisme constitutionnel de Habermas face au nationalisme qubecois" In *Dialogue*, XLI, pp. 765-94.

Charuvichaipong, Chanisada and Sajor, Edsel (2006) Promoting waste separation for Recycling and local governauce in Thailand, *Habitat International*, 30.

Deriscol, J. W., 1978, Trust and Participation, *Academy of Management Journal*, Vol. 21, No.1, PP.44-56.

Degler,H,(1998) ,Parentel Roles Moder,Gender and Education.

Edwards, J. N. & Booth, A., 1973, *Social Participation in Urban Society*, Schekman Publishing Company, Cambridge, Massachusetts.P:210.

Lee, E., 2006, *Asocial Resource Model of Political*

Schatzow, Steven. (1977). The Influence of Publican Federal Environment, Decision Making in Canada in public participation in planning.

Silverman, R. M, 2006, Central City Socioeconomic Characteristics and Public Participation Strategies, A Comparative Analysis of the Niagara Falls Region's Municipalities in the USA and Canada, International Journal of Sociology and Social Policy, Vol. 26, No. 3/4, P:143.

تعیین اثرگذاری مالیات سبز بر رشد صنایع آلاینده شهر

هاجر مصطفایی^۱

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

مرتضی سامتی

استاد تمام گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۹۷ - ۱۰۷

چکیده

با توجه به مشکلات و بیماری‌های ناشی از آلودگی آلاینده‌ها، که به‌علت وجود مراکز صنعتی در شهرهاست، در نظر گرفتن راه‌حل‌هایی، نظیر وضع مالیات بر آلاینده‌ها، از سوی دولتمردان ضروری است. مالیات سبز یکی از مؤثرترین ابزارهای سیاست‌های مالی به شمار می‌رود که دولتمردان می‌توانند به‌واسطه آن، سمت‌وسوی لازم را، در جهت توسعه پایدار، به فعالیت‌ها و جریان‌های اقتصادی و اجتماعی شهر ببخشند. نرخ مالیات سبز هزینه‌ای زیست‌محیطی است که از شرکت‌ها برای انتشار آلودگی دریافت می‌شود. این نوع مالیات نقش آشکاری در کنترل صنایع آلاینده و در نتیجه تعیین عملکرد محیط‌زیستی آنها در شهر دارد. با این وجود، در شهرهای آلوده کشور، مدیریت شهری به این مالیات توجه چندانی ندارد. از سوی دیگر نهادگرایان اقتصادی، به رابطه میان رشد فعالیت‌های اقتصادی با نوع نهادهای سیاسی و اقتصادی حاکم تأکید کرده‌اند. بر این اساس در این مقاله با استفاده از نظریه بازی، انگیزه‌های متفاوت دولتمردان در تعیین مالیات سبز بررسی می‌شود. ابزار سیاست‌گذاری آنان، تعیین نرخ مالیات سبز و واکنش صنایع آلاینده در انتخاب سطح سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده حجم آلودگی ایجادشده خواهد بود. براساس نتایج، با فرض استقلال صنایع آلاینده از دولت، دولتمردان با انگیزه حداکثرسازی درآمد، به دنبال تعیین نرخ مالیات سبز بهینه‌اند. اما با فرض داشتن منافع اقتصادی این صنایع برای دولت، آنها تمایل دارند نرخ مالیات سبز را کمتر از مقدار بهینه قرار دهند. چنین نرخی موجب افزایش سطح سرمایه‌گذاری صنایع آلاینده و سطح آلودگی ناشی از آن برای شهرهای هم‌جوار می‌شود. بنابراین، دولتمردان برخورد دوگانه‌ای با صنایع آلاینده بخش خصوصی و دولتی در پیش می‌گیرند.

طبقه‌بندی JEL: P48 .C73 .H21 .O43

واژه‌های کلیدی: مالیات سبز، نهادهای سیاسی و اقتصادی، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، نظریه بازی.

^۱ نویسنده مسئول: hajar.mostafaei@gmail.com

معمولاً در میان دولتمردان و گروه‌های نفوذ شهری محبوبیت ندارد و به‌کارگیری مالیات‌های جدید، به‌ویژه زمانی که مالکیت تمام یا بخشی از صنایع آلاینده در اختیار دولت باشد، کار آسانی نیست. مقاله حاضر نشان می‌دهد چگونه اولویت‌های سیاستی دولتمردان و به‌ویژه تمایل آنها برای سیاست‌های مالی ناکارآمد در رابطه با تعیین نرخ مالیات سبز، قادر است به نهادهای اقتصادی ناکارآمد در جهت از بین بردن توسعه پایدار منجر شود. از این رو، با استفاده از روش نظریه‌بازی، شرایطی که دولتمردان تحت تأثیر رانت اقتصادی، انگیزه ایجاد اختلال در محیط‌زیست داشته و بر مبنای آن ساختارهای اقتصادی را به‌گونه‌ای تعیین می‌کنند که مخل توسعه پایدار باشد، در قالب سناریوهای مختلف تجزیه و تحلیل می‌شود. برای دستیابی به هدف مطالعه ابتدا مقدمه‌ای را از نحوه اثرگذاری نهادهای سیاسی بر عملکرد اقتصادی بیان می‌کنیم.

امروزه نهادها به‌عنوان علت اولیه توسعه پایدار شناخته و نقش پررنگ آنها در رشد فعالیت‌های اقتصادی شهرها مهم شمرده می‌شوند. در این حیطه، مجموعه‌ای از ایده‌ها از اختلاف در منابع موجود، قوانین و حقوق مالکیت و تکنولوژی، به‌عنوان نیروهای اساسی و نهادهای اقتصادی موجود در یک شهر برشمرده می‌شوند. نورث^۱ (۱۹۹۰) نهادها را محدودیت‌های ابداعی انسان می‌داند که تعاملات او و ساختار مشوق‌ها را در تعاملات بشری اعم از سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی شکل می‌دهند. در مناطقی که توزیع منابع اولیه وابسته به منابع انحصاری و رانت ناشی از آن است، زمینه برای شکل‌گیری نهادهای انحصار‌گر و بهره‌کش سیاسی و اقتصادی افزایش می‌یابد و مشکلات ویژه‌ای در تجدید ساختار خط سیر

اقتصاددانان همواره به‌دنبال معرفی پایه‌های مالیاتی جدیدی بوده‌اند که کمترین عدم کارایی را در سیستم اقتصادی ایجاد کند. مالیات‌های سبز، از نوع مالیات‌های حوزه‌های شهری است که از چنین ویژگی‌ای برخوردار است. مالیات سبز بر پایه هزینه اعمال می‌شود، از این رو، درآمد مناسبی را برای دولتمردان به‌همراه دارد. همچنین اثر اختلال‌زایی کمی دارد و برای جامعه، به‌دلیل کاهش آلودگی، فواید زیاد (پژویان، ۱۳۸۴). مالیات سبز در حوزه اقتصاد شهری، فعالیت‌های اقتصادی حوزه شهرها را تشویق می‌کند که به کاهش آلودگی، افزایش بهره‌وری انرژی و استفاده از منابع درحال انتقال و کاهش تخریب اکوسیستم بپردازند. گذار به اهداف اقتصاد شهری سبز را می‌توان از طریق اقدام‌های مختلف، از جمله وضع مالیات بر فعالیت‌هایی که برای محیط‌زیست مضر است یا مشوق‌هایی برای طرح‌های سبز محقق کرد. مالیات سبز بر فعالیت‌های مضر برای محیط‌زیست شهری، از جمله فعالیت صنایع حومه شهر، که به انتشار گازهای مضر می‌پردازند، وضع می‌شود. اجرای مالیات‌های سبز برای دستیابی به توسعه پایدار شهری بسیار مهم است؛ زیرا تغییر به‌سمت فناوری‌های پاک‌تر و کارآمدتر را تشویق می‌کند، استفاده از منابع تجدیدناپذیر را کاهش می‌دهد و از شیوه‌های مخرب زیست‌محیطی جلوگیری می‌کند. با ارائه انگیزه‌های مالی برای رفتارهای پایدار زیست‌محیطی، مالیات‌های سبز به ترویج اقتصاد سبزتر و کاهش تأثیر منفی فعالیت‌های اقتصادی بر محیط‌زیست شهری کمک می‌کنند (نوبانی و سیف، ۲۰۲۳).

گرچه یکی از منافع مالیات‌های سبز برای مدیریت شهرها ایجاد درآمد بیشتر است، اما این نوع مالیات

1. North

توسعه پایدار به وجود خواهد آمد.

مطالعات تاریخی روشن می‌کند که شهرهایی که دارای نهادهای اقتصادی فراگیرند، به سمت رونق حرکت کرده‌اند. درحالی‌که سایرین در رکود، تخریب نهادهای اجتماعی و محیط‌زیست رو به زوال رفته‌اند. اولسون^۱ (۱۹۸۲) استدلال می‌کند که کیفیت نهادهای اقتصادی کلیدی است که تعیین می‌کند که یک منطقه به توسعه پایدار دست می‌یابد یا نه. تفاوت نهادها در میان شهرها کارآفرینان خصوصی را در شهرها با نهادهای اقتصادی فراگیر به سمت فعالیت‌های تولیدی پایدار هدایت می‌کند. درحالی‌که در شهرهایی با نهادهای اقتصادی بهره‌کش، کارآفرینان خصوصی برای حرکت به سمت فعالیت‌های نادرست تحت فشار قرار می‌گیرند تا با استفاده از قدرت سیاسی و پارتهای قانونی برای به دست آوردن مزایای بیش از دیگران تلاش کنند. در این شرایط پایداری فعالیت‌های اقتصادی از نظر اهمیت در درجه پایینی قرار می‌گیرند.

اگر مزایای نهاد اقتصادی فراگیر در پایداری عملکرد اقتصادی است، این سؤال مطرح است که چرا نهاد سیاسی شهری به آن رو نمی‌آورند. پاسخ، به‌ویژه در مورد نظام‌های سیاسی بهره‌کش، این است که گرچه ممکن است برای رفاه عموم مردم، نهادهای اقتصادی فراگیر بهتر باشد، اما نهاد سیاسی منافع بیشتری از نهادهای اقتصادی بهره‌کش به دست می‌آورد که مستقیماً در اختیار کسانی است که از قدرت سیاسی آن حمایت می‌کنند. ایده نظری برجسته در این ادبیات بدون شک از مفهومی که اولسون مطرح کرد و یک سیاستمدار در نهاد سیاسی بهره‌کش را یک «راهزن ثابت» خواند، سرچشمه می‌گیرد. آیتی^۲ (۲۰۱۸) بیان می‌کند که سیاستمداران در نهادهای سیاسی بهره‌کش

ترجیح می‌دهند اقتصاد و شهر خود را از بین ببرند تا اینکه از قدرت اقتصادی و سیاسی کنار روند. این قدرت به آنها اجازه می‌دهد تا با اختصاص و یا استخراج منابع برای منافع شخصی خود تلاش کنند و به خرید حمایت سیاسی بپردازند. با توجه به این استدلال، نهادهای اقتصادی بهره‌کش تر کمک می‌کنند تا سیاستمداران قدرت خود را حفظ کنند، حتی اگر مردم و دارایی‌های عمومی، نظیر محیط‌زیست به‌طور گسترده آسیب ببینند. تولید بیشتر، خصوصاً در صنایع آلاینده، نباید به قیمت تخریب محیط‌زیست صورت پذیرد. این در حالی است که قانون اساسی کشور نیز آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی را که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب جبران‌ناپذیر آن در ارتباط است، ممنوع دانسته است.

نظریه‌بازی یکی از جنبه‌های عملی و ثمربخش در حیطه مطالعات نهادی مدرن است و به کاوش در کنش آدم‌ها می‌پردازد و بررسی می‌کند که مردم وقتی گزینش‌هایشان به شدت وابسته به کنش‌های دیگران است چه می‌کنند. از این رو، این مقاله به دنبال درک آن است که چگونه تمایلات گروه دولتمردان و افراد دارای نفوذ سیاسی، ممکن است به سیاست‌های مالی اختلال‌زایی منتهی شود که باعث کاهش پایداری سرمایه‌گذاری شود. به بیان دیگر برخلاف نگرش متداول، مبنی بر تلاش همیشگی دولتمردان برای دستیابی به توسعه پایدار، روش این مطالعه نشان می‌دهد ممکن است سیاست‌گذاران، انگیزه‌های لازم را برای تضعیف عامدانه محیط‌زیست، از طریق به‌کارگیری سیاست‌های ناکارآمد، داشته باشند.

ادبیات موضوع

در مورد نهادهای شکل‌گرفته و اثر آنها بر روی متغیرهای اقتصادی از میان مطالعات مرتبط خارجی

1. Olson
2. Ayittey

می‌توان به مواردی اشاره کرد که در ادامه می‌آید. اودرچ و همکاران^۱ (۲۰۲۲) با استفاده از دیدگاه‌های سلسله‌مراتب نهادی نقش نهادهای رسمی و حکمرانی را در شکل‌دهی کارآفرینی پنهان و نوظهور و رشد پایدار اقتصادی بررسی کرده‌اند. در این مقاله متغیرهای نهادی در ۶۶ کشور بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۵ بررسی شده‌اند. نتیجه قابل توجه این بوده است که صنایع پایدار در کشورهایی با زمینه‌های فاسدتر، به راه‌اندازی و داشتن یک کسب‌وکار تمایل کمتری دارند و از این رو، رشد این فعالیت‌های اقتصادی در این کشورها تضعیف می‌شود. مورسلی^۲ (۲۰۲۱) در مقاله «رشد و تغییرات نهادی: یک تحول تاریخی» نهادها، با استفاده از روش نظریه‌بازی‌ها، در مرکز درک نظام‌های اقتصادی قرار داده شده‌اند؛ زیرا آنها ساختار مشوق‌ها را تشکیل می‌دهند. بنابراین، تغییر پایدار اقتصادی عمدتاً یک فرآیند خودخواسته است که توسط ادراک افراد از پیامدهای اعمالشان ایجاد می‌شود. در نتیجه این مطالعه تلاش کرده پیوند بین نهادها و توسعه پایدار اقتصادی، فرآیند تغییر را درک و فرضیاتی را در محدوده آن ایجاد کند که به بهبود نتایج زیست‌محیطی قادر باشد. کوریوایو^۳ (۲۰۲۱) مدلی از پیشرفت فناوری، توسعه نهادی و رشد را توضیح می‌دهد. این مدل نشان می‌دهد که رشد پایدار به تکامل نهادها بستگی دارد. نهادهای ثابت در بلندمدت باعث رشد پایدار نمی‌شوند. نهادهای ثابت تنها در کوتاه‌مدت باعث رشد پایدار می‌شوند و نهادهایی که مانع رشد پایدار می‌شوند، نهادهایی اند که توانایی تکامل را ندارند. قبادی و همکاران (۱۴۰۱) در تفسیر اثربخش‌ترین برون‌داد پایداری مالیات سبز براساس گزاره‌های

تصمیم‌گیری ازدحامی بیان کرده‌اند که تأثیرگذارترین گزاره تصمیم‌گیری ازدحامی، سه گزاره مسئولیت اجتماعی در تصمیم‌گیری؛ کاهش تضاد منافع در تصمیم‌گیری و مشروعیت در تصمیم‌گیری بوده است که بر پایداری مالیات سبز تأثیرگذار است و سبب کاهش آلاینده‌گی‌ها به‌عنوان اثربخش‌ترین مؤلفه برون‌داد پایداری مالیات سبز می‌شود. در واقع این نتیجه نشان می‌دهد که مهم‌ترین گزاره‌ها از منظر مدیران شرکت‌ها در راستای تصمیم‌گیری ازدحامی وجود مسئولیت‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های شرکت به‌منظور افزایش سطح تعهد نسبت به منافع اجتماعی است. فتاحی اردکانی و همکاران (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با هدف ارائه راه‌حل اخذ مالیات سبز برای کاهش مخاطرات زیست‌محیطی انجام داده‌اند. در این پژوهش از روش اقتصادسنجی لجستیک استفاده شد. نتایج نشان داد میزان تمایل به پرداخت افراد برای کاهش آلودگی هوای ناشی از کارخانجات ۳۲,۸۰۰ ریال و برای کاهش آلودگی هوای ناشی از حمل‌ونقل نیز ۲۸,۶۵۰ ریال به صورت ماهانه برای هر فرد است. متغیرهای جرمه خودروی آلوده‌کننده هوا و افزایش قیمت سوخت بر تمایل به پرداخت افراد اثر مثبت و معنادار دارند. همچنین متغیرهای مبلغ پیشنهادی و درآمد از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در هر دو بخش‌اند. منشادی و همکاران (۱۳۹۹) با استفاده از تکنولوژی رانت‌جویی در قالب یک الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی کینزی جدید برای دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۳، به بررسی فرایند اثرگذاری کیفیت نهادی بر متغیرهای اقتصاد کلان و واکنش این متغیرها به تغییرات کیفیت نهادی برای ایران پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که بهبود کیفیت نهادی از طریق افزایش فعالیت‌های پایدار، کاهش هزینه مبادله تولید، ارتقای بهره‌وری، افزایش

1. Audretsch et al

2. Morselli

3. Corriveau

سرمايه گذاري و اثرگذاري سياست گذاري هاي پولی و مالی، مصرف خصوصي، مخارج دولت و توليد پايدار غيرنفتي در ايران را افزايش خواهد داد. انباشت ثروت و گسترش فعاليت هاي رانت جويانه از طرف ديگر موجب گسترش فقر می شود که اثرات منفي بسياری بر اقتصاد، محیط زیست و گسترش فساد دارد.

مدل پژوهش

بازی های طراحی شده در این مقاله بازی های پویای تکرار شونده با اطلاعات کامل اند. در این بازی ها تعاملات و روابط بین بازیکنان به صورت بلندمدت و تکراری است. به عبارت دیگر، تعیین نرخ مالیات سبز توسط دولتمردان و بازتاب این سیاست در تصمیم گیری و رفتار سایر کارگزاران اقتصادی شهر، پدیده ای است که در هربار اتخاذ سیاست جدید تکرار می شود. پس از آنجا که رفتار هر بازیکن در بازی ای پویا متأثر از رفتار حریف در گذشته است، یک کارآفرین هنگامی به افزایش فعاليت های آلاينده در شهر خود دست می زند که از فعاليت های پيشين خود از نظام اقتصادی تحت کنترل دولتمردان پاداش گرفته باشد. این پاداش به صورت نرخ های پایین مالیات سبز و بخشودگی های مالیاتی است. در این صورت رشد پایدار اقتصادی تضعیف می شود و در غیر این صورت با انتخاب سیاست های مالی کارآمد و کاهش فعاليت های آلاينده در شهر، رشد پایدار اقتصادی پدید می آید.

در راستای هدف مقاله، تحلیل ایستای تطبیقی بازی ها بررسی می شوند. برای نشان دادن آنکه چگونه انگیزه ها و اولویت های سیاستی دولتمردان در خصوص تعیین نرخ مالیات سبز قادر است به نهادهای اقتصادی ناکارآمدی، در جهت افزایش فعاليت های آلاينده در شهر، منجر شود، سناریوهایی طراحی و تجزیه و تحلیل

خواهد شد. در این نوع بازی ها یک بازی پویا با اطلاعات کامل، مانند $G(\infty, \beta)$ ، وجود دارد که بی نهایت مرتبه تکرار می شود. در هر مرحله، مانند t ، پیشینه بازی (ht) تا پایان مرحله $t-1$ ، که مشخص کننده ترکیب انتخاب بازیکنان در همه مراحل قبلی است، برای آنها معلوم و آشکار است (عبدلی، ۱۳۸۷). در روند این بازی ها، دولتمردان در گره اول تصمیم گیری، سیاست تعیین نرخ مالیات سبز را اتخاذ می کنند. گره تصمیم گیری بعدی متعلق به صنایع آلاينده است که در واکنش به سیاست انتخابی دولتمردان، فعاليت های آلاينده خود را انتخاب می کنند. در نهایت، با ثابت بودن سایر شرایط و با تجمع درآمدهای دولت، دولتمردان با توجه به قید بودجه، میزان انتقالات را تعیین می کنند. در مرحله بعدی، این بازی ها به همین ترتیب تکرار خواهند شد و ادامه می یابند.

تبادل در این بازی ها نشانگر تعادل نش^۱ و تعادل MPE است. بازی های طراحی شده نشان می دهند که سیاست گذاران عرصه سیاسی شهر، در گره دولتمردان، تا چه اندازه سیاست هایی را انتخاب می کنند که موجب بهبود نهادهای اقتصادی بر مبنای توسعه پایدار و لحاظ دغدغه های زیست محیطی شود. آیا اولویت های دولتمردان با توجه به انگیزه های تصمیم گیری آنان به بهبود زیست محیطی شهر منجر می شود یا اینکه مطلوبیت دولتمردان، در محیط زیست تخریب شده شهری، حداکثر خواهد شد؟ به دنبال آن، گروه صنایع آلاينده چه عملکردی را در واکنش به تصمیم دولتمردان انتخاب می کنند؟

فرض می شود بخش صنعت شهر شامل دو کارگزار عمده است که عبارت اند از دولتمردان دارای قدرت سیاسی و مدیران صنایع، و هر کارگزار نماینده از

1. Nash Equilibrium

هر گروه به عنوان بازیکنی عقلایی در بازی به دنبال بیشینه‌سازی پیامد خود است.

۳-۱- تابع پیامد بازیکنان

در این بازی‌ها، با فرض ثابت بودن سایر متغیرها، تنها استراتژی پیش‌روی دولت‌مردان در استراتژی پروفایل آنها، تعیین نرخ مالیات سبزی (τg_t) است. در مرحله بعد صنایع به نرخ مالیات سبزی تعیین شده واکنش نشان می‌دهند و میزان سرمایه‌گذاری و تولید خود را برای دوره آتی (k^e) مشخص می‌کنند. نکته حائز اهمیت این است که میزان سرمایه تعادلی، نشان‌دهنده میزان تولید و در نتیجه میزان آلاینده‌گی ناشی از آن است. سپس دولت‌مردان میزان انتقالات یکجا به گروه صنعت و دولت‌مردان را، که با $T\tau_t^e, T\tau_t^m$ نشان داده شده، مشخص می‌کنند. فرض مهم در این مقاله این است که دولت‌مردان با اختصاص $T\tau_t^e$ به خود، در هر دوره، درآمد کسب می‌کنند. از سوی دیگر دولت‌مردان برای تحکیم پایه‌های حکومت مایل اند بخشی از رانت به‌دست‌آمده را در بین سایر گروه‌ها توزیع کنند. با فرض ثبات سایر نرخ‌های مالیاتی، دولت‌مردان فضای استراتژی پیوسته‌ای شامل اتخاذ سیاست نرخ مالیات سبزی را در اختیار دارند که می‌تواند بر درآمد انتقالی آنها تأثیرگذار باشد. تابع پیامد یک دولت‌مرد عبارت است از:

$$U^e(t) = E_0 \sum_{t=0}^{\infty} \beta^t T\tau_t^e \quad (2)$$

در یک کشور مفروض، رابطه قید بودجه دولت به صورت زیر خواهد بود:

$$T\tau_t^e \leq [\tau_t F(k_t, G_{1t}) + \tau g_t H(F(k_t, G_{1t})) - G_t] \quad (3)$$

در سمت راست معادله (۳)، رابطه بودجه دولت نشان داده شده است. درآمد دولت شامل درآمد مالیاتی و

درآمد مالیات سبزی است. درآمد مالیاتی، $\tau_t F(k_t, G_{1t})$ ، حاصل نرخ مالیات در تابع تولید کل صنایع است و درآمد مالیات سبزی، $(\tau g_t H(F(k_t, G_{1t})))$ ، از نرخ مالیات سبزی در میزان آلاینده‌گی تولید صنایع به دست می‌آید و نصیب دولت می‌شود. مسئله حداکثرسازی مدیران صنایع نیز براساس تابع سود آنها شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، تابع پیامد انتظاری یک مدیر صنعت نماینده را می‌توان به شکل زیر نشان داد:

$$U^m(t) = \sum_{t=0}^{\infty} \beta^t [P_t f(k_t, g_{1t}) - \tau_t f(k_t, g_{1t}) - \tau g_t H(F(k_t, G_{1t})) - P_t^e(k_t - (1 - \delta)k_{t-1})] \quad (4)$$

به طوری که آنها در مورد سطح تکنولوژی (K_t)، که بیشینه‌کننده پیامدشان است، تصمیم‌گیری می‌کنند. k_t تابعی از نرخ مالیات سبزی انتخابی توسط دولت‌مردان (τg_t) است. درآمد کارآفرین میزان تولید وی در قیمت کالای تولیدی است که هزینه‌های مالیات، مالیات سبزی و هزینه‌های سرمایه‌گذاری از آن کم شده است. $H(F)$ ، تابع میزان آلاینده‌گی ناشی از تولید است که تابعی فزاینده از سطح تولید است و γ ضریب آلاینده‌گی صنعت موردنظر است. تابع تولید کارآفرینان، F و در این تابع k_t سرمایه به کار گرفته شده در تولید است و A_t بهره‌وری فردی نیروی کار است.

$$H(F(k_t, g_{1t})) = \gamma \cdot F(k_t, g_{1t}) \quad (5)$$

۳-۲- تعیین حد بهینه نرخ مالیات سبزی

هنگامی که نرخ مالیات سبزی بهینه (τg_t) تعیین شود، سبب کاهش سطح تولید، کاهش آلاینده‌گی‌های زیست‌محیطی و پایداری اقتصادی در سطح بهینه اجتماعی می‌شود. دقیقاً در نرخ بهینه مالیات سبزی حداکثر درآمد مالیات سبزی نصیب دولت می‌گردد (ریبئی و اسمعیل‌نیا، ۱۳۹۱). با توجه به رابطه منحنی لافر، برای رسیدن به سطح بهینه، کافی است از درآمد مالیاتی دولت نسبت به نرخ مالیات سبزی مشتق‌گیری

شود:

۱. مجموع پرداخت‌های انتقالی انتخاب‌شده توسط دولت‌مردان به سه گروه جامعه برابر سطح $T\tau_t$ است.

$$H(F(k_t, G_{tt})) + \tau g_t \dot{H}(F) \cdot F_t'(\tau g_t) = 0 \quad (6)$$

در ادامه با تعیین بهینه نرخ مالیات سبز، بیشینه‌سازی تابع پیامد صنایع با توجه به قید ذخیره سرمایه، به صورت زیر قابل بازنویسی است که در آن سرمایه انتخابی متأثر از نرخ مالیات سبز انتخابی است:

$$\hat{k}_t(\tau g_t) = \left[\frac{P_t^f (\beta^{-1} - (\delta - 1))}{(P_t - \tau_t - \tau g_t \gamma)(1 - \alpha)} \right]^{-1/\alpha} A^{1/\alpha} g_{tt} \quad (7)$$

از ویژگی‌های قابل توجه رابطه (۷) این است که انتخاب سطح سرمایه و تولید صنعت در زمان t تنها به نرخ مالیات سبز τg_t بستگی دارد و به مالیات سبزهای آتی بستگی پیدا نمی‌کند. بر این اساس با توجه به اینکه سایر متغیرها از پیش تعیین شده‌اند و $\hat{k}_t(\tau g_t)$ نیز نسبت به τg_t مشتق‌پذیر است، رابطه بهترین واکنش صنایع (BR^m) به صورت زیر استخراج می‌شود

$$BR_t^m = \hat{k}_t(\tau g_t) = \frac{\partial \hat{k}_t(\tau g_t)}{\partial \tau g_t} = -1/\alpha \left[\frac{P_t^f (\beta^{-1} - (\delta - 1))}{(P_t (1 - \tau_t - \tau g_t \gamma)(1 - \alpha))} \right]^{-1/\alpha} \cdot \frac{\gamma}{(1 - \tau_t - \tau g_t \gamma)} \quad (8)$$

که با جای گذاری $f(\hat{k}_t(\tau g_t))$ به عنوان مشتق اول تابع تولید و نیز $f''(\hat{k}_t(\tau g_t))$ به عنوان مشتق دوم تابع تولید نسبت به $\hat{k}_t(\tau g_t)$ به جای مقادیرشان، رابطه (۸)

$$BR_t^m = \hat{k}_t(\tau g_t) = \frac{\hat{f}(\hat{k}_t(\tau g_t))}{(P_t - \tau_t - \tau g_t \gamma) f''(\hat{k}_t(\tau g_t))} \quad (9)$$

یافته‌های پژوهش براساس سناریوهای متفاوت —

در ادامه از طریق طراحی سناریوهای متفاوت برای بازی‌ها، انگیزه‌های متفاوتی را، که انتخاب τg_t توسط دولتمردان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارزیابی می‌کنیم. نتایج به دست آمده از هر بازی با نتایج سایر بازی‌ها قابل مقایسه است. بر این اساس در سناریوی اول فرض می‌شود که دولتمردان هیچ منفعتی از فعالیت‌های صنایع آلاینده شهر ندارند و بیشترین قدرت رانت‌جویی را در اختیار دارند. از این رو، آنها

۱. اثبات روابط به دست آمده نزد نویسنده موجود است.

قادرند از طریق بیشینه‌سازی پرداخت انتقالی به گروه خود منتفع شوند. در چنین شرایطی سیاست ناشی از رابطه بهترین واکنش دولتمردان، تعیین نرخ مالیات سبز است که تولید صنایع را در سطح بهینه اجتماعی قرار دهند، به طوری که تخریب محیط‌زیست حداقل شود. قابل پیش‌بینی است که تحت این شرایط دولتمردان به دنبال نرخ مالیات سبز خواهند بود که درآمد دولت را حداکثر کند. در سناریوی دوم با تکیه به سایر محدودیت‌های گذشته، فرض دولتی بودن صنایع و وجود منافع از فعالیت‌های صنایع آلاینده شهر برای دولتمردان در نظر گرفته می‌شود. در صورت دولتی بودن صنایع تعیین مالیات سبز بر آنها سبب کاهش سودآوری صنایع دولتی و درآمدهای دولت می‌شود. در این حالت انگیزه‌های دولتمردان در اتخاذ سیاست‌های محیط‌زیستی به شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

۴-۱- سناریوی اول: بررسی انگیزه کسب حداکثر

درآمد مالیاتی در تعیین نرخ مالیات سبز

در این سناریو، تمرکز بر درآمد مالیاتی است. انتخاب اقتصادی در اینجا شامل انتخاب نرخ مالیات سبز (τg_t) هر دوره است، که حداکثرکننده ارزش حال خالص مطلوبیت تنزیل شده دولتمردان ($T\tau_t^g$) باشد. فضای استراتژی روبه‌روی صنایع به صورت تصمیم‌های سطح سرمایه صنایع، تنها به نرخ مالیات سبز اعلام شده برای همان زمان بستگی دارد.

۴-۱-۱- اثبات سناریوی اول

برای تعیین بیشینه درآمد مالیات سبز، می‌توان از رابطه منحنی لافر سود برد. با توجه به رابطه پیامد دولتمردان در رابطه (۲)، رابطه بهترین واکنش دولتمردان (BR_t^f) که نشان‌دهنده نرخ مالیات سبز حداکثرکننده درآمد برای دولتمردان است (τg_t)، به شکل زیر به دست خواهد آمد:

۴-۲- سناریوی دوم: نقش مالکیت دولتی صنایع در

تعیین نرخ مالیات سبز

در سناریوی دوم دولت در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت دارد و مالکیت بخش قابل توجه صنایع آلاینده در دست دولت است، به طوری که دولتمردان در سودآوری بیشتر صنایع آلاینده شهر منتفع می‌شوند. در این حالت بررسی می‌شود که چگونه مالکیت دولتی صنایع می‌تواند موجب تحریف نرخ مالیات سبز بهینه نسبت به سناریوی قبلی شود. در این بازی دولتمردان به دنبال برقراری نرخ‌های مالیات سبز متفاوت τg_t^E و τg_t^M بر تولید صنایع دولتی و صنایع خصوصی اند. محدودیت بودجه دولت در این حالت مسئله حداکثرسازی دولتمردان را به شکل زیر فراهم می‌سازد:

$$\tau g_t^E \leq P_t^I (1 - \tau g_t^E) F^E(k_t, g_{It}) + \rho [\tau g_t^M P_t F^M(k_t, g_{It}) - g_t] \quad (13)$$

در این رابطه $P_t^I (1 - \tau g_t^E) F^E(k_t, g_{It})$ سود دولت از فعالیت‌های تولیدی است و $\tau g_t^M P_t F^M(k_t, g_{It})$ درآمد مالیات سبز اخذشده از صنایع است. تابع تولید برای دولت در این سناریو به شکل زیر تعریف می‌شود:

$$f^E(k_t, g_{It}) = A_t^E k_t^{1-\varepsilon} g_{It}^\varepsilon \quad (14)$$

سطح سرمایه تعادلی انتخابی توسط هر صنعت بخش

خصوصی طبقه متوسط با رابطه

$$\hat{k}(\tau g_t^M) = \left[\frac{P_t (1 - \tau g_t^M \gamma) (1 - \alpha)}{P_t \tau^{1/\varepsilon} (\beta \lambda^{1-\varepsilon} - (\delta - 1))} \right]^{1/\alpha} A_t^M \tau^{1/\varepsilon} g_{It} \quad (15)$$

و سطح سرمایه تعادلی انتخابی توسط هر صنعت بخش دولتی با رابطه زیر مشخص می‌شود:

$$\hat{k}(\tau g_t^E) = \left[\frac{P_t^I (1 - \tau g_t^E) (1 - \varepsilon)}{P_t^I (\beta^{1-\varepsilon} - (\delta - 1))} \right]^{1/\varepsilon} A_t^E \tau^{1/\varepsilon} g_{It} \quad (16)$$

۴-۲-۱- اثبات سناریوی دوم

بر اساس شرایط بازی، یک تعادل نش MPE وجود دارد، به طوری که:

$$\tau g_{t2}^M = \frac{\alpha}{\alpha(1-\gamma)-1} \quad \text{و} \quad \tau g_{t2}^E = 0 \quad (17)$$

$$BR_t^E = \frac{\partial \pi_t^E}{\partial \tau_t} = P_t f(\hat{k}(\tau g_t)) + P_t \tau g_t f'(\hat{k}(\tau g_t)) \hat{k}(\tau g_t) = 0 \quad (10)$$

با جایگزینی BR_t^M از رابطه (۹) در BR_t^E ، عبارت زیر برای به دست آوردن τg_t به کار می‌رود:

$$f(\hat{k}(\tau g_t)) + \frac{P_t (\tau_t + \tau g_t)}{P_t (1 - \tau_t - \tau g_t)} \frac{f'(\hat{k}(\tau g_t))}{f(\hat{k}(\tau g_t))} = 0 \quad (11)$$

می‌توان نشان داد که تعادل اقتصادی تعریف شده منحصر به فردی وجود دارد که شامل مالیات سبز مثبت صنایع توسط دولتمردان می‌شود، به طوری که سطح سرمایه و تولید اکیداً پایین‌تر از یک اقتصاد بدون مالیات سبز تعیین خواهد شد. در این صورت میزان فعالیت و آلودگی این صنایع در حد بهینه اجتماعی شهر قرار می‌گیرد. بر این اساس پس از ساده‌سازی سیاست مالیات سبز حداکثرکننده مطلوبیت دولتمردان در سناریوی اول برابر است با:

$$\tau g_t = \frac{\alpha}{\alpha(1-\gamma)-1} \quad (12)$$

در τ_{t1} اندیس مربوط به سناریوی اول است که نشان می‌دهد در این سناریو، با وجود هر توزیع اولیه‌ای از انباشت سرمایه، یک تعادل کامل مارکوف وجود دارد که در هر زمان شامل نرخ مالیات سبز تعادلی τ_{t1} بر اساس رابطه (۴) و ذخیره سرمایه تعادلی \hat{k} بر اساس رابطه (۷) و سطح آلودگی بر اساس رابطه (۵) است. این نقاط تعادلی تحت سناریوی اول هستند که نسبت به حالت بدون مالیات سبز در سطح پایین‌تری قرار دارند، به شکلی که $\hat{k}(\tau_{t1}) < k < \hat{k}(\tau_{t1})$ و $\hat{H}(\tau_{t1}) < H < \hat{H}(\tau_{t1})$ است و نرخ مالیات سبز رابطه مستقیمی با میزان آلودگی صنعت دارد. تجزیه و تحلیل نتایج این بازی نشان می‌دهد که چگونه سیاست اقتصادی می‌تواند سبب پدیداری و موجب کاهش تخریب محیط‌زیست شود. نکته مهم آن است که توجه دولتمردان به برقراری سطح بهینه نرخ مالیات سبز در این حالت هم‌راستای پایداری اقتصادی و محافظت از محیط‌زیست قرار می‌گیرد.

نشان می‌دهد نرخ‌های مالیات سبز تعیین شده توسط دولتمردان در جهت حداکثرسازی Tr_t^e ، برای صنایع دولتی آلاینده برابر صفر و برای صنایع آلاینده بخش خصوصی برابر $\frac{\alpha}{\alpha(1-\gamma)-1}$ خواهد بود که همان نرخ مالیات سبز است که توسط بهینه‌یابی پارتو دیکته می‌شود و با نتیجه سناریوی قبلی مشابه است.

(18) $\hat{\tau}g_{t1}$

به بیان دیگر وابستگی به درآمد مالیات سبز، باعث قوت گرفتن انگیزه کسب حداکثر درآمد برای دولتمردان می‌شود، به گونه‌ای که نرخ مالیات سبز صنایع آلاینده بخش خصوصی شهر را براساس مقدار بهینه پارتو تعیین می‌کنند و برای حداکثرسازی سود خود از فعالیت‌های آلاینده صنایع دولتی، نرخ مالیات سبز صنایع دولتی شهر را برابر صفر قرار می‌دهند. با وجود هر توزیع اولیه‌ای از انباشت سرمایه، تعادل‌های کامل مارکوف وجود دارد که در هر زمان شامل نرخ مالیات سبز تعادلی τg_{t2}^m و τg_{t2}^e براساس رابطه (۴) است. ذخیره سرمایه تعادلی \hat{k} هر دو نرخ براساس رابطه (۷) و سطح آلاینده‌گی براساس رابطه (۵) قابل استخراج‌اند. در این صورت در صنایع بخش خصوصی $\hat{H}(\tau g_{t2}^m) < H$ و $\hat{k}(\tau g_{t2}^m) < k^m$ خواهد بود و در صنایع بخش دولتی $k(\tau g_{t2}^e) > \hat{k}^e$ و $\hat{H}(\tau g_{t2}^e) > \hat{H}^e$ خواهد بود. به بیان دیگر، در صورت منتفع شدن دولتمردان از سود صنایع دولتی، آنها از مالیات سبز برای کنترل فعالیت‌های آلاینده این صنایع استفاده نخواهند کرد و تخریب محیط‌زیستی فعالیت‌های آلاینده صنایع دولتی ادامه می‌یابد.

نتایج و یافته‌ها

در این مطالعه مفاهیم به کاررفته و نتایج به دست آمده به ترویج درک گسترده‌تری از ماهیت فرآیندهایی می‌انجامد که در درون نهاد سیاسی رخ می‌دهند،

به‌ویژه زمانی که درآمد ناشی صنایع آلاینده دولتی در ساختار نهادهای سیاسی و اقتصادی سرازیر شده باشد. همچنین این نتایج به‌نوبه خود به آحاد جامعه کمک می‌کند که درک متناسبی درباره قابلیت‌های دولت در تصحیح سیاست‌های محیط‌زیستی داشته باشند.

براساس نتایج تعیین سیاست‌ها، تحت انگیزه کسب حداکثر درآمد مالیات سبز، موجب کاهش سطح سرمایه‌گذاری و تولید در زیرسطح اولیه شد و سطح آلاینده‌گی ناشی از آن کاهش یافت. در سناریوی دوم، هدف دولتمردان تحت القای انگیزه افزایش سوددهی صنایع دولتی، سبب شد آنها از صنایع آلاینده دولتی حمایت کنند و مالیات سبز در حداقل ممکن تعیین شد. چنین نرخ‌های موجب افزایش سطح سرمایه‌گذاری و تولید شد و سطح آلاینده‌گی ناشی از آن افزایش یافت. بنابراین، دولتمردان برخورد دوگانه‌ای با صنایع آلاینده بخش خصوصی و دولتی در پیش می‌گیرند.

منابع:

۱. ابریشمی، حمید و محمدهادیان (۱۳۸۳)، «رانت‌جویی و رشد اقتصادی شواهد تجربی از ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، زمستان ۱۳۸۳، صص ۶۷-۲۸.
۲. پژویان، جمشید، امین‌رشتی، نارسیس (۱۳۸۶)، «مالیات‌های سبز با تأکید بر مصرف بنزین»، پژوهشنامه اقتصادی (ویژه‌نامه مالیات)، صص ۱-۷.
۳. دادگر، یدالله، نوفرستی، محمد و مختاری، محمدعلی (۱۳۹۹)، «یک ارزیابی از سطح، روند و توزیع فقر چندبعدی در ایران»، فصل‌نامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، شماره دو، صص ۲۵-۴۳.
۴. ربیعی، مهناز و اسمعیل نیا بالاگتایی، فاطمه (۱۳۹۱)، «برآورد ظرفیت و تلاش مالیات سبز و ارتباط آن با درآمد نفتی در اقتصاد ایران و چند کشور منتخب عضو اوپک»، فصلنامه علوم اقتصادی، سال هفتم، شماره بیست و دوم، صص ۴۹-۶۹.
۵. عبدلی، قهرمان (۱۳۸۶)، نظریه‌بازی‌ها و کاربردهای آن:

- Economics. Massachusetts Institute of Technology. Version 3: February. 2008:993-1052.
15. Abere, S. S. and Akinbobola, T. O. (2020). External Shocks, Institutional Quality, and Macroeconomic Performance in Nigeria. SAGE Open. April-June 2020: 1-18.
16. Anil, Ari and Gabor, Pula (2021). Macroeconomic Impact of Structural Reforms in Ukraine. International Monetary Fund. Working Paper European Department. April 2021.
17. Audretsch, David B. & Belitski, Maksim & Caiazza, Rosa & Desai, Sameeksha. (2022). "The role of institutions in latent and emergent entrepreneurship". Technological Forecasting and Social Change. Elsevier. vol. 174(C). DOI: 10.1016/j.techfore.2021.121263.
18. Auty, R (2018). Resource Abundance and Economic Development. Oxford University press. Oxford and NewYork.
19. 18. Barro, Robert (2000). Inequality and Growth in a Panel of Countries. Journal of Economic Growth. March 2000. 5: 5-32.
20. Corriveau, Louis. (2021). "Technologies, Institutions, development and growth". Structural Change and Economic Dynamics. Elsevier. vol. 57(C), pages 159-164. DOI: 10.1016/j.strueco.2021.03.005.
21. Mesquita, Bruce Bueno (2011). Why Bad Behavior is Almost Always Good Politics. The Dictator's Handbook. Random House. p. 272.
22. Morselli, Alessandro. (2021). "Growth and institutional changes: a historical evolution". Brazilian Journal of Political Economy. Center of Political Economy. vol. 41(2), pages 292-313.
23. North, D.C. (1990). Institutions, Institutional Change, and Economic Performance. Cambridge
- بازی‌های ایستا و پویا با اطلاعات کامل، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.
۶. فرتاش، کیارش، سعیدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۸)، «نهادها و تأثیر آنها بر توسعه علم و فناوری»، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال یازدهم، شماره دو.
۷. فتاحی اردکانی، احمد، حاج علی اکبری، نیلوفر، بستان، یداله، سخی، فاطمه (۱۴۰۰)، «راهکار کاهش آلودگی هوا با استفاده از مالیات سبز (مطالعه موردی: شهرستان اردکان)»، اقتصاد کشاورزی (اقتصاد و کشاورزی)، سال ۱۵، شماره سه، صص ۵۵-۷۶.
۸. قبادی، بهزاد، امیری، هوشنگ، رکابدار، قاسم (۱۴۰۱)، «تفسیر اثربخش‌ترین برون‌داد پایداری مالیات سبز بر اساس گزاره‌های تصمیم‌گیری ازدحامی» علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، ۱۱(۲۴)، صص ۱-۱۴.
۹. قابل‌رحمت، فاطمه، فتحی، سروش، توسلی رکن‌آبادی، مجید، مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۷)، «درآمدی بر پیکره‌بندی نابرابری با تأکید بر نهادهای اقتصادی و سیاسی در بستر توسعه: ارائه یک مدل مفهومی»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره اول.
۱۰. گرایبی‌نژاد، ع.، چپردار، ا. (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیات سبز در ایران»، اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، ۶: ۲۰، صص ۶۹-۹۲.
۱۱. منشادی، محمددهقان، اسلام‌لویان، کریم، هادیان، ابراهیم، دهقان‌شبنانی، زهرا (۱۳۹۹)، «اثر کیفیت نهادی بر چرخه تجاری و پویایی‌های متغیرهای کلان اقتصادی در ایران»، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، دوره یازدهم، شماره یک، صص ۲۹-۶۶.
۱۲. مهرآرا، م.، معینی‌فرد، م.، مهربانی، و. (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیات سبز در کشورهای منطقه منا با تأکید بر حکمرانی خوب»، راهبرد اقتصادی، ۳(۱۲)، صص ۱۲۹-۱۵۲.
13. Acemoglu, Daron (2011). Introduction to Modern Economic Growth. Department of Economics. Massachusetts Institute of Technology. 3: 993-1052.
14. Acemoglu, Daron. (2008). Introduction to Modern Economic Growth. Department of

University Press. New York.

24. Olson, M.C. (1982). *The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation, and Economic Rigidities*. Yale University Press. New Haven and London.

25. Olson, M.C. (2000). Dictatorship, democracy and development. *American Political Science Review*. 87: 567–575.

26. Tullock, G. (1967). The Welfare Costs of Tariffs, Monopolies, and Theft. *Western Economic Journal* 5: 224–3.

27. Rashid, Nikzad. (2021). "Governance, Institutions, and Economic Development". *International Journal of Innovation and Economic Development*. Inovatus Services Ltd.. vol. 7(4). pages 7-22.

انطباق ظرفیت‌های محیطی در مکان و مکانیت شهری: ارائه چهارچوب پایداری مقر شهری

هادی فرهنگدوست^۱

کارشناس ارشد معماری اسلامی، گروه هنر و معماری اسلامی، دانشکده هنر و معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)، مشهد، ایران

تکتم حنایی

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران.

هیر و فرکیش

استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران.

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۱۰۹ - ۱۳۵

چکیده:

رابطه‌شناسی بین آنچه شهر از محیط دریافت کرده، با آنچه جغرافیای محیطی را برحسب ظرفیت درونی (استقرار شهری) و نقش‌های عملکردی آن (سکونت شهری) به محیط شهری تبدیل می‌کند، باعث شکل‌گیری شاخص «ظرفیت‌های فضایی» مطلوب می‌شود. هدف این پژوهش، بازشناسی و تثبیت مفهومی عوامل سازنده مقر شهری از دیدگاه ظرفیت‌های مکان و مکانیت شهری است. دستیابی به این هدف، با بهره‌گیری از روش تحلیلی-تطبیقی، به‌منظور مقایسه مکانب موجود، برای تدوین نظریه‌ای برای بازشناسی مفهوم مقر شهری بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های سازنده مقر شهری در سه دسته ایستا، فعال و عملگر قابل‌شناسایی است و در تمامی مراحل چرخه حیات شهری، موجب تعریف‌شدگی ظرفیت‌های محیطی و جغرافیایی شهرها در قالب مفهوم مقر شهری می‌شوند. بازشناسی و بسط مفهومی مؤلفه‌های سازنده مقر شهری با تأکید بر تفکیک مفهومی آن از سایر مفاهیم مشابه شهرسازی، همچنین تأکید بر هماهنگی بین ابعاد مختلف مکان و مکانیت شهر مهم‌ترین نکات برجسته این پژوهش است. مداخله‌های انسانی در ظرفیت‌های محیطی شهرها موجب ایجاد تفاوت در ظرفیت‌های مقر شهری موجود، با ظرفیت‌های قابل‌دسترس، و تغییر مؤلفه‌های مقر شهری می‌شود. زیرا ظرفیت‌های شهری، بیش از هر عاملی از جغرافیای شهری و اجتماعی، با ظرفیت‌های وجودی و واقعیت‌های محیطی مرتبط‌اند. در نتیجه می‌توان بیان کرد که برای پایداری مکان و مکانیت شهرها، باید از طریق سازماندهی مؤلفه‌های مقر شهری اقدام کرد.

واژگان کلیدی: فضای جغرافیایی، ظرفیت‌های محیطی، عملگرهای شهری، واقعیت محیطی، برنامه‌ریزی محیطی.

۱. نویسنده مسئول: h.farhangdoust@imamreza.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

اگرچه چهار سنت تاریخی در پژوهش‌های جغرافیایی وجود دارد (Pankaj, 2016: 98)، ولی مطالعات جغرافیای شهری تا دهه شصت میلادی، بیشتر از نوع مطالعات ریخت‌شناسی کالبد درونی شهر (دوره، عناصر و گونه‌شناسی) بوده است (مدنی‌پور، ۱۳۹۲: ۷۷-۷۹). نتیجه این دیدگاه یک‌جانبه به طبقه‌بندی‌های کارکردی و شالوده‌ای نظام‌های شهری، باعث محدود ماندن نگاه جغرافیای شهری به مورفولوژی توصیفی از مشهودات رفتاری و کالبد بی‌روح شهرها و ناتوانی در ارائه راه‌حل‌های مناسب «کالبدی-فضایی» برای مدیریت جغرافیای شهری شده بود (Sweet, 1969: 28)، به گونه‌ای که در دهه آخر قرن بیستم، شاهد تلاش مدیران شهری برای بهره‌گیری از دانش اقشار متفاوت در بررسی مسائل شهری، با هدف ارائه راه‌حل‌های نوآورانه در جغرافیای شهری، تحت عنوان «مخازن فکری شهر» بوده‌ایم (Brillembourg & Klumpner, 2023: 1-2).

این در حالی است که جهان با خروج از قرن بیستم و ورود به هزاره سوم، بیشتر از هر زمان دیگری با تغییرات چندوجهی، پیچیده و ناگهانی روبه‌رو شده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت، ضرب‌آهنگ تغییرات در آگاهی‌های بشر نسبت به پدیده‌های مختلف، تعیین‌کننده آینده نزدیک او و چهارچوبی برای مداخله‌ها و اقدام‌های مدت‌دار خواهد بود. عرصه شهری با توجه به مطابقت کامل با چنین شرایطی، عرصه بروز پدیده‌هایی چندوجهی، پیچیده و ناگهانی است (Pacione, 2009: 23-24). در نتیجه دستیابی به چهارچوبی برای درک، بیان و حل مسائل شهری، در قالب مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، امری بسیار ضروری شده است. زیرا اعتقاد کلی بر این است

که بهترین راه برای تضمین آینده شهر و شهروندان آن است که مدیریت شهری آن را از طریق برنامه‌ریزی شهری بیافریند.

در این مسیر، اتکای صرف به نقشه‌های جغرافیایی و تصویربرداری‌های از راه دور برای دسته‌بندی پهنه زمین، موجب بروز اشتباه‌های محاسباتی برای طراحان و برنامه‌ریزان شهری شده است. دلیل عمده بروز این مدل از خطا، از یک سو، نادیده گرفتن نقش و نوع پدیده‌های زمین‌شناختی‌ای است که ظهور و بروزی بلندمدت یا دوره‌ای دارند یا اساساً قابل پیش‌بینی نیستند. همچنین مسائلی که در عرصه مکان‌یابی مقرر شهری مدنظر قرار می‌گیرد، غالباً کمی و مرتبط با ظرفیت‌های کالبدی مدنظر برای استقرار شهر و شکل‌گیری سکونتگاهی آن است (Schneider-Sliwa, 2015). این در حالی است که ترکیب این دو نوع مشکل، باعث شده است که بستر مسئله مهمی از جنس پدیده‌های جغرافیای انسانی به وجود آید که ارتباط زیادی با پدیده‌های مستقر (موجود در پهنه شهر) و پدیده‌های دخیل در کالبد شهری دارند.

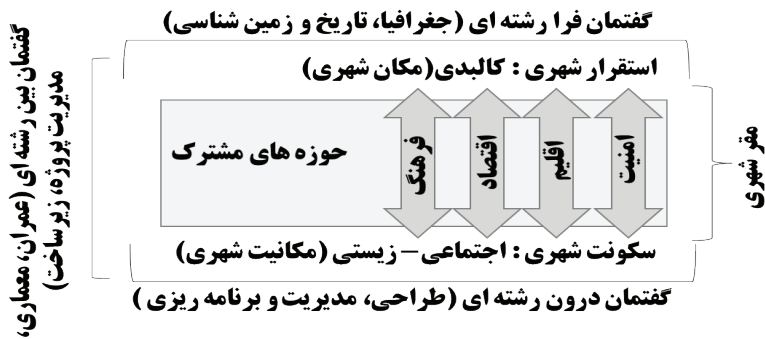
راهکارهای متعددی از سوی رشته‌های مرتبط با حوزه شهری در این زمینه ارائه شده است. ولی عدم توجه به چندوجهی بودن و کانالیزه ماندن درک، بیان و حل مسئله ارائه‌شده، در چهارچوب‌های درون رشته‌ای، باعث شده برخلاف اراده مسئولان و خواست اندیشمندان، تفکر اداره حوزه‌های شهری توسط متخصصان، به صورت مستقل، در عمل پیاده شود. زیرا برای مدیران شهری آشکار شده است که پژوهش‌های هم‌زمان «مکانی-سکونت‌ی» در جغرافیای شهری، برای نظارت بر روند توسعه شهری، ارائه اطلاعات پایه برای بهینه‌سازی نقاط قوت محلی، طراحی مفاهیم توسعه شهری، که به اندازه کافی نیازها و خواسته‌های محلی را

جدول شماره (۱): روش‌های برنامه‌ریزی توسعه جغرافیای شهری

توسعه	روش	بستر	جهت	نیازمندی اصلی
کالبدی	افزایش کمی و کیفی	کاربری و فضاهای کالبدی	عمودی و افقی	زمان و برنامه و مداخله کالبدی
	افزایش ارتباط و تلاقی	واحدهای توپوگرافی و ژئومورفولوژیکی	موافق و منطبق با بستر	مطالعه و برداشت میدانی
کاربردی	رشد و توسعه فضایی	حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی	منطبق بر اقلیم محلی	مطالعه و مداخله محیطی

(منبع: صدوق و فهیم، ۱۳۹۳: ۱۲۳؛ ماجدی، ۱۳۷۸: ۶؛ رجائی، ۱۳۹۲: ۲۷۶؛ Hanssens & Derudder, 2011)

نمودار شماره (۱): نمودار آگاهی‌بخش از حوزه‌های کاربرد این پژوهش



(منبع: نویسندگان)

تأمین کند و برای برنامه‌ریزی شهری که به‌طور یکسان به تصمیم‌های جمعی احترام می‌گذارد، کاملاً ضروری است. همان‌گونه که در جدول شماره (۱) بیان شد، مسئله تعریف شهر و مکان شهری، شامل دیدگاه‌های متنوع و غیرمنسجمی است که نتوانسته «مکانیت شهر» و «مکان شهری» را به‌صورت هم‌زمان، مرتبط و جامع ببیند و نظریه‌ای پایه‌ای ارائه دهد که پایداری زیستی - محیطی را رقم زند؛ زیرا صرفاً توسعه کالبدی ابنیه و فضای شهری را مدنظر قرار داده است. براین اساس ضرورت‌های پرداختن به موضوع مقر شهری با رویکرد پایداری در این پژوهش این گونه است:

- نخست، ضرورت داشتن نگاهی بنیادین به شهر، به‌واسطه آنکه از یک سو بخشی از فضای هر کشور را تشکیل می‌دهد (مویر، ۱۳۹۴: ۲۳۹)؛
- و ازسویی دیگر شهر در قرن جدید ابعاد گسترده‌تری از همیشه در زمینه حجم فیزیکی، تنوع مسائل اجتماعی، اقتصادی و محیطی پیدا کرده است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۱).

در نتیجه هدف اصلی این پژوهش برای دستیابی به نگاهی جامع به استقرار مکانی شهر و سکونت اجتماعی در جغرافیای شهری، برای هماهنگی بین

ابعاد مختلف توسعه مطابق با دیدگاه برآمده از وضع موجود (نمودار شماره ۱) مبتنی بر ضرورت دستیابی به پایداری محیطی-زیستی است.

حوزه‌های کاربرد این پژوهش براساس اینکه امروز شهرها ضمن شکل‌پذیری از بستر جغرافیای مکانی خود، به شکل‌دهی و سازمان‌بخشی زندگی در فضاها و شهرهای خود می‌پردازند، دارای نقش جهت‌دهی و دست‌کم کنترل‌کنندگی بر کیفیت‌های زندگی شهری هستند (نمودار شماره ۱). در مقام بالاتر، حوزه نفوذ شهرها باعث گسترش این اثربخشی به سازمان اقتصادی، انسانی و مورفولوژی سکونتگاه‌های پیرامونی نیز می‌شود. از این رو، جدا از مسائل شهرسازی، ملاحظه می‌کنیم که بین حلقه‌های بزرگ‌تر از حد شهر خصیصه‌هایی وجود دارد که نوعی وابستگی و پیوستگی را در همه زوایای جغرافیای شهری تعریف می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت، مهم‌ترین کاربردهای بررسی مفهوم مقر شهری، از دیدگاه جغرافیای شهری، به موارد زیر اشاره دارد:

- استفاده از نتایج در مسیر دستیابی به چهارچوب‌های کلان برای توسعه پایدار شهری؛
- کمک به رهیافت و سازوکارهای جغرافیای شهر برای برون‌رفت از ناکارآمدی شهرهای توسعه‌نیافته؛
- کمک به توان و ظرفیت‌شناسی جغرافیای شهری برای کمک به رشد اقتصاد محلی؛
- ارائه نگاهی جامع از مؤلفه‌های جغرافیای شهری برای جهت‌دهی کلان به برنامه‌ریزی‌های شهری؛
- کمک به عدالت فضایی با کاهش نابرابری‌های فضایی از طریق شناخت عوامل دخیل در پراکنش محیط شهری؛
- کمک به حفاظت از منابع ارزشمند زیست‌محیطی شهرها با متناسب‌سازی دیدگاه‌های کمی برنامه‌ریزان

از طریق آشنایی ایشان با لایه‌ها و ابعاد ناملموس شکل‌دهنده به سکونت شهری.

پیشینه پژوهش

در بیشتر پیشینه جغرافیای شهری، مناطق شهری، بستری برای تحلیل، تبیین و پیش‌بینی‌های آینده اشکال شهری، بافت اجتماعی، ساختارها و عملکردهای اقتصادی بوده‌اند. به صورتی که می‌توان گفت اعتقاد کلی شهرسازان در طول تاریخ تمدن بر این بوده است که شهرها، در کمترین حالت ارتباط با عوامل ناملموس سازنده شهر، دست‌کم، بازتابی از فلسفه سیاسی تمدنی دوران حیات خود بوده‌اند (Hall P. G., 2006: 6). در بالاترین حد ارتباط، برخی دیگر از اندیشمندان شهرسازی معتقدند که شهرها، در بیشترین حالت ارتباط با عوامل ناملموس سازنده شهر، بستر اصلی برای تمرکز قدرت مادی و معنوی تمدن‌ها بوده‌اند (مامفورد، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۲). از آنجاکه در طول تاریخ، جهت اصلی مطالعات جغرافی دانان شهری، بررسی فرآیندهای فضایی ایجادکننده الگوهای مشاهده‌شده در مناطق شهری و تأکید بر مکان و فضای پژوهش‌های خود است، می‌توان گفت چنین دیدگاهی سابقه تاریخی دارد و به صورت خلاصه این چنین است:

۱. دوران باستان (پیش از میلاد: از روزگاران باستان، شهر مفهوم می‌بوده که به روابط انسانی (Civitas) در کنار فرم‌های مصنوع (Urbs) اشاره می‌کرده است (قنبری و اشلقی، ۱۴۰۱: ۸). واژه‌هایی که برای بیان شهر به کار گرفته می‌شود، مفهوم پولیس (شهر مستقل) به معنی سکونتگاهی دارای نظم، ساختار مدنی (اجتماع، دولت محلی و احتمالاً حکومت) و اقتضای اجتماعی متفاوت اشاره دارند. از آنجاکه اندیشمندان معتقدند واژه سیاست (Politics) نیز برگرفته از واژه پولیس (Polis) به معنای شهر است، پس می‌توان نتیجه گرفت

که معنی سیاست، در نزد یونانی‌ها، علم شهرگردانی بوده است (عالم، ۱۴۰۰: ۲۲-۲۵).

بر همین اساس ژان گاتمن می‌گوید که ارسطو از اولین نویسندگان شهرشناسی بوده است که سیاست‌ورزی را در بستر جغرافیای شهری و مرتبط با محیط شهر، قابل طرح می‌دانسته و در کتاب سیاست خود به بررسی «چگونگی پیدایش شهرها» در ارتباط با مکانیت محیطی آنها و پیش‌تفکرات معمار شهری درباره نقش ظرفیت‌های محیطی در ایجاد شهر پرداخته است (مجتهدزاده، پ، ۱۳۹۶: ۵۸-۶۲). این شیوه نگاه به شهر، در طول دوران مختلف تمدن بشری، حداقل در حد انگاره‌های ذهنی در نزد اندیشمندان بوده (قنبری و اشلقی، ۱۴۰۱: ۸-۱۲)، و شهرشناسان معاصر از توصیف‌هایی همچون بستر تقسیم‌مسئولیت شهروندی، پاسخ عمومی به وضعیت‌های اجتماعی و حیات مستقل منافع حاکمیت استفاده کرده‌اند (Gregory, Johnston, Pratt, Watts, & Whatmore, 2010). ب. دوران تاریخی (از فراشهرهای روم باستان و ایران پارتی تا آغاز قرن بیستم میلادی: در این دوران، شهر، بیشتر جنبه یک واحد سیاسی-اقتصادی را داشته است. همین تفکر درباره نقش جغرافیای انسانی را می‌توان در نمایشنامه کوریولانوس اثر ویلیام شکسپیر نیز دید؛ آنجا که می‌گوید: «شهر چیزی جز انسان‌هایش نیست» (Tuan, 1988: 316). در این تفکر، شهروندان (Populus) همواره با ایجاد ساختار فضاهای عمومی (Public) در شهرها، نیازهای زیستی خود را برآورده می‌کنند و درعین حال شهر نیز از درون این فضاها تجلی می‌یابد.

ج. دوران مدرن (قرن بیستم تا اواخر دهه شصت میلادی: مدرنیته از دیدگاه برخی جامعه‌شناسان، به‌عنوان نیروی محرک توسعه اجتماعی شناخته شده

است (سوجا، ۱۳۹۷: ۱۲۶). به بیانی دیگر، تفاوت مهم مدرنیته با دوره‌های قبلی، پذیرش نقش دوقطبی «شهر-تغییر» بود که در حقیقت، اگرچه به‌زعم کالینیکوس، گسست بنیادین از اصول شهرسازی قبلی بود، ولی ادامه راهی بود که به عصر روشنگری بازمی‌گشت (کالینیکوس، ۱۴۰۱: ۳۹). این راه پذیرش رشد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و انعکاس فضایی آن در رخدادهای شهری است. به دیگر سخن، پذیرش نقش شیوه زندگی در ایجاد سکونت شهری، به معنی این بود که مدرنیته، رخ‌دادگی تغییر در شهر را، نه فقط ماحصل استقرار شهر در محیط یا راهبردهای اعمال قدرت دولت‌ها با استفاده از فضا (Foucault, 2020)، که آن را امری برساخته از عوامل سازنده جغرافیای شهری می‌داند (Hall P. G., 2006: 1-4).

درعین حال، فارغ از فضای نظریه نوگرایی، اگرچه مشابه دوران باستان، نقش‌آفرینی‌های مستقلی برای مکان شهری، خصوصاً در اقتصاد شهری و فرهنگی محلی آن اتفاق افتاد، ولی از نظر نقش‌های مکانیت شهر، همچنان در محدوده و چهارچوب نظام تقسیمات سیاسی از آنها یاد می‌شد. به بیانی دیگر، تفکر کلی نوگرایی درباره ماهیت شهر از دیدگاه جغرافیای شهری، جایی برای عمل آزادانه و آنارشی‌گونه، بر اثر ارتباط با دیگران در زندگی عمومی است (Berman, 2017: 2-8). کارل مارکس در این باره از واژه «حیات دوگانه» برای اشاره به روابط اجتماعی در جغرافیای شهر استفاده می‌کند (قنبری و اشلقی، ۱۴۰۱: ۷). درحالی‌که (Alford, 2000) معتقد است که چگونه تأثیر نظری تفکر حاکمیت بر فضا، که میشل فوکو آن را روح جاری بر تمدن شهری می‌دانست، با وجود به چالش کشیده شدن توسط ادعاهای تجربی ادامه پیدا کرده است.

به‌هرروی، در اواخر قرن شصت میلادی، با توجه به شکل‌گیری گفتمان‌های علمی، که غالباً واقعیت‌گرا بودند، نظام فکری شهرسازان و جغرافی‌دانان نیز به مفهوم واقعیت توجه کردند که می‌توان نام آن را «واقعیت جامعه‌ساخت» نهاد. زیرا کیفیتی غیرقابل انکار و برآمده از پدیده‌های زندگی شهری است که ساخته‌وپرداخته جامعه شهروندی آن است (برگر و لوکمان، ۱۳۹۵: ۶-۸). این چرخش فکری به معنی پذیرش نقش فرهنگ زیست شهری، به‌عنوان جوهر پدیده فضای عمومی بود که هم‌زمانی شکل‌گیری این تفکر با شکل‌گیری رویکردهای کیفی در روش پژوهش باعث شد که اعتبار علمی برداشت فرهنگی از

فضاهای عمومی شهر، در ارتباط با واقعیت‌های کالبدی آن، صورت پذیرد. پس نیازمند برداشت روشمندانانه و مبتنی بر شناخت کلیت، واقع‌گرایی، خردگرایی و بازاندیشی مکرر اعلام شد (قنبری و اشلقی، ۱۴۰۱: ۱۱). این موج بزرگ در تحولات جغرافیای شهری، با افزایش رنگ اجتماعی-فلسفی واقعیت، از دهه شصت میلادی آغاز شد.

اصول این تحول بر سه محور قرار داشت (شکویی، ۱۳۹۸):

- برخورد اکولوژیک (ارتباط انسان و محیط‌زیست-بوم‌شناسی شهری شیکاگو و...)
- اقتصاد جدید شهری (در آن شهر متوازن و یک‌هسته‌ای مطالعه می‌شود).

- برخورد رفتاری (تأکید بر رفتار فردی در محیط شهری تا رفتار گروهی).

د. دوران پسانوگرایی (از دهه هفتاد میلادی تا آخر قرن بیستم میلادی): با افزایش نقش و جایگاه مکانیت شهرها در عرصه جغرافیای سرزمینی، زمینه مناسبی برای یکپارچه‌سازی ابعاد برنامه‌ریزی جغرافیایی

سکونت‌های رسمی نیز فراهم شد. این زمینه مساعد، بیش از هر منبعی، تحت‌تأثیر تفکرات «توسعه پایدار»، «پروژه شهر سالم در جامعه جهانی» و گفتمان «جهانی شدن» قرار داشته است (Dear & Flusty, 1998). در این دوران نقش شهرها از بستر کالبدی و محیطی به بسترهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یا همان توجه بیشتر به جغرافیای انسانی و سیاسی کشیده شده است. به بیانی دیگر، پست‌نوگرایی پا را فراتر از انگاره کانت، از فضای شهری، نهاده و از فضامندی شهری برای بستردهی به تغییرهای سبک زندگی گذاشته، به فضای شهر به‌عنوان خود و عین تغییر می‌رسد (پیری، ۱۳۹۰: ۵۲).

شهر پسانوگرا، در نظریه و تجربه جغرافیای شهری، در گرایش‌های مختلف انسانی و علوم اجتماعی، شاهد بازنمایی عنصر شهر مدرنیستی، به‌سمت پذیرش «تغییر انبوه» رفته است. به‌صورتی که تفکیک کاملی بین زندگی غیرمادی شهر یا همان «امر شهری»، با ابنیه شهری یا همان «کالبد شهری» توسط اندیشمندان

همچون لوفور بیان شد (Lefebvre, 1992: 101-103). به بیانی دیگر، جهانی شدن مدرنیستی، شهرها را نوعی سطحی‌تر و براساس مکانیت آنها در نظر می‌گیرد و جهانی شدن شهرها را، در پسانوگرایی، عمقی و گسترده‌تر و آنها را مرتبط با نقش‌های برآمده از مکان شهری می‌داند (جان‌پرور، ۱۳۹۳: ۶).

در یک‌کلام، در دوران پسانوگرایی، نظریه‌پردازان جغرافیای شهری همچون جین جیکوبز، آیریس ماریون، یانگ و ریچارد سنت، معتقدند که جغرافیای اجتماعی شهرها، محصول «فرهنگ اجتماعی» و «سیاست‌های جغرافیایی» آن‌ها، در قالب آرمان اجتماعی فضای عمومی است (Ley, 1983: 2-5).

این دومین موج بزرگ در تحولات جغرافیای شهری

معاصر، اگرچه دارای رویکردهای اجتماعی-فلسفی واقعیت، همچون موج اول بود، ولی سازمان اجتماعی مدنظر آن، فردگرایانه‌تر از قبل بوده و از نیمه دهه هفتاد میلادی آغاز شد. اصول این تحول بر چند محور اصلی قرار داشت (شکویی، ۱۳۹۸):

- مکتب نئوبری: متأثر از نظریات ماکس وبر، اولویت را با عامل فرهنگی شهر می‌دانست تا اقتصادی؛
- برخورد انسان‌گرایانه: تأکید بر سازمان اجتماعی تا سازمان فضایی: مکتب‌های پدیدارشناسی، ایدئالیسم و اگزستانسیالیسم؛
- برخورد نئومارکسیستی: بررسی چرخه‌های اقتصاد شهری با رویکردهای سرمایه‌داری با توجه به قوانین شیوه‌های تولید، به‌صورتی که معتقد است توسعه شهری را تنها می‌توان در نتیجه پویایی سرمایه‌داری، به‌ویژه تضاد بین کار و سرمایه، و نیاز به سرمایه برای مدیریت بحران‌های دوره‌ای انباشت (بیش از حد) درک کرد (Harvey, 2002)؛
- برداشت‌های هنری و هندسی از ماهیت و عوامل شهری: بررسی هندسی مدل‌های پراکندگی، گسترش‌یافتگی و ایجاد بافت‌های شهری (Tannier, 2018)؛
- مواجهه عمل‌گرایانه با عنوان «اقدام‌پژوهی»: برداشت وضعیت سکونتی شهروندان در جغرافیای شهری از طریق تمرکز بر نگرانی‌های اساسی ساکنان شهری. جین آدم، به‌عنوان نظریه‌پرداز مؤثر بر این روند، غالباً به‌واسطه زمان حیات و ارائه نظریاتش، در زمره اندیشمندان مکتب شیکاگو شناخته می‌شود، ولی بسا توجه به محتوای نظریاتش می‌توان او را در زمره نظریات پست‌مدرنیستی در نظر گرفت (Hirschmann, 2015).

۵. دوران پسایسانوگرایی (از ابتدای قرن بیست و یک

میلادی: اگرچه بیش از یک قرن است که برنامه‌ریزان شهری، سیاست‌گذاران و دانشمندان علوم اجتماعی روشی علمی مبتنی بر داده و درک باواسطه فناوری از زندگی شهری را دنبال کرده‌اند (Barnes & Wilson, 2014)، ولی ناقص بودن توجه صرف به نقش‌های مکانیت شهر و مکان‌های شهری، خود را در شهرهایی که حوزه نفوذ فرامنطقه‌ای داشتند (کلان‌شهرهایی مثل لندن) یا شهرهایی که نقش‌هایی فراتر از ظرفیت‌های مکانیت خود پیدا کردند (مثل سیلیکون ولی) نشان داد. حتی با گسترش جنبه‌های کارکردی شهرهای معمولی برای شهرهای پیرامونی خود، شاهد عدم تطابق دیدگاه‌های مدیریت شهری با واقعیت‌های محیطی هستیم که باید در شیوه برنامه‌ریزی‌های شهری و منطقه‌ای تغییراتی ایجاد شود. فارغ از علت این عدم تطابق، آنچه در فضای فعلی شهرها بروز کرده است این است که تحرکات سرمایه، جمعیت، اطلاعات شهری، برخلاف گذشته که جریان‌های اقتصادی و اجتماعی در زیست‌بوم و نواحی داخل کشورها بود، از پس‌کرانه‌های شهری تا آن‌سوی مرزهای ملی گسترش یافته‌اند (رضایی و عباسی، ۱۳۸۹: ۱۶۸).

ازسویی دیگر، در بیشتر جنبه‌های جامعه شهری پسایسانوگرا، برای نشان دادن تغییری اساسی در نحوه تعامل و درک ما با شهرها، اصطلاح «داده‌های بزرگ شهری» به‌طور گسترده در نظر گرفته می‌شود. برای برخی از طرف‌داران داده‌های بزرگ، مانند اندرسون، ابر داده به معنای «پایان نظریه» و توانایی اجازه دادن به «اعداد» برای بازگویی واقعیت پدیده‌های شهری است (Anderson, 2008). برخی دیگر از طرف‌داران داده‌های بزرگ معتقدند که کلان‌داده امکان توسعه نظریه واحد و ظاهراً «جهان‌شمول»، که مطالعات شهری را به سمت جایگاهی متقن‌تر در جامعه علمی

میلادی: اگرچه بیش از یک قرن است که برنامه‌ریزان شهری، سیاست‌گذاران و دانشمندان علوم اجتماعی روشی علمی مبتنی بر داده و درک باواسطه فناوری از زندگی شهری را دنبال کرده‌اند (Barnes & Wilson, 2014)، ولی ناقص بودن توجه صرف به نقش‌های مکانیت شهر و مکان‌های شهری، خود را در شهرهایی که حوزه نفوذ فرامنطقه‌ای داشتند (کلان‌شهرهایی مثل لندن) یا شهرهایی که نقش‌هایی فراتر از ظرفیت‌های مکانیت خود پیدا کردند (مثل سیلیکون ولی) نشان داد. حتی با گسترش جنبه‌های کارکردی شهرهای معمولی برای شهرهای پیرامونی خود، شاهد عدم تطابق دیدگاه‌های مدیریت شهری با واقعیت‌های محیطی هستیم که باید در شیوه برنامه‌ریزی‌های شهری و منطقه‌ای تغییراتی ایجاد شود. فارغ از علت این عدم تطابق، آنچه در فضای فعلی شهرها بروز کرده است این است که تحرکات سرمایه، جمعیت، اطلاعات شهری، برخلاف گذشته که جریان‌های اقتصادی و اجتماعی در زیست‌بوم و نواحی داخل کشورها بود، از پس‌کرانه‌های شهری تا آن‌سوی مرزهای ملی گسترش یافته‌اند (رضایی و عباسی، ۱۳۸۹: ۱۶۸).

ازسویی دیگر، در بیشتر جنبه‌های جامعه شهری پسایسانوگرا، برای نشان دادن تغییری اساسی در نحوه تعامل و درک ما با شهرها، اصطلاح «داده‌های بزرگ شهری» به‌طور گسترده در نظر گرفته می‌شود. برای برخی از طرف‌داران داده‌های بزرگ، مانند اندرسون، ابر داده به معنای «پایان نظریه» و توانایی اجازه دادن به «اعداد» برای بازگویی واقعیت پدیده‌های شهری است (Anderson, 2008). برخی دیگر از طرف‌داران داده‌های بزرگ معتقدند که کلان‌داده امکان توسعه نظریه واحد و ظاهراً «جهان‌شمول»، که مطالعات شهری را به سمت جایگاهی متقن‌تر در جامعه علمی

نمودار شماره (۲): سیر تحول محتوایی مطالعات مقر شهری



(منبع: نویسندگان بر اساس پیشینه)

بر همین اساس، بازشناسی مفهوم مقر شهری، باید ضمن واقعیت گرایی، داده های کلان محیطی را پوشش دهد. نبود چنین دیدگاهی در بین پژوهشگران از چند جنبه قابل بررسی است. نخست آنکه دیدگاه های موجود، مفهوم مقر شهری را، به صورتی که دربرگیرنده مکان و مکانیت شهر باشد، نمی شناسد. دیگر آنکه، پژوهشگران این عرصه، مدل مفهومی و مبانی نظری مشخصی برای همگرایی بین مکان و مکانیت شهری به صورت چهارچوبی هم زمان ارائه نمی کنند.

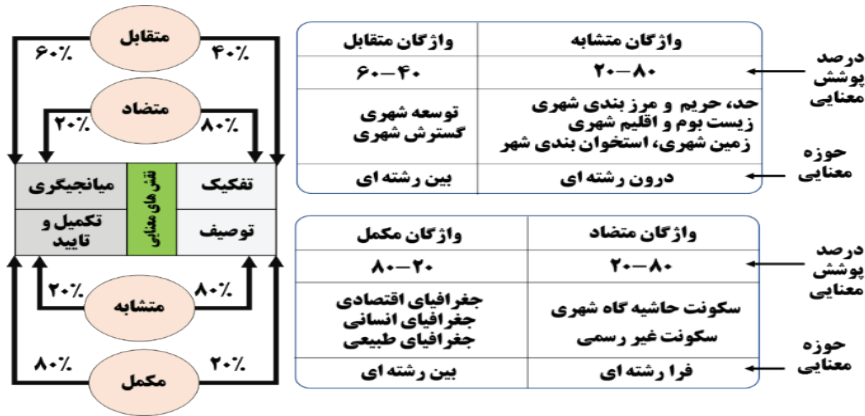
مبانی نظری پژوهش

محیط طبیعی، از بخش های غیرزنده و زنده ای تشکیل شده که در رأس آن انسان قرار می گیرد. موجودات زنده به صورت کلی و انسان ها به صورت خاص با دخالت در بوم شناسی طبیعی و احداث و توسعه دادن فضای زیستی، تغییراتی عینی در محیط ایجاد می کنند که بوم شناسی مصنوعی را تشکیل می دهد. جهت این مداخله ها، در صورتی که به قصد ایجاد سکونت های رسمی برای انسان ها و به پهنه ای بزرگ باشد، شامل

سوق می دهد، داراست (Bettencourt & West, 2010).

ولی به صورت کلی، می توان بیان کرد که گفتمان غالب پیرامون کلان داده در نیمه اول دهه ۲۰۱۰ میلادی، مبتنی بر این باور است که مجموعه داده های بزرگ، دیدگاه سطح بالاتری از واقعیت، عینیت و دقت را بر اساس هوش و دانشی که می تواند بینش هایی را ایجاد کند ارائه می کند که قبلاً غیر ممکن بود (Zook, Shelton, & Poorthuis, 2019: 63). به بیانی دیگر، بر اساس نمودار شماره (۲)، خلأ مطالعاتی در چهارچوب های موجود، از تلاش برای همگرایی بین این موضوعات، نه از طریق ایجاد مفاهیم و مبانی نظری جدید و میانجی، بلکه صرفاً بر اساس سازماندهی آن ها در قالب یک چهارچوب هستند. حال آنکه پژوهش موجود، دیدگاه شهر سازانه موجود را نیازمند نظریه پردازی مفهومی یا حداقل بازشناسی و بسط مفاهیم موجود می داند. بر این اساس، تلاش شده است که مفهوم مقر شهری مورد بازشناسی و بسط مفهومی قرار گیرد.

نمودار شماره (۳): واژه‌شناسی تخصصی مقر شهری



(منبع: Evert, et al., 2010; Kulshreshtha, 2006)

جدول شماره (۲): کلان حوزه‌های محتوایی مطالعات مقر شهری در حال حاضر

مطالعه جغرافیای شهرها به‌عنوان نظام‌شناسی شهری	مطالعات پایداری مقر شهری	مطالعه جغرافیای شهرها به‌عنوان یک اکوسیستم
(دیدگاه مکانیت شهری (سکونت →	(دیدگاه مکان مکان شهری (استقرار ←	
(National planning) برنامه‌ریزی ملی	ظرفیت‌شناسی اقلیمی و پهنه‌بندی اراضی	(Macro planning) برنامه‌ریزی کلان
(Regional planning) برنامه‌ریزی منطقه‌ای	مکان‌یابی مبتنی بر آمایش محیط-سرزمین	(Pectoral planning) برنامه‌ریزی بخشی
(Urban planning) برنامه‌ریزی شهری	توان‌سنجی محیطی و ظرفیت‌یابی اراضی	(Micro planning) برنامه‌ریزی در سطح خرد
(Rural planning) برنامه‌ریزی روستایی	پخش کاربری اراضی براساس برنامه‌دهی	

(منبع: مجتهدزاده غ، ۱۳۹۹)

مکانیت آن می‌نگرد. یعنی داشته‌های محیطی را در ارتباط با یکدیگر می‌بیند و به خواسته‌ها و ظرفیت‌های شهری مرتبط می‌کند. پس می‌توان از معادل (Urban domicile) برای آن استفاده کرد که مفهومی عمیق و محیطی‌تر از معادل (Urban Site) را می‌رساند؛ زیرا مقر شهری، بیش و پیش از آنکه نقش نشستگاه را برای توزیع جغرافیایی جمعیت بازی کند، بستری برای شکل‌گیری حیات انسانی و شکل‌دهی به روابط اجتماعی است. به‌صورتی که در چنین دیدگاهی، جغرافیای شهری با بازی کردن نقش فراتری در ژئوپلیتیک، شهر را به‌عنوان یک کانون قدرت با قابلیت

فرایندهای فضاسازی‌ای می‌شود که در اصطلاح علمی، بوم‌شناسی مصنوعی یا همان مقرسازی شهری را حاصل می‌کند (رجائی، ۱۳۹۷: ۸۳-۸۷). براساس نقش‌های گسترده‌ای که در عالم واقعیت برای مقر شهری وجود دارد، طیف وسیعی از واژگان برای توصیف عملکردی آن به کار گرفته می‌شود که نیازمند تفکیک است (نمودار شماره (۳)) منظور از مقر، مکان اصلی و دقیق یک سکونتگاه و محل استقرار آن بر روی زمین است. مقر هر روستا یا شهر، هسته اولیه آن را شامل می‌شود. براساس چنین نگاهی، مقر شهری، مفهومی است که به مکان به دید

آنهاست. چهارچوب‌های تصمیم‌سازی این‌چنینی، نیازمند دستیابی به نظامی انتقادی برای بازشناسی اولویت‌ها، با توجه به امکان‌پذیری و توان اجرایی، در هر شهری هستند (Webber & Rigby, 1996).

در مسیر پاسخ به چنین نیازی، با توجه به مقام و جایگاه فرهنگی و زندگی اجتماعی شهرها، شاهد مطرح شدن نظریه‌های مختلفی در توسعه مبتنی بر ظرفیت‌های جغرافیای شهری بوده‌ایم. به‌صورتی که می‌توان بیان کرد، در جغرافیای شهری دو رویکرد اساسی را می‌توان نام برد: نخست، بررسی نظام‌های شهرها، و دیگری، مطالعه شهر به‌عنوان یک اکوسیستم. اما پیشنهاد این پژوهش بازشناسی مفهوم مقر شهری به‌عنوان کلیدواژه‌ای میانجی بین مکانیت و مکان شهری است. زیرا در این دوران، شاهد ورود تفکر سیستمی به عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی، و در نتیجه تعاملات بین معماری، شهرسازی (خصوصاً در عرصه‌های کم‌سابقه‌تری همچون جغرافی، تاریخ و اقتصاد شهری) هستیم که موجب شکل‌گیری جدیدی از بافت‌شناسی شهری شده است (Whitehand, 2007: ii02-ii06) که شناخت ساختار شهر را حاصل عوامل توسعه‌ای در تعامل مکان با مکانیت شهر می‌داند.

براین‌اساس باید گفت که آخرین نگاه شکل‌گرفته به مقر شهری، در حال حاضر، برآمده از پذیرش نقش فعال شهروندان در فرایندهای زندگی شهری است. چنین امری به یکی از اهداف اصلی مداخله‌های شهرسازی و معماری معاصر بدل شده است. اندیشمندانی همچون ادوارد سوچا، نام آن را «مکان سوم» گذاشته‌اند (سوچا، ۱۳۹۷: ۱۷). به‌صورتی که متفکران «حق به شهر» معتقدند که شهر فیزیکی، روی دیگر شهر اجتماعی، مکانی به‌منابۀ صحنه نمایش فرهنگ شهری و حقوق شهروندی است (قنبری و

اثرگذاری گسترده در حوزه نفوذ سرزمینی مطرح می‌کند (کمانرودی کجوری، کرمی و عبدی، ۱۳۸۹: ۹). درحالی‌که جغرافیای شهری مدرنیستی، عمدتاً از موقع، موضع، وسعت، شکل، کارکرد، مورفولوژی و سازمان‌های داخلی شهرها صحبت می‌کرد. اما اکنون تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دیدگاه‌های پسانوگرا در این رشته‌اند.

پس می‌توان گفت که همگرایی جغرافیای شهری از رشته‌های غالباً مهندسی ابنیه، به رشته‌هایی همچون تاریخ، جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی نیز رسیده است (Hall & Barrett, 2018: 98-102). براین‌اساس می‌توان گفت که جایگاه مطالعه مقر شهری (جدول شماره ۲) (منبع: Evert, et al., 2010؛ Kulshreshtha, 2006)

جدول شماره (۲)، نوعی جدیدی از دیدگاه به شهر است که متعاقب آن، سطح جدیدی از برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را شامل می‌شود.

اختصاراً باید گفت، اگرچه در سابقه جهانی شهرنشینی، شهرها به‌واسطه انعکاس عینی توسعه تمدنی و فضای فرهنگی اجتماعات بستر شکل‌گیری تمدن محسوب می‌شدند، ولی امروزه، به دلایلی، همچون تغییر در شیوه زندگی بشری، شاهد کاهش روستائینی و افزایش انفجاری جمعیت شهرها هستیم. به‌صورتی که برخلاف نقش انعکاس تمدنی آن‌ها در گذشته، توسعه امروزی آنها، ارتباط کامل و جامعی با مدنیت اجتماعی آنها ندارد (Harvey, The Urban Experience, 1989).

به‌شکلی که الگوهای توسعه شهری، نوعی از محلی شدن تصمیمات و عملگرایی را در قالب طرح‌های راهبردی نشان می‌دهد که خود نشانه‌ای از نیاز به توجه محلی به تجربه انسانی از بستر محیط طبیعی و اجتماعی شهرها در کنار توجه به ساخت موجود

جدول شماره (۳): جایگاه فعلی مطالعه مقرر شهری در علوم

↓ نوع مطالعات ↓		
سکونت شهری	مقرر شهری	استقرار شهری
(Economic) اقتصادی Changing urban economic base, Labour Markets	(Political) سیاسی Electoral geography, power	کمی (Quantitative) Statistical, analysis, simulation, modeling
(Welfare) رفاهی Quality of life, service provision, Collective consumption	(housing) مسکن Tenure, condition, allocation and availability of housing	کالبدی (Physical) Urban site conditions, environmental hazards
(Cultural) فرهنگی Representation of others in terms of gender, ethnicity	(Recreation) تفریحی Leisure, tourism	حمل و نقل (Transport) Mobility, accessibility
(Medical) بهداشتی Mortality, morbidity, access to health care		بازاریابی (Marketing) Retail structure, place promotion
↓ نتیجه مطالعات ↓		
مدیریت منابع (Resource management) Sustainable development, the future city		برنامه ریزی (planning) Settlement distribution, form and function
(Social) اجتماعی Socio-spatial structure	جغرافیای منطقه ای (Regional geography) Conditions within differing environmental and cultural settings	

(منبع: نویسندگان براساس خلاصه سازی منابع بخش مبانی نظری این پژوهش)

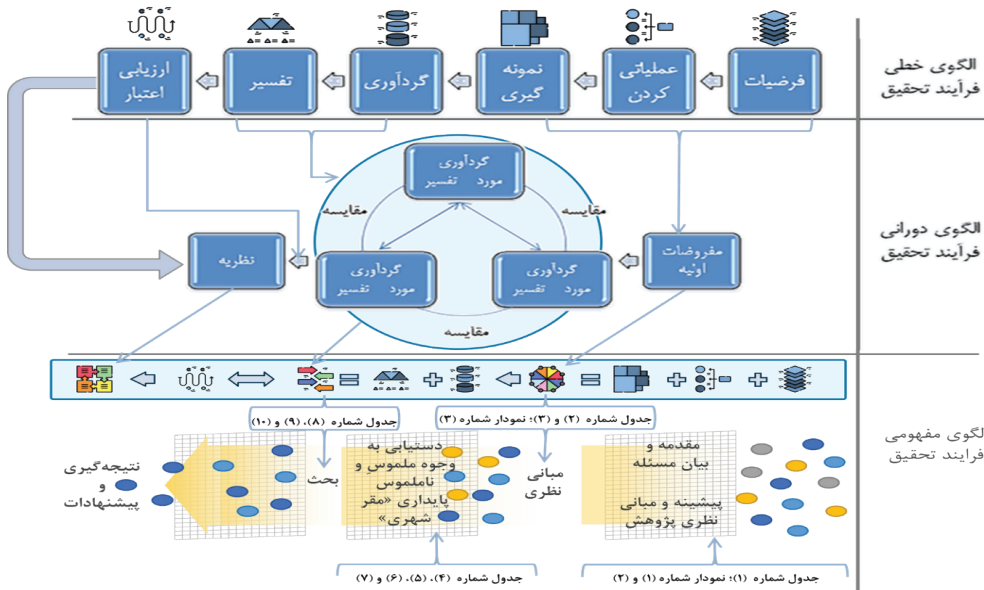
از آنجاکه امروزه جغرافیای شهری از مطالعه شرایط فیزیکی حاکم بر شهرها کمی فاصله گرفته و به مطالعه همه پدیده های شهری از جمله اوضاع اجتماعی - اقتصادی، ایدئولوژی، اهداف نظام سکونت شهری می پردازد (Weaver, 2014: 7-8)، پس می توان گفت که مؤلفه های سازنده ماهیت شهر در دیدگاه های امروزی شهرشناسان، دارای ابعادی چندلایه، مفاهیم بین رشته ای و حوزه های مشترکی است (جدول شماره (۱)). به دیگر سخن، جغرافیای شهری در نظر این پژوهش، پیوندهای مهمی با دیگر شاخه های جغرافیا دارد و ماهیت واقعی آن ترکیب بسیاری از دیدگاه های مختلف به منظور ارتقای درک ما از پدیده های شهری است. این رویکرد التقاطی به تجزیه و تحلیل مکان های شهری فراتر از جغرافیا گسترش می یابد تا یافته های پژوهشی و دانشی را در سراسر حوزه های سنتی مستقل ترکیب کند.

آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می شود، واکاوی این ابعاد در قالب دو بعد ملموس و ناملموس است. زیرا از یک سوی، دولت های محلی توانایی

اشلکی، ۱۴۰۱: ۸). در این باره، جان راسکین معتقد است که سنجش هر تمدن بزرگی در شهرهای آن است و سنجش بزرگی یک شهر در کیفیت فضاها و عمومی آن آشکار می شود. (Cowan, 2005: 314). در این تفکر، نقش جغرافیای شهری، انجام مطالعه تطبیقی به قصد دستیابی به ریشه نابسامانی های شهری همچون انتخاب سیاست منطقی در امر مکان یابی یا مواردی از این دست است. اهمیت مطالعه تطبیقی فوق بر اصول زیر استوار است (شکویی، ۱۳۹۸):

- آگاهی از تضادها و پیشرفت ها؛
- پی بردن به مسائل اساسی و غیر اساسی در حل مسائل؛
- تحلیل تطبیقی و تحلیل نظریه های اجتماعی حاصل از مطالعه تطبیقی؛
- تحلیل های عمیق و گسترده با کمک هوش مصنوعی (GeoAI) از ریشه های وضع موجود و پیش بینی آینده فضایی پدیده های شهری در چهارچوب داده های اجتماعی - اقتصادی شهر و زندگی شهری (Liu & Biljecki, 2022).

نمودار شماره (۴): روش پژوهش تحلیلی-تطبیقی (منبع: فلیک، ۱۳۹۹: ۱۱۳) و فرایند پیاده‌سازی آن در این پژوهش



شماره (۴))، روش تحلیلی-تطبیقی است (Lockyer, 2008: 864-867). بدین منظور، ابتدا در بخش مقدمه و بیان مسئله، محتوا (نمودار شماره (۱)) و معنای متون کتابخانه‌ای در زمینه جغرافیای شهری (جدول شماره (۱))، پیرامون مفهوم مقر شهری بررسی، و سپس در بخش پیشینه پژوهش مورد ساختار و گفتارشناسی (نمودار شماره (۲)) قرار گرفت. سپس شبکه مفهومی از کلیدواژگان مرتبط شکل گرفت (نمودار شماره (۳)) که در منبع‌یابی تخصصی (جدول شماره (۲)) و تعیین چهارچوب مفهومی مطالعات استفاده شد (جدول شماره (۳)).

سپس از طریق مقایسه تطبیقی مکاتب موجود در بخش دستیابی به جوه ملموس پایدار «مقر شهری»، برای تدوین نظریه‌ای (جدول شماره (۴)) در خصوص تکمیل مطالعات موجود تلاش شد (جدول شماره (۵)). در نهایت در بخش دستیابی به جوه ناملموس

لازم برای ادراک همه‌جانبه و عمیق برای مواجهه شدن با تغییرات بنیادین و گسسته شیوه زندگی پسامدرن را ندارند، و از سویی دیگر، بعد از حل شدن مسئله ادراک شهر پسانوگرا، مسئله ارائه راهکار جامع و پایداری برای مدیریت تغییرات مستمر در زیست‌بوم شهری است؛ هم به لحاظ رهیافت‌های برنامه‌ریزی هم به لحاظ روش‌های مدیریت شهری (Baud & Dhanalakshmi, 2007: 133).

روش پژوهش

روش پژوهش را مطالعه فرآیند محور منابع، فارغ از تأثیرپذیری پژوهشگر از پیش‌بینی محصول جست‌وجو، تعریف کرده‌اند (گروت و وانگ، ۱۳۹۸: ۸). براساس شاخص فرایند استفاده از منابع، روش پژوهش دارای انواع متفاوتی، نظیر بنیادی، توصیفی-تفسیری، اکتشافی، تجربی، راهبردی، تطبیقی و تحلیلی است. روش پژوهش در پژوهش جاری (نمودار

جدول شماره (۴): پوشش دهی انطباقی انواع روش‌های مطالعات مورفولوژی با مفهوم مقر شهری

وجه مرتبط به مفهوم مقر شهری		مورفولوژی			
محصول شناختی	عناصر جغرافیای شهری	چهارچوب محتوایی	تمرکز شناختی	انگاره پیش فرض	روش شناختی
شخصیت کالبدی، ساختار، تناسبات	ساختمان‌ها، باغ‌ها، معابر، مانک‌ها و مجسمه‌ها، عوارض طبیعی	فرآیند شکل‌گیری انگاره و تمایلات شکل‌دهنده ساختار حجمی و قالب شهر	اثرات ملموس نیروهای اجتماعی و اقتصادی بر جغرافیای شهری	مهارت مطالعات علمی جغرافیای شهری، در گذر زمان	تأثیرشناسی
		Moudon			
هندسه فضایی عناصر شهری		ساختار حجمی فیزیکی (کالبدی) عناصر و بافت‌های شهر	ابعاد کارکردی و وجودی ابنیه و کالبدهای شهر	بررسی چندوجهی کالبد و بستر فیزیکی	ریخت‌شناسی
		Whitehand			
تغییر شکل اشیا و عناصر شهری	طرح، کاربری، نقشه، کالبد ابنیه، معابر و چشم‌انداز و لبه‌ها، جداره‌ها	ساختار حجمی، شکل و کارکردهای بافت مصنوع	منشأ و شیوه تکامل بافت‌های شهری	بررسی نظام‌مند و جهت‌یافته بافت‌ها برای کشف عوامل تأثیرگذار بر تغییرات	تکامل‌شناسی
		Madanipour			
الگوهای محلی توسعه و تغییر بافت		طرح ترکیب ساختار حجمی و فضای شهری	تکامل‌شناسی ارتباط ساختار حجمی و فضای بافت شهری		تغییر شناسی
		Carmona			

(منبع: نوربرگ-شولتس، ۱۴۰۰؛ عزتی، ۱۳۹۶؛ فرید، ۱۳۹۰؛ زیاری، ۱۳۹۷؛ Pugh, 2013؛ Whitehand, 2007؛ Moudon, 1997)

(Carmona & Sieh, 2004؛ Madanipour, 2009)

مکان‌یابی استقرار سکونتگاهی گرفته تا اثرات شهر بر تغییر عامل‌های لندفرم‌های پیرامون شهر (صدوق و فهیم، ۱۳۹۳: ۱۲۴)، (بیشتر از سایر حیطه‌ها) در حیطه بافت‌شناسی شهری قرار می‌گیرد (روستایی و جباری، ۱۳۹۲: ۲). اهمیت بافت‌شناسی شهری، مجموع ضرورت مطالعات توپوگرافی در کنار مطالعات مربوط به فعالیت‌های ژئومورفیک است؛ زیرا از طریق توپوگرافی‌شناسی، نه تنها به عوامل مؤثر در شکل و سیمای سازنده‌های فیزیکی توجه می‌کنیم، بلکه تأثیرپذیری فعالیت‌های انسانی را از این شرایط محیطی به مطالعه می‌نشینیم (رهنمایی، ۱۳۹۵: ۷۰-۷۵).

در حقیقت منظور از مورفولوژی شهری، دستیابی به چهارچوبی است که در آن به اینک شهرها چگونه ایجاد شده است، براساس چه ساختاری به حیات

مفهوم «مقر شهری»، به تبیین و تحلیل مکاتب موجود در مطالعات مقر شهری (جدول شماره (۶) و جدول شماره (۷))، برای تفسیر و خوانش مطلوب از متن مطابق با اولویت نویسندگان پرداخته شده است. در بخش بحث، بعد از آنکه نظریات مختلف از منابع کتابخانه‌ای را استخراج و نقد کردیم (جدول شماره (۸))، در نهایت مطابق با اهداف پژوهش، نحوه مواجهه معرفتی خود را نیز از زاویه دیدگاه ایجادشده در این پژوهش، در بخش‌های مختلف به صورت تطبیقی مطرح می‌کنیم (جدول شماره (۹)). به صورتی که روایت معرفتی نویسندگان در باب مقر شهری و نقش آن در دیدگاه علمی بخشیدن به مکان و مکانیت شهر، در بخش نتیجه‌گیری و پیشنهادها مطرح می‌شود. دستیابی به وجه ملموس پایداری «مقر شهری» در فضای فکری موجود، چرخه حیات شهر، از

جدول شماره (۵): تطبیق مکاتب مطالعات مورفولوژی با وجوه سازنده مقرر شهری

وجوه سازنده مفهوم «مقرر شهری»		مکاتب مطالعاتی و شناختی در «مورفولوژی»			
مکان شهری (استقرار)	مکانیت شهری (سکونت)	تاریخ شناسی	فرم شناسی	سبک شناسی	مکتب مطالعاتی
ارتباط بین کاربری با مکان	توصیف نقشه‌ها و تبیین حجم‌ها	■	□■	■	بریتانیایی ۱۹۳۰م
ارتباط بین ساختار و ظرفیت	ساختار عناصر و ماهیت بافت‌ها	□	■	□■	فرانسوی ۱۹۶۰م
ارتباط بین ساختار حجمی و توان درک محیط	وجوه بصری و ادراکی عناصر شهر	□■	■	■	ایتالیایی ۱۹۵۰م
میزان اهمیت مبانی نظری مکتب مطالعاتی به زمینه مورد نظر: ■ (بسیار زیاد)، □■ (زیاد)، □ (متوسط)، □ (کم)					راهنما

مورفولوژی موجود، غالباً راه و روش مشخصی برای مواجهه و تأثیر بر فرایند مداخله‌های شهرسازی ندارند. تلاش‌هایی که برای پر کردن این خلأ صورت گرفته است، به نوعی تفاسیری برآمده از کارکردهای فضای شهری در قالب مانیفست و مکتب مطالعاتی است (جدول شماره ۵) که دیدگاه‌هایی مستقل از این حوزه‌ها را ارائه می‌کند. حال آنکه باید هم‌جنس با دیدگاه‌های کالبدی در مطالعات مورفولوژی موجود باشد.

همان‌گونه که در جدول شماره ۵) نیز بیان کردیم، وجوه کالبدی مقرر شهری همیشه مورد توجه مکاتب بافت‌شناسی شهری بوده است، ولی نقطه ضعف نوگرایی در توجه به وجوه ذهنی این پدیده‌ها، محدود به فضای فکری معماران و شهرسازان نماند و تفکرات نظریه‌پردازان جغرافیا را به سمت وجوه دیگری رهنمون کرد که در ادامه بیان می‌کنیم.

دستیابی به وجوه ناملموس مفهوم «مقرر شهری»
در جغرافیای شهری، فضای هر شهر، بر ساختی

خود ادامه داده، عوامل گسترشی آن چه نیروهایی هستند. به صورتی که می‌توان نقش عوامل محیطی در گسترش مکانی و توسعه مکانیت شهر را به صورت هم‌زمان و مرتبط با یکدیگر دید و بررسی کرد. بیشتر این عوامل در مفهوم مورفولوژی شهری نهفته است، ولی با توجه به رویکردهای متفاوتی که نسبت به این مفهوم وجود دارد، تعاریف مختلفی از مورفولوژی شهری ارائه شده که نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از:

همان‌گونه که در جدول شماره ۴) مشاهده می‌شود، تأکید مکاتب موجود، بر مطالعه و شناخت بستر کالبدی شهر، برای سازماندهی کلی مداخله‌های طراحان شهری است. کم‌توجهی به نیروهای اجتماعی و اقتصادی، که در گذر زمان بر بافت‌های شهری مؤثرند (محملی‌ایبانه، ۱۳۹۰: ۱۶۱)، باعث شده است که مطالعات مورفولوژی شهری ارتباط استقرار شهر با سکونت شهری از دیدگاه جغرافیای شهری را به درستی درک و بیان نکنند. به صورتی که در تحلیل نیروهایی، همچون اجتماعی و اقتصادی، مطالعات

جدول شماره (۶): بررسی تجربه‌های به‌کارگیری واحدهای توپوگرافی در نقش‌های مرتبط با ژئومورفولوژی آنها

مداخله‌ها و تجربه‌های ملی در پنج برنامه اول توسعه				
برنامه اول توسعه: هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به مناطق محروم و توزیع آن در بین مناطق مختلف، تهیه برنامه‌های استانی در حاشیه قرار گرفت، برنامه منطقه‌ای در عمل به‌صورت جمع‌بندی برنامه‌های بخشی، که در منطقه صورت گرفت، درآمد.				
برنامه دوم توسعه: محوریت‌زدایی در جهت رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای، اجرای سیاست تمرکززدایی، افزایش نقش استان‌ها و واگذاری طرح‌های با ماهیت استانی به دستگاه‌های اجرایی محلی.				
برنامه سوم توسعه: تمرکززدایی اداری-سیاسی از طریق تشکیل شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و کارگروه برنامه‌ریزی شهرستان و تأکید بر اجرای غیرمتمرکز برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در استان‌ها.				
برنامه چهارم توسعه: طرح موضوع تعادل منطقه‌ای و آمایش سرزمین در سطوح برنامه‌ریزی، بسترسازی برای توسعه منطقه‌ای در پهنه کشور، تدوین مفاد قانونی آمایش سرزمین و تعادل منطقه‌ای.				
برنامه پنجم توسعه: اختصاص فصلی با عنوان توسعه منطقه‌ای در برنامه با موضوعات آمایش، توسعه منطقه‌ای، محیط‌زیست و توسعه روستایی، تلاش برای محوریت‌زدایی از شهرستان‌های محروم.				
مداخله‌ها و تجربه‌های ملی در برنامه ششم توسعه				
نقش ↓ / واحد ←	سیاسی-امنیتی	اقلیمی-محیطی	اقتصادی	اجتماعی-فرهنگی
استقرار شهری	موقعیت سوق‌الجیشی استحکام و پیوستگی زمین	خاک مرغوب برای زراعت موقعیت پناهگاهی و دوری از سیل	رشد نظام سرمایه‌داری درآمد مازاد غیرشهری	زیست مقرون‌به‌صرفه کم بودن آسیب طبیعی
سکونت شهری	توسعه ایمن تأسیسات شهر	در کنار یا میان اراضی کشاورزی	جذب و ارزش‌افزایی سرمایه	تراکم و تنوع‌پذیری اراضی
وجه ارتباطی (محقق ساخته)	محافظت و پایداری	نزدیکی محل کار و زندگی	نقش سرمایه‌ای ابنیه	اعتباردهی اجتماعی ابنیه

(منبع: نگارندگان؛ بهرام سلطانی، ۱۳۹۴؛ نگارش، ۱۳۸۲: ۱۳۴؛ شاه حسینی، ۱۳۹۶: ۸-۱۱؛ سعیدنیا، ۱۴۰۲)

اجتماعی از روابط شهروندان است که برآمده از تجربه جغرافیایی آنها در فضاهای عمومی شهرهاست. چنین برداشتی به معنی مکانیت عناصر شهری است. این مکانیت است که به‌عنوان یک شاخص اجتماعی و موقعیت فضایی حائز اهمیت ویژه‌ای در زمینه امنیت و آرامش فضاهای عمومی شهر است (قنبری و اشلقی، ۱۴۰۱: ۶). همچنین فضاهای عمومی، در دیدگاه مکانیت، جایگاه دلبستگی، تمایز و خاطره‌انگیزی دارد. چنین برداشتی، دارای سابقه‌ای به نام متنیت‌سازی است. به بیانی دیگر، امر فضایی و زمانی جاری در مکان‌های شهری، متن اصلی این فضاها و محصول فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در تنوعی از مقیاس مکانی است (Flint, 2013: 5-7).

بررسی تجربه‌های ملی (جدول شماره (۶)) درباره (لطیفی، ۱۳۹۱).

شکل‌گیری کالبد شهری در قرن ۱۳ ه.خ، نشان‌دهنده مشکلاتی در عرصه تفاوت متنیت مکان با استقرار مکانی آن است. به‌گونه‌ای که ضمن تأیید دو وجه مکانیت و استقرار مکان، عوامل و ارتباط درونی آنها با هم را می‌پذیرند و به نقش ساختاری‌شان در شکل‌دهی به مفر شهری نیز اشاره می‌کنند. آنچه مهم است، توجه صاحب‌نظران به تفکیک واحدهای توپوگرافی براساس ظرفیت‌های ژئومورفولوژیکی آنها از یکدیگر است (هرکا، ۱۳۹۸: ۱-۳) که باعث ایجاد انگیزه‌های متفاوتی در مداخله‌های انسانی در این مکانیت واحدها می‌شود (نگارش، ۱۳۸۲: ۱۳۵). علت این امر نیاز به بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی-بومی، توسط دولت محلی، برای ایجاد کاربرد در کالبد شهر بوده است.

جدول شماره (۷): بررسی تجربه‌های به‌کارگیری واحدهای توپوگرافی در نقش‌های مرتبط با ژئومورفولوژی آنها

مداخله‌ها و تجربه‌های جهانی				
نقش ↓/ واحد ←	سیاسی-امنیتی	اقلیمی-محیطی	اقتصادی	اجتماعی-فرهنگی
استقرار شهری	تمرکززدایی	نزدیکی به منابع و مناظر طبیعی	افزایش ارتقاپذیری ابنیه	حفظ منابع و مناظر محیط
سکونت شهری	مراکز دسترسی‌پذیر	ایجاد صنایع پاک و تبدیلی	ارزش‌گذاری براساس موقعیت	زیست‌بوم آورد و تولیدی
وجه ارتباطی (محقق ساخته)	عدالت در بهره‌برداری	مدیریت بهره‌برداری پایدار منابع	بهره‌وری و کارایی	هویت ملی و فرهنگ بومی

(منبع: Frisby, 2001; Harvey, 1989 & 2002; Change, 1992; Heynen, 2016; Oswin, 2020)

برای مثال، چاله‌ها و فرورفتگی‌های بسته و محصور، دره‌های باریک، جداره‌های پرشیب، تپه‌های مرتفع، نقاط دشوار و سخت و مناطق با آب‌وهوای خشن ظرفیت بالایی برای پدافند عامل و غیرعامل دارند. در نتیجه انگیزه سیاسی و امنیتی کاربران را جلب و افزایش می‌دهند (زمردیان، ۱۴۰۰: ۲۰-۲۵). حال آنکه چنین شرایطی، انگیزه‌های اقلیمی و محیطی را کاهش می‌دهد و احتمالاً بر اقتصاد شهری نیز اثرات محدودکننده‌ای وارد می‌کند. در نتیجه می‌توان گفت، بیشتر منابع کتابخانه‌ای در این زمینه، ارتباط بین استقرار با سکونت شهری را برآمده از ظرفیت‌های ژئومورفولوژی و انگیزه‌های مداخله‌ها دانسته‌اند. به‌صورتی که این مداخله‌ها را پایه شکل‌گیری چشم‌اندازی می‌دانند که باعث تغییر و تبدیل وسیع در چرخه تبادلات انرژی، آب و مواد در جغرافیای شهر و در برخی موارد موجب تحریک و حتی تغییر فرآیندهای زمین و ژئومورفولوژی پهنه شهری می‌شود.

این در حالی است که در عرصه جهانی، (جدول شماره (۷))، شکل‌گیری مطالعات جغرافیای شهری مدرن در قرن بیستم با رویکردی مکانیکی و فردگرایانه برای تحلیل زندگی اجتماعی شهری گرایش شروع شده

است. گئورگ زیمل در سال ۱۹۰۳ میلادی، در مورد احاطه فرهنگ زندگی شهری بر جغرافیای شهری مقاله‌ای بنیادی می‌نگارد که تفاوت بین ماهیت شهر سریع، منطقی و مدرن را با سبک زندگی سنتی آهسته و عاطفی روستایی مقایسه می‌کند (Simmel, 2003). این مقایسه‌های او در واقعیت نیز بروز کرد؛ به‌صورتی که انگلستان به‌عنوان کشور پیشرو در انقلاب صنعتی جغرافیای شهری را (حدود ربع اول قرن بیستم)، برای مهار و هدایت اثرات رشد اقتصادی ناشی از انقلاب صنعتی در محیط، محدود کرد.

همچنین دو اقدام مهم در ارتباط با توسعه مبتنی بر ظرفیت‌های جغرافیایی (بعد از دهه ۱۹۶۰) نیز صورت گرفته است: نخست، راهبرد قطب رشد (برای مناطق عقب‌مانده کشور) و سپس، ایجاد شوراهای اقتصاد منطقه‌ای برای هماهنگی و سیاست‌گذاری جغرافیایی بوده است. دلایل تکوین قوانین توسعه مبتنی بر ظرفیت‌های جغرافیایی در انگلستان عبارت‌اند از (Schorske, 2016):

- ۱) ایجاد فرصت‌های برابر اشتغال برای مناطق عقب‌افتاده از میانگین ملی؛
- ۲) ساماندهی رشد شتابان و تجمع‌های زیاد از حد در منطقه شهری؛

۳) دستیابی به رشد اقتصادی بیشتر با منطقه‌ای کردن برنامه‌های ملی؛

۴) کارایی بیشتر در خدمات‌رسانی (خدمات در سطح منطقه).

در ایالات متحده آمریکا توجه به جغرافیای شهری، بیشتر مستقل از دولت و متأثر از جریانات آرمان‌گرایی برای مقابله با دخالت انسان در روندهای طبیعی و رشد بی‌محابای شهر و صنعت طی دهه‌های آخر قرن نوزدهم تا دهه دوم قرن بیستم پایه‌گذاری شد (Domosh, 1998). مبانی نظری آن با تکیه بر خودیاری و توسعه با تکیه بر اجتماعات بومی، اولویت دادن به نیازهای شهر و مادرشهرها و تعادل آن، مرزبندی مناطق شهری براساس ماهیت فرهنگ، تاریخ و طبیعت آنها، و غالباً متأثر از دیدگاه‌های نظری در مکتب شیکاگو شکل گرفته بود (Morris, 2017).

اما در دهه ۱۹۶۰ با رواج روش‌های کمی برای تحلیل‌های فضایی و سوق یافتن برنامه‌ریزی مبتنی بر جغرافیای شهری به سوی برنامه‌ریزی فضایی برای رشد اقتصاد شهری و ملی، شاهد آن هستیم که نگاه به جغرافیای شهری ترکیبی‌تر از همیشه شده است (Dear & Flusty, 1998). در حقیقت دلایل تکوین برنامه‌ریزی مبتنی بر جغرافیای شهری در کشور ایالات متحده آمریکا این موارد است (Jacobs, 2020):

- ۱) علایق منطقه و حفظ هویت فرهنگی در برابر یکسان‌سازی فرهنگی؛
- ۲) رشد سریع و گسترده مجموعه شهرهای بزرگ نیازمند ساماندهی؛
- ۳) حداکثر بهره‌برداری از قابلیت‌های مناطق در جهت تحقق رشد اقتصاد ملی؛
- ۴) تلاش در رفع فاصله عقب‌ماندگی و فقر منطقه‌ای. نقطه مقابل این دونوع‌نگاه در آلمان است (Dennis, 2008)؛

جایی که روند انقلاب صنعتی در نیمه قرن نوزدهم، رشد ناگهانی شهرنشینی را موجب شد. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، اولین بار با ایجاد نهاد مسئول در ۱۹۲۰ شکل گرفت. اتحادیه اسکان نواحی دارای زغال‌سنگ از اوایل دهه ۱۹۲۰ تشکیل شد. در دهه ۱۹۷۰ برای ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای مهم‌ترین اقدام، سیاست‌گذاری منطقه‌ای در کمک به سه‌گونه فضاهای: نواحی توسعه، مراکز توسعه و نواحی مرزی صورت گرفت. اقدام‌های توسعه برای این نواحی شامل موارد زیر است:

۱) اصلاحات (رفرم) کشاورزی؛

۲) توسعه گردشگری؛

۳) صنعت.

بحث

همان‌طور که گفتیم، تعریف مقر شهر در منابع موجود، مکانی است که سکونتگاه در آنجا بنا شده است و بیشتر با عوامل محلی سروکار دارد. حال آنکه دیدگاه این پژوهش، برآمده از دیدگاهی فراتر است و سکونت شهری را نیز بخشی از مقر شهری می‌داند؛ زیرا موقعیت مکانی شهر است که شرایط و ارتباط سکونتگاه را با عوامل در سطح وسیع‌تری از حوزه نفوذ آن، مانند یک ناحیه ایجاد می‌کند. به بیانی دیگر، قدرت ترکیبی جغرافیای شهری یکی از ویژگی‌های اصلی آن از دیدگاه این پژوهش بوده که ارزشمندی بازشناسی مفهوم مقر شهری را افزایش داده است.

بررسی دو نقش اصلی استقرار و سکونت شهری، درباره مفهوم مقر شهری، نشان‌دهنده واحدهایی (حداقل) چهارگانه است که براساس مداخله‌های انسانی و کاربری‌های شکل گرفته بر پهنه شهر است. چنین مداخله‌هایی را باید براساس منبع و نوع آنها به چند دسته انسانی، طبیعی و انسانی-طبیعی تقسیم کرد. همچنین از جنبه هدف و بستر پیاده‌سازی این مداخله‌ها

جدول شماره (۸): نگاه این پژوهش به وجوه پایداری مقر شهری

تأثیر گذاری بر پایداری سکونت شهری (مکانی-زیستی)		تأثیر گذاری بر پایداری استقرار شهری (محیطی-کالبدی)		گفتمان تعریف مقر شهر		
				ر.ت	ر.ا	ر.ف
کمیت، کیفیت و جهت توسعه فیزیکی سکونت‌ها		مکان‌یابی (پیدایش) و جای‌گیری (تکوین)		فرهنگ	فرایندهای انسانی	فرهنگ
تعیین حوزه نفوذ و ارتباط نقاط شهری کنشگری رفاه شهری (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی)		الگوی پراکنش و توزیع فضایی ظرفیت‌سازی فضا و توانمندسازی شهروندان				
تعیین حوزه نفوذ و ارتباط نقاط شهری کنشگری رفاه شهری (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی)	تعریف‌کنندگی مراکز فراغتی پیرامون شهر	سازه، تأسیسات و زیرساخت‌ها	دسترسی به راه‌های مواصلاتی	امنیت	فرایندهای انسانی-طبیعی	امنیت
	ایجاد ظرفیت تولید کالای دور از منبع عدالت فضاهای شهری در اجتماع‌پذیری	تثبیت چرخه تأمین مواد و کالا نظارت هوشمند و مشارکت‌محور				
ایجاد هسته‌های فشرده در بافت‌های شهر	حرکات تک‌تونیکی *	افزایش هزینه و پیچیدگی در ایجاد سازه و تأسیسات ایمن شهر			فرایندهای طبیعی (ژئومورفیک)	اقلیم
ارزش‌گذاری اراضی براساس شرایط و فاصله آنها از کانون‌های مخاطره‌های محیطی	حرکت مواد بر سطح **	کاهش و محدودسازی اراضی شهر به محلی خارج از مسیر حرکت توده‌ها				
ایجاد کشیدگی و فاصله در بافت‌های شهر	حرکات ناپایدار *** و دینامیکی مواد ****	ایجاد هسته‌های سکونت بی‌قواره و بی‌قاعده در حاشیه مسیر رودخانه			فرایندهای طبیعی (ژئومورفیک)	اقلیم
غیرقابل‌پیش‌بینی بودن رفتار ادواری رود، ایجاد محلات در بین شاخه‌های فرعی رود	مشکل در ایجاد تأسیسات زیرزمینی مثل مترو و محدودیت در بارگذاری سنگین سازه‌های روئینایی شهر مثل آسمان‌خراش‌ها و بلندمرتبه‌سازی					
کاهش اراضی غیر تأسیساتی و افزایش هزینه‌های ساخت و ساز به‌علت کمبود زمین شهری، گسترش افقی شهر و افزایش فاصله کاربری‌های خدمات‌گیرنده از خدمات‌دهنده	سطح و تجمع مواد ****			<p>*: فرو/بالا آمدگی، چین خوردگی، گسل، زمین‌لرزه؛ **: آتشفشان (مواد پرتابی، جریان‌گذاره‌ای، ابرهای سوزان، باران خاکستر)، لند اسلاید (Land Slide) یا زمین‌خیزش (حرکت توده‌ای) و حجیم و پرسرعت مواد و احجام بر روی دامنه‌های شیب‌دار، ریزش و سقوط دامنه‌ای، سولیفلوکسیون (Solifluction) یا گلسره (حرکت رسوبات غالباً ریزدانه تبدیل به گل شده بر روش شیب دامنه، خزش (Creeping) یا همان حرکت لایه‌های خاک و مواد قشر سطحی خاک با سرعتی کند، بهمن (توده عظیم و سرخورد برف)، سیل و سیلاب؛ ***: سامانه رودخانه‌ای (محل عبور یا ایستایی آب سطحی، تغییر مسیر و فرسایش سطحی زمین و درآمیختگی خاک‌های طول مسیر از طریق حفر و حمل و رسوب‌گذاری، طغیان، عقب‌نشینی یا هجوم به سواحل)؛ ****: طوفان‌های شن و ماسه، کارستیفیکاسیون (Karstification) که همان پدیده نفوذپذیری ناشی از انحلال و واکنش‌دهی مواد خاک با آب است؛ *****: بالابودن سطح آب‌های سطحی</p>		

(منبع: شیعه، ۱۳۹۸: ۶۰-۷۰؛ نگارش، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۴۲؛ شکویی، ۱۳۹۸: ۲۵۰-۲۶۵؛ زمردیان، ۱۴۰۰: ۴۸-۵۵؛ مشکینی، بهنام

م رشدی و محمدی، ۱۳۹۸: ۱۲۸؛ جعفری و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۲)

باید به دو دسته‌بندی کلی، یعنی ابنیه شهری و پهنه جغرافیایی شهر اشاره کرد. از لحاظ نوع این مداخله‌ها، باید به چهار جنبه اصلی، یعنی فرهنگ، اقتصاد، امنیت و اقلیم اشاره کرد. براین اساس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که گفتمان مقر شهری دارای چهارچوبی به‌صورت بیان‌شده در جدول شماره (۸) است. اگرچه در طول تاریخ تمدن بشری، در مسئله انتخاب مکان برای استقرار و سکونت جمعیت، عوامل طبیعی

بیشترین نقش را داشته‌اند، ولی به‌مرور، هم‌زمان با پیشرفت‌های اجتماعی و علمی، عوامل دیگری به تصمیم‌گیری مکان‌یابی سکونتگاه‌ها تأثیرگذار شدند. به‌صورتی که مکان‌یابی شهر، بیش از مسئله استقرار، به‌سمت مؤلفه‌های سکونت پایدار کشیده شده است. زیرا فراتر از استقرار شهر، موقعیت شهر، در ادامه حیات یا گسترش آن سکونتگاه نقش مهمی ایفا می‌کند. بر همین اساس است که فراتر از مسائل مکان‌یابی شهری برای استقرار آن، مدیریت شهرها و روستاها و برنامه‌ریزی برای سکونتگاه‌هایی که از هر جنبه برای زندگی انسان‌ها مناسب باشند، از مهم‌ترین مسائل قرن بیست و یکم است که بیشتر به نقش سکونتگاهی شهر تکیه دارد (Safransky, 2017).

همان‌گونه که مشخص است، براساس جدول شماره (۸) مؤلفه‌های سازنده مقرر شهری شناسایی، دسته‌بندی و تشریح شده است. در ادامه و براساس روش پژوهش، در این مرحله می‌توان مطابق با اهداف پژوهش، نحوه مواجهه معرفتی جدیدی به روش‌های مختلفی ارائه داد. از بین این روش‌ها، نحوه مواجهه معرفتی نویسندگان با مفهوم مقرر شهری براساس نگاه بین‌رشته‌ای، که از بخش پیشینه به آن اشاره شد، به‌صورت زیر شکل گرفته است.

روش‌های مطالعات بین‌رشته‌ای دارای اشتراکاتی، همچون نظام‌مندی و سازماندهی در مطالعه پدیده‌هایی مثل شهر هستند. به نظر می‌رسد کلان‌پدیده مقرر شهری را می‌توان دارای مهم‌ترین مؤلفه‌های سازنده در یک دستگاه «شناختی-ادراکی-مطالعاتی» دانست که می‌توان با انطباق دیدگاه (لانوکا، ۱۳۸۷) این‌چنین گفت، این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: مؤلفه بنیادی (فرضیه، متغیر، مفاهیم، اصول و ارتباطات رشته) مؤلفه زبانی (زبان سمبلیک)، مؤلفه تلفیقی، مؤلفه ارزشی و مؤلفه ربطی.

در حقیقت، براساس ترکیب این مؤلفه‌های سازنده پدیده‌هایی همچون مقرر شهری، که به آن‌ها اشاره شد، با دیدگاه معرفتی نویسندگان به مفهوم مقرر شهری که در بخش‌های محقق‌ساخته جدول‌های شماره (۶) و (۷) به آن اشاره شد، می‌توان به سطح و نوع جدیدی از دیدگاه مقرر شهری دست پیدا کرد که لایه‌های شناختی-ادراکی بیان‌شده در بالا را به مؤلفه‌های سازنده این مفهوم مرتبط کند. به‌صورتی که می‌توان گفت بازشناسی مفهوم مقرر شهری، به این دلیل شکل گرفته است که هویت شهر به‌طور مستقل وجود ندارد. به بیانی دیگر، فعل و انفعالات جوامع انسانی، صرفاً براساس روابط انسانی شکل نمی‌گیرد. بلکه در فضایی مرتبط و متعلق به مجموعه «فضای جغرافیای شهری» و «شبکه شهری» ناشی می‌شود (جدول شماره ۹).

در واقع این کارکرد بستر جغرافیای طبیعی شهرها در کنار ظرفیت ابنیه شهری است که وجوه ناملموس شهر را، مثل فعل و انفعالات اقتصادی یا رفتارهای فرهنگی یا همان جغرافیای انسانی، بر شهر پیاده‌سازی می‌کنند. این نیروها، مؤلفه‌های عملگر، برون‌زا و چند کارکردی‌ای هستند که در سطوح متفاوتی عمل می‌کنند. پیشنهاد این پژوهش نام‌گذاری این مؤلفه‌ها به این صورت است. باید در نظر داشت که در مقیاس خرد، تحلیل مناطق مرکزی و محلات از طریق شناخت نیروهای فعال در اولویت قرار خواهد گرفت. در مقیاس‌های میانی و کلان تحلیل سامانه‌های شهری، درجه تخصص‌یافتگی جغرافیای شهری و همچنین شناخت حوزه نفوذ بین‌شهری، براساس مؤلفه‌شناسی نیروهای ایستا، فعال و عملگر انجام خواهد گرفت:

الف) نیروهای ایستا: مثل اقلیم و جغرافیای شهری که نسبت به سایر مؤلفه‌ها کلان‌تر بوده و دارای شرایط و وضع موجودی است که مداخله‌های انسانی در آن

جدول شماره ۹: گفتمان پیشنهادی برای ارتباط مؤلفه‌های پایداری «مقر شهری»

منبع	انسانی			انسانی-طبیعی		طبیعی
	ابنیه شهری			بستر جغرافیای طبیعی شهر		
هدف	نوع			امنیت		اقلیم
وجه ناملموس	اعتباردهی اجتماعی ابنیه	نقش سرمایه‌ای ابنیه	محافظة و پایداری	نزدیکی محل کار و زندگی		
	ایجاد زیست‌بوم اجتماعی محلی	بهره‌وری و کارایی	عدالت در بهره‌برداری	مدیریت بهره‌برداری پایدار منابع		
دستگاه شناختی - ادراکی - مطالعاتی	۴؛ ۲	۵؛ ۳	۱؛ ۳؛ ۴	۱؛ ۳؛ ۴		۱؛ ۳؛ ۴
	بنیادی (۱)؛ سمبلیک (۲)؛ تلفیقی (۳)؛ ارزشی (۴)؛ ربطی (۵)؛					
سطوح کارکردی مؤلفه‌ها	عملگر	فعال	عملگر	ایستا		

(منبع: نویسندگان براساس یافته‌های پژوهش)

مقر شهری می‌شود. به گونه‌ای که می‌توان گفت، شهرها و فضاهای عمومی آنها، بازتابی از شیوه تفکر و متعاقب آن شیوه زندگی شهروندان در فضا و کالبد شهری است. مطالعات مورفولوژی در شهرسازی و مطالعات جغرافیای انسانی در جغرافیا، اشتراکی مفهومی در کلیدواژه مقر شهری پیدا می‌کنند که چهارچوب‌های اجتماعی و واحدهای جغرافیایی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. براین اساس می‌توان گفت، مفهوم مقر شهری، دو بعد اصلی درباره استقرار و سکونت شهری را شامل می‌شود که در پایداری حوزه‌های کلانی همچون امنیت، اقلیم، اقتصاد و فرهنگ دارای برهم‌کنش‌های همیشگی‌اند.

بازشناسی مفهوم مقر شهری براساس دیدگاه فوق، که در این پژوهش انجام گرفت، موجب شکل‌گیری این دیدگاه شد که جریانات جاری در بین عملگرهای سازنده محیط و مکان شهری، نه تنها از شرایط جغرافیای درون و حومه شهر، بلکه براساس حوزه نفوذ عملکردی شهرها، از عوامل و شرایط جهانی، ناحیه‌ای-منطقه‌ای و ملی نیز تبعیت می‌کنند. به صورتی

هزینه‌برتر است. همچنین برای حفظ کاربرد و کارایی در شرایط جدید به مطابقت‌دهی و سازگارسازی بیشتری نیاز است.

ب) نیروهای فعال: مثل اقتصاد شهری که به صورت‌های مختلفی بروز می‌کند و خود را با شرایط مختلف محیط و جغرافیای شهری مطابقت می‌دهد یا شرایط خود را بر آن‌ها مسلط می‌کند؛ مثلاً، تجزیه و تحلیل توسعه کاربری اراضی شهری، عملکردهای شهری و تخصص‌ها در راستای فعالیت‌های اقتصادی تخصصی که به دنبال مکان‌هایی با بیشترین مزیت رقابتی‌اند.

ج) نیروهای عملگر: مثل فرهنگ و امنیت شهری که می‌توانند اثربخشی سایر عوامل را تحت تأثیر خود قرار دهند، یعنی یا تشدیدگر باشند یا کاهنده یا خنثی‌کننده. این رویکرد به درک توسعه کاربری زمین شهری و تعیین آن‌دسته از الگوهای کاربری زمین کمک می‌کند که به طور رقابتی حمایت اساسی را برای شهر فراهم کنند.

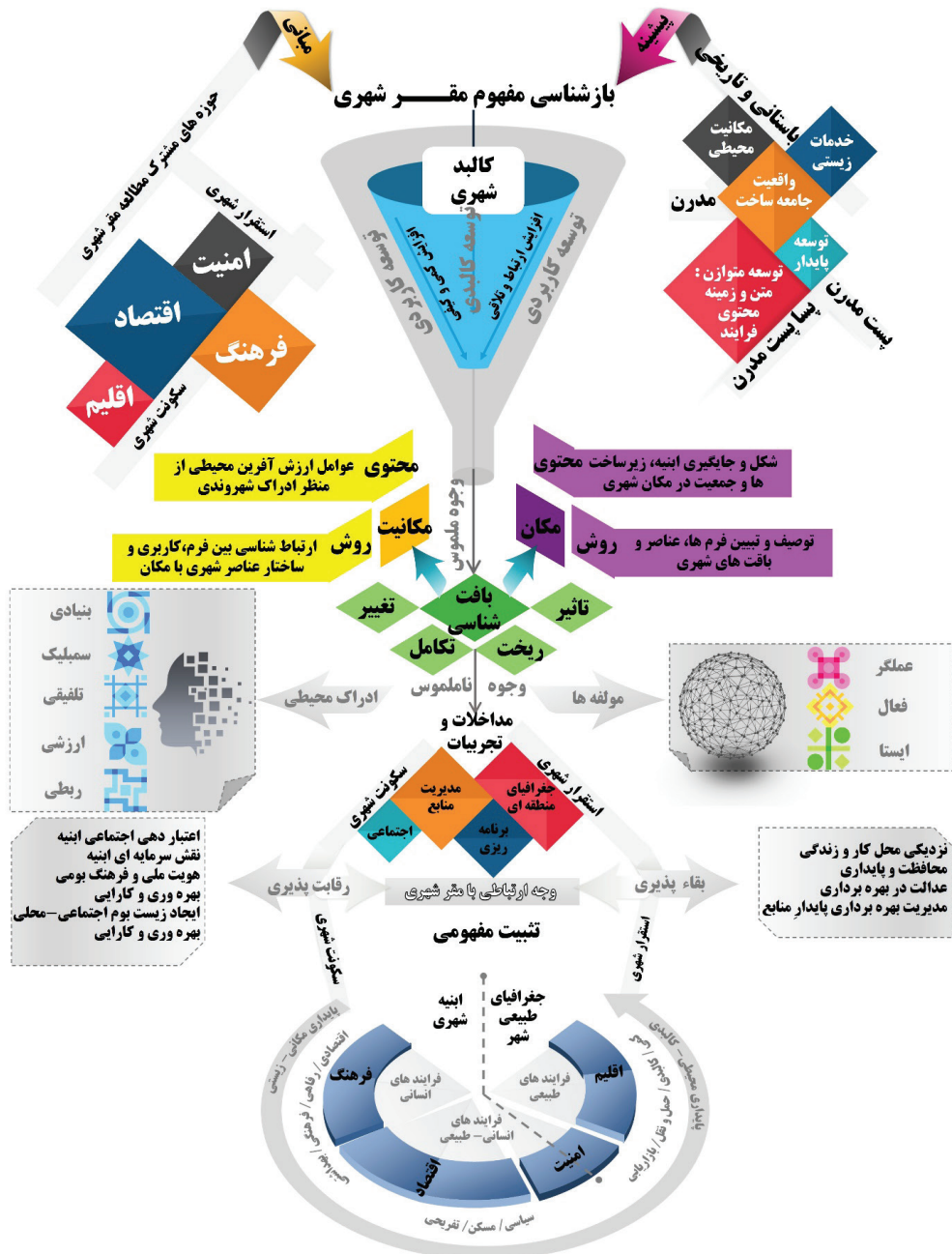
شهر به‌عنوان پدیده کلان انسانی و محیطی، حاصل برهم‌کنش عوامل متعددی است که موجب شکل‌گیری

جدول شماره (۱۰): بازنشاسی مفهوم مقر شهری براساس خصوصیات گفتمان پایداری در جغرافیای شهری

وجه پایداری مقر شهری	وجه ملموس مکان شهری (استقرار)	وجه ناملموس مکانیت شهری (سکونت)
انگاره پیش فرض مطالعات مقر شهری	جغرافیای شهر، سامانه باز است و همان‌طور که کالبد تغییر می‌کند، مقر استقراردهنده به آن نیز باید تغییر کند.	جغرافیای شهری، سامانه تراواست و مقر شهری را براساس برنامه‌های کوتاه‌مدت و طرح‌های داخل آن سامانه تدوین و توسعه می‌دهد.
تمرکز شناختی مفهوم مقر شهری روی	طرح نهایی برنامه‌های شهری و منطقه‌ای، براساس تحلیل عوامل دخیل داخلی آن و کنترل‌گری عوامل منطقه‌ای است.	فرایند برنامه‌ریزی، تعیین مأموریت، وضعیت محیط خارجی، ظرفیت‌سازی، آموزش شهروندی و جامعه‌گرایی در فرایندهای انسانی است.
برنامه‌ریزی مداخله‌های مقر شهری توسط	گروه کوچکی از برنامه‌ریزان و مدیران شهری و با شرکت وسیع افراد حقوقی ذی‌نفع در منافع صورت می‌گیرد.	دانش تخصصی و تجربی افراد متخصص و حرفه‌ای در اداره و بخش‌های شهری که براساس مشاهده‌ها، تفاسیر جمعی و برداشت‌های شهروندی تعدیل صورت می‌گیرد.
تأکید مداخله‌های مبتنی بر مقر شهری روی	تغییرات قانونی برای افزایش اختیارات، ارزش‌های سازمانی برای تمرکزگرایی تصمیم‌سازی و اقدام‌های زودبازده و نتایج آتی است.	تغییرات درون‌سازمانی در نهادهای مجری براساس نتایج تجربه‌های گذشته، استفاده از روش‌های نظارتی قوی‌تر و پایش مداوم و میدانی برنامه‌های اجرایی جاری است.
رویکرد و عمق آینده‌نگری	چه تصمیماتی براساس درک موقعیت چند سال آینده احتمال اجرایی شدن بیشتری دارد.	بر اهداف درازمدت و کوتاه‌مدت از حال تا پنج سال آینده تمرکز دارد.
چهارچوب محتوایی استوار است براساس	تصمیم‌گیری خلاق و بصیرت‌آمیز، اینکه چگونه سازمان‌های اجرایی را براساس محیط شهری در حال تغییر، به سمت توانایی در حفظ ارائه خدمات هدایت کرد و کدام فرآیند مدیریت مقر شهری قادر به اتخاذ بهترین تصمیم و پیش‌بینی آینده براساس توافق همگانی است.	مجموعه‌ای از اطلاعات مرتبط به هم و مفصل سازمان‌های خدمات‌دهنده شهری و برنامه واحدهای مختلف سازمان‌های اجرایی و نمایندگی‌های مربوط به ارائه خدمات شهری، توانایی‌های بستر شهر برای سکونت‌پذیری و توانایی بودجه‌های جاری شهری و منطقه‌ای در پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه پایدار شهری.

مقر شهری این است که موجب نه تنها حیات شهروندان شود، بلکه با فضا‌سازی برای شکوفایی خلاقیت آنها، جایی برای ظهور و بروز حس هویت جمعی، همبستگی فرهنگی و مشارکت اجتماعی برای دستیابی به امنیت جمعی و رفاه شهری باشد. در این مسیر، رشته‌های مختلفی حول مفاهیم سازنده مقر شهری به یکدیگر پیوند می‌خورند که باید در مسیر ایجاد مقر شهری، توجه صرف خود را از استقرار کالبدی، با توجه مناسب به مسائل سکونت شهری، تعدیل کنند.

که می‌توان گفت، ظرفیت‌های محیطی شهرها، که غالباً برآمده از جغرافیای شهری آنهاست، در کنار جغرافیای انسانی آنها، که برآمده از سیاست‌های جمعیتی و گسترش فضایی شهرهاست، نهایتاً به پیدایش ظرفیت‌های محیطی شهرها و سکونتگاه‌های منطقه‌ای منجر می‌شود. بازنشاسی این روابط توسط شهرسازان در گرایش‌های متعدد، موجب ایجاد تفکری نظام‌مند درباره ماهیت شهر به گونه‌ای جامع خواهد شد. زیرا مأموریت اصلی



نمودار شماره (۵): مدل مفهومی از بازشناسی و تثبیت مفهوم مقرر شهری

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش با تأکید بر بازشناسی مفهوم مقر شهری، معتقد است که در این بازشناسی باید به مؤلفه‌های پایداری «مقر شهری» توجه کرد. این مؤلفه‌ها خود را در قالب الگوهای «محیطی-کالبدی» متجلی در فرآیند اجتماعی نمایان می‌کنند که چنین الگوهایی، بستر استقرار شهری را با هدف کشف فرآیندهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی مطالعه می‌کند. برای مثال، تفکیک سکونت اқشار اجتماعی مختلف، در محیط‌های فرهنگی مختلف شهر اتفاق می‌افتد و مؤلفه‌های شاخص در گروه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. الگوهای تمایز میان گروه‌های اجتماعی و محله‌های شهری و هندسه فضایی خاص آنها در حال تبدیل شدن به مطالعه‌ای تطبیقی بین الگوهای استقرار با الگوهای سکونت شهری است. به صورتی که برای دستیابی به پایداری مقر شهری، باید ارتباط دوسویه این دو وجه را مدیریت کرد.

قدرت یکپارچه‌سازی مفهوم مقر شهری یکی از ویژگی‌های کلیدی این بازشناسی در این پژوهش است. یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی تحلیل جغرافیایی مقر شهر، محوریت پایداری فضایی است. این موضوع، مقر شهری را از حوزه‌های هم‌خانواده مطالعات جغرافیای شهری، مانند اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی شهری یا حکمرانی شهری متمایز می‌کند. این اذعان به اهمیت سکونت پایدار، به این معنا نیست که فضا به‌خودی‌خود متغیر اصلی توضیح‌دهنده الگوهای زیربنایی فعالیت انسانی در شهر است. مهم‌ترین کاربرد چنین نگاهی نظری در زمینه پایداری مقر شهری و تلفیق آن با دیدگاه‌های اجرایی شهرسازی را می‌توان در این پیشنهادها بیان و مسیر پژوهش‌های آتی را در این زمینه جهت‌دهی کرد:

۱) استفاده از ظرفیت‌های بازشناسی شده مقر شهری، (جدول شماره ۱۰)، در برنامه‌ریزی شهری موجب می‌شود که از یک سو عدم توازن بین ظرفیت‌های درون و پیرامون شهری، همچنین از سویی دیگر عدم تعادل در ظرفیت‌های مورد نیاز با توانایی‌های قابل دسترس در جغرافیای هر شهر، مد نظر برنامه‌ریزان شهری به صورت «آگاهی پیش‌دستانه» قرار گیرد.

۲) عدم تعادل ذکر شده در بالا، موجب ایجاد مراکز ثقل شهری، خارج از پیش‌بینی‌های شهرسازی می‌شود. حال آنکه با استفاده از شناخت فرایندهای شکل‌دهنده به مقر شهری، (جدول شماره ۹)، می‌توان در زمینه «حکروایی هوشمند محیطی» اقدام‌هایی، همچون خالی نگه داشتن (یا بیشتر در نظر گرفتن) ظرفیت‌های محیطی و زیرساخت شهری، به هدف پیش‌بینی سمت گسترش با درصد احتمال بالاتری نسبت به قبل دست پیدا کرد.

۳) عدم تعادل ذکر شده در بالا، همچنین موجب شکل‌گیری رشد ساختار نایافته‌ای از نوع دست‌اندازی به نواحی پیرامونی شهرها و پیدایش مجموعه سکونتگاه‌هایی خارج از شهر مرکزی، مثل شهرهای اقماری، شهرک‌ها و کوی‌های پیرامونی برای پاسخ‌دهی به نیازهای برآورده‌نشده در جغرافیای مهندسی شده شهرها می‌شود. حال آنکه با استفاده از عوامل تعریف‌کننده گفتمان مقر شهری، (جدول شماره ۸)، می‌توان تأثیرات دوسویه بین استقرار شهری (محیطی-کالبدی) و سکونت شهری (مکانی-زیستی) را در برنامه و طراحی محیطی دخیل کرد و از درصد بالاتری از «رضایت‌مندی محیطی» شهروندان ساکن در کاربری‌های شهر بهره برد. در نتیجه میزان دسترسی‌پذیری امکانات شهری، از طریق افزایش حوزه نفوذ کاربری‌های عمومی افزایش می‌یابد.

۴) در پی شرایط بیان شده در بالاست که این پژوهش برای کاهش اثر مکنده مراکز ثقل شهری پیشنهاد می‌کند دیدگاه‌های جامع و برآمده از مکان و مکانیت شهری به صورت هم‌زمان به کار گرفته شود، به صورتی که امکانات بخش‌ها و فضاهای پیرامونی شهرها را به خود جذب کند و پیرامون را از مجموعه قابلیت‌های تعریف شده برای پاسخ‌گویی به نیازهای درون‌زای آنها، در عین همبستگی و هم‌کنشی با شهرهای پیرامونی، غنی سازد. واژه «معماری و شهرسازی بومی» پیشنهاد این پژوهش برای توصیف چهارچوب جدیدی است که براساس مؤلفه‌های پایداری مقرر شهری، به تعریف مؤلفه‌های محیط شهری (همچون: نوع بافت، قطعه‌بندی زمین و شبکه کاربری‌ها، الگوی طراحی ابنیه و شبکه معابر، ارتفاع و تراکم ابنیه) می‌پردازد.

۵) دستیابی به وجوه ملموس پایداری «مقرر شهری» در این پژوهش نشان می‌دهد که انعطاف شهرها در پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان، نیازمند دستیابی به وجوه ناملموس مفهوم «مقرر شهری» نیز است که این بخش هم در این پژوهش مطرح شد. نتیجه توجه هم‌زمان به این عوامل موجب می‌شود که بدون مهاجرت‌های انسانی و سرمایه‌ای کلان در فضای درون، پیرامون و بین شهری، نوعی «انعطاف محیطی شهرها» شکل گیرد که خود یک رویه مدیریت شهری منطبق با اصول پدافند غیرعامل، مبتنی بر تمرکززدایی انسانی نیز هست.

۶) پیشنهاد مهم این پژوهش توجه به نوع و ماهیت مؤلفه‌های ناملموس شهری (ایستا، عملگر و فعال) در برنامه جذب سرمایه‌های مادی و انسانی به مقرر شهری پایدار است. براین اساس که مدیریت نیازهای واقعی شهر و شهروندان با توجه به ظرفیت‌های اسکان شهری صورت گیرد. پس می‌توان گفت مقرر

شهری پایدار به شاخص جدیدی اشاره می‌کند که این پژوهش اصطلاح «شاخص انطباق نیاز-ظرفیت» را برای آن پیشنهاد می‌کند.

منابع

۱. برگر، پیتر، و توماس لوکمان (۱۳۹۵)، ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه فریبرز مجیدی، ویراست سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. پیری، عیسی (۱۳۹۰)، تبیین علمی حکمروایی مطلوب و کارایی ارتباطی شهر مطالعه موردی نظام شهری استان آذربایجان شرقی. تبریز: دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز، پایان‌نامه دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، استاد راهنما محمدرضا پورمحمدی، کریم حسین زاده دلیر.
۳. جان پرور، محسن (۱۳۹۳)، «مفهوم سازی و تبیین ابعاد جغرافیای سیاسی شهر» هفتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (جغرافیای سیاسی شهر)، تهران: دانشگاه خوارزمی، <https://civilica.com/doc/371198.19>

۴. رجائی، عبدالحمید (۱۳۹۷)، کاربرد جغرافیای طبیعی در برنامه‌ریزی شهری و روستایی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.

۵. رضایی، رحیم، و عباسی، محمد (۱۳۸۹)، «اثرات جهانی شدن بر ماهیت، ساختار و عملکرد شهرها»، آمایش سرزمین، ۲: ۱۶۵-۱۸۸.

۶. روستایی، شهرام، و جباری، ایرج (۱۳۹۲)، ژئومورفولوژی مناطق شهری، ویراست ششم، تهران: انتشارات سمت.

۷. رهنمایی، محمدتقی (۱۳۹۵) ایران، توان‌های طبیعی و محیطی آن. ویراست دوم. تهران: انتشارات مهکامه.

۸. زمریدیان، محمدجعفر (۱۴۰۰)، کاربرد جغرافیای طبیعی در برنامه‌ریزی شهری و روستایی، ویراست ششم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

۹. سوجا، ادوارد (۱۳۹۷)، پساکلان‌شهر: مطالعات منطقه‌ای شهرها و مناطق، ترجمه نرگس خالصی مقدم، ویراست دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۰. شکویی، حسین (۱۳۹۸)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، ویراست نوزدهم، تهران: انتشارات سمت.

۱۱. صدوق، سید حسن، و فهیم، علی (۱۳۹۳)، «محدودیت

- های ژئومورفولوژیک و رشد فیزیکی شهر توپوگرافیک با استفاده از سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) و مدل رقومی ارتفاعی (DEM)، آمایش محیط، ۲۷: ۱۲۱-۱۴۲.
۱۲. عالم، عبدالرحمن (۱۴۰۰)، بنیادهای علم سیاست، ویراست سی و چهارم، تهران: نشر نی.
۱۳. عندلیب، علیرضا، و شریف، مطوف (۱۳۸۱)، «شناخت مبانی آمایش مناطق مرزی بانگاهی به منطقه نهبندان»، صغه، ۱۲ (۳۵): ۴۱-۵۵.
۱۴. فلیک، اووه (۱۳۹۹)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، ویراست یازدهم. تهران: نشر نی.
۱۵. قنبری، ابوالفضل، و اشلقی، مهدی (۱۴۰۱)، «رویکرد جغرافیایی بر آرمان و واقعیت فضاهای عمومی شهرها با تأکید بر نقش ایدئولوژی‌ها»، باغ نظر، ۱۹ (۱۱۲): ۵-۲۴.
۱۶. کالینیکوس، آکس (۱۴۰۱)، درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی، ترجمه اکبر معصوم‌بیگی، ویراست هشتم، تهران: انتشارات آگه.
۱۷. کمانرودی کجوری، موسی، کرمی، تاج‌الدین، و عبدی، عطاءالله (۱۳۸۹)، «تبیین فلسفی-مفهومی جغرافیای سیاسی شهر»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک ۶ (۱۹): ۹-۴۴، doi:20.1001.1.17354331.1389.6.19.7.7.
۱۸. گروات، لیندا، و وانگ، دیوید (۱۳۹۸)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر، ویراست دهم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. لاتوکا، لیسار (۱۳۸۷). «آموختن کار میان‌رشته‌ای، در مجموعه مقالات، چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای، توسط لیسار. لاتوکا، کنت‌آی. ماتون و سوزان اچ. فارست، ترجمه سید محسن علوی‌پور، ۶۴۸: (۱۶۳-۲۱۴)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۰. لطیفی، غلامرضا (۱۳۹۱)، مدیریت شهری، تهران: انتشارات علم.
۲۱. مامفورد، لوئیز (۱۳۸۵)، فرهنگ شهرها، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۲۲. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۶)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. ویراست هشتم. تهران: انتشارات سمت.
۲۳. مجتهدزاده، غلامحسین (۱۳۹۹)، برنامه‌ریزی شهری در ایران، ویراست ششم، تهران: دانشگاه پیام نور.
۲۴. محملی‌ایبانه، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به‌منظور تکمیل آن براساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا»، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۴ (۷): ۱۵۹-۱۷۲.
۲۵. مدنی‌پور، علی (۱۳۹۲)، طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی- مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، ویراست چهارم، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲۶. مویر، ریچارد (۱۳۹۴)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر و سید یحیی صفوی، ویراست چهارم، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۷. نگارش، حسین (۱۳۸۲)، «کاربرد ژئومورفولوژی در مکان‌گزینی شهرها و پیامدهای آن»، جغرافیا و توسعه (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، ۱ (۱): ۱۳۳-۱۵۰.
28. Alford, C. F. (2000). What would it matter if everything Foucault said about prison were wrong? *Discipline and Punish after twenty years. Theory and Society*, 29, 125-146. doi:10.1023/A:1007014831641
29. ANDERSON, C. (2008, June 23). *The End of Theory: The Data Deluge Makes the Scientific Method Obsolete*. Retrieved from Wired: <https://www.wired.com/2008/06/pb-theory/>
30. Barnes, T. J., & Wilson, M. W. (2014). Big Data, social physics, and spatial analysis: The early years. *Big Data & Society*, 1(1). doi:10.1177/2053951714535365
31. Baud, I., & Dhanalakshmi, R. (2007). Governance in urban environmental management: Comparing accountability and performance in multi-stakeholder arrangements in South India. *Cities*, 24(2), 133-147. doi:10.1016/j.cities.2006.11.003
32. Berman, M. (2017). *Modernism in the Streets: Life and Times in Essays*. (D. Marcus, & S. Sclan, Eds.) London: Verso.

- Hall, T., & Barrett, H. (2018). *Urban Geography* (5th ed.). New York: Routledge.
- Harvey, D. (1989). *The Urban Experience*. Baltimore, Maryland: Johns Hopkins University Press.
- Harvey, D. (2002). On countering the Marxian myth - Chicago style. In D. Harvey, *Spaces of Capital: Towards a Critical Geography* (p. 450). London; New York: Routledge.
- Hirschmann, N. J. (2015). Jane Addams as Feminist Heroine: Democracy and Contentious Politics. *Politics & Gender*, 11(3), 554-561. doi:10.1017/S1743923X15000306
- Jacobs, J. (2020). *Death & Life of Great American Cities* (Paperback ed.). London: Bodley Head.
- Kulshreshtha, S. (2006). *Dictionary of Urban and Regional Planning*. New Delhi: Kalpaz.
- Lefebvre, H. (1992). *The Production of Space*. (D. Nicholson-Smith, Trans.) Oxford: Wiley-Blackwell.
- Ley, D. (1983). *A Social Geography of the City*. New York: Harpercollins College Div.
- Liu, & Biljecki, F. (2022). A review of spatially-explicit GeoAI applications in Urban Geography. *International Journal of Applied Earth Observation and Geoinformation*. doi:10.1016/j.jag.2022.102936
- Lockyer, S. (2008). Textual Analysis, Ties to. In L. M. Given (Ed.), *The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods* (Vol. 1&2: 1072 (865-866)). Los Angeles: SAGE Publications.
- Morris, A. (2017). *The Scholar Denied: W. E. B. Du Bois and the Birth of Modern Sociology* (Paperback ed.). California: University of California Press.
- Pacione, M. (2009). *Urban Geography: A Global Perspective* (3rd ed.). London: Routledge. doi:10.4324/9780203023525
- Pankaj. (2016). Urban Geography: A Review. *International Journal of Research and Scientific*
33. Bettencourt, L., & West, G. (2010). A unified theory of urban living. *Nature*, 467, 912–913. doi:10.1038/467912a
34. Brillembourg, A., & Klumpner, H. (2023, 10 23). *Urban-Think Tank*. Retrieved from <https://urban-thinktank-hk.ch>
35. Cowan, R. (2005). *The Dictionary of Urbanism*. Wiltshire: Streetwise Press.
- Dear, M., & Flusty, S. (1998). Postmodern Urbanism. *Annals of the Association of American Geographers*, 88(1), 50-72. doi:10.2307/2563976
36. Dennis, R. (2008). *Cities in Modernity: Representations and Productions of Metropolitan Space, 1840–1930*. Cambridge: Cambridge University Press.
37. Domosh, M. (1998). *Invented Cities: The Creation of Landscape in Nineteenth-Century New York and Boston* (New ed.). New Haven, Connecticut: Yale University Press.
38. Evert, K.-J., Ballard, E. B., Elsworth, D. J., Oquiñena, I., Schmerber, J.-M., & Stipe, R. E. (Eds.). (2010). *Encyclopedic Dictionary of Landscape and Urban Planning*. Berlin: Springer. doi:10.1007/978-3-540-76435-9
39. Flint, C. (Ed.). (2013). *Spaces of Hate: Geographies of Discrimination and Intolerance in the USA* (eBook Of Color Illustrations ed.). New York: Routledge.
- Foucault, M. (2020). *Discipline and Punish : The Birth of the Prison*. London: PENGUIN.
- Gregory, D., Johnston, R., Pratt, G., Watts, M., & Whatmore, S. (Eds.). (2010). *The Dictionary of Human Geography* (5e + Geographies of Globalization Set ed.). Oxford: Wiley-Blackwell.
- Hall: G. (2006). *Cities in Civilization* (Paperback ed.). New York: Orion.

- Whitehand, J. W. (2007). Conzenian urban morphology and urban landscapes. Proceedings, 6th International Space Syntax Symposium (pp. ii01- ii09). İstanbul: Technical University Faculty of Architecture.
- Zook, M., Shelton, T., & Poorthuis, A. (2019). Big data and the city. In T. Schwanen, & R. v. Kempen (Eds.), *Handbook of Urban Geography* (pp. 512 (63-75)). Edward Elgar Publishing.
- Innovation (IJRSI), 98-101.
- Safransky, S. (2017). Rethinking Land Struggle in the Postindustrial City. *Antipode*, 49(4), 1079-1100. doi:10.1111/anti.12225
- Schneider-Sliwa, R. (2015). Urban Geography. In J. D. Wright (Ed.) , *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (2nd ed.: 800-806). NewYork: Elsevier. doi:10.1016/B978-0-08-097086-8.72073-3
- Schorske, C. E. (2016). *Thinking with History: Explorations in the Passage to Modernism* (Hardcover ed.). Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Simmel, G. (2003). "The Metropolis and Mental Life" (German: "Die Großstädte und das Geistesleben"). In I. Borden, T. Hall, & M. Miles (Eds.) , *The City Cultures Reader* (2nd ed.: 552). London; New York;: Routledge.
- Sweet, D. C. (1969). THE GEOGRAPHER'S ROLE IN THE URBAN PLANNING PROCESS. *Southeastern Geographer*, 9(1), 25-35. doi:10.2307/44370512
- Tannier, C. (2018). About fractal models in urban geography and planning: refuting the aesthetics and the universal norm. hal.
- Tuan, Y.-F. (1988). The City as a Moral Universe. *Geographical Review*, 78(3), 316-324. doi:10.2307/215004
- WeaveR, R. C. (2014). URBAN GEOGRAPHY EVOLVING: TOWARD AN EVOLUTIONARY URBAN GEOGRAPHY. *QUAESTIONES GEOGRAPHICAE*, 33(2), 7-18. doi:10.2478/quageo-2014-0012
- Webber, M. J., & Rigby, D. L. (1996). *The Golden Age Illusion: Rethinking Postwar Capitalism*. NewYork: The Guilford Press.

Adaptation of Environmental Capacities in Urban Location and Situation: Presentation a Framework of “Urban Domicile” Sustainability

Hadi Farhangdoust¹

Master of Islamic Architecture, Faculty of Islamic Art and Architecture, Imam Reza International University, Mashhad, Iran.

Toktam Hanacee

Associate Professor of Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Hero Farkisch

Assistant Professor of Architecture, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Abstract:

The relationship between what the city receives from the environment and what the environmental geography transforms into an urban environment in terms of its internal capacity (urban settlement) and its functional roles (urban habitation) leads to the formation of the desirable “spatial capacities” index. The purpose of this research is to identify and conceptually establish the factors that make up the urban headquarters from the point of view of the capacities of the urban place. Achieving this goal by using the analytical-adaptive method to compare the existing schools has been to develop a theory to recognize the concept of urban headquarters. The findings of this research show that the constituent components of urban headquarters can be identified in three categories: static, active, and functional, and in all stages of the urban life cycle, they lead to the definition of the environmental and geographical capacities of cities in the form of the concept of urban headquarters. Recognizing and expanding the idea of the constituent components of an urban center with an emphasis on its conceptual separation from other concepts similar to urban planning, as well as a focus on the coordination between different dimensions of the city location, are the most critical points of this research. Human interventions in the environmental capacities of cities cause a difference in the capacities of the existing urban headquarters, with available capacities, and change the components of the urban headquarters. Because urban capacities, more than any factor of urban and social geography, are related to existential capacities and environmental realities. As a result, for the spatial stability of cities, it is necessary to organize the components of the city center.

Keywords: Geographic space, Environmental capacities, Urban operators, Unvironmental reality, Unvironmental planning

1. Corresponding author: h.farhangdoust@imamreza.ac.ir

Determining the Effect of Green Tax on the Growth of Polluting Industries in the City

Hajar Mostafaei¹

Assistant professor, Department of economics, Islamic Azad Universiti, Isfahan Branch (khorasgan) Isfahan, Iran.

Morteza Samti

Full Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran.

Abstract:

Considering the problems and diseases caused by the pollution, due to industrial centers in cities, the government must consider solutions, such as imposing a tax on pollutants. Green tax is considered one of the most effective tools of financial policies through which the local policymakers can direct the economic and social activities to sustainable development. A green tax rate is an environmental fee charged to companies for emitting pollution. This type of tax has an obvious role in controlling polluting industries and thus determining their environmental performance in the city. However, in the polluted cities of the country, the city administration does not pay much attention to this tax. On the other hand, economic institutionalists have emphasized the relationship between the growth of economic activities and the type of political and economic institutions. Therefore, in this article by game theory approach, the different motivations of local policymakers in determining the green tax are investigated. The green tax rate is considered as a policy tool, and the reaction of polluting industries in choosing the level of investment will also indicate the amount of pollution created. Based on the results, the policymakers take a dual approach to the private and public polluting industries. Assuming the independence of the polluting industries from the government, the policymakers with the motivation of maximizing income, seek to determine the optimal green tax rate. But assuming that the polluting industries have economic benefits for the government, they tend to set the green tax rate lower than the optimal value. Such a rate increases the investment level of polluting industries and the resulting pollution for neighboring cities.

JEL classification: P48. C73. H21. O43.

Keywords: Green tax, political and economic institutions, game theory, economic growth.
Corresponding author:

1. Corresponding author:hajar.mostafaei@gmail.com

An Investigation on the Degree of Urban Cooperation within Urban Neighborhoods Considering an Emphasis on Social Indifference (Case Study: Meymeh City)

Nasrin Ghalani¹

Ph.D. in Cultural Sociology, Lecturer of Farhangian University, Shahid Rajaei, Isfahan, Iran.

Zahra Barati

Master of Geography, Researcher and High school teacher, Isfahan, Iran.

Mostafa Saidi

Master of Sociology, Researcher and High school teacher, Isfahan, Iran.

Abstract

Indifference has been defined as retreating and lack of expected cooperation. Throughout this process, the individual separates him/herself from a particular system of belief or thought. To put it differently, social indifference can be best assumed as an individual's lack of engagement in social life. The present study aims to measure the degree of social indifference and consequently investigate the degree of urban cooperation alongside different social and construction dimensions among Meymeh citizens. Accordingly, the topic under study has been studied considering variables including urban aesthetics, trust in officials regarding urban planning, and local and state renewal and cooperation. Methodologically, the present study has made use of survey and researcher-made instruments. The sample under study has been randomly selected and includes 400 18-64-year-old Meymeh City citizens during the 2019-2020 period. The results of item synthesis about the degree of social indifference illustrate that social indifference has been measured as 52% (i.e., average level) among most of the study participants.

Moreover, the results suggest a correlation between social indifference and the degree of social cooperation. This study confirms the supposed difference between social and construction cooperation across different neighborhoods. Further, the authors argue that the degree of social indifference is not meant to be the same across different neighborhoods.

Keywords: Social indifference, Social cooperation, Urban spaces, Neighborhood cooperation

1. Corresponding author: ghalani_n@yahoo.com

Assessment and Analysis of the Level of Development and Land use in Urban areas in Region 15 of Isfahan city from the Perspective of a Healthy City

Farshad Tahmasibizadeh¹

Lecturer of Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Shiva Bonyadi

Urbanism Engineering, Faculty of Architecture and Urbanism, Islamic Azad University of Isfahan, Isfahan, Iran

Saadat Gholipour

Urban Planning and Urban Development Manager, Kut Abdollah Municipality, Khuzestan, Iran

Nazanin Mohammadian

Master of Urban Design, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

Urban land use is the central core of urban planning and the axis of sustainable urban development. Evaluating and analyzing urban land uses based on optimal ecological patterns and standards in urban communities is an undeniable necessity. This research aims to quantitatively assess and analyze the level of land use development in the current situation within Region 15 of Isfahan City from the perspective of a healthy city. Region 15 of Isfahan was annexed to the city of Isfahan in the year 2013 and differs in terms of land use development compared to other areas of the city. In line with the objective, this research is both applied and descriptive-case study and analytical. Data collection utilized document analysis and questionnaires, while data analysis employed the standards of a healthy city, the Location Quotient (LQ) coefficient model, and a one-sample t-test. The research findings indicate that the development status of land uses in services such as commercial, educational, health, parks and green spaces, sports, cultural, and religious sectors within Region 15 of Isfahan, in comparison to the per capita benchmarks of healthy cities, the provincial standards of the Supreme Council of Urban Planning and Architecture, the proposed benchmarks of the Isfahan detailed plan revision, and the current overall benchmarks of Isfahan city is undesirable and inappropriate. Additionally, the t-test analysis reveals that the accessibility status concerning the indicators of a healthy city from the citizens' perspective is also unfavorable. These results suggest that Region 15 of Isfahan requires enhancement in development indicators concerning the basic urban life needs in land use.

Keywords: Land use, Healthy city, Location Quotient model, Region 15 Isfahan

1. Corresponding author: farshad.tahmasibizade@gmail.com

The Place of Social Themes in Urban Health Studies

Mina Jalali¹

PhD in Sociology, Researcher of ACECR, Isfahan, Iran.

Hamed Sayar Khalj

PhD in Sociology, Researcher of ACECR, Isfahan, Iran.

Abstract:

Urban health reflects the total social, physical, environmental, and infrastructure conditions that affect the well-being and quality of life of citizens living in a city. Therefore, in addition to health issues, the total social, economic, physical, and environmental aspects describe the state of urban health. Among the mentioned dimensions, social problems undeniably affect the choice opportunities of citizens in the city, their interpretation of the conditions, their interaction with others, and health-oriented behavioral orientations in the city. Considering the importance of social themes in the realization of urban health, the present study attempted to describe the social indicators of urban health and its contexts using a systematic review method while examining related studies. The findings show that the social indicators of urban health can be redefined as “population dynamics, social harms, inclusion, social capital, business, education, and lifestyle.” Also, the descriptive social adverb for these indicators implies considering the characteristics of flexibility, relativity, attention to meanings, context, and process perception. Constructive indicators in fields such as population dynamics, education, and business can be explained using registration data, or because their counting and calculation methods are defined quantitatively and globally, they can follow the same pattern. However, other fields, such as social harm, inclusion, lifestyle, and, exceptionally, social capital, involve context-based studies. A study that, based on the distinctive characteristics of cities, will even lead to selecting and prioritizing a field and excluding other fields from description and investigation.

Keywords: urban health, social damage, inclusion, lifestyle, social capital

1. Corresponding author: jalali_mina64@yahoo.com

Analysis of the Effective Key Factors on Sustainable Livelihoods Using Foresight Approach (Case Study: Maneh and Samalqan County)

Amin Tajarrod Farimani¹

Master of Regional Planning, Department of Urbanism, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Esmail Shieh

Professor of Urbanism, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Abstract

The weakening of livelihood assets of local communities and poverty in the general sense is one of the fundamental challenges in the world, especially in developing societies. Due to the special economic and environmental conditions of the country, Iran is not exempt from this and many of its regions and settlements are facing livelihood challenges. Because the country of Iran has different conditions in its different regions due to the inclusion of a wide range of human and environmental conditions; The way of dealing with the factors affecting the livelihood of the households living in its areas is different from each other and it is necessary to take appropriate measures according to the specific conditions governing each one, which requires the identification of the main factors affecting the livelihood.

The current research method is of applied type and using the method of future research, interviews were conducted with key people in the settlements of Maneh township (118 settlements) in the form of inductive research and using the fundamental theory method, cross effects analysis, and Mic Mac software have been analyzed and evaluated in a combined way.

The research results indicate the unstable conditions of livelihood assets in the residential areas of Maneh. However, various factors are involved in the destabilization of the livelihood structure of the city. However, among these factors, those directly related to humans and their activities have had the most impact, and since most of these factors have high uncertainty, the way to deal with them should be appropriate to the changing conditions.

Keywords: Sustainable livelihood, Regional planning, Future research, Human settlements, Livelihood assets.

1. Corresponding author: a_tajarrod@alumni.iust.ac.ir

Index of articles

Analysis of the Effective Key Factors on Sustainable Livelihoods Using Foresight Approach (Case Study: Maneh and Samalqan County) 5

Amin Tajarrood Farimani, Esmaciel Shieh 142

The Place of Social Themes in Urban Health Studies 25

Mina Jalali, Hamed Sayar Khalj 141

Assessment and Analysis of the Level of Development and Land use in Urban areas in Region 15 of Isfahan city from the Perspective of a Healthy City 47

Farshad Tahmasibizadeh, Shiva Bonyadi, Saadat Gholipour, Nazanin Mohammadian 140

An Investigation on the Degree of Urban Cooperation within Urban Neighborhoods Considering an Emphasis on Social Indifference

(Case Study: Meymeh City) 75

Nasrin Ghalani, Zahra Barati, Mostafa Saidi 139

Determining the Effect of Green Tax on the Growth of

Polluting Industries in the City 97

Hajar Mostafaei, Morteza Samti 138

Adaptation of Environmental Capacities in Urban Location and Situation: Presentation a Framework of "Urban Domicile" Sustainability 109

Hadi Farhangdoust, Toktam Hanaec, Hero Farkisch 137

Journal of Urban Studies on Space and Place

Number 27, Summer 2023



Concessionaire: Academic Center for Education Culture and Research

Director responsible: Mehdi Zhianpour

Chief editor: Mohamad Masoud

Specialized secretary: Ehsan Ranjbar

Editorial board:

Nematullah Akbari, Hamed Bakhshi, Frozandeh Jafarzadehpour, Ali Hassani, Zahed Shafiei, Nematullah Fazeli, Iraj Ghasemi, Mahmoud Ghalehnoee, Mohammad Masoud, Mehdi Montazeri Hojjah, Morteza Mirgholami

Administration Manager: Khatere Amiri

Editorial director: Elham Ghasemi

Executive director: Reyhaneh Sajadi

Persian editor: Aida Ghavidel

English editor: Zahra Sadat Esmaelian

Cover designer: Erfan Gholami

Sketch on the cover: Ziba Azar

Layout: Jafare Khoddady

Dedicated site: www.jspr.ac.ir

Email: jsprjdisf@gmail.com / jspr.es@acecr.ac.ir

License no. 78539 of the Ministry of Culture and Islamic Guidance

ISSN: 3060-6985

ISSN: 3060-7094

Quarterly articles will be displayed in the following databases:

www.noormags.com

www.magiran.com

www.Civilica.com

www.ensani.ir

Journal of Urban Studies on Space and Place

Volume 2, No27, Summer 2023

- Analysis of the Effective Key Factors on Sustainable Livelihoods Using Foresight Approach (Case Study: Maneh (and Samalqan County
- The Place of Social Themes in Urban Health Studies
- Assessment and Analysis of the Level of Development and of Isfahan city from ۱۵ Land Use in Urban Areas in Region the Perspective of a Healthy City
- An Investigation on the Degree of Urban Cooperation within Urban Neighborhoods Considering an Emphasis on (Social Indifference (Case Study: Meymeh City
- Determining the Effect of Green Tax on the Growth of Polluting Industries in the City
- Adaptation of Environmental Capacities in Urban Places: Presenting the Framework of Urban Headquarters Sustainability



ISSN: 3060-6985

EISSN: 3060-7094